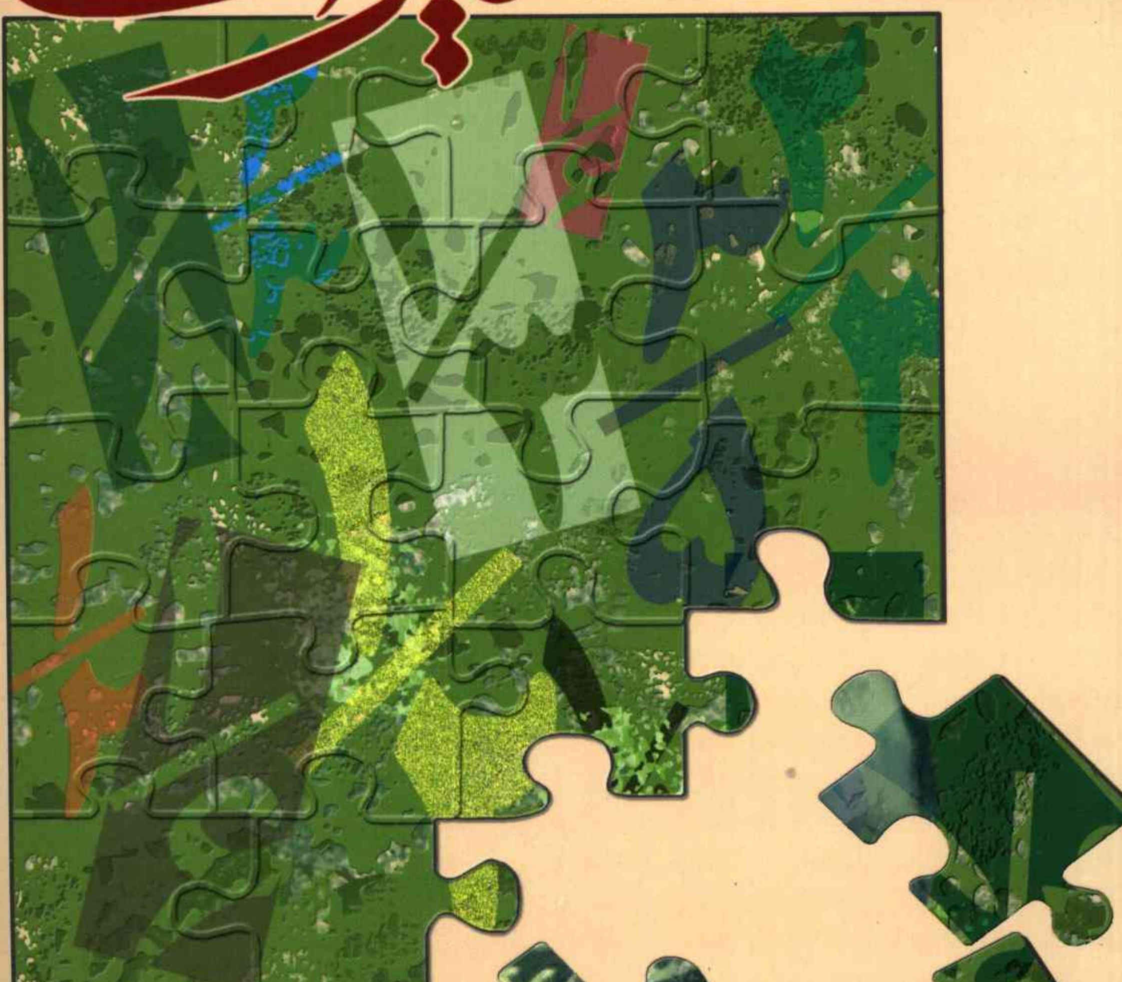
میراث به زبان ساده ۲

از دیدگاه اهل سنت

با حل کلیه مسایل

کتاب سراجی



تألیف:

عبدالناصر دامنی

بسم الله الرحمن الرحيم

میراث به زبان ساده

با حلّ کلیّهٔ مسایل «کتاب سراجی»

جلد دوم

تألیف:
عبدالناصر دامنی

مدرّس حوزهٔ علمیهٔ دارالعلوم
حقّانیهٔ ایرانشهر

دامنی، عبدالناصر.
میزان به زبان ساده با حل کلیه مسائل "کتاب سراجی
ترجمه و نگارش عبدالناصر دامنی.
تهران: نشر احسان، ۱۳۹۳.
فیپا
شابك ج۲ : ۳-۹٤۳-۳٥٦-۹٦٤-۹۷۸ :ISBN
ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۹۲).
کتاب حاضر بر اساس کتاب "السراجی فی المیزان" تالیف محمدبن‌محمد
سجاوندی تالیف شده است.
کتابنامه.
ارث (فقه)- ارث
سجاوندی، محمدبن‌محمد، قرن ٦ ق.. السراجی فی المیزان
۱۳۹۳ ۹م۲د/ BP۱۹۷ /۳۷۸ ۲۹۷
کتابخانه ملی ایران ۱۱۰۷۲۷۱

■

میراث به زبان ساده(جلد دوم)
با حل کلیه مسائل «کتاب سراجی»

✦ مولف: عبدالناصر دامنی
✦ ناشر: نشراحسان
✦ چاپ : مهارت
✦ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
✦ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
✦ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
✦ شابك: ۳-۹٤۳-۳٥٦-۹٦٤-۹۷۸

نشر احسان
تهران-خ انقلاب-روبروی دانشگاه
مجتمع فروزنده، شماره ۴۰۶
تلفن: ۶۶۹۵۳۴۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

الحمدلله ربّ العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة و السّلام علی خیر خـلقه محـمدّ و آله و أصحابه اجمعین امّا بعد:

در کلّیه اعصار و ادوار و نزد قاطبه‌ی بشریت میراث از اهمیّت ویـژه‌ای بـرخـوردار بـوده است. چون حبّ مال در وجود همه‌ی انسانها هست و همه تا زمانی که در قید حیات می‌باشند برای کسب آن کار و تلاش می‌کنند و دوست دارند که بعد از مرگشان نیز ثروت و دارایی‌شان به تاراج نرود و توسط فرزندانشان تصاحب شده و سامان گیرد.

از این رهگذر است که تمام نظام‌ها و مکاتب، برنامه‌های خاصی برای تقسیم ارث و میراث داشته و دارند و در این میان نظام ارثی اسلام جایگاهی بسیار رفیع و ارجمند را دارا می‌باشد که تاکنون در تاریخ پرفراز و نشیب بشریت سابقه نداشته است. زیرا که در اسلام الله تبارک و تعالی مستقیماً در جاودان کلام خویش اساسی‌ترین مباحث میراث و سهام وارثان کلیدی را بیان داشته است. و از اینجا نیز می‌توان به اهمیّت علم میراث پی برد که الله تبارک و تعالی خود مستقیماً و بدون واسطه مسئولیت تقسیم آن را برعهده گرفته و سهام وارثان را در قرآن مجید بیان داشـته است.

به جرأت می‌توان گفت که علم میراث با تمام زوایای زندگی انسان، فردی، خـانوادگـی و اجتماعی پیوندی ناگسستنی دارد و با ضرس قاطع می‌توان اظهار داشت که اجرای درست و به موقع قوانین آن بخش عظیمی از سلامت جامعه را تأمین خواهد نمود. زیرا که میراث به ثروت و دارایی تعلق دارد و حبّ مال و ثروت در نهاد انسانها نهادینه شده و بسیاری از ورّاث که هـیچ

زحمتی نکشیده‌اند و رنج و تعبی را متحمل نبوده‌اند، اکنون در مقابل ثروتی هنگفت و وسوسه‌کننده قرار گرفته‌اند و آنان که از زور و قدرت بیشتری برخوردارند و یا موقعیت و جایگاه اجتماعی بهتری دارند؛ در تصاحب و تملک آن سعی می‌کنند و چه بسا که وزّاث ضیف‌تر نیز محروم شوند، که بسیار هم شده‌اند. و در اینجاست که کشمکش و نزاع خانوادگی آغاز می‌گردد. زیرا ضعفاء سعی می‌کنند تا حقّشان را بگیرند و اقویاء نیز تلاش می‌کنند که حقّ و حقوقشان را نپردازند!!

بسیار اتفاق افتاده است که در ضمن این کشمکش‌ها خونها ریخته شده و این ارث و میراث برای دیگران مانده و محبّت جای خویش را به نفرت داده و اخوّت و برادری تا پایان عمر از این میان رخت بربسته است.

پرواضح است که یکی از مهمترین وظایف وارثان و علی‌الخصوص افراد بزرگتر و ذی‌نفوذتر خانواده برای پیشگیری از حق‌کشی و جلوگیری از درگیری و جدال این است که چند روز پس از وفات فرد متوفیٰ اقدام به تقسیم ترکه‌ی او نمایند. چون در این زمان، قلوب افراد از رأفت و رحمت بیشتری برخوردارند و از دیگر سو اموال و دارایی متوفیٰ سرجایش هستند و هر چقدر دیرتر شود، افراد، قسی‌القلب‌تر شده و هر کدام سعی می‌کنند تا با هر ترفندی که شده و به هر قسمتی از ترکه که دسترسی دارند، آن را به چنگ آورده و مرموزانه به تاراج ببرند و حیف و میل نمایند.

و همچنین نباید از نظر دور داشت که ما مؤظف به تقسیم ترکه می‌باشیم و دیر یا زود، خواسته یا ناخواسته ناچاریم که حتماً آن را تقسیم نماییم. پس آیا بهتر نیست که قبل از اینکه اختلافی پدید آید و خونی ریخته شود و اخوّت و محبت از میان خانواده رخت بربندد؛ آن را تقسیم کنیم؟! زیرا با این کارمان هم رضای الهی را کسب کرده و هم از اختلاف و از هم پاشیدگی خانوادگی جلوگیری کرده و از همه مهمتر این که از عذاب اخروی نیز نجات می‌یابیم. به هر تقدیر می‌طلبد که وزّاث متوفی هر چه سریع‌تر نسبت به تقسیم میراث اقدام نمایند که با این کارشان ضمن کسب خشنودی پروردگار، باعث برقراری رشته‌های مهر و محبت در کانون گرم خانواده هم می‌گردند. و بزرگان صاحب نفوذ و علمای کرام سعی نمایند که تمام قوای خویش را برای نهادینه کردن این عمل پسندیده در میان آحاد مردم بکار گیرند.

امّا راجع به کتاب حاضر، پس از آنکه دوست ارجمندم جناب مولانا عبدالناصر دامنی (دامت برکاته) جلد اوّل میراث را به پایان رساند و در دسترس عموم تشنگان علم و دانش قرار گرفت، مترصد آن بودم که جلد دوّم آن نیز با دست توانای ایشان، با زبانی ساده و روان به رشته‌ی تحریر درآید و الحقّ که ایشان در این مورد از سایرین گوی سبقت را ربوده و مسایل پیچیده و غامض جلد دوّم را با حوصله‌ی فراوان و با قلمی بسیار ساده و روان و بدور از هرگونه پیچیدگی به نگارش درآورده است. در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان اطّلاع داد که جلد دوّم آن نیز به پایان رسیده و خواست که آن را بازنگری نمایم و بنده با کمال میل پذیرفتم و از اینکه توانستم در این کار عظیم سهم ناچیزی داشته باشم بسیار خرسندم. و از خداوند متعال عاجزانه مسألت دارم که نویسنده‌ی این اثر ارزشمند را که علیرغم بیماری جسمی و کسالتی که دارند و با تحمل رنج و مرارت‌های زیاد به نگارش آن اقدام نموده‌اند، صحّت کامل عطا نماید و این اثر گرانسنگ را در میزان حسنات وی قرار دهد و به وی توفیق روزافزون عنایت نماید و ما را نیز از خیر و خوبی‌های آن بهره‌مند سازد. (آمین).

و در پایان این مقال، مطالعه‌ی این کتاب ارزشمند را به کلّیه علماء، طلباء، وکلاء، دانشجویان رشته‌ی حقوق و عموم مسلمانان توصیه می‌نمایم. ولله الحمد والشکر و علیه التکلان.

استاد عبدالرشید تریز
کارشناس ارشد علوم و معارف اسلامی
تابستان ۱۳۹۱ شمسی برابر با
رمضان‌المبارک سال ۱۴۳۳ (ه. ق)

بسم الله الرَّحمٰن الرَّحیم

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم اما بعد:

قال الله تعالی: و انّا لنحن نُحی و نمیت و نحن الوارثون.[1]

و قال ایضاً: انّا نحن نرث الارض و من علیها و إلینا یرجعون.[2]

و قال النبی ﷺ: تَعَلَّمُوْا اَلْفَرَائضَ وَ عَلِّمُوْهَا النَّاسَ، فَإِنَّها نِصْفُ اَلْعِلْمِ، وَ إِنَّهُ أَوَّلُ عِلْمٍ یُنْزَعُ مِنْ امَّتِی.[3]

بـه نام خداوند فرد و مَلیک[4] / که در مُلکِ او نیست نامِ شریک

خدایی که موت و حیات آفرید / بـه حکـمت همه کائنات آفرید

درود خـدا بـاد تـا یـوم دیـن / بـه سـردار جنّت نـبی امـین

کـه فـرمود مـا مَـعْشَرِ اَنـبیاء / نـباشد زر و سـیم میراث مـا

که میراث ما علم دین است و بس / حَـظِ وافـری بُـرد اگـر یافت کس

بـه تـعداد اَموات رحمت زِحَـیّ / بـر او بـاد و بـر آل و اصحاب وی

فرائـض بـود نـصف عـلم ای پسـر / چنین است ارشاد خیر البشر ﷺ

چـو گـردید تـوفیق حـقّ یـاورم / چـنین شـرح سـاده پـدید آورم

کـه تـا مُسْـتَفیدی زِروی کـرم / دعایی کند و "الدعـاء مُغْتَنَمْ".[5]

۱- سورة الحجر الآیة ۲۳

۲- سورة مریم الآیة ۴۰

۳- أخرجه البیهقی و الحاکم عن ابی‌هریرة رضی الله عنه

۴- فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر (۵۵ / القمر)

۵- علاّمه روابند رحمه الله

شکر و سپاس از الله ربّ العزّت که در پناه مساعدت‌های بی‌دریغش این امکان دست داد تا با بیش از ۱۵ سال تجربه‌ی موفّق خویش در زمینه‌ی آموزش علم میراث و با عنایت به کتب معتبر و منابع مهمّ این علم؛ بتوانم جلد دوّم کتاب "میراث به زبان ساده" را به محضر مدرّسان گرامی، حقوقدانان، وکلا، طلاّب و دانشجویان عزیز تقدیم نمایم.

همانگونه که می‌دانید در اکثریت جوامع اسلامی عمل به میراث و احکام آن تقریباً از بین رفته و افراد آگاه بدان نیز انگشت‌شمار هستند و اگر کسی هم بخواهد احکام میراث را به گونه‌ای عملی در سطح جامعه پیاده نماید، مردم حریص و میراث‌خوار کنونی[1] با نگاهی حقارت‌آمیز و آکنده از تعجب به سوی وی می‌نگرند و او را شخصی سفیه، قرون وسطایی، نادان و دیوانه تصور کرده و شدیداً مورد تمسخر و انتقاد خویش قرار می‌دهند. و چنانچه شخصی به تقسیم نمودن میراث میتی به روش اسلامی آن اصرار ورزد، فوراً از سوی ورّاث زورگو و طمّاع مورد حمله و آزار و اذیّت قرار می‌گیرد تا توبه کند و یا به هلاکت برسد و سرانجام میراث خودش نیز حیف و میل گردد.[2]

لذا به جرأت می‌توان گفت که امروزه عمل به احکام میراث مطابق با دستورات قرآن کریم خودش به نوعی رفتن به استقبال مرگ تدریجی است! به همین جهت پس از نوشتن جلد اوّل این کتاب انگیزه‌ی زیادی برای نوشتن و جمع‌آوری مطالب جلد دوّم برایم باقی نمانده بود، امّا تقاضای طلاّب و بعضی از دانشجویان متدین که می‌خواستند حداقل با احکام میراث روی کاغذ آشنا شوند، مرا مجبور ساخت تا علیرغم بیماری و مشکلات جسمانی خویش، مطالب تقریباً دشوار و پیچیده‌ی جلد دوّم را با زبانی ساده به رشته‌ی تحریر درآورده و به محضر خوانندگان گرامی تقدیم نمایم.

به امید آنکه شاید از میان یک هزار خانواده‌ی مسلمان ظاهرنمای امروزی که فقط شناسنامه‌ی اسلامی در دست دارند، تنها یک یا چند خانواده‌ی صادق و مخلص از زمره‌ی مسلمانان واقعی پیدا شوند و به تقسیم میراث رفتگانِ خویش مطابق با دستورات قرآن مجید راضی و خشنود گردند. و همچنین این کتاب می‌تواند منبع و یادگار خوبی برای نسلهای آینده

۱- وتأكلون التراث اكلاً لمّا و تحبّون المال حبّا جماً. (سوره فجر / ۱۹ و ۲۰)

۲- خود حقیر بارها شاهد چنین ماجراهای تلخ بوده است!

قرار گیرد تا اگر بخواهند احکام میراث را به صورتی ساده و کاربردی بفهمند، بتوانند از این کتاب استفاده کرده و اگر توفیق حق یارشان گردد، قواعد آن را نیز در زندگی روزمرّه و دربارهٔ‌ی میراث اموات خویش عملاً پیاده نمایند.

ضمن آرزوی موفقیّت برای معلّمان و اساتیدی که علم میراث را با تحمل مشقات فراوان به شاگردان خویش می‌آموزند، از کلیه‌ی عزیزانی که با انتقادات و پیشنهادات دلسوزانه و سازنده‌ی خود اینجانب را در بهبود هرچه بیشتر این کتاب یاری می‌رسانند کمال تشکّر و امتنان را دارم.

فإن کنتُ قد وفّقتُ فبفضل من الله سبحانه و تعالیٰ، و إن کنتُ قد سهوتُ أو قصرتُ أو أخطأتُ، فماذا لک بمستغرب علی بنی البشر، فالخیر قصدتُ، و خدمة العلم أردتُ. (و ما توفیقی إلاّ بالله علیه توکلت و إلیه أُنیب) و هو الهادی إلی سواء السبیل، و حسبنا الله و نعم الوکیل.

عبدالناصر دامنی
مدرّس دارالعلوم حقّانیهٔ ایرانشهر
۱۳۹۱/۴/۲۳ شمسی
مطابق با
۲۳ / شعبان المعظم / ۱۴۳۳ هجری

فصل اوّل

باب مُقَاسَمَةُ الجَدّ

- مذاهب مختلف دربارهٔ میراث جدّ و إخوة
- مذهب اوّل و دلایل آن
- مذهب دوّم و دلایل آن
- معنای مقاسمة
- معنای معادّة
- مسألهٔ اکدریة

❑ باب مقاسمة الجدّ

در فصول گذشته حالات میراثی جدّ صحیح (پدر پدر) را همراه با فرزندان میت بیان داشتیم. اکنون می‌خواهیم احوال میراثی جدّ صحیح را همراه با برادران و خواهران میت بررسی نماییم. محور اصلی بحث پاسخ به این سؤال است که آیا برادران و خواهران میت به همراه جدّ صحیح از میت خود (که برادر یا خواهر آنهاست) ارث می‌برند یا جدّ آنها را ساقط می‌کند و از میراث محجوب (بی‌بهره) می‌سازد؟

۱ ـ به اتفاق تمام فقهاء و فرائض‌دانان[1] هنگامی که پدر میت زنده باشد، تمام برادران و خواهران میت (از هر نوعی باشند، چه تنی، چه پدری، چه مادری) ساقط می‌شوند و هیچ سهمی از میراث میت دریافت نمی‌دارند.

۲ ـ به اتفاق تمام فقهاء و فرائض‌دانان، اگر جدّ صحیح میت زنده باشد، تمام برادران و خواهران مادری میت (یعنی أخ خیفی و اُخت خیفی) از میراث ساقط می‌شوند و هیچ سهمی از ترکه‌ی او را دریافت نمی‌دارند.

سؤال:

آیا جدّ صحیح میت می‌تواند همانند پدر میت، تمام برادران و خواهران تنی و تمام برادران و خواهران پدری میت را ساقط نماید یا خیر؟

۱- فرائض‌دان: میراث‌دان

پاسخ:

در پاسخ به این سؤال باید گفت که در این باره هیچ نَصّی در کتاب الله و سنّت رسول‌اللهﷺ وجود ندارد. امّا بعدها در اثر اجتهاد صحابه‌ی کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) دو مذهب زیر بوجود آمده است.

۱ ـ مذهب اوّل

این مذهب نظر و دیدگاه بیش از ده نفر از صحابه کرامؓ می‌باشد و از آنجمله است:
۱ ـ ابوبکر صدیقؓ، ۲ ـ عایشه‌ی صدیقهؓ، ۳ـ عبدالله بن عباسؓ، ۴ـ عبدالله بن عمرؓ، ۵ ـ عبدالله ابن الزبیرؓ، ۶ ـ ابی بن کعبؓ، ۷ ـ حذیفة بن الیمانؓ، ۸ ـ ابوسعید خدریؓ، ۹ـ ابوموسی اشعریؓ، ۱۰ ـ جابرؓ، ۱۱ ـ عِمران بن حُصَینؓ، ۱۲ ـ معاذ بن جبلؓ همچنین تعداد زیادی از تابعین مانند حسن بصری و ابن سیرین و... نیز به این روش حکم کرده‌اند و این قول گفته‌ی امام ابوحنیفهؒ و اسحاق و داؤد ظاهری و مُزَنی و قاضی شُرَیح و ابن مُنذر نیز می‌باشد و از امام احمد بن حنبلؒ نیز عمل به این قول روایت شده است.[۱] و بعضی از پیروان ایشان نیز همانند شیخ ابن تیمیهؒ و شاگردش علاّمه ابن القَیّمؒ و شیخ محمّد بن عبدالوهابؒ هم به همین قول عمل کرده‌اند، زیرا نظری بسیار صحیح و متین است و از پشتوانه‌ی محکمی از دلایل برخوردار است.[۲][۳]

خلاصه‌ی مذهب اوّل

جدّ صحیح جانشین تمام و کمال پدر میت است و همانند پدر، تمام برادران و خواهران میت را (چه تنی، چه پدری، چه مادری) ساقط می‌کند و از میراث محجوب می‌نماید.

۱- هم اکنون مذهب مفتی به نزد احناف نیز همین قول است.

۲- الفواید الجلیه فی المباحث الفرضیه تألیف علاّمه عبدالعزیز بن باز ترجمه‌ی اسحاق دبیری (صفحه ۳۸)

۳- و قد أطال ابن القیم (رحمة الله تعالی) فی سرد الأدلة التی ترجح هذا المذهب، وردّ علی مخالفیه و ختم أدلته التی ساقها فی تأیید هذا المذهب بقوله: (إن أبابکرؓ و هو القائلین بهذا المذهب ـ لم یختلف علیه أحد من الصحابة فی عهده أنّ الجدّ مقدّم علی الإخوة. انظر تفصیل ما قاله ابن القیم فی کتابه «أعلام الموقعین» ج ۱ / صص ۳۲۷ الی ۳۳۴

دلایل پیروان مذهب اوّل

دلیل ۱ ـ در بسیاری از آیات قرآن کریم که لفظ (اب) وارد شده، منظور از آن جدّ دور یا نزدیک است.

مثال اوّل:

﴿واتّبعت ملة آبائی ابراهیم و اسحٰق و یعقوب﴾(۱)

این آیه حکایت از قول یوسف(ع) است و حضرت اسحاق (جدّ) یوسف و حضرت ابراهیم جدّ پدرش (یعقوب) می‌باشد.

[ابراهیم ← اسحاق ← یعقوب ← یوسف]

مثال دوّم:

قال الله تعالی: ملّة ابیکم ابراهیم.(۲)

مثال سوّم:

در حدیث آمده: **إرموا بنی‌اسماعیل، فإنَّ أباکم کان رامیاً.**

دلیل ۲ ـ در باب عصبات، جهت اُبوّت بر جهت اُخوّت در میراث بری مقدم است. بنابراین هنگامی که پدر میت می‌تواند برادران و خواهران او را محجوب کند، جانشین پدر (یعنی جدّ صحیح) نیز می‌تواند این کار را انجام دهد.

دلیل ۳ ـ (ابن الابن) در قاعده‌ی حجب عیناً همانند (ابن) عمل می‌کند. یعنی هنگامی که خود (ابن) موجود نباشد، (ابن الابن) می‌تواند تمام برادران و خواهران میت را ساقط نماید. بنابر همین قیاس وقتی که خود (اب) موجود نباشد، (اب الاب) نیز می‌تواند تمام برادران و خواهران میت را محجوب سازد.

به همین علّت حضرت عبدالله بن عباس(رض) در مقام انتقاد از حضرت زید بن ثابت(رض) فرموده:

﴿ألاَیتق الله زید بن ثابت، یجعل ابن الابن إبناً، ولایجعل أبا الأب أباً﴾.

۱- یوسف / ۳۸

۲- حج / ۷۸

یعنی: مگر زید بن ثابت از خدا نمی‌ترسد که (پسر پسر) را عیناً همانند (پسر) محسوب می‌دارد ولی (پدر پدر) را همانند (پدر) در نظر نمی‌گیرد.

دلیل ۴ ـ ولایت نکاح فرد خردسال (صغیر یا صغیره) با وجود برادر، به جدّ صحیح سپرده می‌شود.

۲ ـ مذهب دوّم

پیروان این مذهب حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه و حضرت علی رضی الله عنه و حضرت ابن مسعود رضی الله عنه می‌باشند و قول امام شافعی و امام مالک و قول مشهور امام احمد بن حنبل رحمه الله نیز به همین مذهب است و از احناف: امام ابویوسف و امام محمّد رحمهما الله تعالی نیز بر همین مذهب رأی داده‌اند.

پیروان این مذهب می‌گویند:

برادران و خواهران میت به همراهی جدّ صحیح، ارث می‌برند و ساقط نمی‌شوند.

این گروه می‌گویند ما کاری می‌کنیم که نه سیخ بسوزد و نه کباب. یعنی هم به جدّ صحیح ارث می‌دهیم و هم به برادران و خواهران میت (هر دو طرف را راضی می‌کنیم)!

دلایل پیروان مذهب دوّم

دلیل ۱ ـ جدّ صحیح و برادران و خواهران میت، هر دو در سبب استحقاق ارث مساوی‌اند. یعنی از جهت اتصال به میت هم درجه هستند، زیرا هر دو نفر (جدّ و برادر) توسط یک واسطه (پدر) به میت متصل هستند. پس هر دو در یک درجه‌ی مساوی قرار دارند و دلیلی وجود ندارد که یکی را ارث بدهیم و دیگری را محروم نماییم. بنابراین بهتر است که هر دو نفر با شراکت هم از متوفی ارث ببرند و هیچ کدام بی‌بهره نشوند.

دلیل ۲ ـ نیاز برادران و خواهران میت به ثروت، بسی بیشتر از نیاز جدّ صحیح به ارث و میراث است. زیرا معمولاً جدّ در مرحله‌ی پیری و کهنسالی و پایان عمرش قرار دارد و پس از مدّت کوتاهی می‌میرد، آنگاه تمام سرمایه‌ی او به فرزندانش (عمو و عمه‌های میت) انتقال می‌یابد و گویا به طور غیرمستقیم ارثیه‌ی میت به جای اینکه به خویشاوندان و دلسوزان نزدیکترش (یعنی برادران و خواهران خودش) انتقال یابد به کیسه‌ی وارثان دورش (یعنی عمو و عمه‌هایش) سرازیر می‌شود و این کار به نوبه‌ی خود روا داشتن نوعی ظلم به وارثان نزدیک میت می‌باشد. زیرا در این صورت ارث میت به عموها و عمه‌هایش می‌رسد و گریه و زاری بر مرگ وی و از دست رفتن مال و ثروتش نصیب برادران و خواهرانش می‌گردد.

طریقه‌ی توریث جدّ با برادران و خواهران میت

درباره‌ی چگونگی تقسیم ارث در میان جدّ و برادران و خواهران میت سه روش وجود دارد.

۱ ـ مذهب حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه

۲ ـ مذهب حضرت علی رضی الله عنه

۳ ـ مذهب حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه

✍ نکته:

چون مؤلف کتاب سراجی فقط مذهب اوّل را توضیح داده و به سوی آن گرایش داشته و از دو مذهب دیگر نیز مشهورتر است، لذا ما نیز فقط قوانین همین مذهب را توضیح می‌دهیم.

البته چون مطالب این بحث تا حدودی پیچیده و تودرتو هستند، لذا برای سهولت بیشتر آنها را در چند بخش با ذکر امثله روشن خواهیم ساخت (ان شاءالله).

۱ بخش اوّل

خلاصه‌ی مذهب حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه

جد به همراه برادران و خواهران میت دارای دو حالت میراثی است:

حالت اوّل:

۱ـ در مسأله‌ی مطرح شده تنها جد به همراه برادران و خواهران میت وجود دارد و ذوفرض (صاحب سهم) دیگری وجود ندارد.

روش حل:

الف) در این صورت نخست جد را به عنوان (یک برادر تنی) در نظر می‌گیرند و به او سهم می‌دهند. به این کار (مقاسمه) می‌گویند.

ب) در مرحله‌ی دوّم ($\frac{1}{3}$ کلّ ترکه) را محاسبه کرده و به عنوان سهم‌الارث جد در نظر می‌گیرند.

ج) هر کدام از این دو سهم که بیشتر شد، همان سهم بیشتر و نافع‌تر را به جد تحویل می‌دهند.

خلاصه:

در این حالت به آقای جد به عنوان یکی از برادران میت سهم داده می‌شود، به شرط آنکه سهمیه‌اش از ($\frac{1}{3}$ ترکه) کمتر نشود و اگر کمتر شود، در هر صورت باز همان ($\frac{1}{3}$ ترکه) به او داده می‌شود و الباقی به برادران و خواهران میت سپرده می‌شود.

حالت دوّم:

اگر در مسأله‌ی مطرح شده علاوه از برادران و خواهران میت یک ذوفرض یا چند نفر از افراد ذوی‌الفروض وجود داشت، در این صورت به طریقه‌ی زیر عمل می‌کنیم:

روش حل:

الف) ابتدا جد را به عنوان یک برادر تنی در نظر گرفته و به او سهم می‌دهیم (یعنی به صورت مقاسمه)

ب) در مرحله‌ی بعد نخست به ورّاث ذوی‌الفروض موجود در مسأله سهم می‌دهیم و سپس هر چقدر از ترکه باقی ماند، ($\frac{1}{3}$) همین باقی‌مانده را به جد واگذار می‌کنیم.

ج) در مرحله‌ی سوم $\frac{1}{6}$کلّ ترکه را محاسبه کرده و برای جد در نظر می‌گیریم.

د) بعد از بررسی سهام جد در سه حالت فوق، هر سهمی که بیشتر شد، همان سهم بیشتر و بزرگتر را برای جد در نظر گرفته و به او تحویل می‌دهیم.

۲ بخش دوّم

توضیح حالت اوّل:

۱ ـ وقتی که سهمیه‌ی جد در دو صورت مختلف محاسبه می‌شود بنابر رعایت مقام اُبوّت (پدری) و پیری و ناتوانی جد به وی اختیار می‌دهند که سهمیه‌ی بزرگتر و بیشتر را از دو حالت مذکور برای خود انتخاب نماید.

۲ ـ **معنای اصطلاحی مُقَاسَمَة:** فرض نمودن جد را به عنوان یک برادر تنی میت «مقاسمه» می‌گویند.(۱) یعنی در حالت مقاسمه، جد سهمیه‌ای به اندازه‌ی سهمیه‌ی یک برادر از برادران تنی میت را دریافت می‌دارد و پرواضح است که در این صورت سهمیه‌ی او دو برابر سهمیه‌ی یک خواهر تنی نیز خواهد بود.(۲)

۱- چون جد به عنوان یک برادر، در تقسیم ترکه به همراه برادران میت؛ شرکت داده می‌شود به این عمل (مقاسمة) گفته‌اند.

۲- اگر همراهان جد همگی (عینی) باشند، جد یک برادر عینی به حساب می‌آید. و اگر همگی (علّی) باشند، جد یک برادر علّی به شمار می‌آید. و اگر همراهان جد مخلوطی از (عینی‌ها و علّی‌ها) باشند، طبق قاعده‌ی "معادّة" عمل می‌شود.

توجه

جد عیناً همانند یک برادر عمل می‌کند، یعنی خواهران میت را عصبه‌بالغیر می‌نماید.

۳ـ **معنای اصطلاحی مُعَادَّة**: هرگاه در مسأله‌ای جد به همراه برادران و خواهران تنی و برادران و خواهران پدری میت قرار بگیرد، در ابتدای کار برادران و خواهران پدری میت را به جهت کم کردن سهمیه‌ی جد در تقسیم میراث شرکت می‌دهند و در پایان کار، سهمیه‌ی آنان را به سهام برادران و خواهران تنی انتقال می‌دهند (تا به صورت للذّکر مثل حظّ الانثیین در میان خود تقسیم نمایند) و سپس خودشان را ساقط (یعنی حذف) می‌نمایند(۱).
به این عمل (شرکت دادن برادران و خواهران پدری در تقسیم ارث به همراهی برادران و خواهران تنی میت، به منظور کم کردن سهمیه‌ی جد و سپس حذف کردن آنها و پس گرفتن سهامشان را) در اصطلاح اهل فرایض، «مُعَادَّة» می‌گویند.

تذکر:

حکم ارث بردن برادران و خواهران پدری به همراه جد (در صورت عدم وجود برادران و خواهران تنی) عیناً همانند حکم جد است با برادران و خواهران تنی میت. یعنی در این حالت جد به عنوان یک برادر پدری در نظر گرفته می‌شود.
۴ـ خلاصه‌ی مطلب اینکه در حالت اوّل، جد را به صورت مقاسمه ارث می‌دهند و اگر از طریق مقاسمه مُتضرر گردد (یعنی سهمیه‌اش کم شود)، در این صورت $\frac{1}{3}$ کل ترکه‌ی میت را به عنوان سهم‌الارث او در نظر می‌گیرند.

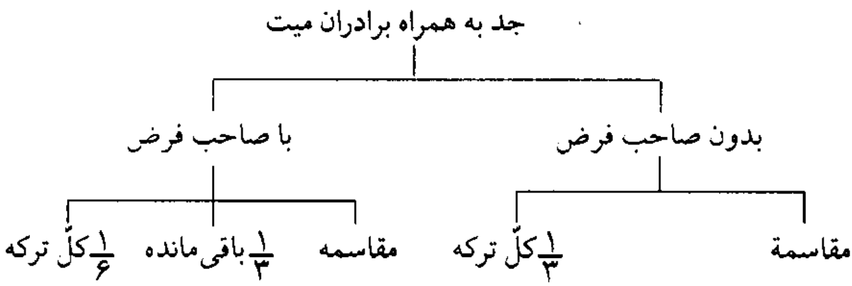
توضیح حالت دوّم:

۱ـ در این حالت شرط اساسی این است که در هر حال سهمیه‌ی جد هرگز نباید از $\frac{1}{6}$ کلّ ترکه کمتر شود.

۱ـ زیرا طبق قاعده‌ی حجب همواره برادران و خواهران تنی میت ارث می‌برند و برادران و خواهران پدری محجوب می‌گردند.

۲ - هنگام حلّ مسأله، ابتدا سهام تمام ورّاث ذوی‌الفروض[۱] پرداخت می‌شود (و به جدّ و برادران سهمیه نمی‌دهند) و سپس نگاه می‌کنند که چقدر از ترکه باقی مانده است؟ چنانچه تنها $\frac{۱}{۶}$ ترکه یا کمتر از $\frac{۱}{۶}$ باقی مانده باشد، همواره همان $\frac{۱}{۶}$ ترکه (به عنوان فرضیت) برای جد در نظر گرفته می‌شود و در این حالت اگر مسأله عول کند و برادران میت به علّت عصبه بودن محجوب شوند، هیچ اشکالی پیش نمی‌آید.

خلاصه‌ی مبحث



۱- همانند: اُم ـ جدّه ـ زوج ـ زوجه ـ بنت صلبی ـ بنت الابن

۳ بخش سوّم

توضیح دو استثناء

۱ ـ استثنای اوّل از حالت اوّل:

قبلاً گفته شد که در حالت مقاسمه جد به‌عنوان یک برادر عمل می‌کند و خواهر (خواهران) میت را عصبه‌بالغیر می‌کند و خواهر (خواهران) فرضیت خود را از دست می دهند و از کانال عصبیت ارث می‌گیرند. امّا هنگامی که از میان برادران و خواهران تنی میت فقط (یک خواهر تنی) در مسأله وجود داشته باشد، در این حالت (خواهر تنی میت) استثناءً و برخلاف قیاس سهمیه‌ی فرضی خود (یعنی $\frac{1}{2}$ ترکه) را دریافت می‌دارد و جد نیز به عنوان یک برادر سهمیه‌ی برادری (یعنی سهمی معادل سهم دو خواهر) را می‌گیرد و اگر چیزی از ترکه باقی بماند، به برادران و خواهران پدری داده می‌شود و اگر چیزی باقی نماند، خودبخود محجوب می‌گردند.

مثال:

شخصی فوت کرده و وارثان او (جد، خواهر تنی، دو خواهر پدری) هستند. ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود:

مسأله ۵ (مقاسمه به نفع جد است)

میت

جد (=اخ)	اخت عینی	دو اخت علّی
۲	۲/۵	۰/۵

شرح راه حل:

الف) ابتدا جد را به عنوان یک برادر در نظر گرفته و با فرض نمودن او به عنوان دو خواهر، گویا مجموع ورّاث این مسأله (۵) خواهر هستند، به همین جهت اصل مسأله از پنج ساخته می‌شود.
ب) چون جد (به عنوان دو خواهر است) لذا دو سهم از ترکه را دریافت می‌دارد.
ج) چون خواهر تنی یک نفر است، لذاً استثناءً و برخلاف قیاس سهمیه‌ی فرضی خود (یعنی $\frac{۱}{۲}$ کلّ ترکه) را دریافت می‌دارد. یعنی ۲/۵ سهم
د) سرانجام از پنج سهم ترکه فقط (۰/۵) سهم باقی می‌ماند که به دو خواهر پدری میت سپرده می‌شود.

تذکر ۱ـ

دلایل این استثناء و تصحیح کامل این مسأله در بخش‌های بعدی خواهد آمد.

تذکر ۲ـ

اگر در همین مثال به جای دو خواهر پدری (یک خواهر پدری) قرار گیرد، چون هیچ سهمی برای او باقی نمی‌ماند، خودبخود ساقط (یعنی حذف) می‌شود.
حلّ مسأله به صورت زیر است:

مسأله ۲ (مقاسمه به نفع جد است)

میت

جد	اخت عینی	اخت علّی
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۲}$ کلّ ترکه	م

شرح راه حل:

الف) جد به عنوان یک برادر محسوب می‌شود و چون در مسأله‌ی فوق یک برادر و دو خواهر وجود دارد، لذا گویا مجموعاً دو برادر در مسأله‌ی مذکور موجود است، بنابراین نصف ترکه را به جد می‌دهیم.
ب) از طرف دیگر بر طبق استثنایی که قبلاً بیان شد، هنگامی که خواهر تنی یک نفر باشد؛ سهمیه‌ی فرضی خود (یعنی $\frac{۱}{۲}$ ترکه) را دریافت می‌دارد.

ج) و بدین ترتیب تمام ترکه توسط جد و خواهر تنی میت به صورت کامل تصاحب می‌شود و چیز دیگری برای خواهر پدری باقی نمی‌ماند و ناچاراً محجوب (حذف) می‌گردد.

تذکر:
دلیل این استثناء در بخش‌های بعدی خواهد آمد.

۲ ـ استثنای دوّم از حالت دوّم:
این استثناء در مسأله‌ای به نام (مسأله‌ی اکدریه) پیش می‌آید. مسأله‌ی اکدریه به شرح زیر است:
صورت مسأله‌ی اکدریه
زنی فوت کرده و ورّاث او (زوج، ام، جد و یک خواهر تنی) هستند. ارث او به این صورت تقسیم می‌شود:

میـــــــــــت

زوج	ام	جد	خواهر تنی
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۳}$ کلّ ترکه	؟	؟

الف) هنگامی که سهمیه‌ی زوج و سهمیه‌ی مادر میت را جمع کنیم ($\frac{۵}{۶}$) می‌شود و ($\frac{۱}{۶}$) ترکه باقی می‌ماند که اگر طبق قاعده[۱] آن را به جد بدهیم. خواهر تنی محجوب می‌شود.
ب) اگر خواهر تنی میت را محجوب کنیم، این حجب بدون دلیل است. زیرا حاجبی برای او وجود ندارد و جد نمی‌تواند حاجب او باشد. زیرا اساس مذهب زید بر این اصل استوار است که جد برادران و خواهران میت را ساقط نمی‌کند، بلکه آنها را از ارث بهره‌مند می‌سازد.
ج) لذا علماء در این مسأله استثناء قایل شده و گفته‌اند: ($\frac{۱}{۶}$ ترکه) برای جد و $\frac{۱}{۲}$ (سهمیه‌ی فرضی) برای خواهر تنی میت در نظر گرفته می‌شود.
د) و این در حالی است که باید مطابق با اصول و قواعد مذهب حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه جد (به عنوان یک برادر)، خواهر میت را عصبه بالغیر می‌کرد و او را از فرضیت خارج می‌نمود.

۱- قاعده این بود که هرگز سهمیه‌ی جد از $\frac{۱}{۶}$ ترکه کمتر نشود.

تذکر:

دلایل این استثناء و حلّ کامل مسأله‌ی اکدریه در بخش‌های بعدی خواهد آمد.

۴ بخش چهارم

توضیح حالت اوّل جد و اخوه

این مطلب را با طرح یک سؤال آغاز می‌کنیم.

سؤال:

به هنگام سهمیه دادن جد (در صورتی که فقط جد به همراه برادران و خواهران میت در مسأله **باشد)** به صورت مقاسمه یا دادن ($\frac{1}{3}$کل ترکه) چند احتمال متصور است؟

پاسخ:

سه احتمال متصور است:

الف) اوّل اینکه نتیجه‌ی مقاسمه بیشتر از $\frac{1}{3}$ترکه باشد.

ب) دوّم اینکه نتیجه‌ی مقاسمه و $\frac{1}{3}$ترکه مساوی باشد.

ج) سوّم اینکه مقدار $\frac{1}{3}$ترکه بیشتر از نتیجه‌ی مقاسمه باشد.

احتمال اوّل

مقاسمه بیشتر از $\frac{1}{3}$ترکه است. یعنی در تمام این حالات به **هنگام** حل مسأله‌ی میراثی، **ما جد را به عنوان** یک برادر در نظر گرفته و به او سهم می‌دهیم که اصطلاحاً گفته می‌شود: **جد در این مسأله به صورت مقاسمه سهم خود را دریافت کرد، یا بالای مسأله نوشته می‌شود: «مقاسمه به نفع جد است».**

۱ ـ جد + یک برادر
۲ ـ جد + یک خواهر
۳ ـ جد + یک برادر + یک خواهر
۴ ـ جد + دو خواهر
۵ ـ جد + سه خواهر

در تمام این پنج صورت مقاسمه به نفع جد است. یعنی به جای دادن $\frac{1}{3}$ ترکه، او را به عنوان یک برادر در نظر گرفته و به وی سهم می‌دهند.

احتمال دوّم

مقاسمه و $\frac{1}{3}$ ترکه مساوی‌اند. یعنی ما مجاز هستیم که جد را به عنوان یک برادر فرض کرده و به او سهم بدهیم و یا اینکه از همان ابتدا $\frac{1}{3}$ کلّ ترکه را محاسبه کرده و به عنوان سهم‌الارث جد به او تحویل دهیم.

۱ ـ جد + دو برادر
۲ ـ جد + چهار خواهر
۳ ـ جد + یک برادر + دو خواهر

احتمال سوم

مقدار $\frac{1}{3}$ ترکه بیشتر از نتیجه‌ی مقاسمه است. یعنی در تمام این حالات به هنگام حل مسأله، از همان ابتدا $\frac{1}{3}$ ترکه را محاسبه کرده و به جد می‌دهیم و سپس باقی‌مانده‌ی ترکه را در میان برادران و خواهران میت تقسیم می‌نمائیم:

۱ ـ جد + دو برادر + یک خواهر
۲ ـ جد + پنج خواهر
۳ ـ جد + شش خواهر
۴ ـ ....

تذکر:
تعداد این موارد از حساب و کتاب و حد و حصر خارج هستند و اکثراً هنگامی که تعداد برادران و خواهران میت زیاد باشند، تحویل دادن $\frac{۱}{۳}$ ترکه به جد به نفع او می‌باشد.

۵ بخش پنجم

حلّ دو نمونه از حالت معادّة

مثال ۱ ـ شخصی فوت کرده و ورّاث او (جدّ صحیح و یک برادر تنی و یک برادر پدری) هستند، ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود:

مرحله‌ی اوّل: میـــــت — مسأله ۳ (مقاسمه به نفع جد است)

جد (=اخ)	اخ عینی	اخ علّی
۱	۱	۱

مرحله‌ی دوّم: میـــــت — مسأله ۳

جد (=اخ)	اخ عینی	اخ علّی
۱	۲	م

شرح راه حل:

ابتدا در مرحله‌ی اوّل (اخ علّی) را به جهت کم کردن سهمیه‌ی جد در تقسیم میراث شرکت دادیم و سپس در مرحله‌ی دوّم، سهمیه‌ی او را به سهمیه‌ی (اخ عینی) اضافه نموده و خودش را محجوب (بی‌بهره) کردیم.

سؤال:

چگونه (اخ علّی) سهمیه‌ی جد را کم نمود؟

پاسخ:

اگر از همان ابتدای کار و قبل از حلّ مسأله (اخ علّی) را حذف می‌کردیم، اصل مسأله از (۲) ساخته می‌شد و نصف ترکه به جد و نصف دیگرش به (اخ عینی) تعلق می‌گرفت و سهم هر دو نفر مساوی می‌شد.

امّا در اثر شرکت دادن (اخ علّی) سهمیه‌ی جد از (۱/۲) ترکه به (۱/۳) ترکه کاهش یافت.

مثال ۲ ـ شخصی فوت کرده و ورّاث او (جدّ صحیح، اخ عینی، اخت عینی، اخت علّی) هستند، ترکه‌ی او به صورت زیر تقسیم می‌شود:

مرحله‌ی اوّل: میـــــت — مسأله ۶ — (مقاسمه به نفع جد است)

جد (=اخ)	اخ عینی	اخت عینی	اخت علّی
۲	۲	۱	۱

مرحله‌ی دوّم: میـــــت — مسأله ۶ — (طبق قاعده‌ی معادّة)

جد	اخ عینی /اخت عینی	اخت علّی
۲ سهم	۴ سهم	م

حلّ کامل دو مسأله‌ی استثنایی

تا اینجا دو مسأله‌ی استثنایی به صورتِ اجمالی بیان شدند و در هر دو مسأله (خواهر تنی) به همراه جد (برخلاف قیاس و خارج از قواعد) سهمیه‌ی فرضی خود (همان $\frac{1}{2}$ ترکه) را دریافت نمود. اکنون روی حلّ این دو مسأله به طور مفصّل بحث خواهیم کرد.

مسأله‌ی اوّل

* ۱ - میت (مسأله ۵)

جد (=اخ)	اخت عینی	دو اخت علّی
	$\frac{1}{2}$ فرضاً	
۲ سهم	۲/۵ سهم	الباقی ۰/۵ سهم

شرح:

۱ - هنگامی که اخت عینی یک نفر باشد، استثناءً آقای جدّ او را عصبه بالغیر نمی‌کند، بلکه هم جد و هم اخت عینی، هر کدام (جدا جدا) سهمیه‌ی فرضی خود را می‌گیرند. زیرا اگر جدّ او را عصبه کند، سهمیه‌ی خواهر بیشتر از سهمیه‌ی جد می‌شود و این برخلاف قاعده‌ی معروف (للذّکر مثل حظّ الانثیین) است، زیرا در واقع جد یک برادر است و سهمیه‌ی یک برادر دو برابر خواهر می‌باشد. یعنی به این صورت می‌شود:

مرحله (۱) میت (مسأله ۵)

جد	اخت عینی	(۲) اخت علّی
۲	۱	۲

مرحله (۲) میـــــت — مسأله ۵

جد	اخت عینی	(۲) اخت علّی
۲	۳	م

همانگونه که در نقشه واضح است، پس از اجرای قاعده‌ی "معادّة" سهمیه‌ی اخت عینی (۳) و سهمیه‌ی جد (۲) شد. (پرواضح است که حلّ مسأله به این روش اشتباه است). اکنون به حلّ صحیح مسأله‌ی مذکور توجه فرمایید.

۲ـ چون در این مسأله مقاسمه به نفع جد است، لذا جد را به عنوان یک برادر فرض کردیم و هر برادر به منزله‌ی دو خواهر است، پس گویا مجموعاً (۵) خواهر در این مسأله وجود دارد، به همین جهت اصل مسأله از عدد رؤس ورثه (یعنی ۵) ساخته می‌شود.

۳ـ چون قرار است، نصف (۵) را به اخت عینی بدهیم، و پنج به صورت کاملاً برابر (و بدون ایجاد کسر و شکستگی) تقسیم نمی‌شود، لذا به منظور حذف کسر، اصلِ مسأله را در مخرج $\frac{1}{2}$ که خودش نیز عدد دو است، ضرب می‌کنیم و تصحیح اوّل مسأله از عدد (۱۰) می‌شود. به این صورت:

** میـــــت — مسأله ۵ — تصحیح اوّل ۱۰ — مضروب اوّل (۲)

جد	اخت عینی	(۲) اخت علّی
۴	۵	۱
	[نصف ده را گرفته]	

۴ـ اکنون یک سهم را نمی‌توان در میان دو خواهر پدری تقسیم کرد و در میان (۱ و ۲) تباین وجود دارد، لذا دوباره تصحیح اوّل مسأله را در (۲) ضرب می‌کنیم و تصحیح دوّم مسأله که عدد (۲۰) است، بدست می‌آید. به این صورت:

مسأله ۵	تصحیح اوّل ۱۰	تصحیح دوّم (۲۰)
میـــــ		ــــــت
جد	اخت عینی	(۲) اخت علّی
۸	۱۰	۲

پس علت اینکه این مسأله برخلاف قیاس حل شد این بود که اگر در این مسأله به خواهر تنی میت سهمیه‌ی فرضی (یعنی $\frac{۱}{۲}$ ترکه) را ندهیم، سهمیه‌اش از سهمیه ی برادرش (منظور از برادر در اینجا جدّ میت است) بیشتر می‌شود.(۱)

مسأله‌ی دوّم

مسأله‌ی دوّم همان مسأله‌ی اکدریه است که قبلاً دلایل استثنایی بودن آن تا حدود زیادی توضیح داده شده، مسأله این است:

مسأله ۶		(اکدریه)	
میـــــ			ــــــت
زوج	ام	جد	خواهر تنی (یا خواهر پدری)
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۳}$	الباقی: (۱) سهم	

شرح:

الف) بعد از پرداخت سهام ذوی‌الفروض (زوج ـ اُم) فقط ($\frac{۱}{۶}$) ترکه باقی می‌ماند. (یعنی یک سهم از ترکه) که اگر این یک سهم را مطابق با قاعده‌ی مشهور (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میان جد و

۱- مؤلف کتاب سراجی گفته در این مسأله (عُشرالمال) برای خواهران پدری می‌ماند. یعنی اینکه اکنون سهمیه‌ی دو خواهر ($\frac{۲}{۲۰}$) شده و $\frac{۲}{۲۰}$ (یعنی $\frac{۱}{۱۰}$) و همین ($\frac{۱}{۱۰}$) ترکه را عُشرالمال گفته است.

خواهر تنی میت تقسیم کنیم، سهمیه‌ی جد از ($\frac{۱}{۶}$) ترکه کمتر می‌شود و این امر برخلاف اصول و قواعد مذهب حضرت زید بن ثابت ﷺ است. زیرا شرط اساسی این است که در این تقسیم هرگز سهمیه‌ی جد از ($\frac{۱}{۶}$ ترکه) کمتر نشود.

ب) و باز اگر $\frac{۱}{۶}$ ترکه را تنها به جد بدهیم و خواهر تنی میت را محجوب سازیم، این حجب بدون دلیل می‌شود. زیرا جد نمی‌تواند حاجب خواهر تنی میت قرار گیرد و حاجب دیگری هم در مسأله وجود ندارد.

ج) لذا علماء برای حلّ این مسأله ناچاراً تبصره زده و گفته‌اند: برخلاف قیاس نخست به هر یک از جد و خواهر عینی سهمیه‌ی فرضی آنان را که به ترتیب ($\frac{۱}{۶}$ و $\frac{۱}{۲}$) است، می‌پردازیم و مسأله از (۶) به (۹) عول می‌کند. به این صورت:

مسأله ۶ع ۹

میـــــــــــت

زوج	ام	جد	اخت عینی (یا اخت علّی)
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۳}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۲}$
۳	۲	۱	۳

د) باز مشکل تازه‌ای بوجود می‌آید و آن اینکه سهمیه ی جد (۱) و سهمیه‌ی اخت عینی (۳) می‌شود و این امر برخلاف قاعده‌ی اساسی (للذکر مثل حظّ الانثیین) است. چراکه طبق قواعد حضرت زید بن ثابت ﷺ، جد به عنوان یک برادر است و سهمیه‌ی برادر بیشتر از سهمیه‌ی خواهر می‌باشد، ولی در این مسأله قضیه برعکس شده، یعنی سهمیه‌ی برادر کمتر از خواهر گردیده است (نه تنها سهمیه‌ی خواهر دو برابر نشده، بلکه سهمیه‌اش سه برابر شده است).

هـ) باز علماء برای رهایی از این تنگنا گفته‌اند: سهمیه‌ی فرضی جد و اخت عینی را مخلوط (جمع) نموده و دوباره به قاعده‌ی (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میان این دو نفر تقسیم می‌کنیم.

مجموع سهام جد و اخت عینی ← ۴ = ۳ + ۱

و) و باز چون جد به عنوان یک برادر است و یک برادر به منزله‌ی دو خواهر می‌باشد، چهار سهم را نمی‌توان در میان سه خواهر بدون کسر تقسیم کرد و در میان (۳ و ۴) تباین وجود دارد که عدد رؤس (یعنی عدد ۳) مضروب مسأله می‌شود و مسأله از (۲۷) تصحیح می‌گردد.

ز) مجموع سهام مخلوط شده (جمع شده‌ی) جد و خواهر تنی میت (۴ سهم) بود که پس از ضرب در مضروب تبدیل به (۱۲ سهم) می‌شود و (۸ سهم) آن به جد و (۴ سهم) آن به خواهر تنی می‌رسد. بنابراین حلّ کامل مسأله‌ی جنجالی اکدریه مطابق با مذهب حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه به صورت زیر انجام می‌پذیرد:

میت — مسأله ۶ ع ۹ تصحیح ۲۷ — مضروب ۳

زوج	ام	جد	اخت عینی
۹	۶	۸	۴

تذکر:
هرکجا حلّ مسأله‌ی اکدریه خواسته شد، شما باید با همین روش آن را حل وکامل نمایید.

وجوه تسمیه‌ی مسأله‌ی اکدریه

راجع به وجه تسمیه‌ی این مسأله اقوال مختلفی وجود دارد. از آنجمله است:

۱ ـ وجه تسمیه‌ی اوّل

(اَکْدَر) اسم زنی از قبیله‌ی (بنی اکدر) بوده است و هنگامی که فوت کرده، مسأله‌ی او برای حل کردن پیش فرایض‌دانان آورده شده و چون مشکلات خاصی در حلّ آن پدید آمده است، لذا به نام مسأله‌ی اکدریه شهرت یافته است.

۲ ـ وجه تسمیه‌ی دوّم

بعضی گفته‌اند به علّت اینکه در این مسأله اسباب کدورت و رنجش خاطر خواهر میت فراهم آمده است، (اکدریه) نامیده شده است. زیرا مطابق با مذهب حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه نخست به خواهر میت سهمیه‌ی فرضی (یعنی نصف ترکه) داده شده و این امر سبب خوشحالی خواهر شده است. امّا در مرحله‌ی بعدی سهم او با سهم جد مخلوط شده و به قاعده‌ی «مذکر دو برابر

مؤنث» تقسیم گردیده و سهم وی از نصف ترکه کمتر شده و این امر سبب کدورت و رنجش او گشته است.

۳ـ وجه تسمیه‌ی سوّم

چون پیدا شدن این مسأله، سبب شده که چهره‌ی مذهب حضرت زید مکدر گشته (و نزدیک به اشتباه گردد) لذا علماء اسم آن را مسأله‌ی اکدریه گذاشته‌اند.

توجه:

این مسأله چهره‌ی مذهب حضرت زید رضی الله عنه را از سه جهت مکدر ساخته است:

۱ ـ جد به هنگام مقاسمة، عیناً مانند یک برادر تنی عمل می‌کند و خواهر میت را عصبه‌بالغیر می‌نماید. امّا در این مسأله نتوانسته است این کار را بکند و برخلاف قاعده، خواهر میت همچنان ذوفرض باقی مانده و سهمیه‌ی فرضی خود را گرفته است.

۲ ـ جد به هنگام مقاسمة، عیناً یک برادر محسوب می‌شود و باید سهمیه‌ی مادر میت را از $\frac{1}{3}$ ترکه به $\frac{1}{6}$ کاهش می‌داد. امّا در این مسأله نتوانسته است این کار را انجام دهد و همچنان مادر میت سهمیه‌ی اکثر خود (یعنی $\frac{1}{3}$ ترکه) را دریافت داشته است.[1]

۳ـ هر وارث سهمیه‌ی مجزایی دارد و هرگز سهم دو وارث با هم مخلوط (یعنی جمع) نمی‌شود. امّا در این مسأله برخلاف قواعد میراث، نخست سهم جد و خواهر میت جمع شده و بعداً تقسیم شده است.

۱- زیرا هنگامی که میت یک برادر و یک خواهر داشته باشد، سهمیه‌ی مادرش ($\frac{1}{6}$) ترکه می‌شود.

۶ بخش ششم

قبل از حلّ تمرینات این مبحث لازم است که طریقه‌ی مقایسه‌ی کسرها را بدانیم تا مشخص شود که گرفتن کدام سهمیه برای جد منفعت بیشتری دارد و از گرفتن کدام سهم متضرر می‌شود.

مثال ۱ -

ما یک مسأله‌ی میراثی را حل کرده‌ایم و سهمیه‌ی جد در سه حالت به صورت کسرهای زیر بدست آمده است:

($\frac{۵}{۸}$ و $\frac{۱۰}{۴۲}$ و $\frac{۵}{۳۰}$) اکنون مشخص سازید که کدام کسر (و کدام سهمیه) به نفع جد است؟

شرح راه حل

۱ ـ ابتدا کسرهای مذکور را تا سرحد امکان ساده می‌کنیم:

$\frac{۵}{۱۸} \longrightarrow$ ساده نمی‌شود

$$\frac{۱۰}{۴۲} \xrightarrow[\div ۲]{\div ۲} \frac{۵}{۲۱}$$

$$\frac{۵}{۳۰} \xrightarrow[\div ۵]{\div ۵} \frac{۱}{۶}$$

۲ ـ حال سه کسر ($\frac{۵}{۸}$ و $\frac{۵}{۲۱}$ و $\frac{۱}{۶}$) را دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. مثلاً ابتدا ($\frac{۵}{۱۸}$ و $\frac{۵}{۲۱}$) را مقایسه می‌کنیم. مقایسه کردن با استفاده از ضرب متقاطع (متقابل) از تمام روش‌ها ساده‌تر است و به این صورت انجام می‌پذیرد:

$$۱۰۵ \boxed{>} ۹۰$$

$$\frac{۵}{۱۸} \times \frac{۵}{۲۱}$$

$$\begin{cases} ۲۱ \times ۵ = ۱۰۵ \\ & \Rightarrow ۱۰۵ \boxed{>} ۹۰ \\ ۱۸ \times ۵ = ۹۰ \end{cases}$$

چون ضرب متقاطع کسر اوّل (۱۰۵) و ضرب متقاطع کسر دوّم (۹۰) می‌شود و (۱۰۵) بزرگتر از (۹۰) است. لذا مشخص می‌شود که کسر ($\frac{۵}{۱۸}$) بزرگتر می‌باشد.

۳ ـ باز در مرحله‌ی بعدی کسر بزرگتر ($\frac{۵}{۱۸}$) را با کسر بعدی (یعنی $\frac{۱}{۶}$) مقایسه می‌کنیم، تا مشخص شود که کدام بزرگتر است.

$$\begin{array}{ccc} ۳۰ & \boxed{>} & ۱۸ \\ \frac{۵}{۱۸} & \times & \frac{۱}{۶} \end{array}$$

چون مقدار کسر اوّل (۳۰) و مقدار کسر دوّم (۱۸) شده است، لذا مشخص می‌شود که کسر اوّل (یعنی $\frac{۵}{۱۸}$) از تمام کسرهای مذکور بزرگتر است. لذا همین کسر را به عنوان سهم الارث جد در نظر می‌گیریم.

مثال ۲ ـ کسرهای زیر را مقایسه کنید و مشخص سازید که انتخاب کدام کسر به نفع جد است و منفعت بیشتری برای او در بردارد: ($\frac{۲}{۱۲}$ و $\frac{۲}{۱۸}$)

شرح راه حل

۱ ـ ابتدا هر دو کسر را ساده می‌کنیم:

$$\begin{cases} \frac{۲}{۱۲} \xrightarrow[\div ۲]{\div ۲} \frac{۱}{۶} \\ \frac{۲}{۱۸} \xrightarrow[\div ۲]{\div ۲} \frac{۱}{۹} \end{cases}$$

۲ ـ سپس دو کسر ساده شده ($\frac{۱}{۶}$ و $\frac{۱}{۹}$) با استفاده از روش ضَرب متقاطع (متقابل) با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. به این صورت:

$$\begin{array}{ccc} ۹ & \boxed{>} & ۶ \\ \frac{۱}{۶} & \times & \frac{۱}{۹} \end{array}$$

۳ـ چون مقدار کسر اوّل (۹) و مقدار کسر دوّم (۶) شده است، لذا مشخص است که کسر اوّل (یعنی $\frac{۱}{۶}$) بزرگتر از ($\frac{۱}{۹}$) است. بنابراین کسر اوّل را به عنوان سهمیه‌ی جد در نظر می‌گیریم.

مثال ۳ ـ کسرهای ($\frac{۲}{۱۳}$ و $\frac{۲}{۳۶}$ و $\frac{۱}{۳۶}$) را با یکدیگر مقایسه کنید و مشخص سازید که کدام کسر بزرگتر است و منفعت بیشتری برای جد دارد؟

شرح راه حل

۱ ـ نخست کسرهای مذکور را ساده می‌کنیم.

$\frac{۲}{۱۳} \longrightarrow$ ساده نمی‌شود

$\frac{۲}{۳۶} \xrightarrow[\div ۲]{\div ۲} \frac{۱}{۱۸}$

$\frac{۱}{۳۶} \longrightarrow$ ساده نمی‌شود

۲ ـ حال دو به دو آنها را مقایسه می‌کنیم.

۳۶ [>] ۱۳

$\frac{۲}{۱۳}$ ✕ $\frac{۱}{۱۸}$

پس معلوم می‌شود که ($\frac{۲}{۱۳}$) بزرگتر است.

۳ ـ اکنون ($\frac{۲}{۱۳}$ و $\frac{۱}{۳۶}$) را مقایسه می‌کنیم.

۱۳ [>] ۷۲

$\frac{۱}{۳۶}$ ✕ $\frac{۲}{۱۳}$

مشخص می‌شود که کسر دوّم ($\frac{۲}{۱۳}$) که مقدار آن (۷۲) شده است از دو کسر دیگر بزرگتر است. بنابراین همین کسر را برای جد در نظر می‌گیریم زیرا مقدارش از دو کسر دیگر بزرگتر است و منفعت بیشتری برای جد در بردارد.

تمرینات مربوط به بخش اوّل

در این (۸) تمرین حالت اوّل جد و اخوه بررسی می‌شود.

تذکر:

آنچه با علامت ستاره مشخص شده است، حلّ صحیح و درست مسأله‌ی مطرح شده است. و آنچه که با عنوان (آزمایش) مشخص شده است، بررسی احتمال دوّم حلّ این مسأله است و با مقایسه‌ی هر دو راه حل؛ مشخص می‌شود که سهمیه‌ی نافع‌تر برای جد در کدام راه حل نهفته است.

مسأله ۱ -

شخصی فوت کرده و ورّاث او (جد و یک برادر تنی) هستند. ارث او چگونه تقسیم می‌شود.

* ۱ - میت — مسأله ۲ — (مقاسمه به نفع جد است)

جد (=اخ)	اخ عینی
۱	۱

آزمایش: میت — مسأله ۳ — ($\frac{1}{3}$ کل ترکه به ضرر جد است)

جد	اخ عینی
۱	۲

شرح:

در راه حل اوّل $\frac{1}{2}$ ترکه به جد رسید و در راه حل دوّم $\frac{1}{3}$ ترکه. و پرواضح است که $\frac{1}{2}$ ترکه بیشتر از $\frac{1}{3}$ ترکه است. بنابراین راه حل صحیح مسأله که برای جد منفعت بیشتری دربردارد، مطابق با مذهب حضرت زید رضی الله عنه همان راه حلّ اوّل است که با علامت ستاره مشخص شده است.

مسأله ۲ ـ

شخصی درگذشته و وارثان او (جد و دو خواهر تنی) هستند. ارث او مطابق با مذهب حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه چگونه تقسیم می‌گردد؟

* ۲ ـ میت — مسأله ۴ — (مقاسمه به نفع جد است)

(۲) خواهر تنی	جد (=اخ)
۲	۲

آزمایش: میت — مسأله ۳ — ($\frac{1}{3}$ کل ترکه به ضرر جد است)

(۲) خواهر تنی	جد
الباقی: ۲ سهم	۱ سهم

شرح:

در راه حلّ اوّل $\frac{2}{4}$ ترکه (یعنی $\frac{1}{2}$) آن به جد رسید و در راه حلّ دوّم $\frac{1}{3}$ ترکه سهمیه‌ی جد شد. بنابراین راه حلّ اوّل صحیح‌تر و برای جد نافع‌تر است.

مسأله ۳ ـ

شخصی درگذشته و ورّاث او (جد و سه برادر تنی) هستند ارث او مطابق با مذهب حضرت زید رضی الله عنه به چه صورت تقسیم می‌شود؟

* ۳ ـ میت — مسأله ۳ — ($\frac{1}{3}$ ترکه به نفع جد است)

۳ برادر تنی	جد $\frac{1}{3}$ ترکه
الباقی: ۲ سهم	۱ سهم

آزمـایش: میـــــــــت مسأله ۴ (مقاسمه به ضرر جد است)

جد (=اخ)	۳ برادر تنی
۱ سهم	۳ سهم

شرح:

سهمیه‌ی جد در صورت اوّل $\frac{1}{۳}$ ترکه شد و در صورت دوّم $\frac{1}{۴}$ ترکه گردید. و پرواضح است که ($\frac{1}{۳}$) ترکه بیشتر از ($\frac{1}{۴}$) آن است.

مسأله ۴ ـ

شخصی درگذشته و ورّاث او (جد و دو برادر تنی) هستند. ارث او چگونه تقسیم می‌شود؟

۴ ـ میـــــــــت مسأله ۳ (مقاسمه)

جد (=اخ)	۲ برادر تنی
۱ سهم	۲ سهم

* آزمایش: میـــــــــت مسأله ۳ ($\frac{1}{۳}$ ترکه)

جد	۲ برادر تنی
$\frac{1}{۳}$ ترکه	
۱ سهم	الباقی: ۲ سهم

شرح:

در هر دو راه حل سهمیه‌ی جد $\frac{1}{۳}$ ترکه است و ما اختیار داریم که به هر روش که دلمان خواست مسأله را حل کرده و سهمیه‌ی جد را پرداخت نمائیم. زیرا مقدار هر دو مساوی است.

مسأله ۵ ـ

شخصی فوت کرده و ورّاث او (جد و چهار خواهر تنی) هستند، ارث او مطابق با مذهب مذکور چگونه تقسیم می‌گردد؟

*** ۵ ـ میت** — مسأله ۶ — (مقاسمه)

جد (=اخ)	۴ خواهر تنی
۲	۴

*** آزمایش: میت** — مسأله ۳ تصحیح ۶ — ($\frac{1}{3}$ ترکه)

جد	۴ خواهر تنی
$\frac{1}{3}$ ترکه ۱ سهم	الباقی: ۲ سهم
۲	۴

شرح:

در هر دو راه حل $\frac{2}{6}$ ترکه (یعنی $\frac{1}{3}$ آن) به جد رسیده است و هر دو راه حل صحیح هستند.

مسأله ۶ ـ

شخصی درگذشته و ورّاث او (جد و یک برادر تنی و یک برادر پدری) هستند، ارث او چگونه تقسیم می‌شود؟

۶ ـ میت — مسأله ۳ — (مقاسمه)

جد (=اخ)	اخ عینی	اخ علّی
۱	۱	۱

در مرحله‌ی بعدی براساس قاعده‌ی معادّة، سهمیه‌ی برادر پدری را به سهمیه‌ی برادر تنی انتقال داده و به آن می‌افزائیم. به این شکل:

* میت — مسأله ۳ — (مقاسمه)

اخ علّی	اخ عینی	جد
م	۲ سهم	۱ سهم

* میت — مسأله ۳ — ($\frac{1}{3}$ ترکه)

اخ علّی	اخ عینی	جد
		$\frac{1}{3}$ ترکه
م	الباقی: ۲ سهم	۱ سهم

شرح:

در هر دو راه حل سهمیه‌ی جد $\frac{1}{3}$ ترکه (یعنی یک سهم) شده است. بنابراین هر دو راه حل صحیح هستند و ما به هر روشی که مسأله را حل کنیم، درست است.

تذکری مهم

هنگام حلّ مسأله در حالت مقاسمه، برادران پدری را در مرحله‌ی اوّل به حساب آورده و در مرحله‌ی دوّم طبق قاعده‌ی معادّة حذف می‌کنیم. امّا هنگامی که $\frac{1}{3}$ ترکه را به جد می‌دهیم (چون سهمیه‌ی جد کاملاً مشخص شده و وجود و عدم وجود برادران و خواهران پدری هیچ تأثیری در کم یا زیاد کردن سهمیه‌ی جد ندارد) لذا از همان ابتدای کار (و قبل از حلّ مسأله) آنها را حذف می‌کنیم.

توجه:

هنگامی که $\frac{1}{6}$ ترکه یا $\frac{1}{3}$ ترکه را برای جد در نظر می‌گیریم، جد به عنوان یک برادر محسوب نمی‌شود. بنابراین خواهران میت را نیز عصبه نمی‌کند. (به این مطلب در حلّ تمرینات توجّه داشته باشید).

مسأله ۷ -

شخصی فوت کرده و ورّاث او (جد و یک برادر تنی و یک خواهر پدری) هستند، ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود.

* ۷ - میت — مسأله ۵ — (مقاسمه به نفع جد است)

جد (=اخ)	اخ عینی	اخت علّی
۲	۲	۱

باز طبق قاعده‌ی معادّة مسأله به این صورت می‌شود:

میت — مسأله ۵ — (مقاسمه)

جد	اخ عینی	اخت علّی
۲	۳	م

آزمایش: میت — مسأله ۳ — ($\frac{1}{3}$ ترکه به ضرر جد است)

جد	اخ عینی	اخت علّی
$\frac{1}{3}$ ترکه		محروم
۱ سهم	الباقی: ۲ سهم	

شرح:

در صورت مقاسمه سهمیه‌ی جد (۲/۵) ترکه و در صورت دادن ثلث ترکه سهمیه‌ی جد (۱/۳) ترکه شده است. و پرواضح است که (۲/۵) ترکه بیشتر از (۱/۳) آن است. پس راه حلّ صحیح این مسأله همان راه حلّ اوّل می‌باشد.

مسأله ۸ ـ

شخصی فوت کرده و ورّاث او (جد و یک برادر تنی و دو برادر پدری) هستند. ارث او به صورت زیر تقسیم می‌گردد.

* ۸ ـ میت — مسأله ۳ — (۱/۳ ترکه به نفع جد است)

جد	اخ عینی	اخ علّی	اخ علّی
۱/۳ ترکه			
۱ سهم	الباقی: (۲) سهم	م	م

آزمایش: میت — مسأله ۴ — (مقاسمه به ضرر جد است)

جد (=اخ)	اخ عینی	اخ علّی	اخ علّی
۱	۱	۱	۱

و پس از انجام قاعده‌ی معادّة مسأله‌ی مذکور به صورت زیر درمی‌آید:

میت — مسأله ۴

جد (=اخ)	اخ عینی	اخ علّی	اخ علّی
۱	۳	م	م

شرح:
در صورت اوّل سهمیه‌ی جد $\frac{1}{3}$ ترکه و در صورت دوّم $\frac{1}{4}$ ترکه شد. و کاملاً واضح است که در صورت اوّل سهمیه‌ی جد بیشتر است. پس راه حل صحیح مسأله نیز همان راه اوّل است.

تمرینات مربوط به بخش دوّم

در این تمرینات حالت دوّم جد و اخوه بررسی می‌شود.

راهنمایی ۱ -
در حلّ تمام این تمرینات نخست سهام ذوی‌الفروض‌های موجود در مسأله را بپردازید و سپس کسرها را جمع کنید و ملاحظه نمائید که چقدر از ترکه باقی مانده است (مثلاً تنها $\frac{1}{6}$ مانده یا بیشتر از $\frac{1}{6}$ مانده یا کمتر از $\frac{1}{6}$ مانده) و پس از آن نسبت به دادن سهام جد و اخوه (برادران میت) اقدام نمائید.

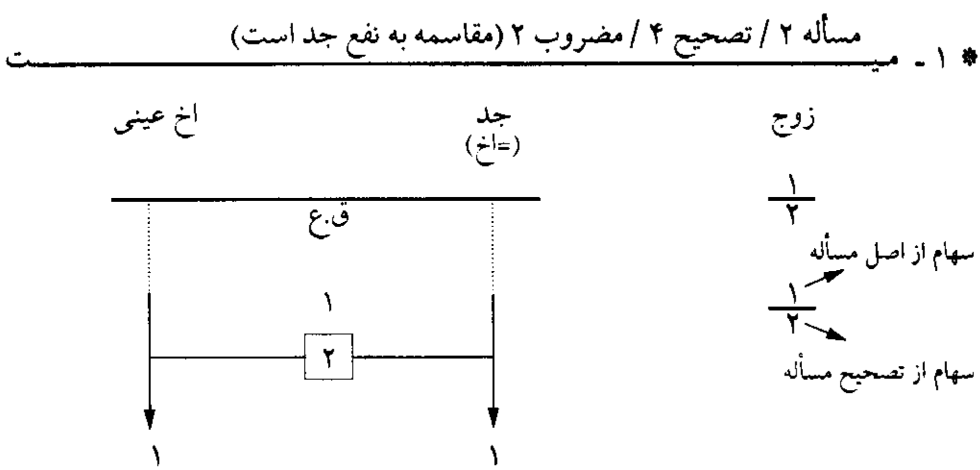
راهنمایی ۲ -
برای رسیدن به جواب صحیح مسأله، باید هر مسأله را به ۳ صورت (آزمون و خطا) حل کنیم. که یک صورت جواب صحیح مسأله است و ما آن را با علامت (*) مشخص کرده‌ایم و دو صورت دیگر خطا هستند که آنها را با عنوان (آزمایش ۱ و آزمایش ۲) مشخص نموده‌ایم. و همانگونه که می‌دانید، اگر ما مسأله را به سه صورت حل نکنیم، مشخص نمی‌شود که در کدام راه حل سهمیه‌ی بیشتری نصیب جد می‌شود و به عبارت دیگر معلوم نمی‌شود که آیا در این مسأله مقاسمه به نفع جد است یا پرداخت $\frac{1}{3}$ باقی‌مانده‌ی ترکه پس از اخراج سهام ذوی‌الفروض؛ به نفع جد است و یا پرداخت $\frac{1}{6}$ ترکه به نفع او می‌باشد. در هر صورت برای رسیدن به پاسخ قطعی و صحیح مسأله (که بیشترین سهمیه برای جد در کدام راه حل نهفته است) ناچاراً بایستی هر مسأله را به سه صورت حل کنیم تا به پاسخ صحیح دست یابیم. البته در حلّ این تمرینات سعی شده است که پاسخ صحیح همواره جلوتر از پاسخ‌های خطا نوشته شود.

راهنمایی ۳ ـ

عزیزانی که مذهب حنفی دارند باید توجه داشته باشند که پاسخ این تمرینات (و همچنین تمرینات بخش اوّل) مطابق با مذهب حضرت زید بن ثابت (و نظریه‌ی شوافع و مالکیه و قول مشهور امام احمد) داده شده است. امّا مطابق با فتوای مذهب احناف پاسخ این تمرینات و تمرینات بخش اوّل بسیار ساده است و هیچ دردسری ندارد. شما از همان ابتدای کار تمام برادران و خواهران میت را حذف کنید و به آنها سهم ندهید. زیرا مطابق با فتوای مذهب احناف جد صحیح عیناً همانند پدر میت تمام برادران و خواهران میت را محجوب (حذف) می‌کند و این قاعده بارها در صفحات گذشته کاملاً توضیح داده شده است. اکنون به صورت مسائل مذکور و حلّ آنها توجه فرمائید:

مسأله ۱ ـ

زنی فوت کرده و ورّاث او (زوج ـ جدّ صحیح و یک برادر تنی) هستند. ارث او به صورت زیر تقسیم می‌گردد.



آزمایش ۱ ـ میت — مسأله ۶ — ($\frac{1}{6}$ ترکه به ضرر جد است)

زوج	جد	اخ عینی
$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$ ترکه	ق.ع
۳	۱	۲

آزمایش ۲ ـ میت — مسأله ۶ — ($\frac{1}{3}$ باقی‌مانده به ضرر جد است)

زوج	جد	اخ عینی
$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{3}$ باقی‌مانده	ق.ع
۳	۱	۲

شرح:

۱ ـ در صورت اوّل سهمیه‌ی جد ($\frac{1}{4}$ ترکه) شده است. زیرا تصحیح مسأله (۴) بود و از چهار سهم، یک سم به جد رسیده است.

۲ ـ در صورت دوّم و سوّم سهمیه‌ی جد ($\frac{1}{6}$ ترکه) شده است.

۳ ـ با مقایسه‌ی ($\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{6}$) مشخص می‌شود ک ($\frac{1}{4}$) بیشتر است. بنابراین راه حلّ صحیح مسأله که منفعت بیشتری برای جد دارد؛ همان راه اوّل است (که ما بایستی در این مسأله جد را به صورت مقاسمه سهمیه بدهیم نه با روش‌های دیگر).

تذکر:

در آزمایش دوّم ($\frac{1}{3}$ کل ترکه) را به جد ندادیم، بلکه $\frac{1}{3}$ باقی‌مانده را پس از جدا کردن سهمیه‌ی زوج به او دادیم. یعنی کلّ ترکه (۶ سهم) بود. اوّل (۳ سهم) آن را به زوج دادیم و سه سهم دیگر باقی ماند. اکنون $\frac{1}{3}$ همین باقی‌مانده را که یک سهم می‌شود به جد دادیم. یعنی: ۱=۳÷۳

مسأله ۲ ـ

شخصی درگذشته و وزّاث او (جدّ ـ جدّه ـ دو برادر تنی ـ یک خواهر تنی) هستند. ارث او چگونه تقسیم می‌شود؟

میـــــت ۲ ـ *	مسأله ۶	($\frac{1}{3}$ باقی‌مانده‌ی ترکه به نفع جد است)		
جد	جدّه	اخ عینی	اخ عینی	اخت عینی
$\frac{1}{3}$ باقی‌مانده	$\frac{1}{6}$	للذکر مثل حظّ الانثیین		
الباقی: ۵ سهم	۱ سهم			

شرح:

۱ ـ کلّ سهام ترکه (۶) سهم بود و هنگامی که (۱) سهم آن را به جدّه دادیم، (۵) سهم دیگر باقی ماند. اکنون (۵) عددی است که بر (۳) تقسیم نمی‌شود و نمی‌توان ($\frac{1}{3}$) آن را به صورت عددی صحیح و سرراست (بدون کسر) جدا کرد. لذا برای سهولت کار اصل مسأله و سهام مذکور را در مخرج ($\frac{1}{3}$) که عدد (۳) است ضرب می‌کنیم. مسأله به این صورت می‌شود:

میـــــت	مسأله ۶ / تصحیح ۱۸	مضروب (۳)		
جد	جدّه	اخ عینی	اخ عینی	اخت عینی
$\frac{1}{3}$ باقی‌مانده	ـــــــ	للذکر مثل حظّ الانثیین		
الباقی: ۱۵ سهم	۳ سهم			

۲ ـ اکنون به راحتی می‌توان از (۱۵) سهم باقی‌مانده ($\frac{1}{3}$) جدا نمود و به عنوان سهم‌الارث به جد تحویل داد.

سهمیه‌ی جد ۵=۳÷۱۵

۳ ـ کلّ ترکه (۱۸ سهم) بود، (۳ سهم) آن را جدّه برد و (۵ سهم) آن را جد تحویل گرفت و با این حساب (۸ سهم) آن رفت و (۱۰ سهم) دیگر باقی‌مانده است که باید در میان برادران و خواهر میت به صورت (للذکر مثل حظّ الانثیین) تقسیم گردد.

مجموع سهام جد و جدّه ۸ = ۵ + ۳

باقی‌مانده‌ی ترکه ۱۰ = ۸ − ۱۸

سهم خواهر ۲ = ۵ ÷ ۱۰

سهم یک برادر ۴ = ۲ × ۲

۴ ـ بالاخره در نهایت حلّ صحیح مسأله به این صورت کامل می‌شود (و راه حلّ درست نیز همین است):

* میت — مسأله ۶ / تصحیح ۱۸ — مضروب (۳)

جد	جدّه	اخ عینی	اخ عینی	اخت عینی
۵	۳	۴	۴	۲

اکنون به آزمایش‌های همین مسأله توجه فرمایید.

آزمایش ۱ ـ میت — مسأله ۶ — (مقاسمه به ضرر جد است)

جدّه	جد	اخ	اخ	اخت
$\frac{1}{6}$ فرضاً	(= اخ)			
۱ سهم	الباقی: ۵ سهم			

شرح:

۱ ـ چون قرار است جد را به صورت مقاسمه سهم بدهیم، آن را به عنوان یک برادر در نظر می‌گیریم. گویا سه برادر و یک خواهر در مسأله وجود دارد. با فرض کردن هر برادر به عنوان دو خواهر، مجموعاً (۷) خواهر در این مسأله موجود است.

۲ ـ پنج سهم را نمی‌توان در میان هفت نفر تقسیم کرد و در میان (۵ و ۷) تباین وجود دارد که عدد (۷) مضروب می‌شود و مسأله از (۴۲) تصحیح می‌گردد. به این صورت:

مسأله ۶ تصحیح ۴۲ — مضروب (۷)

میـــــــــت

جدّه	جد	اخ	اخ	اخت
۷ سهم	(مجموعاً ۳۵ سهم)			
	۱۰	۱۰	۱۰	۵

آزمایش ۲ ـ میـــــــت — مسأله ۶ — ($\frac{1}{6}$ کلّ ترکه به ضرر جد است)

جدّه	جد	اخ	اخ	اخت
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	الباقی: ۴ سهم		
۱	۱			

شرح:

۱ ـ با فرض کردن برادران به عنوان خواهر، گویا مجموعاً (۵ خواهـر) در مسأله وجـود دارد و درمیان (۴ و ۵) تباین وجود دارد کـه (۵) مـضروب مسأله مـی‌شود و مسأله از (۳۰) تـصحیح می‌گردد.

مسأله ۶ تصحیح ۳۰ — مضروب (۵)

میـــــــــت

جدّه	جد	اخ	اخ	اخت
۵	۵	۸	۸	۴

۲ـ اکنون سهام جد را در هر سه مورد با یکدیگر مقایسه می‌کنیم تا نافع‌ترین راه حل را برای جد بیابیم.

الف) در صورت ثلث باقی‌مانده‌ی ترکه: از ۱۸ سهم ← ۵ سهم به جد رسیده است. یعنی سهمیه‌ی جد ($\frac{۵}{۱۸}$) شده است.

ب) در صورت مقاسمة: از ۴۲ سهم ← ۱۰ سهم به جد رسیده است. یعنی سهمیه‌ی جد ($\frac{۱۰}{۴۲}$) شده است.

ج) در صورت سدس ترکه: از ۳۰ سهم ← ۵ سهم به جد رسیده است. یعنی سهمیه‌ی جد ($\frac{۵}{۳۰}$) شده است.

د) با مقایسه‌ی سه کسر مذکور ($\frac{۵}{۱۸}$ و $\frac{۱۰}{۴۲}$ و $\frac{۵}{۳۰}$) مشخص می‌شود که کسر اوّل یعنی ($\frac{۵}{۱۸}$) از دو کسر دیگر بزرگتر است. پس نتیجه می‌گیریم که اگر مسأله را طبق روش اوّل حل کنیم، سهمیه‌ی بیشتری نصیب جد می‌شود. و روش صحیح حل کردن این مسأله همین روش است.

مسأله ۳ـ

شخصی فوت کرده و ورّاث او (جدّه ـ جد ـ یک دختر صلبی ـ دو برادر تنی) هستند. ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود.

* ۳ ـ میت مسأله ۶ تصحیح ۱۲ مضروب (۲) [$\frac{۱}{۶}$ کل ترکه به نفع جد است]

جدّه	جد	بنت صلبی	(۲) برادر تنی
$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۲}$	ق.ع
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۳}{۶}$	$\frac{۱}{۲}$

آزمایش ۱ ـ میت — مسأله ۶ — تصحیح ۱۸ — مضروب (۳) [مقاسمه به ضرر جد است]

جده	بنت صلبی	جدّ (= اخ)	(۲) برادر تنی
۱/۶	۱/۲	ق.ع	
۱	۳	۲	
۳	۹	۲	۴

آزمایش ۲ ـ میت — مسأله ۶ — (۱/۳ باقی مانده به ضرر جدّ است)

جده	بنت صلبی	جدّ	(۲) برادر تنی
۱/۶	۱/۲	۱/۳ باقی مانده	ق.ع
۱	۳	الباقی: ۲ سهم	

شرح:

۱ ـ هنگامی که سهمیه‌ی جدّه و بنت صلبی را جمع کنیم (۴ سهم) می‌شوند. تمامی ترکه (۶سهم) است، بنابراین (۲ سهم دیگر) باقی می‌ماند. اکنون از (۲ سهم) نمی‌توان (۱/۳) بدون کَسر برای جدّ جدا کرد، لذا ناچاراً اصل مسأله و سهام ورّاث را در مخرج (۱/۳) که عدد (۳) است ضرب می‌کنیم و مسأله از (۱۸) تصحیح می‌گردد. به این صورت:

میت — مسأله ۶ — تصحیح ۱۸ — مضروب (۳)

جدّه	بنت صلبی	جدّ	دو برادر تنی
۳	۹	۲	۴

۲ ـ اکنون سهام سه‌گانه جدّ را با هم مقایسه می‌کنیم.
در راه اوّل: از ۱۲ سهم ← ۲ سهم یعنی $\frac{۲}{۱۲}$
در راه حل دوّم: از ۱۸ سهم ← ۲ سهم یعنی $\frac{۲}{۱۸}$
در راه حل سوّم: باز هم از ۱۸ سهم ← ۲ سهم یعنی $\frac{۲}{۱۸}$ که با مقایسه‌ی کسرهای فوق مشخص می‌شود که کسر اوّل از دو کسر دیگر بزرگتر است و منفعت بیشتری برای جدّ در بر دارد.

مسأله ۴ ـ

شخصی فوت کرده و ورّاث او (زوج - جدّ - مادر - دختر صلبی - خواهر تنی) هستند، ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود.

* میـــت مسأله ۱۲ ع ۱۳ ($\frac{۱}{۶}$ کلِ ترکه به نفع جدّ است)

زوج	جدّ	ام	بنت صلبی	اخت عینی
$\frac{۱}{۴}$	$\frac{۱}{۶}$ ترکه	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۲}$	عصبه مع‌البنت
۳	۲	۲	۶	محروم

شرح:

۱ ـ هنگامی که کسرهای ذوی‌الفروض موجود در مسأله را (زوج - ام - بنت صلبی) جمع کردیم، ملاحظه می‌شود که مجموع آنها ($\frac{۱۱}{۱۲}$) است. پس ($\frac{۱}{۱۲}$) ترکه باقی مانده است (که نصف $\frac{۱}{۶}$ است).

۲ ـ براساس شرط قبلی (سهمیه‌ی جدّ هرگز از $\frac{۱}{۶}$ کلّ ترکه کمتر نشود) اجباراً ($\frac{۱}{۶}$) برای جدّ درنظر می‌گیریم و مسأله از (۱۲) به (۱۳) عول می‌کند.

۳ ـ خواهر میت به علت اینکه توسط دختر میت (عصبه مع‌الغیر) شده است باقی مانده‌ی ترکه را می‌گیرد و چون چیزی از ترکه باقی نمانده، خودبه‌خود محجوب می‌شود. زیرا قاعده‌ی مشهور اهل فرائض این است که گفته‌اند: «اذا عالت المسألة لم یبق للعصبة شیءٌ». یعنی: هنگامی که مسأله عائله باشد، چیزی برای عصبه باقی نمی‌ماند.

اعتراض:

مگر قرار نبود که برادر یا خواهر میت هنگامی که با جدّ همراه شود، از ارث بهره‌مند گردد و محجوب نشود، پس چرا در اینجا خواهر میت محجوب شد؟

پاسخ:

جدّ در این مسأله موجب محرومیت خواهر میت نشده است و در این باره هیچ تقصیری ندارد. مقصر اصلی در این مسأله دختر میت است که سبب عصبیت خواهر شده است و به علت همین عصبیت، از ارث محجوب گشته است.

آزمایش ۱ ـ میت — مسأله ۱۲ — (مقاسمه به ضرر جدّ است)

زوج	بنت	ام	جد (= اخ)	اخت عینی
$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$	الباقی: ① سهم	
۳	۶	۲		۰

شرح:

۱ ـ چون یک سهم باقی مانده را نمی‌توان در میان جدّ و اخت عینی (که در واقع سه خواهر هستند) تقسیم کرد، لذا مضروب مسأله (۳) می‌شود و مسأله از (۳۶) تصحیح می‌گردد. به این صورت:

میت — مسأله ۱۲ — تصحیح ۳۶ — مضروب (۳)

زوج	بنت	ام	جدّ	اخت عینی
۹	۱۸	۶	۲	۱

آزمایش ۲ - میت — مسأله ۱۲ — ($\frac{1}{3}$باقی‌مانده به ضرر جد است)

زوج	بنت	ام	جدّ	اخت عینی
$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{3}$باقی مانده	عصبه مع‌البنت
۳	۶	۲	الباقی: (۱) سهم	

شرح:

۱ -چون پس از سهمیه دادن ذوی‌الفروض (زوج - بنت - اُمّ) تنها یک سهم از ترکه باقی می‌ماند و یک سهم را نمی‌توان بر سه تقسیم نمود، لذا اصل مسأله و سهام ورّاث را در (۳) ضرب می‌کنیم و مسأله از (۳۶) تصحیح می‌شود. به این صورت:

میت — مسأله ۱۲ تصحیح ۳۶ — مضروب (۳)

زوج	بنت	ام	جد	اخت عینی
۹	۱۸	۶	۱	الباقی: ۲ سهم

۲ -اکنون سه سهم جدّ را که به دست آورده‌ایم با یکدیگر مقایسه می‌کنیم.

۱- در صورت سدس: $\frac{۲}{۱۳}$

۲- در صورت مقاسمه: $\frac{۲}{۳۶}$

۳- در صورت ثلث باقی مانده: $\frac{۱}{۳۶}$

که پس از مقایسه‌ی ($\frac{۲}{۱۳}$ و $\frac{۲}{۳۶}$ و $\frac{۱}{۳۶}$) مشخص می‌شود که کسر اوّل از دو کسر دیگر بزرگتر است و برای جدّ نافع‌تر می‌باشد.

مسأله ۵ -

شخصی فوت کرده و ورّاث او (دو بنت صلبی - ام - جدّ - چند برادر و خواهر تنی) هستند، ارث او چگونه تقسیم می‌شود؟

۵ ـ میت — مسأله ۶

۲ بنت صلبی	ام	جدّ	برادران و خواهران تنی
$\frac{۲}{۳}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$	م
۴	۱	۱	

شرح:

چون بعد از سهم دادن افراد ذوی‌الفروض (دختران – مادر) تنها $\frac{۱}{۶}$ ترکه باقی می‌ماند، ناچاراً $\frac{۱}{۶}$ باقی مانده را به جدّ می‌دهیم و برادران و خواهران میت (به علت استغراق ترکه توسط ذوی‌الفروض) ساقط می‌شوند.

مسأله ۶ـ

شخصی فوت کرده و ورّاث او (زوج – دو بنت صلبی – جد و چند برادر و خواهر تنی) هستند، ارث او چگونه تقسیم می‌شود؟

* میت — مسأله ۱۲ ع ۱۳

زوج	۲ بنت صلبی	جدّ	برادران و خواهران تنی
$\frac{۱}{۴}$	$\frac{۲}{۳}$	$\frac{۱}{۶}$	م
۳	۸	۲	

شرح:

پس از پرداخت سهام ذوی‌الفروض (زوج – دو بنت صلبی) فقط ($\frac{۱}{۱۲}$ ترکه) باقی می‌ماند که نصف ($\frac{۱}{۶}$) است، لذا برای جبران سهم جدّ، همان $\frac{۱}{۶}$ ترکه را برای جدّ در نظر گرفته و مسأله از (۱۲ به ۱۳) عول می‌کند. برادران و خواهران میت (به علت استغراق ترکه توسط ذوی‌الفروض) ساقط می‌شوند.

مسأله ۷ ـ

شخصی درگذشته و ورّاث او (زوج - دو بنت صلبی - ام - جدّ و چند برادر و خواهر تنی) هستند، ارث او به این صورت تقسیم می‌شود.

*** میــت** — **مسأله ۱۲ ع ۱۵**

زوج	۲ بنت صلبی	ام	جدّ	برادران و خواهران تنی
$\frac{۱}{۴}$	$\frac{۲}{۳}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$	م
۳	۸	۲	۲	

شرح:

مجموع سهام ورّاث ذوی‌الفروض (زوج ـ دو بنت صلبی ـ اُمّ) $[\frac{۱۳}{۱۲}]$ شده است که $[\frac{۱}{۱۲}]$ از کل **ترکه بیشتر است.** لذا ناچاراً طبق شرط (هرگز سهمیه‌ی جدّ از $\frac{۱}{۶}$ ترکه کمتر نمی‌شود) همان $\frac{۱}{۶}$ را **برای** جدّ درنظر می‌گیریم و مسأله از (۱۲ به ۱۵) عول می‌کند و برادران و خواهران تنی میت (به **علت استغراق ترکه** توسط ذوی‌الفروض) محجوب می‌گردند.

تغییر دادن جای خواهر تنی در مسأله‌ی اکدریه

اگر در مسأله اکدریه به جای یک خواهر تنی (دو خواهر تنی) یا (یک برادر تنی) را **قرار دهیم، مسأله نه عول** می‌کند و نه شرایط اکدریه را به خود می‌گیرد. و مطابق با مذهب حضرت زید ﷺ **به** این صورت حل می‌شود:

۱ ـ میــت — مسأله ۶ — ($\frac{۱}{۶}$ کلّ ترکه به نفع جدّ است)

زوج	ام	جدّ	اخ عینی (یا اخ علّی)
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۳}$	$\frac{۱}{۶}$ کلّ ترکه	ق.ع
۳	۲	۱	م

شرح:

۱ ـ پس از پرداخت سهام ذوی‌الفروض (زوج – ام) فقط $\frac{۱}{۶}$ ترکه باقی می ماند که ناچاراً آن را به جدّ داده و برادر میت را محجوب می‌کنیم. (برادر میت به استغراق ترکه توسط ذوی‌الفروض محجوب می‌گردد).

۲ ـ چون برادر میت یک عصبه بالنفس است (ذو فرض نیست) لذا نمی‌توان مانند مسأله‌ی اکدریه او را صاحب فرض قرار داد.

۲ ـ میت — مسأله ۶ — (مقاسمه و $\frac{۱}{۶}$ ترکه مساوی‌اند)

زوج	ام	جدّ	دو اخت عینی
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$	———
۳	۱	۱	الباقی: (۱) سهم

شرح:

۱ ـ در این مسأله وجود دو خواهر سبب شده است که سهمیه‌ی مادر میت از ($\frac{۱}{۳}$) به ($\frac{۱}{۶}$) کاهش یابد.

۲ ـ بعد از پرداخت سهام ذوی‌الفروض (زوج – ام) باز هم ($\frac{۱}{۳}$) ترکه باقی می‌ماند که به راحتی می‌توان سهمیه‌ی جدّ و خواهران را از آن تأمین نمود.

۳ ـ در این مسأله ($\frac{۱}{۶}$) ترکه و مقاسمه برای جدّ یکسان است، لذا وقتی که $\frac{۱}{۶}$ ترکه را به جدّ دادیم، یک سهم دیگر باقی ماند.

۴ ـ یک سهم در میان دو خواهر قابل تقسیم نیست، لذا (۲) مضروب مسأله شده و از (۱۲) تصحیح می‌شود. به این صورت:

میت — مسأله ۶ تصحیح ۱۲ — مضروب (۳)

زوج	ام	جدّ	اخت عینی	اخت عینی
۶	۲	۲	۱	۱

خِتامُهُ مَسْک

سؤال:

مسأله‌ی جنجالی اکدریه را مطابق با مذهب شفاف و روشن امام ابوحنیفه ﷺ حل نمایید.

مسأله ۶

میـــــــت

زوج	ام	جدّ	خواهر تنی
½	⅓	⅙	م
۳	۲	۱	

شرح

خواهر تنی میت توسط جدّ محجوب شد و مسأله بدون دردسر و بدون تبصره حل گردید.

چو کاری برآید به لطف و خوشی
چه حاجت به تندی و گردنکشی

فصل دوّم

باب المُناسَخَة

- معنای لغوی و اصطلاحی مناسخه
- اصطلاحات مناسخه
- حلّ مناسخات به روش تابوتی
- حلّ مناسخات به روش درصدی
- تمرینات مناسخه

☐ باب مناسخه

مناسخه مصدر باب مفاعلة است و از کلمه‌ی (النَسْخ)[1] به معنای نقل و انتقال گرفته شده است و در اصطلاح میراث‌دانان عبارت است از اینکه: شخصی بمیرد و قبل از تقسیم ترکه‌اش، یک نفر یا چند نفر از ورثه‌اش (یکی پس از دیگری) بمیرند. چون در این حالت ارث از یک میت به میت دیگر انتقال می‌یابد، پدیدآمدن چنین حالتی را «مناسخه» می‌گویند.

هدف اصلی عمل مناسخه

هدف اصلی از انجام عمل مناسخه این است که فقط ارث همان میت اول (مُوْرِث اعلیٰ) در میان ورّاث اموات بعدی (اگرچه فاصله‌ی زیادی از میت اول داشته باشند) به طریق شرعی تقسیم گردد.

و همچنین لازم به یادآوری است که اگر اموات بعدی سرمایه‌ی شخصی داشته باشند، ترکه‌ی هر یک مطابق با قوانین ارث در میان ورّاث مخصوص خود آنان تقسیم می‌شود و سرمایه‌ی خصوصی آنها را در حلّ مناسخه دخالت نمی‌دهند.

اصطلاحات مناسخه

عمل مناسخه نوعی ضرب کردن است که مطابق با قواعد خاصی انجام می‌گیرد و در اثر آن عددی پدید می‌آید که به آن «جامعه» می‌گویند.

۱ ـ **جامعه:** عددی است که دربرگیرنده تصحیح تمام مسائل میراثی موجود در مسأله‌ی مناسخه است و چون تصحیح همه‌ی مسائل را در خود جای داده است به آن جامعه می‌گویند.

۱ـ النَّسْخ: نسخه‌برداری، رونویسی کردن و نقل مطالب از روی یک کتاب (به کتاب دیگر). فرهنگ لاروس ص ۲۰۴۳/ج۲

و به تعبیر دیگر: جامعه عددی است که می‌توان از روی آن به وُرّاث تمام امواتِ نام برده شده در مسأله مناسخه به صورت صحیح (و بدون کسر) سهمیه داد.

۲ ـ مُوْرِث اَعلیٰ: به اولین میت (که ترکه‌ی آن به تدریج در میان وُرّاثِ اموات بعدی تقسیم می‌شود) مورث اعلیٰ می‌گویند.

۳ ـ مافی‌الید:[1] به سهم‌الارث (دارایی) میت دوم از میت اول، یا سهم‌الارث میت سوم (از میت اول و دوم) مافی‌الید گفته می‌شود و آن را با علامت «مف» با نقطه و یا به شکل «مصـــــــ» بدون نقطه روی (ف) مشخص می‌سازند.

۴ ـ تابوت: علامتی به شکل قبر (⊔) است و معمولاً هنگامی که مافی‌الید یک میت را از اموات قبلی محاسبه (یعنی جمع) می‌کنند، برای اینکه بعداً به هنگام انجام عمل مناسخه اشتباهاً ضربی در سهام آن میت صورت نگیرد، سهام جمع شده‌ی آن میت را جدا جدا در مسأله‌ی اموات فوقانی، داخل علامتی به شکل تابوت قرار می‌دهند.

بنابراین هرجا در اطراف عددی این علامت (⊔) دیده شود، ضرب کردن در آن عدد ممنوع می‌باشد.

۵ ـ اَلْمَبْلَغ: به آخرین جامعه (یا آخرین عدد به دست آمده در عمل مناسخه) المبلغ می‌گویند که معمولاً در بالای علامت (الأحیاء) نوشته می‌شود.

۶ ـ الأحیاء: به معنای (زنده‌ها) است و معمولاً این علامت را به صورت بزرگ وکشیده (همانند علامت میت) بعد از مسأله‌ی آخرین میت و در پایان برگه‌ی مناسخه رسم می‌کنند و در زیر آن فهرست تمام وُرّاثی را که از میت اول (یعنی مورث اعلیٰ) ارث می‌برند با قید نام شناسنامه‌ای هر یک (بدون نوشتن قرابت‌ها) می‌نویسند. و سپس سهم‌الارث هر وارث نیز به ترتیب در ذیل اسم شناسنامه‌ای او ثبت می‌گردد.

۱ـ مافی‌الید: آنچه در دست اوست.

چند نکته‌ی مهم در مناسخه

برای اینکه اشتباهات یک مناسخه به حداقل برسند، لازم است که نکات زیر به دقت در آن رعایت شوند:

۱ـ اسم هر میت بالای مسأله‌ی او نوشته شود.

۲ـ به هنگام نوشتن ورّاث هر میت بایستی علاوه از نوشتن قرابت او با میت همانند (زوج – زوجه – بنت – اُمّ و...) بایستی اسم شناسنامه‌ای هر وارث نیز نوشته شود.

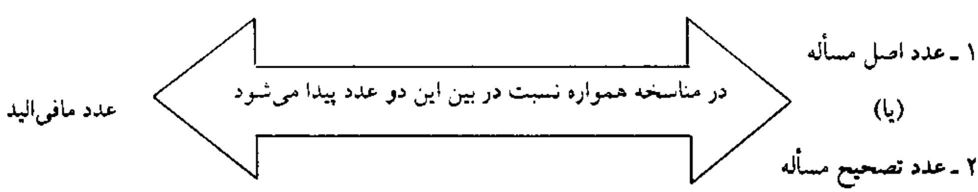
۳ـ هرگاه اسامی ورّاث یک میت نوشته می‌شوند، بایستی به میت‌های قبلی و ورّاث آنها خوب توجه شود، تا در نوشتن قرابت‌ها اشتباهی رخ ندهد.

۴ـ هنگام نوشتن مافی‌الید یک میت، ابتدا به تک تک میت‌های فوقانی نگاه کنید، هرجا اسم این میت در جمع ورّاث آنان نوشته و سهمی در آنجا برای وی معین شده بود، کلیّه‌ی سهام مذکور را جمع کرده و پس از علامت‌گذاری با علامت تابوت، حاصل جمع را به عنوان «مافی‌الید» در گوشه‌ی چپ مسأله‌ی آن میت یادداشت نمایید.

۵ـ همواره عمل مناسخه (یعنی انجام عمل ضرب برای به دست آوردن جامعه) از مسأله‌ی میت دوم شروع می‌شود.

اصلی‌ترین فرمول‌های عمل مناسخه

فرمول اول:



فرمول دوم:

۱ ـ بار اول وفق این عدد یا کلّ این عدد فقط در تصحیح (یا جامعه‌ی) مسائل بالا (همان عددی که به عنوان جامعه برروی مسأله‌ی میت اوّل نوشته می‌شود) ضرب می‌شود.

۲ ـ بار دوم نیز وفق همین عدد یا کلّ آن در جای دیگر یعنی در سهام ورّاث زنده‌ی مسایل بالا (آنهایی که داخل علامت تابوت نیستند) ضرب می‌شود.

عدد اصل مسأله یا عدد تصحیح مسأله

میـــــــــــــــت

عدد مافی‌الید

۱ ـ وفق این عدد یا کلّ این عدد فقط و فقط در سهام ورّاث خود همین مسأله ضرب می‌شود.

شکل ظاهری یک مناسخه

۳- تصحیح دوم (جامعه‌ی دوم)
۲- تصحیح اوّل (جامعه‌ی اول)
۱- اصل مسأله: ... اسم مورث اعلی: ...

میت ۱ ـ میـــــــــــــــت

* * *

عدد اصل مسأله: ... مقدار ما فی الید: ... / اسم میت دوّم: ...

میت ۲ ـ میـــــــــــــــت

* * *

عدد اصل مسأله: ... مقدار ما فی الید: ... / اسم میت سوّم: ...

میت ۳ ـ میـــت

المبلغ: ...

الأحـیـــاء

* * *

تذکر:

شکل فوق طریقه‌ی نوشتن (و رسم) یک مناسخه‌ی (۳ میتی) را نشان می‌دهد یعنی اینکه: قبل از تقسیم ترکه‌ی میت اول (مورث اعلی) دو نفر از ورّاث او فوت کرده‌اند.

ترتیب دادن مسأله‌ی مناسخه

زمانی نیاز به عمل مناسخه پیدا می‌شود که ورّاث میت اول به علت سستی یا تغافل از احکام میراث، ترکه‌ی او را سال‌های متمادی آن‌قدر معطل می‌گذارند تا اینکه چند نفر دیگر از ورّاث فوت می‌کنند. آنگاه بایستی مسأله‌ی چندین میت را جدا جدا حل کرد و دردسرهای زیادی را متحمل شد تا ترکه‌ی میت اول در میان آنان توزیع شود و به ورّاث میت‌های بعدی انتقال یابد. لذا علمای کرام و دانشمندان علم فرایض برای آسان کردن چنین مشکلاتی تدبیر مناسخه را اندیشیده‌اند که با ترتیب دادن آن یکجا (و بدون پراکندگی) و با سهولت کامل سهم‌الارث ورّاث تمام اموات بعدی بدون معطّلی و سرگردانی (از ترکه‌ی میت اول که به آن مورث اعلیٰ می‌گویند) واضح و روشن می‌شود. لذا برای ترتیب دادن یک مناسخه به طریقه‌ی زیر عمل می‌شود:

۱ ـ نگاه می‌شود که چند نفر بعد از میت اول (مورث اعلیٰ) فوت کرده‌اند، به تعداد آنها علامت (میت) را به صورت دراز و طولانی رسم می‌کنیم.

۲ ـ نام هر میت را براساس تاریخ فوتش (هرکدام جلوتر فوت کرده مسأله‌ی او را جلوتر می‌نویسیم) روی علامت «میت» یادداشت کرده و اسامی ورّاث حین‌الفوت او را یک بار با قید قرابت و بار دیگر با قید اسم شناسنامه‌ای در ذیل علامت «میت» یادداشت می‌نماییم.

۳ ـ مسأله‌ی هر میت را جداگانه و به روال عادی، همانگونه که قبلاً مسأله‌ی یک میت را حل می‌کردیم (یعنی با پیدا کردن اصل مسأله و عول و ردّ و تصحیح و...) حل می‌کنیم. نخست مسأله‌ی میت اول، سپس میت دوم، سپس میت سوم الی آخره را به صورت کامل حل می‌کنیم.

۴ ـ هنگامی که تمام مسأله‌ها را به ترتیب حل کردیم، عمل مناسخه (یعنی ضرب کردن) را از مسأله‌ی میت دوم آغاز می‌کنیم.

۵ ـ عمل مناسخه دو به دو انجام می‌شود. یعنی نخست عمل مناسخه را برای مسأله میت اول و مسأله‌ی میت دوم انجام می‌دهیم و جامعه‌ی هر دو مسأله را به دست می‌آوریم.

۶ ـ هنگامی که مناسخه‌ی میت اول و دوم پایان یافت، آن دو مسأله را به عنوان یک مسأله‌ی واحده در نظر گرفته و با مسأله میت سوم مقایسه کرده و عمل مناسخه را انجام می‌دهیم (هکذا إلی آخره)

۷ ـ وقتی که عمل مناسخه در مسأله‌ی آخرین میت صورت پذیرفت، در پایان کار کلمه‌ی (الأحیاء) را به صورت دراز و طولانی (همانند علامت میت) رسم کرده و روی آن کلمه‌ی (المبلغ) را می‌نویسیم که نشانه‌دهنده‌ی آخرین جامعه است و سپس در ذیل کلمه‌ی الأحیاء، نام ورّاث زنده‌ی تمام اموات را با ذکر اسامی شناسنامه‌ای هر یک و مقدار سهم‌الارث هر وارث یادداشت می‌کنیم.

۸ ـ در خاتمه برای اطمینان خاطر سهام تمام ورّاث را جمع می‌کنیم تا اگر با مقدار (المبلغ) مساوی شدند، نشان‌دهنده‌ی صحّت عمل مناسخه است.

مراحل حلّ یک مناسخه‌ی دو میتی به روش تابوتی

۱ ـ نخست مسأله‌ی میت اول را حل و در صورت نیاز تصحیح می‌کنیم.

۲ ـ سپس مسأله میت دوم را نیز حل و در صورت نیاز تصحیح می‌کنیم.

۳ ـ عدد مافی‌الید میت دوم را با نگاه کردن اسم او در میان ورّاث میت اول پیدا می‌کنیم و سهام مذکور را پس از پیداکردن داخل علامت تابوت می‌گذاریم.

۴ ـ عدد پیدا شده را در گوشه‌ی سمت چپ علامت «میت دوم» با علامت اختصاری (مف) یادداشت می‌کنیم.

۵ـ عمل مناسخه را با پیداکردن نسبت (تماثل - تداخل - توافق - تباین) در میان اصل مسأله‌ی میت دوم (یا عول یا رد یا تصحیح آن) با عدد مافی‌الید میت دوم، آغاز می‌کنیم.
۶ـ اگر نسبت این دو عدد تماثل بود (یعنی هر دو عدد مساوی بودند) کار ما راحت است و نیازی به انجام عمل ضرب نیست. زیرا تصحیح مسأله اول جوابگوی سهام هر دو مسأله است و نیازی به تصحیح جدید (یا جامعه‌ی جدید) نمی‌باشد.
۷ـ اگر نسبت آن دو عدد توافق بود، وفق هر دو عدد را پیدا می‌کنیم[1] سپس وفق مافی‌الید را در سهام ورّاث میت دوم ضرب می‌کنیم و وفق تصحیح را در سهام ورّاث میت اول (به استثنای سهامی که داخل علامت تابوت هستند) ضرب می‌کنیم و همچنین وفق تصحیح را بار دیگر در اصل مسأله‌ی میت اول (یا تصحیح میت اول) نیز ضرب می‌کنیم تا جامعه‌ی هر دو مسأله به دست آید.
۸ـ اگر نسبت آن دو عدد تباین بود، عدد مافی‌الید را به صورت کامل و دست نخورده در سهام ورّاث میت دوم ضرب می‌کنیم و سپس عدد تصحیح را در سهام ورّاث میت اول (به استثنای سهامی که داخل علامت تابوت هستند) ضرب می‌کنیم. و همچنین بار دیگر عدد تصحیح را در اصل مسأله‌ی میت اول (یا تصحیح میت اول) ضرب می‌کنیم تا جامعه‌ی هر دو مسأله به دست آید.

تذکر ۱ -

تا اینجا مراحل مناسخه برای یک مسأله‌ی دو میتی پایان یافت. اکنون اگر میت سومی هم وجود داشته باشد، عدد مافی‌الید او را با جمع کردن سهام وی از میت اول و دوم به دست آورده و با اصل مسأله (یا تصحیح مسأله خود میت سوم) مقایسه می‌کنیم و پس از پیداکردن نسبت‌ها، عمل ضرب را به طریقه‌ی مذکور انجام می‌دهیم تا جامعه‌ی دوم که عدد بزرگتری از جامعه‌ی اول است به دست آید.

۱- در واقع هر دو عدد را با تقسیم کردن بر عدد مشترک، ساده می‌کنیم تا عملیات ضرب آسان‌تر صورت گیرد.

تذکر ۲ ـ

همواره به یاد داشته باشید که هنگام جمع کردن سهام یک میت برای پیدا کردن عدد مافی‌الید او، به تمام ورّاث میت‌های فوقانی توجه کنید. هرجا اسم آن میت را در جمع ورّاث میت‌های فوقانی پیدا کردید، فوراً مقدار سهم‌الارث او را یادداشت کنید و پس از یادداشت اعداد مذکور، بلافاصله و بدون معطلی اعداد آن سهام را داخل علامت تابوت قرار دهید تا در انجام عمل مناسخه دچار اشتباه نشوید.

حلّ یک مناسخه‌ی دو میتی (حالت تماثل)

صورت مسأله:

شخصی به نام عمر (مورث اعلیٰ) فوت کرده و ورّاث او یک پسر به نام (احمد) و یک دختر به نام (فاطمه) بوده‌اند. متأسفانه به علت شدت تغافل ورّاث از احکام میراث، ترکه‌ی مرحوم عمر تا چندین سال تقسیم نشده تا اینکه پسرش احمد نیز فوت کرده است و ورّاث حین‌الفوت او دو پسر به نام‌های (حامد و محمود) هستند ـ با توجه به اینکه مرحوم احمد سرمایه‌ی اختصاصی از خود ندارد ـ طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی مرحوم عمر در میان بازماندگان مذکور به چه صورت خواهد بود؟

۱ ـ میت — مسأله ۳ — عمر (مورث اعلیٰ)

ابن (احمد)	بنت (فاطمه)
[۲]	۱

۲ ـ میت — مسأله ۲ [نسبت توافق] — مف: ۲ / متوفی: احمد

ابن (حامد)	ابن (محمود)
۱	۱

	المبلغ: ۳	
	الأحیاء	
فاطمه	حامد	محمود
۱	۱	۱

شرح:

۱ ـ ابتدا مسأله‌ی میت اول و دوم را به روال عادی حل کردیم.

۲ ـ مافی‌الید میت دوم (احمد) را از مسأله‌ی میت اول پیدا کرده و سپس آن را داخل علامت تابوت گذاشتیم.

۳ ـ هنگامی که عدد مافی‌الید و اصل مسأله را در مسأله‌ی میت دوم با یکدیگر مقایسه کردیم، ملاحظه شد که نسبت هر دو عدد تماثل است.[1] لذا نیازی به انجام عمل مناسخه وجود ندارد و همان اصل مسأله‌ی اول که عدد (۳) است پاسخگوی سهم‌الارث ورّاث هر دو مسأله می‌باشد.

۴ ـ بنابراین تمام ترکه‌ی مورث اعلیٰ (عمر) را به سه قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم، و به هریک از ورّاث (فاطمه – حامد – محمود) یک سهم آن را تحویل می‌دهیم.

حل یک مناسخه‌ی دو میتی (حالت تداخل)

صورت مسأله:

شخصی به نام حسن (مورث اعلیٰ) فوت کرده است و ورّاث او به ترتیب دو پسر به نام‌های (حسّان و احسان) و دو دختر به اسامی (حسینه و جمیله) هستند. متأسفانه ترکه‌ی مرحوم حسن تا چندین سال تقسیم نشده و به صورت راکد باقی مانده است تا اینکه اخیراً یکی از پسران او به نام (احسان) نیز فوت کرده است و ورّاث حین‌الفوت وی (یک زوجه به نام حُسنیٰ و یک دختر به نام ریحانه و سه پسر به نام‌های: حسین، عثمان و محسن) هستند. با توجه به اینکه مرحوم احسان هیچ سرمایه‌ی اختصاصی از خود ندارد، طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی مورث اعلیٰ (مرحوم حسن) را در میان ورّاث مذکور بنویسید.

۱– یعنی (۲ و ۲) نسبت تماثل دارند و هر دو مساوی‌اند.

جامعه‌ی اوّل ۲۴

مسأله ۶ — مورث اعلیٰ (حسن)

۱ ـ میـــت

ابن	ابن	بنت	بنت
حسّان	احسان	حسینه	جمیله
۲	[۲]	۱	۱
×۴		×۴	×۴
۸		۴	۴

مسأله ۸ (نسبت تداخل) — مف:۲ / متوفی (احسان)

۲ ـ میـــت

زوجه	بنت	ابن	ابن	ابن
حُسنیٰ	ریحانه	حسین	عثمان	محسن
$\frac{۱}{۸}$	للذکر مثل حظّ الانثیین			
۱	۱	۲	۲	۲

المبلغ: ۲۴

الأحیـــاء

حسّان	حسینه	جمیله	حسنیٰ	ریحانه	حسین	عثمان	محسن
۸	۴	۴	۱	۱	۲	۲	۲

شرح:

۱ ـ مسأله میت اول و دوم را به روال عادی حل کردیم.

۲ ـ مقدار مافی‌الید میت دوم را از میت اول که عدد (۲) بود پیدا کرده و سپس آن را داخل علامت تابوت گذاشتیم.

۳ـ اصل مسأله‌ی میت دوم (۸) و عدد مافی‌الید آن (۲) بود که نسبت (۸ و ۲) تداخل است[1] و چون تداخل در حکم توافق می‌باشد، لذا وفق عدد مافی‌الید را که (۱) است در سهام ورّاث میت دوم ضرب کردیم (که تغییری پدید نمی‌آید) و وفق اصل مسأله را که (۴) بود در اصل مسأله‌ی اول و همچنین در سهام ورّاث زنده‌ی میت اول (به استثنای دو سهمی که داخل علامت تابوت بودند) ضرب کردیم.

توجه:

هنگامی که اصل مسأله میت اول را در (۴) ضرب کردیم جامعه‌ی مسأله‌ی اول و دوم که (۲۴) بود بدست آمد.

۴- خلاصه اینکه ترکه‌ی مرحوم حسن به (۲۴) قسمت مساوی در میان ورّاث او به شیوه‌ای که در نقشه واضح است تقسیم می‌گردد.

حل یک مسأله‌ی دو میتی (حالت توافق)

صورت مسأله:

زنی به نام مرحومه راضیه (مورث اعلیٰ) فوت کرده است و ورّاث او (شوهرش به نام سلیمان) و دخترش به نام (آسیه) و مادرش به نام (هاجر) هستند. متأسفانه بر اثر غفلت شدید ورّاث ترکه‌ی مرحومه راضیه تا چندین سال تقسیم نشده است تا اینکه دخترش (مرحومه آسیه) نیز فوت کرده است و ورّاث حین‌الفوت او (پدرش سلیمان) و پسرش (عمران) و مادربزرگش (هاجر) می‌باشند - با فرض اینکه میت دوم هیچگونه سرمایه‌ی اختصاصی از خود ندارد - سهم‌الارث هر وارث را از ترکه‌ی مورث اعلیٰ (مرحومه راضیه) محاسبه کنید.

۱- در واقع هر دو عدد را به عدد (۲) ساده می‌کنیم.

۱ ـ میــــت — مسأله ۱۲ / بعد الرد ۴ / تصحیح ۱۶ / مضروب ۴ / مورث اعلیٰ (راضیه)

زوج	بنت	ام	
(سلیمان)	(آسیه)	(هاجر)	
۱/۴	۱/۲	۱/۶	
۳	۶	۲	← سهام از اصل مسأله
۱ سهم	الباقی: ۳ سهم		
↓	۱۲		
۴	۹	۳	← سهام از ردّ

شرح:

نخست مسأله‌ی میت اول را که یک مسأله‌ی ردّیه از نوع چهارم است حل و از (۱۶) تصحیح کردیم. اکنون مسأله‌ی میت دوم را نیز حل می‌کنیم.

۲ ـ میــــت — مسأله ۶ — متوفی: آسیه

اب	ابن	جده
(سلیمان)	(عمران)	(هاجر)
۱/۶	ق.ع	۱/۶
۱	۴	۱

شرح:

اکنون برای سهولت در انجام عمل مناسخه دوباره مسأله‌ی هر دو میت را به صورت خلاصه زیر هم می‌نویسیم و عمل مناسخه را انجام داده و نتیجه‌ی نهایی را به دست می‌آوریم.

جامعه ۳۲

تصحیح ۱۶ مضروب: ۲ / مورث اعلیٰ (راضیه)

۱ ـ میـــــــت

زوج	بنت	ام
(سلیمان)	(آسیه)	(هاجر)
۴	[۹]	۳
×۲		×۲
۸		۶

مسأله ۶ (توافق در ۳) مف ۹ / متوفی: آسیه

۲ ـ میـــــــت

اب	ابن	جدّه
(سلیمان)	(عمران)	(هاجر)
۱	۴	۱
×۳	×۳	×۳
۳	۱۲	۳

المبلغ: ۳۲

الأحیـــــــاء

سلیمان	عمران	هاجر
۸	۱۲	۶
+۳		+۳
۱۱		۹

شرح:

۱ ـ عمل مناسخه را از مسأله‌ی میت دوم (یعنی مرحومه آسیه) آغاز کردیم و عدد مافی‌الیدش یعنی (۹) را از مسأله‌ی میت اول استخراج کرده و سهام مذکور را فوراً داخل علامت تابوت گذاشتیم.

۲ ـ اصل مسأله‌ی میت دوم (یعنی عدد ۶) و عدد مافی‌الید میت دوم (یعنی عدد ۹) را با یکدیگر مقایسه کردیم.

ملاحظه شد که در میان آنها توافق در (۳) وجود دارد. سپس وفق هر یک را به دست آوردیم.[1]

وفق شش ۲ = ۳ ÷ ۶

وفق نُه ۳ = ۳ ÷ ۹

۳ـوفق مافی‌الید را که عدد (۳) بود در سهام ورّاث میت دوم ضرب کردیم.

۴ـوفق اصل مسأله‌ی میت دوم را که عدد (۲) بود در تصحیح مسأله‌ی اول (یعنی در ۱۶) ضرب کردیم که جامعه‌ی هر دو مسأله یعنی (عدد ۳۲) به دست آمد.

۱۶ × ۲ = ۳۲

۵ـهمچنین وفق اصل مسأله‌ی میت دوم را که (عدد ۲) بود در سهام تمام ورّاث زنده‌ی میت اول (به استثنای ۹ سهم مرحومه آسیه که داخل علامت تابوت بودند) ضرب کردیم.

۶ـبالاخره در پایان مناسخه مشخص شد که بایستی ترکه‌ی (مرحومه راضیه) به (۳۲) قسمت و به صورتی که در نقشه واضح است در میان سه نفر از ورّاث او (سلیمان - عمران - هاجر) تقسیم گردد.

امتحان صحّت مناسخه ۳۲ = ۹ + ۱۲ + ۱۱

حلّ یک مناسخه‌ی دو میتی (حالت تباین)

صورت مسأله:

شخصی به نام مرحوم حامد فوت کرده است و ورّاث او یک زوجه به نام (سلیمه) و سه خواهر مختلف (تنی - پدری - مادری) به ترتیب به نام‌های (سمیّه - حمیده - مریم) هستند. متأسفانه ارث مرحوم حامد تقسیم نشده است تا اینکه خواهر تنی‌اش به نام (سمیه) نیز فوت کرده است و ورّاث او شوهرش به نام (حمید) و دو خواهرش به نام‌های (حمیده و مریم) هستند. با فرض اینکه میت دوم هیچ‌گونه سرمایه‌ی اختصاصی از خود ندارد، شیوه‌ی تقسیم ترکه‌ی مورث اعلی (مرحوم حامد) را در میان ورّاث زنده‌ی هر دو میت ذکر شده بنویسید.

۱- در واقع هر دو عدد (۶ و ۹) را به عدد (۳) ساده کردیم تا عملیات ضرب کوتاه‌تر و مختصرتر گردد.

۱ ـ میــــت حامد (مورث اعلیٰ) — مسأله ۱۲ع ۱۳ / جامعه: ۹۱

اخت خیفی	اخت علّی	اخت عینی	زوجه
مریم	حمیده	سمیّه	سلیمه
۱/۶	۱/۶	۱/۲	۱/۴
۲	۲	۶	۳
×۷	×۷		×۷
۱۴	۱۴		۲۱

۲ ـ میــــت مف ۶ / متوفی: سمیّه — مسأله ۶ع ۷ (نسبت تباین)

اخت خیفی	اخت علّی	زوج
مریم	حمیده	حمید
۱/۶	۱/۲	۱/۲
۱	۳	۳
×۶	×۶	×۶
۶	۱۸	۱۸

الأحیــــاء — المبلغ: ۹۱

حمید	مریم	حمیده	سلیمه
۱۸	۱۴	۱۴	۲۱
	+۶	+۱۸	
	۲۰	۳۲	

شرح:

۱ ـ نخست مسأله‌ی هر دو میت را که عائله هستند حل کردیم. اولی به (۱۳) و دومی به (۷) عول کرده است.

۲ ـ مافی‌الید میت دوم را از ترکه‌ی میت اول که (۶) بود پیدا کرده و فوراً آن را داخل علامت تابوت گذاشتیم تا بعداً اشتباهی صورت نگیرد.
۳ ـ مناسخه را از مسأله‌ی میت دوم (مرحومه سمیّه) با مقایسه‌ی مافی‌الیدش (یعنی عدد ۶) و مقدار عولش (یعنی عدد ۷) آغاز کردیم. نسبت (۶ و ۷) تباین بود، بنابراین کل عدد مافی‌الید را در کلیه‌ی سهام ورّاث میت دوم (مرحومه سمیه) ضرب کردیم.
۴ ـ سپس عدد عول مسأله‌ی دوم را که عدد (۷) بود در عول مسأله‌ی اول (یعنی ۱۳) ضرب نمودیم که حاصل ضرب (۹۱) شد و همین (۹۱) جامعه‌ی هر دو مسأله (مسأله‌ی میت اول و مسأله‌ی میت دوم) است.

توجه:

اگر مسأله‌ی اول (عول) نداشت، ضرب را در اصل مسأله یا در ردّ مسأله یا در تصحیح مسأله‌ی اول انجام می‌دادیم. بنابراین بهتر است که همواره به خاطر داشته باشید که ما با آخرین عدد، عملیات ضرب خود را انجام می‌دهیم. یعنی اگر آخرین عدد (اصل مسأله) بود، عملیات ضرب را روی اصل مسأله انجام می‌دهیم و اگر آخرین عدد (عول مسأله) بود، عملیات ضرب را روی عول مسأله انجام می‌دهیم و اگر آخرین عدد (ردّ مسأله) بود، عملیات ضرب را روی ردّ مسأله انجام می‌دهیم و بالاخره اگر آخرین عدد (تصحیح مسأله) بود، عملیات ضرب را روی تصحیح مسأله انجام می‌دهیم.
۵ ـ در خاتمه دوباره عول مسأله‌ی دوم (یعنی عدد ۷) را در سهام ورّاث زنده‌ی مسأله‌ی اول (به جز شش سهم مرحومه سمیّه که داخل علامت تابوت مشخص شده‌اند) ضرب می‌کنیم.
۶ ـ بدین ترتیب سرمایه (= ترکه‌ی) مرحوم حامد (یعنی مورث اعلیٰ) را به (۹۱ قسمت) مساوی در میان ورّاث مذکور تقسیم نموده و مسأله را پایان می‌دهیم.

تذکر:

دو نفر به نام (حمیده و مریم) وارث مشترک می‌باشند. بدین معنی که این دو نفر هم وارث ترکه‌ی میت اول هستند و هم وارث ترکه‌ی میت دوم. به همین دلیل است که هر یک از این افراد

دارای دو سهم‌الارث هستند. یک سهم از ترکه‌ی میت اول و یک سهم از ترکه‌ی میت دوم دریافت کرده‌اند. لذا در پایان کار هر دو سهم‌الارث آنها را با هم جمع کرده و یک جا به آنان تحویل می‌دهیم.

امتحان صحّت مناسخه ۹۱ = ۱۸ + ۲۰ + ۳۲ + ۲۱

حلّ یک مناسخه‌ی سه میتی

صورت مسأله:

دو نفر زن و شوهر به نام‌های (فاطمه و ادریس) وجود داشته‌اند که اینها از ازدواج با یکدیگر فرزندی نداشته‌اند، البته از ازدواج‌های قبلی دارای فرزند بوده‌اند. به این معنی که (فاطمه) از ازدواج قبلی خود دارای ۳ دختر به نام‌های (آسیه - ساجده - رقیه) است و ادریس نیز از ازدواج سابق خود دارای دو پسر به نام‌های (نظام‌الدین و یاسین) می‌باشد.

اکنون این زن و شوهر پشت سر هم (یکی پس از دیگری) فوت می‌کنند. یعنی ابتدا مرحومه فاطمه فوت می‌کند و ورّاث او شوهرش (ادریس) و مادرش (مریم) و سه دخترش (آسیه - ساجده - رقیه) می‌باشند و متعاقباً چند روز بعد (البته قبل از اینکه ترکه‌ی مرحومه فاطمه) تقسیم شود، شوهر داغدارش (ادریس) نیز بر اثر عارضه‌ی قلبی فوت می‌کند و ورّاث او دو پسرش به نام‌های (نظام‌الدین و یاسین) هستند. و متأسفانه هنوز ارث این دو نفر تقسیم نشده بود که یک ماه بعد (مریم) مادر (فاطمه) نیز در اثر یک تصادف دار فانی را وداع می‌گوید و ورّاث او فقط یک برادر و خواهر پدری به نام‌های (عبدالناصر و زری) هستند. با فرض اینکه مرحوم ادریس (میت دوم) و مرحومه مریم (میت سوم) هیچ سرمایه‌ی اختصاصی از خود نداشته باشند، طریقه‌ی تقسیم ارث مورث اعلیٰ (یعنی مرحومه فاطمه) را در میان ورّاث مذکور بنویسید.

جامعه: ۷۸

۱ ـ میت — مسأله ۱۲ / ع ۱۳ — تصحیح: ۳۹ / مضروب: ۳ / مورث اعلیٰ (فاطمه)

زوج	ام	۳ بنت (آسیه – ساجده – رقیه)
(ادریس)	(مریم)	
$\frac{۱}{۴}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۲}{۳}$ مشترکاً
۳	۲	۸
×۳	×۳	×۳
۹	۶	۲۴
	×۲	×۲
	۱۲	۴۸

این (×۳) برای تصحیح مسأله‌ی اوّل است (نه برای عمل مناسخه)

هنگام انجام عمل مناسخه در مسأله‌ی میت دوم، این علامت تابوت گذاشته می‌شود.

هنگام انجام مناسخه در مسأله‌ی میت سوم، این علامت تابوت گذاشته شد.

۲ ـ میت — مسأله ۲ (نسبت تداخل) — مف: ۹ / متوفی: (ادریس)

ابن	ابن
نظام‌الدین	یاسین
۱	۱
×۹	×۹
۹	۹

۳ ـ میت — مسأله ۳ (نسبت تداخل) — مف: ۱۲ / متوفی: مریم

اخ علّی	اخت علّی
عبدالناصر	زری
۲	۱
×۴	×۴
۸	۴

المبلغ: ۷۸

الأحیاء

آسیه - ساجده - رقیه	نظام‌الدین	یاسین	عبدالناصر	زری
۴۸	۹	۹	۸	۴
۱۶ ، ۱۶ ، ۱۶				

شرح:

۱ ـ نخست مسأله‌ی هر سه میت را جدا جدا حل کردیم. (مسأله‌ی اوّل به علّت وجود کسر در سهام دختران میت، از ۳۹ تصحیح می‌شود).

۲ ـ مناسخه را از مسأله‌ی میت دوم (ادریس) شروع می‌کنیم. یعنی نخست مقدار مافی‌الیدش را از میت اول پیدا می‌کنیم. ملاحظه می‌شود که مقدار مافی‌الیدش (۹) است. بعد از پیداکردن این (۹ سهم) فوراً آنها را داخل تابوت قرار می‌دهیم.

۳ ـ اصل مسأله‌ی میت دوم (۲) و عدد مافی‌الیدش (۹) است و نسبت آنها تباین می‌باشد. لذا طبق قاعده‌ی مناسخه (در حالت تباین) کلّ عدد مافی‌الید (یعنی عدد ۹) را در سهام خود همین میت (یعنی میت دوم) ضرب می‌کنیم و سپس کلّ اصل مسأله (یعنی عدد ۲) را در تصحیح میت اوّل (یعنی عدد ۳۹) و همچنین در تمام سهام ورّاث میت اول (به استثنای سهام ادریس که داخل علامت تابوت هستند) ضرب می‌کنیم. در اثر این ضرب جامعه‌ی هر دو مسأله که عدد (۷۸) است، بدست می‌آید، به این صورت:

۳۹ × ۲ = ۷۸

۴ ـ سپس به سراغ میت سوم می‌رویم و مافی‌الیدش را با کمی دقت در بین ورّاث میت دوم پیدا می‌کنیم. پس از پیداکردن سهام مذکور به خاطر اینکه دچار اشتباه نگردیم، فوراً سهام پیدا شده را داخل علامت تابوت می‌گذاریم.

توجه

ملاحظه می‌شود که اسم میت سوم (یعنی مریم) فقط در میان ورّاث میت اول موجود است و سهمیه‌ی او (۱۲ سهم) می‌باشد. اما در میان ورّاث میت دوم اسمی از (مریم) دیده نمی‌شود.

۵ ـ عدد مافی‌الید میت سوم را که (۱۲) است با اصل مسأله‌اش که (۳) است مقایسه می‌کنیم. ملاحظه می‌شود که در میان (۱۲ و ۳) نسبت تداخل وجود دارد و چون تداخل در حکم توافق است، بنابراین وفق هر دو را به دست می‌آوریم.[1]

وفق (۳) عدد (یک) و وفق (۱۲) عدد (چهار) می‌باشد.

وفق دوازده ۴ = ۳ ÷ ۱۲

وفق سه ۱ = ۳ ÷ ۳

۶ ـ وفق عدد مافی‌الید میت سوم را که (۴) شده است، در سهام خود ورّاث میت سوم ضرب می‌کنیم و وفق اصل مسأله‌ی میت سوم را که (یک) است در سهام ورّاث زنده‌ی میت اول و میت دوم (به استثنای سهامی که داخل علامت تابوت هستند) و همچنین در عدد جامعه‌ی اول (یعنی عدد ۷۸) ضرب می‌کنیم. و چون ضرب در یک اثری ندارد، لذا اعداد مذکور با همان حالت قبلی خود باقی می‌مانند و تغییر نمی‌کنند.

۷ ـ بالاخره ترکه‌ی مورث اعلی (مرحومه فاطمه) به (۷۸) قسمت مساوی و به صورتی که در نقشه مشخص شده است در میان ورّاث هر سه میت تقسیم می‌گردد.

سؤال ۱ ـ

اگر میت دوم (یعنی ادریس) دو میلیون تومان ترکه‌ی اختصاصی از خود داشته باشد، ارث اختصاصی او چگونه تقسیم می‌شود؟

پاسخ:

چون ورّاث مخصوص ادریس فقط دو پسر هستند، به هر یک از پسران او (نظام‌الدین و یاسین) یک میلیون تومان داده می‌شود [یعنی هر پسر ۹ سهم از ترکه‌ی مورث اعلی (فاطمه) دریافت می‌دارد و یک میلیون تومان از ارثیه‌ی پدرش ادریس].

۱- در واقع هر دو عدد (۱۲ و ۳) را به دلیل اینکه بر (۳) بخش‌پذیر هستند، به عدد (۳) ساده کرده‌ایم.

سؤال ۲ ـ
اگر میت سوم (یعنی مریم) سه میلیون تومان ترکه‌ی اختصاصی از خود داشته باشد، ترکه‌ی اختصاصی او چگونه تقسیم می‌شود؟

پاسخ:
چون اصل مسأله‌ی مریم از (۳) است، ترکه‌اش به سه قسمت مساوی تقسیم می‌شود. دو سهم آن به برادرش (عبدالناصر) و یک سهم آن به خواهرش (زری) می‌رسد.
به تعبیری دیگر: عبدالناصر علاوه از (۸) سهمی که از ترکه‌ی مورث اعلیٰ (مرحومه فاطمه) گرفته، دو میلیون تومان از ترکه‌ی اختصاصی مریم می‌گیرد. و زری هم علاوه از (۴) سهمی که از ترکه‌ی مورث اعلیٰ (مرحومه فاطمه) گرفته، یک میلیون تومان دیگر از ترکه‌ی اختصاصی مریم نیز دریافت می‌دارد.

حل مناسخه‌ی چهار میتی کتاب سراجی

مؤلف کتاب سراجی، علاّمه سجاوندی (رح) چنان مسأله‌ای را مطرح کرده است که در طی آن تمام نسبت‌های (تماثل، توافق، تباین) به وجود آمده و تقریباً همه‌ی قواعد مناسخه نیز در ضمن آن اجرا می‌گردند.

صورت مسأله:
۱ ـ زن سرمایه‌داری به نام مرحومه صفیه فوت کرده است و ورّاث او: شوهرش (عبدالرحمن) و دختری از شوهر سابقش (زبیده) و مادرش (خدیجه) هستند.
۲ ـ متأسفانه ارث مرحومه صفیه تقسیم نمی‌شود تا اینکه بر اثر گذشت زمان شوهرش (عبدالرحمن) نیز فوت می‌کند و ورّاث او: زوجه‌ی دومش (عایشه)، پدرش (عبداللّه) و مادرش (زاهده) هستند.
۳ ـ باز هم در اثر غفلت ورّاث از احکام میراث، ارث مرحومه صفیه همچنان بدون تقسیم باقی می‌ماند تا اینکه دخترش (زبیده) نیز دار فانی را وداع می‌گوید و ورّاث او: مادربزرگش از طرف

مادر به نام (خدیجه) و دو پسرش به نام‌های (عبدالوحید و عبدالکریم) و یک دخترش به نام (عابده) هستند.

۴ ـ باز چندین سال دیگر این غفلت با شدت تمام ادامه می‌یابد تا اینکه مادر پیرش (خدیجه) نیز فوت می‌کند و ورّاث او: شوهر دومش (عبدالصمد) و دو برادر تنی‌اش به نام‌های (عبدالاحد و عبدالقیوم) هستند.

۵ ـ اکنون که مرگ و میرها زیاد شده است و ورّاث بر سر عقل آمده و به خوبی فهمیده‌اند که «دنیا و مال و ثروت آن ارزشی ندارد»! لذا به تازگی خواستار تقسیم ترکه‌ی مرحوم صفیه (مورث اعلیٰ) در میان بازماندگان هستند. با توجه به این مطلب که هیچ‌یک از اموات بعدی (یعنی مرحوم عبدالرحمن و مرحومه زبیده و مرحومه خدیجه) سرمایه‌ی اختصاصی از خود ندارند، چگونگی تقسیم ترکه‌ی مرحومه صفیه را در میان ورّاث مذکور بنویسید.

«اجرکم عندالله»

الجواب بإسم مُلهم الصواب

ترکه‌ی مرحومه صفیه به (۱۲۸ سهم) به ترتیب زیر در میان (۹) نفر از ورّاث او تقسیم می‌گردد.

۱ ـ عایشه: ۸ سهم
۲ ـ عبدالرحمن: ۱۶ سهم
۳ ـ زاهده: ۸ سهم
۴ ـ عبدالوحید: ۲۴ سهم
۵ ـ عبدالکریم: ۲۴ سهم
۶ ـ عابده: ۱۲ سهم
۷ ـ عبدالصمد: ۱۸ سهم
۸ ـ عبدالأحد: ۹ سهم
۹ ـ عبدالقیوم: ۹ سهم

شرح راه حل:

*** ۱- ابتدا هر چهار مسأله را جدا جدا (و بدون ارتباط با هم) حل می‌کنیم.

۱ ـ میت — مسأله ۱۲ بعدالرد ۴ / تصحیح ۱۶ — مورث اعلی (صفیه)

زوج	بنت	ام	
(عبدالرحمن)	(زبیده)	(خدیجه)	
$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$	← فروض مقدّره
۴	۹	۳	← سهام از تصحیح

۲ ـ میت — مسأله ۴ — متوفی (عبدالرحمن)

زوجه	اب	ام
(عایشه)	(عبداللّه)	(زاهده)
$\frac{1}{4}$	ق.ع	$\frac{1}{3}$ باقی مانده
۱	۲	۱

تذکر:

این یک مسأله از دو مسأله‌ی مشهور عمریتان است.

۳ ـ میت — مسأله ۶ — متوفی (زبیده)

جدّه	ابن	ابن	بنت
(خدیجه)	(عبدالوحید)	(عبدالکریم)	(عابده)
$\frac{1}{6}$	للذکر مثل حظ الانثیین		
۱	۲	۲	۱

۴ - میت — مسأله ۲ / تصحیح ۴ — مضروب : ۲ / متوفی (خدیجه)

زوج (عبدالصمد)	اخ (عبدالأحد)	اخ (عبدالقیوم)
$\frac{1}{2}$	ق.ع	
۱	۱	
	۲	
۲	۱	۱

*** ۲- اکنون عمل مناسخه را از مسألهی میت دوم با پیداکردن مقدار مافی‌الید او آغاز می‌کنیم:

۱ - میت — تصحیح ۱۶ — مورث اعلیٰ (صفیه)

عبدالرحمن	زبیده	خدیجه
۴	۹	۳

۲ - میت — مسأله ۴ [نسبت تماثل] — مف: ۴ / متوفی: عبدالرحمن

عایشه	عبدالله	زاهده
۱	۲	۱

شرح:

چون نسبت مافی‌الید و اصل مسأله در میت دوم (تماثل) است، لذا نیازی به انجام عمل مناسخه در این میت وجود ندارد. بنابراین به سراغ میت سوم می‌رویم.

البته باید توجه داشته باشید که در این مرحله فقط سهام (عبدالرحمن) را داخل علامت تابوت گذاشته‌ایم.

۳ - میت — مسأله ۶ (توافق درسه) — مف: ۹ / متوفی: زبیده

خدیجه	عبدالوحید	عبدالکریم	عابده
۱	۲	۲	۱

شرح:

الف) مافی‌الید زبیده را که (۹ سهم) بود از مسأله‌ی میت اول پیدا کرده و آن را داخل علامت تابوت گذاشتیم. اکنون دو عدد را مقایسه کرده و نسبت آنها را پیدا می‌کنیم.

ب) مافی‌الید میت سوم (۹) و اصل مِسأله‌ی آن نیز (۶) است و نسبت (۹ و ۶) توافق در (۳) است. بنابراین نخست وفق هر دو را به دست می‌آوریم.[1]

وفق نُه ← ۳ = ۳ ÷ ۹

وفق شش ← ۲ = ۳ ÷ ۶

حال وفق نُه (یعنی عدد سه را) در سهام ورّاث خود زبیده ضرب می‌کنیم و وفق شش (یعنی عدد دو را) در سهام ورّاث زنده‌ی میت‌های بالا (یعنی میت دوم و میت اول) ضرب می‌کنیم. [البته در سهام ورّاث مرده (یعنی عبدالرحمن و زبیده) که سهام آنان داخل علامت تابوت مشخص هستند، هیچ ضربی صورت نمی‌گیرد.]

ج) همچنین وفق اصل مسأله را که (۲) شده بود در تصحیح مسأله‌ی اول که (۱۶) بود ضرب می‌کنیم تا جامعه‌ی اول به دست آید.

جامعه‌ی اول ← ۳۲ = ۲ × ۱۶

تذکر:

اکنون عدد (۳۲) جامعه‌ی مسأله‌ی اول و دوم و سوم می‌باشد.

*****۳ـ تا این مرحله نقشه‌ی مناسخه به شکل زیر درآمده است:**

۱ ـ میت — تصحیح ۱۶ جامعه ۳۲ — مورث اعلیٰ (صفیه)

عبدالرحمن	زبیده	خدیجه
[۴]	[۹]	۳ ×۲ = ۶

۱- در واقع (۹ و ۶) هر دو را به (۳) ساده کرده‌ایم.

۲ ـ میـــــت — مسأله ۴ — مف: ۴ / متوفی: عبدالرحمن

عایشه	عبدالله	زاهده
۱	۲	۱
×۲	×۲	×۲
۲	۴	۲

۳ ـ میـــــت — مسأله ۶ — مف: ۹ / متوفی: زبیده

خدیجه	عبدالوحید	عبدالکریم	عابده
۱	۲	۲	۱
×۳	×۳	×۳	×۳
۳	۶	۶	۳

شرح:

۱ ـ اکنون به سراغ آخرین میت (میت چهارم) می‌رویم تا عمل مناسخه را روی آن انجام دهیم. طبق دستور ابتدا عدد مافی‌الیدش را از اموات فوقانی با نگاه کردن در بین ورّاث (میت اول و میت دوم و میت سوم) پیدا می‌کنیم. بعد از پیدا کردن سهام مذکور فوراً آنها را داخل علامت تابوت قرار می‌دهیم تا بعداً هنگام ضرب کردن دچار سرگردانی و اشتباه نگردیم.

۲ ـ اسم میت چهارم (خدیجه) است و مشخصات وی در میان ورّاث میت اول وجود دارد و (۶) سهم گرفته است. فوراً (۶) سهم مذکور را داخل علامت تابوت می‌گذاریم. (در میان ورّاث میت دوم اسمی از خدیجه خانم نیست) البته در میان ورّاث میت سوم اسم خدیجه وجود دارد و دارای (۳) سهم است. این سه سهم را نیز داخل علامت تابوت قرار می‌دهیم. بنابراین مافی‌الید (خدیجه) روی هم (۹ سهم) می‌شود. زیرا: ۹ = ۳ + ۶

۳ ـ مافی‌الید خدیجه (۹) و عدد تصحیح آن (۴) است و در میان (۹ و ۴) نسبت تباین وجود دارد. لذا عدد (۹) را در سهام ورّاث خود خدیجه ضرب می‌کنیم و عدد (۴) را در تمام سهام ورّاث زنده‌ی اموات فوقانی (یعنی میت اول و دوم و سوم) و همچنین در جامعه‌ی اول که عدد (۳۲)

بود ضرب می‌کنیم. و بدین ترتیب عدد جامعه‌ی دوم این مناسخه که عدد (۱۲۸) است و آخرین جامعه می‌باشد، به دست می‌آید.

بالاخره شکل مناسخه پس از انجام دادن عملیات مناسخه در میت چهارم به صورت زیر درمی‌آید:

۱ ـ میت — جامعه‌ی اوّل ۳۲ / جامعه‌ی دوّم ۱۲۸ — مورث اعلی (صفیه)

عبدالرحمن	زبیده	خدیجه
۴	۹	۶

تذکر:

در ورّاث میت اول هیچ ضربی در این مرحله صورت نمی‌گیرد. زیرا هیچ‌کدام زنده نیستند و سهام همگی آنها داخل علامت تابوت رفته‌اند. فقط در عدد جامعه (یعنی ۳۲) ضرب صورت می‌گیرد و تبدیل به (۱۲۸) می‌شود.

۲ ـ میت — متوفی: عبدالرحمن

عایشه	عبدالله	زاهده
۲	۴	۲
×۴	×۴	×۴
۸	۱۶	۸

۳ ـ میت — متوفی: زبیده

خدیجه	عبدالوحید	عبدالکریم	عابده
۳	۶	۶	۳
	×۴	×۴	×۴
	۲۴	۲۴	۱۲

توجه:

فقط در سهام خدیجه ضرب صورت نگرفت. زیرا سهامش داخل علامت تابوت رفته بود.

متوفی: خدیجه

۴ ـ میـــت

عبدالصمد	عبدالاحد	عبدالقیوم
۲	۱	۱
×۹	×۹	×۹
۱۸	۹	۹

توجه:

تمام سهام ورّاث مرحومه خدیجه در عدد (۹) که مافی‌الید خود خدیجه بود، ضرب شدند.

مراحل پایانی این مناسخه

۱ ـ اکنون مناسخه پایان یافت و معلوم شد که جامعه‌ی مسایل هر چهار میت مذکور عدد (۱۲۸) است. یعنی از عدد (۱۲۸) می‌توان سهام هر (۹ وارث) مسأله را بدون ایجاد کسر پرداخت نمود.

۲ ـ اکنون علامت (الأحیاء) را رسم کرده و اسامی هر (۹) وارث مناسخه را نوشته و سهام آنها را از مسأله‌ی هر میت جمع‌آوری نموده و در ذیل اسم افراد مذکور یادداشت می‌نماییم و به دردسر خود پایان می‌دهیم.

المبلغ: ۱۲۸

الأحـــاء

عایشه	عبدالله	زاهده	عبدالوحید	عبدالکریم	عابده	عبدالصمد	عبدالاحد	عبدالقیوم
۸	۱۶	۸	۲۴	۲۴	۱۲	۱۸	۹	۹
سهام ورّاث زنده‌ی میت دوّم			سهام ورّاث زنده‌ی میت سوّم			سهام ورّاث زنده‌ی میت چهارم		

روش درصدی برای حلّ مناسخه

در این روش مقدار ترکه‌ی مورث اعلی (۱۰۰ تومان یا ۱۰۰ قسمت) فرض می‌شود و به تدریج در میان ورّاث هر میت به صورت درصدی تقسیم می‌گردد. سرانجام در پایان مناسخه سهام تمام ورّاث موجود در مسأله به شکل درصدی به دست می‌آید. این روش نسبت به روش قبل ساده‌تر و عام فهم‌تر است و با کمک یک ماشین حساب ساده می‌توان به سادگی عملیات ضرب و تقسیم مربوط به آن را انجام داد. در حلّ مناسخه با این روش به سه نکته‌ی اساسی زیر توجه فرمایید.

۱ ـ مقدار مافی‌الید هر میت را از میت‌های قبلی با دقت جمع کنید تا اشتباهی در تعیین مافی‌الید صورت نگیرد.

۲ ـ پس از تقسیم مافی‌الید هر میت در میان ورّاث او، دو مرتبه سهام را جمع کنید که اگر با مقدار مافی‌الید مساوی شدند معلوم می‌شود که تمام مافی‌الید را به درستی در میان ورّاث توزیع (تقسیم) کرده‌اید.

۳ ـ در پایان مناسخه یک بار دیگر نیز سهام را جمع کنید که اگر مساوی با (۱۰۰) شدند، معلوم می‌شود که تمام عمل مناسخه را تا انتها به درستی انجام داده‌اید وگرنه دوباره عملیات خود را بررسی نموده و اشتباهات را پیدا کرده و تصحیح نمایید.

امتیازات روش درصدی بر روش تابوتی

۱ ـ در این روش هیچ نیازی به پیدا کردن نسبت‌های اعداد (تداخل - توافق - تباین) وجود ندارد.

۲ ـ هیچ نیازی به انجام فرمول مناسخه (مقایسه‌ی مافی‌الید و تصحیح) وجود ندارد.

۳ ـ هیچ نیازی به پیدا کردن جامعه‌های متعدد وجود ندارد.

۴ ـ هیچ نیازی به علامت‌گذاری‌های تابوتی وجود ندارد.

۵ ـ در پایان مسأله سهمیه‌ی هر وارث به صورت ساده و متداول درصدی که امروزه در میان مردم رایج شده است و عام‌فهم‌تر نیز می‌باشد، بدست می‌آید.

حلّ مناسخه‌ی چهار میتی کتاب سراجی با روش درصدی

۱ـ نخست مسأله‌ی میت اول (مورث اعلیٰ) را به روال عادی حل کرده و سپس سهمیه‌ی هر یک از ورّاث را از ترکه‌ی مذکور (یعنی ۱۰۰ تومان) محاسبه می‌کنیم.

۱ ـ میت — مسأله ۱۲ بعدالرد ۴ / تصحیح ۱۶ / مقدار ترکه ۱۰۰ / صفیه (مورث اعلیٰ)

زوج	بنت	ام
(عبدالرحمن)	(زبیده)	(خدیجه)
۴	۹	۳
٪۲۵	٪۵۶/۲۵	٪۱۸/۷۵

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی صفیه $۱۰۰ \div ۱۶ = ۶/۲۵$

سهم عبدالرحمن $۶/۲۵ \times ۴ = ۲۵$

سهم زبیده $۶/۲۵ \times ۹ = ۵۶/۲۵$

سهم خدیجه $۶/۲۵ \times ۳ = ۱۸/۷۵$

۲ ـ سپس مسأله‌ی میت دوم را به همین صورت حل می‌کنیم و مافی‌الید میت دوم را از میت اول که (۲۵) است، نقداً در میان ورّاث او تقسیم می‌نماییم.

۲ ـ میت — مسأله ۴ — مِف: ۲۵ (متوفی: عبدالرحمن)

زوجه	اب	ام
(عایشه)	(عبدالله)	(زاهده)
۱	۲	۱
۶/۲۵	۱۲/۵	۶/۲۵

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی عبدالرحمن | ۲۵ ÷ ۴ = ۶/۲۵

سهم عایشه ۶/۲۵ × ۱ = ۶/۲۵
سهم عبدالله ۶/۲۵ × ۲ = ۱۲/۵
سهم زاهده ۶/۲۵ × ۱ = ۶/۲۵

۳ـ سپس مسأله‌ی میت سوم را به همین صورت حل می‌کنیم و مقدار مافی‌الید میت سوم را که از میت اول بدست آورده و (۵۶/۲۵) است، نقداً در میان ورّاث او به صورت زیر تقسیم می نماییم:

۳ - میت — مسأله ۶ — مف: ۵۶/۲۵ (متوفی: زبیده)

جدّه	ابن	ابن	بنت
(خدیجه)	(عبدالوحید)	(عبدالکریم)	(عابده)
۱	۲	۲	۱
۹/۳۷۵	۱۸/۷۵	۱۸/۷۵	۹/۳۷۵

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی زبیده | ۵۶/۲۵ ÷ ۶ = ۹/۳۷۵

سهم خدیجه ۹/۳۷۵ × ۱ = ۹/۳۷۵
سهم عبدالوحید ۹/۳۷۵ × ۲ = ۱۸/۷۵
سهم عبدالکریم ۹/۳۷۵ × ۲ = ۱۸/۷۵
سهم عابده ۹/۳۷۵ × ۱ = ۹/۳۷۵

۴ ـ اکنون مسأله‌ی میت چهارم (یعنی خدیجه) را حل می‌کنیم.
مافی‌الید او از میت اول (۱۸/۷۵) و از میت سوم (۹/۳۷۵) است که اگر هر دو را جمع کنیم (۲۸/۱۲۵) می‌شود.

کلّ مافی‌الید خدیجه ۱۸/۷۵ + ۹/۳۷۵ = ۲۸/۱۲۵

مسأله ۲ تصحیح ۴ — مف: ۲۸/۱۲۵ متوفی (خدیجه)

میـــــــــت

زوج	اخ	اخ
(عبدالصمد)	(عبدالأحد)	(عبدالقیوم)
۲	۱	۱
۱۴/۰۶۲۵	۷/۰۳۱۲۵	۷/۰۳۱۲۵

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی خدیجه **۲۸/۱۲۵ ÷ ۴ = ۷/۰۳۱۲۵**

سهم عبدالصمد ۷/۰۳۱۲۵ × ۲ = ۱۴/۰۶۲۵
سهم عبدالأحد ۷/۰۳۱۲۵ × ۱ = ۷/۰۳۱۲۵
سهم عبدالقیوم ۷/۰۳۱۲۵ × ۱ = ۷/۰۳۱۲۵

۵ ـ مناسخه پایان یافت و اکنون سهام ورّاث را به صورت درصدی در ذیل نام هر یک ثبت می‌کنیم.

المبلغ: ۱۰۰
الأحیـــــــــاء

عایشه	عبدالله	زاهده	عبدالوحید	عبدالکریم	عابده	عبدالصمد	عبدالاحد	عبدالقیوم
۶/۲۵	۱۲/۵	۶/۲۵	۱۸/۷۵	۱۸/۷۵	۹/۳۷۵	۱۴/۰۶۲۵	۷/۰۳۱۲۵	۷/۰۳۱۲۵
مجموع: ۲۵			مجموع: ۴۶/۸۷۵			مجموع: ۲۸/۱۲۵		

امتحان صحّت مناسخه ۱۰۰ = ۲۸/۱۲۵ + ۴۶/۸۷۵ + ۲۵

تذکر

برای اینکه خوانندگان عزیز مطمئن شوند که این روش بسیار ساده است و پاسخ آن با روش قبلی هیچ تفاوتی ندارد، دو مرتبه همین مثال را به شیوه‌ی دیگر حل می‌کنیم.
فرض کنید در مناسخه‌ی مذکور سرمایه‌ی مورث اعلی (مرحومه صفیه) ۱۲۸ تومان است. اکنون طریقه‌ی تقسیم آن را در میان (۹) وارث مذکور به این صورت محاسبه می‌کنیم.

روش محاسبه:

چون ما حلّ کامل این مناسخه را به روش درصدی انجام داده‌ایم، لذا با سهولت کامل می‌توانیم (۱۲۸) تومان را در میان ورّاث مذکور تقسیم نماییم. به این صورت:
مثلاً: چون سهمیه‌ی عایشه ۶/۲۵٪ است، لذا همین درصد را از (۱۲۸ تومان) جدا کرده و به عایشه می‌دهیم.

سهمیه‌ی عایشه $۸ = ۱۰۰ \div ۸۰۰ = ۱۰۰ \div (۶/۲۵ \times ۱۲۸)$

اکنون سهمیه‌ی ورّاث دیگر را نیز به همین ترتیب محاسبه می‌کنیم. یعنی درصد هر یک را در مقدار ترکه‌ی مورث اعلیٰ (همان ۱۲۸ تومان) ضرب کرده و حاصل ضرب را بر عدد (۱۰۰) تقسیم می‌نماییم.

(۱)

سهمیه‌ی عبدالله $\frac{۱۲/۵ \times ۱۲۸}{۱۰۰} = ۱۶$

سهمیه‌ی زاهده $\frac{۶/۲۵ \times ۱۲۸}{۱۰۰} = ۸$

(۲)

سهمیه‌ی عبدالوحید $\frac{۱۸/۷۵ \times ۱۲۸}{۱۰۰} = ۲۴$

سهمیه‌ی عبدالکریم $\frac{۱۸/۷۵ \times ۱۲۸}{۱۰۰} = ۲۴$

سهمیه‌ی عابده $\frac{۹/۳۷۵ \times ۱۲۸}{۱۰۰} = ۱۲$

سهمیه‌ی عبدالصمد $۱۸ = \frac{۱۴/۰۶۲۵\times ۱۲۸}{۱۰۰}$

(۳) سهمیه‌ی عبدالأحد $۹ = \frac{۷/۰۳۱۲۵\times ۱۲۸}{۱۰۰}$

سهمیه‌ی عبدالقیوم $۹ = \frac{۷/۰۳۱۲۵\times ۱۲۸}{۱۰۰}$

ملاحظه فرمودید که عیناً به اندازه‌ی سهامی که قبلاً (با روش تابوتی و مشکل سراجی) بدست آورده بودیم، با این روش هم (البته با زحمت کمتری) بدست آوردیم.

بنابراین هنگامی که مقدار ترکه‌ی مورث اعلیٰ مشخص باشد، به ترتیبی که ذکر شد، به آسانی می‌توان با یک ضرب و تقسیم ساده و باکمک یک ماشین حساب معمولی، سهمیه‌ی هر وارث را به سادگی محاسبه کرد و نیازی به پیمودن روش دشوار کتاب سراجی یا رسم شبکه‌های غول‌پیکر که شباهت زیادی با برج‌های چند طبقه دارد (و در دادگاههای کشورهای عربی به هنگام حلّ مناسخات و انحصار وراثت رایج است) وجود ندارد.

توضیح کوتاهی درباره‌ی «درصد»

گاهی اوقات برای آن که درک بهتری از یک کمیت داشته باشیم، آن را به صورت **درصد** بیان می‌کنیم. مثلاً وقتی که می‌گوییم ٪۳۰ یا ۳۰٪ (سی درصد) از یک چیز، منظور آن است که اگر آن چیز را به (۱۰۰ قسمت مساوی) تقسیم نماییم، تنها (۳۰ قسمت) آن مورد نظر است. به این مثال‌ها توجه فرمایید:

۲۵ **درصد** یعنی رُبع ($\frac{۱}{۴}$) یک چیز ← $\frac{۱}{۴} = ۲۵\%$

۵۰ **درصد** یعنی نصف یک چیز ← $\frac{۱}{۲} = ۵۰\%$

۷۵ درصد یعنی $\frac{۳}{۴}$ یک چیز ← $\frac{۳}{۴} = ۷۵\%$

۸۰ درصد یعنی $\frac{۴}{۵}$ یک چیز ← $\frac{۴}{۵} = ۸۰\%$

سؤال:

(۸۰۰) تومان را ده درصد، ده درصد، محاسبه کنید.

۱- ده درصد ۸۰۰ تومان ← ۸۰ تومان می‌شود.

۲- بیست درصد ۸۰۰ تومان ← ۱۶۰ تومان می‌شود.

۳- سی درصد آن ← ۲۴۰ تومان می‌شود.

۴- چهل درصد آن ← ۳۲۰ تومان می‌شود.

۵- پنجاه درصد آن ← (یعنی نصف) ۴۰۰ تومان می‌شود.

۶- شصت درصد آن ← ۴۸۰ تومان می‌شود.

۷- هفتاد درصد آن ← ۵۶۰ تومان می‌شود.

۸- هشتاد درصد آن ← ۶۴۰ تومان می‌شود.

۹- نود درصد آن ← ۷۲۰ تومان می‌شود.

۱۰- صد درصد آن ← (یعنی کل) ۸۰۰ تومان می‌شود.

یک راه ساده برای محاسبه‌ی درصد

کافی است که ابتدا ده درصد آن عدد را محاسبه کنیم.[۱] اکنون اگر آن را در (۲) ضرب کنیم، بیست درصد آن به دست می‌آید و اگر در (۳) ضرب کنیم، سی درصد آن بدست می‌آید. (الی آخره)

مثال:

۶۰٪ هشتصد تومان را محاسبه کنید.

چون ده درصد هشتصد تومان (۸۰ تومان) است. پس اگر آن را در (۶) ضرب کنیم. شصت درصد آن بدست می‌آید.

تومان ۸۰ × ۶ = ۴۸۰

۱- یعنی آن را تقسیم بر ده کنیم.

تذکر:

در فقه اسلامی، زکات تمام کالاهای تجاری و نقود مختلف ($\frac{۱}{۴۰}$) است که این مقدار براساس درصد، (۲/۵ درصد) می‌شود.[۱]

❑ تمرینات مناسخه

* مناسخات زیر را حل کنید. (برای آسانی کار فقط نقشه‌ها را رسم کرده‌ایم).

تمرین ۱-

۱ ـ میـــــــــت عمر (مورث اعلیٰ)

زوجه	عمو
(خدیجه)	(علی)

۲ ـ میـــــــــت (متوفی: علی)

ابن	بنت صلبی
(رشید)	(سلیمه)

تمرین ۲-

۱ ـ میـــــــــت مورث اعلیٰ (عبدالغفور)

ابن	بنت صلبی
(ابوبکر)	(عایشه)

۲ ـ میـــــــــت متوفی: ابوبکر

بنت صلبی	اخت عینی
حسینه	عایشه

۱- این بحث مختصر درصد برای کم‌سوادان مطرح شده است. (باسوادان ناراحت نشوند)!

تمرین ۳-

۱ - میت — مورث اعلیٰ: زوجه

زوج — اخت عینی — اخت عینی

۲ - میت — (متوفی: اخت عینی)

بنت صلبی — اخت عینی

تمرین ۴-

۱ - میت — فاطمه (مورث اعلیٰ)

زوج	بنت	اخ عینی
(احمد)	(ثریا)	(نجم‌الدین)

۲ - میت — متوفی: ثریا

اب	ابن
(احمد)	(مجاهد)

تمرین ۵-

۱ - میت — بلال (مورث اعلیٰ)

جده پدری	جده مادری	خواهر عینی	خواهر علّی	خواهر خیفی
مریم	عایشه	زری	پری	نازنین

۲ - میت — متوفی: نازنین

خواهر خیفی	خواهر علّی	خواهر علّی	جده مادری
زری	شهین	ساره	عایشه

تمرین ۶-

۱ ـ میـــــــــت مورث اعلیٰ: (عبدالواحد)

زوجه	اخ عینی
(حلیمه)	(عبدالماجد)

۲ ـ میـــــــــت متوفی: عبدالماجد

ابن الابن	ابن الابن	بنت الابن	بنت الابن
عبدالأحد	عبدالصمد	سلیمه	خدیجه

تمرین ۷-

۱ ـ میـــــــــت مورث اعلیٰ: خالد

ابن	بنت
بشیر	جمیله

۲ ـ میـــــــــت متوفی: بشیر

ابن	بنت
عبدالحلیم	خدیجه

تمرین ۸-

۱ ـ میـــــــــت مورث اعلیٰ (مراد)

زوجه	ابن	ابن	ابن	بنت
عاطفه	ابوبکر	عمر	عثمان	سمیّه

متوفی: سمیه

۲ - میت

ام	اخ	اخ	اخ
عاطفه	ابوبکر	عمر	عثمان

تمرین ۹-

مورث اعلیٰ (حمزه)

۱ - میت

زوجه	ام	جدّ صحیح	ابن	جده مادری	اخت عینی
سعیده	کلثوم	جمال	کمال	رقیه	صفیه

متوفی: کلثوم

۲ - میت

بنت	ام	ابن‌الابن
صفیه	رقیه	کمال

تمرین ۱۰-

مورث اعلیٰ: عمر

۱ - میت

زوجه	ام	ابن
حفیظه	فاطمه	نعیم

متوفی: کلثوم

۲ - میت

ابن	ابن	بنت	بنت
سلیم	کریم	رابعه	ساجده

تمرین ۱۱-

مورث اعلی: فاطمه

۱ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوج	ام	۳ بنت (آسیه - ساجده - رقیه)
(ادریس)	(مریم)	«از شوهر سابق»

متوفی: ادریس

۲ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

ابن	ابن
نظام‌الدین	یاسین

متوفی: مریم

۳ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

اخ علّی	اخت علّی
عبدالناصر	زری

تمرین ۱۲-

مورث اعلیٰ (عبدالله)

۱ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوجه	ابن	ابن	بنت صلبی
مریم	سعید	مسعود	سمیّه

متوفی: سعید

۲ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوجه	ام	اخ عینی	اخت عینی
راضیه	مریم	مسعود	سمیّه

متوفی: مریم

۳ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

ابن	بنت
مسعود	سمیه

تمرین ۱۳-

۱ ـ میـــت — مورث اعلی: (ابراهیم)

ابن	بنت
عبدالله	مرضیه

۲ ـ میـــت — متوفی: عبدالله

ابن	ابن	بنت
زاهد	عابد	هاجره

۳ ـ میـــت — متوفی: مرضیه

ابن‌الاخ	ابن‌الاخ	بنت‌الاخ (ذوی‌الارحام)
زاهد	عابد	هاجره

۴ ـ میـــت — متوفی: زاهد

زوجه	اخت عینی	اخ علّی
اسماء	هاجره	عابد

تمرین ۱۴-

۱ ـ میـــت — مورث اعلیٰ (احمد)

زوجه	اب	ابن	ابن
حسینه	سعید	جمیله	عقیل

۲ ـ میـــت — متوفی: جمیله

زوج	ابن	بنت
سعید	حمید	ساره

۳ - میت — متوفی: حسینه

اب	ام	ابن
حبیب	وحیده	عقیل

۴ - میت — متوفی: سعید

ابن	بنت
حمید	ساره

۵ - میت — متوفی: عقیل

زوجه	ابن	ابن	ابن	بنت
زبیده	حسن	حسین	محسن	حلیمه

فصل سوّم

باَب: میراث ذوی‌الأُرحام

- مذاهب مختلف درباره‌ی توریث ذوی‌الأُرحام
- نظام توریث صنف اول
- نظام توریث صنف دوم
- نظام توریث صنف سوم
- نظام توریث صنف چهارم
- نظام توریث اولاد صنف چهارم

□ باب ذوی‌الأرحام
ذو رحم در لغت مطلقاً به معنای خویشاوند آمده است.

و در اصطلاح علمای میراث:
به هر خویشاوندی که صاحب فرض و عصبه نباشد و هنگام تنها بودن کلّ ترکه‌ی میت را به خودش اختصاص دهد، وارث ذو رحم گفته می‌شود.[1]
مانند: فرزندانِ دختر میت - فرزندانِ خواهر میت - جدّ فاسد - جدّه‌ی فاسده - دایی - عمه - خاله و...

مذاهب علماء درباره‌ی توریث ذوی‌الارحام

فقهاء درباره‌ی توریث ذوی‌الارحام دو نظریه دارند.

مذهب اوّل ـ مذهب امام ابوحنیفه و امام احمد:
به ذوی‌الارحام ارث داده می‌شود و این رأی حضرت عمر و علی و عبدالله بن مسعود و عبدالله‌بن عباس (رضی‌الله تعالی عنهم اجمعین) می‌باشد.
* **بنابراین در فقه احناف و حنابله:** ذوی‌الارحام زمانی ارث می‌برند که شخص متوفیٰ وارث ذو فرض یا عصبه نداشته باشد و یا از میان اصحاب فروض فقط یکی از زوجین باقی مانده باشد. همچنان‌که اگر زنی بمیرد و فقط شوهر و دایی داشته باشد، شوهر نصف ترکه را می‌برد و نصف

۱- الفقه الاسلامی ص ۷۸۵۰/ ج ۱۰.

دیگر به دایی می‌رسد. زیرا جزو ذوی‌الارحام است.

دلایل:

۱- در قرآن کریم آمده است: و اولوالارحام بعضهم اولی من بعض فی کتاب اللّه[۱].

۲- در سنّت نبوی این احادیث ذکر شده‌اند:

الف) پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: ابن أخت القوم منهم[۲]

ب) و نیز آن حضرت ﷺ فرموده‌اند: من ترک مالاً فلورثته؛ و أنا وارث من لا وارث له، أعقل عنه و أرثه، والخال وارث من لا وارث له، یعقل عنه و یرثه.[۳]

۳- از واقعاتی که در زمان پیامبر خدا ﷺ و در عهد صحابه اتفاق افتاده به صراحت معلوم می‌شود که به ذوی‌الارحام نیز ارث داده می‌شود. مانند این واقعات:

واقعه اول

ثابت بن دَحْدَاح که شخص غریبی بود در زمان رسول خدا ﷺ فوت کرد و پیامبر خدا ﷺ از عاصم بن عدی پرسیدند: آیا شما درباره‌ی نسب این شخص اطلاعی دارید؟ او گفت: خیر. آنگاه پیامبر خدا ﷺ خواهرزاده‌ی وی به نام (ابولبابه بن عبدالمنذر) را طلبید و ترکه‌اش را به او بخشید.[۴]

واقعه دوم

حضرت ابوعبیده بن الجرّاح نامه‌ای به طرف حضرت عمر رضی الله عنه نوشت و گفت: سهل بن حنیف کشته شده و وارث دیگری به جز یک دایی ندارد. آیا ترکه‌اش را به او بدهیم یا خیر؟ حضرت عمر رضی الله عنه جواب داد: «اللّه و رسوله مولی من لا مولی له، والخال وارث من لا وارث له».[۵]

۱- انفال/ ۷۵.

۲- رواه البخاری و مسلم.

۳- رواه احمد و ابو داؤد و النسایی و ابن ماجه.

۴- رواه سعید بن منصور. الفقه الاسلامی ص ۷۸۵۲/ ج ۱۰.

۵- رواه احمد و ابن ماجه و الترمذی.

واقعه سوم

از حضرت عبدالله بن مسعود ﷺ درباره‌ی ترکه‌ی میتی پرسیده شد که ورثه‌ی او فقط عمه و خاله بودند. ایشان فتوا دادند که به عمه (۲/۳) و به خاله (۱/۳) ترکه‌ی او را بدهید.[۱]

مذهب دوم ـ مذهب امام مالک و شافعی:

ایشان می‌فرمایند که ذوی‌الارحام ارث نمی‌برند. و اگر شخصی فوت کند و وارث ذو فرض و عصبه نداشته باشد، ترکه‌ی او در بیت‌المال گذاشته می‌شود.

این نظریه از حضرت زید بن ثابت و سعید بن المسیب و سعید بن جبیر (رضی‌الله تعالی عنهم اجمعین) روایت شده است.

دلایل:

خداوند متعال در آیات مواریث سهمیه‌ی اصحاب فرائض و عصبات را مشخص ساخته و برای ذوی‌الارحام چیز معینی ذکر نکرده است و اگر آنها وارث می‌شدند حتماً قرآن کریم آن را یادآوری می‌کرد. زیرا:

﴿وَ ما کان ربّک نسیاً﴾[۲]

و پیامبر خدا ﷺ نیز فرموده‌اند:

«انَّ اللّٰه اَعطیٰ لِکُلِّ ذی حقٍّ حقّه»[۳]

امّا به علت نبودن بیت‌المال منظم در زمان کنونی علمای متأخرین این دو مذهب نیز به توریث ذوی‌الارحام فتوا داده‌اند.

۱- هٰذا کلّه یدّل علی توریث ذوی‌الارحام. و هو الذی اعتمده متأخروا المالکیة بعد المئتین من الهجرة، و أفتی به متأخروا الشافعیة منذ القرن الرابع الهجری إذا لم ینتظم بیت‌المال، بحیث لم یعد یأخذ المستحقون فیه نصیبهم منه، و تصرف أموالهم فی غیر مصارفها. الفقه الاسلامی / ص ۷۸۵۲ ج ۱۰.

۲- مریم/ ۶۴.

۳- رواه الترمذی و غیره.

تذکر:

مبحث ذوی‌الارحام یکی از مشکل‌ترین مباحث علم فرائض است. و متأسفانه نظریات مشکل امام محمّد ﷺ نیز مزید بر علت گشته و دشواری‌های آن را دو چندان کرده است. به همین علت استاد فرائض؛ محدّث سابق دارالعلوم دیوبند (هند) حضرت علاّمه مولانا سیداصغر حسین ﷺ درکتاب میراث خود (مفیدالوارثین) می‌فرمایند:

«این بحث ذوی‌الارحام واقعاً خیلی دشوار است و خصوصاً فهماندن آن به عوام الناس امری نزدیک به محالات می‌باشد! و خوشبختانه چون هر میت وارث ذو فرض یا عصبه‌ی نزدیک یا دور دارد، اغلب نوبت ارث‌بری به ذوی‌الارحام نمی‌رسد! لذا در ابتدای کار قصد حقیر این بود که کلّ این مبحث مشکل را کاملاً حذف نماید و آن را از میان بردارد. اما به هر حال چون ذوی‌الارحام نوعی از ورّاث میت هستند، باز دوباره این بحث پیچیده و طولانی را نوشتم و هر کار کردم که شاید مختصر و عام‌فهم شود، اما میسّر نگردید!

البته جای بسی افسوس است؛ این مباحث که با تحمل زحمات زیاد و عرق‌ریزی‌های فراوان موفّق به تدوین آنها شده‌ام، در نظر بسیاری از خوانندگان عزیز و (خصوصاً عوام‌النّاس) مباحثی بیهوده و گیج‌کننده به نظر می‌آیند و من فقط با این گمان که شاید کسی از طلاّب ذهین آنها را بفهمد، حذف‌شان نکردم و ذهنم نیز بیش‌تر از این قادر به خلاصه نمودن و ساده کردن این مباحث پیچیده نمی‌باشد. لذا هر عزیزی که بتواند این مباحث را خلاصه‌تر و ساده‌تر نوشته و به من تحویل دهد، قول می‌دهم که به شرط بقای زندگانی در چاپ بعدی «مفید الوارثین» مطالب خودم را حذف و مباحث ساده‌ی آن عزیز را با اسم خودش جایگزین سازم».

سپس مفتی محمّد شفیع دیوبندی ﷺ در پاورقی «مفید الوارثین» می‌نویسند: «مولانا سیداصغر حسین ﷺ پانزده سال صبر کرد و چون کسی پیدا نشد که این مطالب را ساده‌تر کند، لذا ناچاراً دو مرتبه مطالب قبلی خودش را نظرثانی کرده و کتاب مذکور را دوباره تجدید چاپ نمود.»[1]

۱- مفیدالوارثین ص ۱۹۵.

لیست ذوی‌الارحام به طور خلاصه

۱- فرزندان دختر میت و فرزندانِ دختر پسر میت
۲- جدّ فاسد و جدّه‌ی فاسده
۳- خواهرزاده‌های میت
۴- برادرزاده‌های میت (فقط دخترها)
۵- فرزندان برادر مادری
۶- عموی خیفی میت و فرزندان او
۷- عمه میت و فرزندان او
۸- دایی میت و فرزندان او
۹- خاله میت و فرزندان او
۱۰- دخترعموها و فرزندان آنها

لیست ذوی‌الارحام با تفصیل

صنف اوّل:

۱- اولاد بنات صلبی: (نوه‌های دختری میت) چه پسر باشند چه دختر. **مانند** ابن‌البنت / بنت‌البنت

۲- اولاد بنات‌الابن: فرزندانِ (بنت‌الابن). چه پسر باشند چه دختر. **مانند** ابن، بنت‌الابن / بنت، بنت‌الابن.

صنف دوّم:

۳- اجداد فاسد: یعنی جدّ فاسد مانند: اب‌الاَم **(پدربزرگ میت از طرف مادرش)**

۴- جدّهای فاسده: مانند: ام، اب‌الام **(مادرِ، پدربزرگ مادری)**

صنف سوّم

۵- اولاد خواهران عینی (چه پسر باشند - چه دختر) مثال: ابن، اخت عینی / بنت، اخت عینی
۶- اولاد خواهران علّی (چه پسر باشند - چه دختر) مثال: ابن، اخت علّی / بنت، اخت علّی
۷- دختران برادر عینی. مانند: بنت، اخ عینی
۸- دختران برادر علّی. مانند بنت، اخ علّی
۹- اولاد برادر خیفی و خواهر خیفی (چه پسر باشند ـ چه دختر) مانند: ابن، اخ خیفی / بنت، اخ خیفی
۱۰- دختران، ابن اخ عینی، مانند: بنت، ابن اخ عینی
۱۱- دختران، ابن اخ علّی، مانند: بنت، ابن اخ علّی

صنف چهارم

۱- عموی خیفی میت (یعنی پدر میت، دارای یک برادر مادری است. اکنون همین برادر مادری پدر میت، عموی خیفی میت می‌شود). در زبان عربی به آن عمّ خیفی یا العم لأُمٍ می‌گویند.
۲- عمه‌های میت مطلقاً (یعنی خواهران پدر میت) چه اینها عینی باشند چه علّی چه خیفی. در زبان عربی: عمّات می‌گویند.
۳- دایی‌های میت مطلقاً (یعنی برادران مادر میت) از هر نوعی که باشند - چه عینی - چه علّی - چه خیفی. در زبان عربی: أخوال می‌گویند.[1]
۴- خاله‌های میت مطلقاً (خواهران مادر میت) از هر نوعی که باشند چه عینی - چه علّی - چه خیفی. در زبان عربی: خالات می‌گویند.

«فرزندان چهار گروه فوق»

۵- فرزندان عموی خیفی میت (چه پسر - چه دختر). مثال: ابن، عمّ لام / بنت، عمّ لام

۱- خال: دایی.

۶- فرزندان عمّه‌های میت (چه پسر - چه دختر). مثال: پسر عمّه / دخترعمّه
۷- فرزندان دایی‌های میت (چه پسر باشند - چه دختر). مثال: پسردایی / دختردایی.
۸- فرزندان خاله‌های میت (چه پسر باشند - چه دختر). مثال: پسرخاله / دخترخاله

«و نیز این گروه»

۹- دختران عموی عینی میت. مثال: بنت عمّ عینی
۱۰- دختران عموی علّی میت. مثال: بنت عمّ علّی
۱۱- دخترانِ پسر، عموی عینی میت. مثال: بنت، ابن عمّ عینی
۱۲- دخترانِ پسر، عموی علّی میت. مثال: بنت، ابن عمّ علّی

اصناف چهارگانه‌ی ذوی‌الارحام

همان‌گونه که عصبات بالنفس میت بر چهار صنف تقسیم می‌شدند و یکی بر دیگری برتری داشت (مثلاً اول جهت بُنُوّت و سپس اُبُوّت و سپس اُخوّت و در آخر جهت عمومت بود) در اینجا نیز این‌گونه است. و همان‌طورکه در لیست ذوی‌الارحام مشخص است، این ورّاث بر چهار صنف تقسیم می‌شوند و و در ارث‌بری بر یکدیگر ترجیح داده می‌شوند. یعنی تا زمانی که یک نفر از افراد صنف اوّل و فرزندان او موجود است به افراد صنف دوم و سوم و چهارم ارث نمی‌رسد. و اگر هیچ فردی از افراد صنف اول وجود نداشته باشد، ترکه به افراد صنف دوّم داده می‌شود و افراد صنف سوم و چهارم محجوب می‌گردند. و به همین ترتیب اگر صنف اول و دوم وجود نداشته باشند، ارث به افراد صنف سوم داده می‌شود و افراد صنف چهارم ساقط (حذف) می‌شوند. و چنانچه هیچ فردی از افراد صنف اول و دوم و سوم موجود نباشد، ترکه به افراد صنف چهارم سپرده می‌شود.

حلّ چند مثال درباره‌ی چگونگی ارث‌بری اصناف چهارگانه

۱ ـ میـــــــــــت

بنت‌البنت	اب‌الام
تمام ترکه	م

شرح:
تمام ترکه‌ی میت به نفر اول داده می‌شود زیرا از صنف اول ذوی‌الارحام است و (اب‌الام) از صنف دوم است و ساقط می‌گردد.

۲ ـ میـــــــــــت

اب‌الام	بنت‌الاخت
تمام ترکه	م

شرح:
تمام ترکه به نفر اول می‌رسد، زیرا از صنف دوم است و در مقابل (بنت‌الاخت) به دلیل اینکه از صنف سوم است، ساقط می‌گردد.

۳ ـ میـــــــــــت

بنت‌الاخت	عم لام (عموی خیفی)
تمام ترکه	م

شرح:
تمام ترکه به نفر اول می‌رسد، زیرا از صنف سوم است و در مقابل چون (عموی مادری) از صنف چهارم است، ساقط می‌گردد.

نظریات فقها درباره‌ی توریث ذوی‌الارحام

در این باره ۳ مذهب وجود دارد.

۱- **مذهب تسویه**: همه‌ی ذوی‌الارحام به صورت مساوی ارث می‌برند. این مذهب پیروانی ندارد.

۲- **مذهب اهل تنزیل**: مذهب بسیار ساده‌ای است و ذوی‌الارحام را مطابق با اصل آنها ارث می‌دهند.

مثال:

(ولدالبنت) را مطابق با (بنت) و (ولد الأخ) را مطابق با (أخ) و (ولد العم) را مطابق با (عم) ارث می‌دهند.

حلّ یک مسأله مطابق با مذهب اهل تنزیل

میت

بنت‌البنت	بنت‌الاخ	بنت‌العم
$\frac{1}{2}$	ق.ع	م

گویا اصل مسأله به این صورت است:

میت

بنت صلبی	أخ	عم
$\frac{1}{2}$	ق.ع	م

تذکر ۱-

اگر (بنت) با (ابن) بود، ترکه به صورت (للذکر مثل حظّ الانثیین) تقسیم می‌شد. اما در اینجا

(بنت) با (أخ) همراه است. یکی دختر میت است و دیگری برادر میت.

تذکر ۲-

از صحابه حضرت ابن مسعود و از تابعین علقمه - مسروق - شعبی ﷺ بر همین روش رفته‌اند و مذاهب سه‌گانه (شوافع - مالکیه - حنابله) نیز براساس همین مذهب فتوا داده‌اند.

۳- مذهب اهل القرابة: پیروان این مذهب ذوی‌الارحام را بر عصبات قیاس می‌کنند و همانند عصبات بر اساس درجه‌ی قرابت به آنها ارث می‌دهند. این مذهب از حضرت علی ﷺ ثابت است و احناف بر همین روش فتوا داده‌اند.[1]

سه تذکر مهم

۱- تا زمانی که یک نفر از ذوی‌الفروض (به جز زوجین) یا یک نفر از عصبات وجود داشته باشد، ارث به ذوی‌الارحام داده نمی‌شود.

۲- اگر وارث زنی که فوت کرده است، تنها شوهرش (زوج) باشد، $\frac{1}{2}$ ترکه‌اش به شوهر و نصف دیگر آن به ورّاث ذوی‌الارحام آن زن داده می‌شود و چنانچه وارث ذو رحم وجود نداشته باشد، نصف دیگر ترکه دوباره (براساس ردّ) به شوهرش داده می‌شود.

۳- اگر وارث مردی که فوت کرده است، تنها زنش (زوجه) باشد، $\frac{1}{4}$ ترکه‌اش به زن و نصف دیگر آن به ورّاث ذوی‌الارحام آن مرد داده می‌شود و چنانچه وارث ذو رحم وجود نداشته باشد، نصف دیگر ترکه دوباره (براساس قانون ردّ) به همسرش داده می‌شود.

۱- علماء گفته‌اند: مذهب اهل تنزیل از مذهب اهل قرابة به قیاس نزدیکتر است. ولی مذهب اهل قرابة از نظر دلایل قوی‌تر می‌باشد. به همین جهت فتوای احناف و قانون کشور مصر و سوریه بر همین مذهب است. البته در قوانین دو کشور مذکور به هنگام حلّ مسائل ذوی الارحام، به جای پیروی از نظریات مشکل امام محمّد ﷺ از نظریات امام ابویوسف ﷺ پیروی می‌شود. زیرا ساده‌تر هستند و از وضوح بیشتری برخوردار می‌باشند. «الفقه الإسلامی ص ۷۸۵۹ / ج ۱۰»

قواعد عمومی توریث ذوی‌الارحام

قاعده‌ی اول

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، ابتدا صنف اول و اگر نباشد صنف دوم و اگر نباشد صنف سوم و اگر نباشد، ارث به صنف چهارم داده می‌شود.

قاعده‌ی دوم

وقتی که وارث میت یک نفر از ذوی‌الارحام باشد (خواه از هر صنفی باشد و چه زن باشد یا مرد) تمام ترکه‌ی میت به او تعلق می‌گیرد.

مثال ۱-

میت

زوج	دختر عمو
$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$

شرح:

نصف ترکه از طریق فرضیت به زوج داده می‌شود و باقی‌مانده به دختر عموی میت که از ذوی‌الارحام است تعلق می‌گیرد. و در این حالت که وارث ذو رحم وجود دارد، ردّ بر (زوج) صورت نمی‌گیرد.

مثال ۲-

میت

زوجه	دختر برادر
$\frac{1}{4}$	$\frac{3}{4}$

شرح:
$\frac{1}{4}$ترکه از طریق فرضیت به زوجه‌ی میت داده می‌شود و باقی‌مانده ($\frac{3}{4}$ترکه) به برادرزاده‌ی میت (دختر برادرش) داده می‌شود، زیرا از ذوی‌الارحام میت می‌باشد. و در این حالت که وارث ذو رحم وجود دارد، ردّ بر (زوجه) صورت نمی‌گیرد.

تذکر:
اگر تمام ذوی‌الارحام میت از افراد یک صنف باشند، آنگاه برحسب قواعد ذیل ارث میت در میان آنان تقسیم می‌گردد:

نظام توریث صنف اوّل

۱ ـ هنگامی که وارث میت فقط یک نفر از این گروه باشد[1]، مستحق کل ترکه می‌شود. (لعدم المزاحم)

مثال ۱-

میـــــت

ابن البنت

تمام ترکه

مثال ۲-

میـــــت

بنت‌البنت

تمام ترکه

۱- این قانون در هر چهار صنف صدق می‌کند.

۲ ـ اگر متعدد باشند و در درجات قرابت تفاوت داشته باشند، آن که نزدیک‌تر به میت است (فاصله‌ی کمتری تا میت دارد) ارث می‌برد و آن که دورتر است محجوب می‌گردد.

مثال ۱-

میت	
بنت‌البنت	ابن، بنت‌الابن
تمام ترکه	م

شرح:

چون نفر اول با یک واسطه به میت می‌رسد و به او نزدیک‌تر است، ارث می‌برد و در مقابل فرد دوم اگرچه یک مذکر است اما با دو واسطه به میت می‌رسد، محجوب می‌گردد.

مثال ۲-

میت	
بنت‌البنت	بنت، بنت‌الابن
تمام ترکه	م

شرح:

شرح این مسأله همانند مثال (۱) است.

۳ ـ اگر درجات قرابت دو وارث مساوی باشند (مثلاً هر دو با دو واسطه یا هر دو با سه واسطه به میت اتصال داشته باشند)، ولد وارث ارث می‌برد و ولد غیر وارث محجوب می‌گردد.[۱]

منظور از ولد وارث: کسی است که با یک واسطه‌ی ذوفرض یا یک واسطه‌ی عصبه به میت متصل باشد. و منظور از غیروارث کسی است که با یک واسطه‌ی ذورحم به میت اتصال داشته باشد.

۱- این قانون در صنف اول و دوم و سوم اجرا می‌شود و در صنف چهارم اجرا نمی‌گردد.

تذکر:

ولد وارث بودن زمانی اعتبار دارد که آن شخص مستقیماً و بدون واسطه، به یک شخص ذو فرض و یا یک شخص عصبه اتصال داشته باشد و اگر با کمک واسطه متصل باشد، اعتباری ندارد. مثلاً در این مثال:

میـــــــــــــــــــــــت

بنت، بنت بنت الابن	بنت، بنت بنت البنت

هیچ‌یک از این دو نفر به علت ولد وارث بودن بر دیگری برتری ندارد. (نفر اول ولد وارث به حساب نمی‌آید). بنابراین ارث هر دو مساوی است.

مثال ۱-

میـــــــــــــــــــــــت

بنت، بنت‌الابن	ابن، بنت البنت
تمام ترکه	م

شرح:

نفر اول به علت اینکه مادرش (بنت‌الابن) یک ذو فرض است، حکماً به میت نزدیک‌تر است، لذا تمام ترکه به او می‌رسد. و نفر دوم اگرچه یک مذکر است، اما به علت اینکه مادرش (بنت‌البنت) یک ذو رحم است، محجوب می‌گردد.

تذکر:

به (بنت‌الابن) وارث و به (بنت‌البنت) غیر وارث می‌گویند.

۴ ـ اگر در درجه‌ی قرابت و قوّت قرابت مساوی بودند. مثلاً هر دو نفر توسط (وارث) به میت اتصال داشتند. یا هر دو نفر توسط (غیر وارث) به میت متصل بودند. در این حالت امام

ابویوسف ﷺ می‌فرمایند: اگر هر دو نفر مذکر یا هر دو نفر مؤنث بودند، ترکه به صورت مساوی در میان آنها تقسیم می‌شود. و اگر مختلف بودند (یکی مذکر و یکی مؤنث بود) طبق قاعده‌ی (للذکر مثل حظّ الانثیین) به مذکر دو برابر مؤنث سهمیه داده می‌شود. و هیچ توجهی به اصول آنها نمی‌شود که اصول آنها مذکر است یا مؤنث است یا مختلف است.

و همچنین هیچ توجهی به تعدد فروع نمی‌شود.[1]

مثال ۱-

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

بنت، بنت‌البنت	بنت، ابن البنت
۱	۱

شرح:

چون هر دو مؤنث هستند و هر دو با دو واسطه‌ی (غیر وارث) به میت اتصال دارند، لذا ترکه نصف نصف در میان آنها تقسیم می‌گردد.

مثال ۲-

مسأله ۳ — عند ابی یوسف والحسن بن زیاد ﷺ

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

بنت، ابن البنت	ابن، بنت البنت
۱	۲

شرح:

چون یکی مؤنث و یکی مذکر است و هر دو با واسطه‌ی (غیر وارث) با میت اتصال دارند، لذا طبق قاعده‌ی للذکر مثل حظّ الأنثیین، ترکه به سه قسمت تقسیم می‌گردد. دو سهم آن به مذکر و یک سهم آن به مؤنث داده می‌شود.

۱- بأن کان لکل أصل فرع واحد أو تعددت.

مثال ۳-

مسأله ۷

میـــــــــــــــــــــــــت

ابنی، بنت بنت	بنت، ابن بنت	بنتی، ابن بنت
۴	۱	۲

شرح:
با فرض کردن دو (ابن) به عنوان (چهار بنت)، گویا در این مسأله هفت دختر وجود دارد. لذا مسأله نیز از (۷) ساخته می‌شود. به هر دختر ($\frac{۱}{۷}$ ترکه) و به هر پسر ($\frac{۲}{۷}$) آن داده می‌شود.[۱]

نظریات امام محمّد ﷺ
همان‌طور که در حالت چهارم گفته شد، اگر درجات قرابت و قوّت قرابت دو نفر مساوی بودند، امام محمد ﷺ می‌فرمایند: ما همیشه به اصول (مرده‌ها) نگاه می‌کنیم و با توجه به اصول به فروع (زنده‌ها) ارث می‌دهیم.

الف) اختلاف فی بطن واحد:
مسأله را به صورت گسترده می‌نویسیم، و از اولین بطنی که اختلاف ذکورت و انوثت وجود دارد، تقسیم ترکه را آغاز کرده و به طرف فروع می‌آییم. (یعنی یک مسیر نزولی)

مثال
شخصی فوت کرده و دارای دو وارث ذو رحم از صنف اول است. ارث او چگونه تقسیم می‌شود. این دو وارث عبارتند از:

عند محمّد ﷺ

میـــــــــــــــــــــــــت

بنت، ابن بنت	ابن، بنت بنت
۲	۱

۱- تا اینجا نظریات ساده‌ی امام ابویوسف ﷺ بود. اکنون به نظریات مشکل و پیچیده‌ی امام محمّد ﷺ توجه فرمایید. البته خوب حواستان را جمع کنید زیرا (إنّ زلزلة الساعة شیءٌ عظیم). (حج/۱)

شرح راه حل:

امام محمد مسأله را به این صورت می‌نویسد:

میـــــــــــــــــــــت

بطن ۱ -	بنت	بنت
بطن ۲ -	ابن ۲	بنت ۱
بطن ۳ -	بنت ۲	ابن ۱

* چون در بطن دوم اختلاف ذکورت و انوثت وجود دارد (یکی مذکر و یکی مؤنث است) لذا ترکه در بطن دوم تقسیم می‌شود. به مذکر (۲ سهم) و به مؤنث (یک سهم) داده می‌شود و سپس ارث آنها مستقیماً به فرزندانشان در بطن سوم انتقال می‌یابد.

ب) اختلاف فی أکثر من بطن:

وکذلک عند محمد إذا کانت فی أولاد البنات بطون مختلفه، یقسم المال علی أول بطن اختلف فی الأصول، ثم یجعل الذکور طائفة و الإناث طائفة بعد القسمة، فما أصاب الذکور یجمع و یقسم علی أعلی الخلاف الذی وقع فی أولادهم و کذالک ما أصاب الإناث، و هکذا یعمل إلی أن ینتهی.

صورت مسأله

شخصی فوت کرده است و دارای (۹) دختر و (۳) پسر از طایفه‌ی اول ذوی‌الارحام می‌باشد. با توجه به اینکه این افراد در نسل ششم هستند و شش نسل با میت اولیه فاصله دارند، ترکه‌ی میت چگونه در میان این افراد تقسیم می‌گردد؟

پاسخ اول

امام ابویوسف ﷫ می‌فرماید: ما کاری نداریم که اصول اینها مذکر است یا مؤنث و... ما فقط به همین زنده‌ها نگاه می‌کنیم و ارث را براساس قاعده‌ی (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میان آنها

تقسیم می‌کنیم. با درنظر گرفتن هر پسر به عنوان دو دختر، گویا مجموع ورّاث این میت (۱۵ دختر) هستند. لذا مسأله را از (۱۵) ساخته و به هر دختر یک سهم و به هر پسر دو سهم از ترکه را تحویل می‌دهیم. (قربان آدم با انصاف)!

پاسخ دوم

امام محمد ﷺ می‌فرماید: باید اصول اینها بررسی شوند و مسأله به صورت گسترده نوشته شود. وقتی که بطن‌ها (نسل‌ها) مشخص شدند. نگاه می‌کنیم که در کدام بطن اختلاف ذکورت و انوثت وجود دارد. هرجا که اختلاف ذکورت و انوثت در اصول شروع شد. تقسیم ترکه را از همان بطن آغاز می‌کنیم. سپس سهام مذکرها را جمع کرده و آنها را یک طایفه و سهام مؤنث‌ها را جمع کرده و آنها را طایفه‌ی دیگری قرار می‌دهیم و باز به طرف بطن (نسل) پایین‌تر می‌آییم و براساس اختلاف ذکورت و انوثت در بطون بعدی ارث را تقسیم می‌کنیم تا زمانی که به بطن آخر (فروع) برسیم.

مسأله ۱۵ تصحیح ۶۰ (عند محمد) مضروب (۴)

میـــــت

بطن ۱ـ بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت — طائفه‌ی دختران (۳۶) | ابن ابن ابن — طائفه‌ی پسران (۲۴)

بطن ۲ـ بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت بنت
(گویا وجود ندارد)

بطن ۳ـ بنت بنت بنت بنت بنت بنت (۱۸) | ابن ابن ابن (۱۸) | بنت بنت (۱۲) | ابن (۱۲)

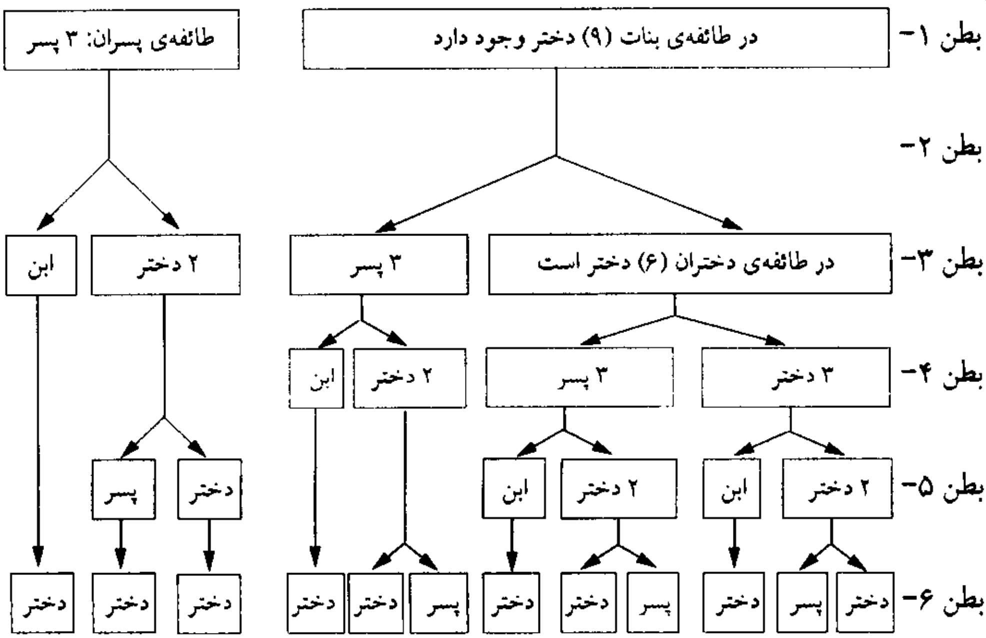
بطن ۴ـ بنت بنت بنت (۶) | ابن ابن ابن (۱۲) | بنت بنت بنت (۹) | ابن (۹) | بنت بنت (۱۲) | بنت (۱۲)

بطن ۵ـ بنت بنت (۳) | ابن (۳) | بنت (۳) | ابن (۶) | بنت (۳) | بنت بنت (۹) | بنت (۹) | بنت (۴) | ابن (۸) | بنت (۱۲)

بطن ۶ـ بنت (۱) | ابن (۲) | بنت (۳) | ابن (۴) | بنت (۶) | بنت (۲) | ابن (۶) | بنت (۳) | بنت (۹) | بنت (۴) | بنت (۸) | بنت (۱۲)

تذکر:

برای اینکه حلّ مسأله ساده‌تر شود، جدول فوق را به صورت زیر درآورده و طایفه‌ها را در هر بطن مشخص می‌سازیم.



شرح راه حل:

۱- بطن اول دو طائفه است: نخست طائفه‌ی دختران که متشکل از (۹) دختر است و سپس طائفه‌ی پسران که متشکل از (۳) پسر می‌باشد. با درنظر گرفتن هر پسر به منزله‌ی دو دختر گویا ورّاث بطن اول (۱۵) دختر هستند، به همین جهت اصل مسأله از (۱۵) ساخته می‌شود. سهام دختران (۹) و سهام پسران (۶) می‌شود.

۲- ورّاث بطن دوم همه از یک نوع (فقط دختر) هستند و تغییر جنس (ذکورت و انوثت) در آنها مشاهده نمی‌شود. به همین جهت افراد این بطن را نادیده انگاشته و به سراغ ورّاث بطن سوم می‌رویم.[1]

۱- زیرا در بطنی که مذکر و مؤنث مخلوط نباشد، ترکه تقسیم نمی‌شود.

۳- طائفه‌ی دختران در بطن اول (۹ دختر) بودند و مجموع سهامشان (۹) بود و همین طائفه در بطن سوم تبدیل به (۶ دختر) و (۳ پسر) شده است که مجموعاً (۱۲ دختر) محسوب می‌شوند. حال اگر بخواهیم (۹) سهم دختران بطن اول را به اینها انتقال دهیم، (۹) سهم در میان (۱۲) نفر بدون کسر قابل تقسیم نیست و مسأله نیازمند تصحیح می‌شود. و از طرف دیگر چون در میان (۹ و ۱۲) توافق در سه وجود دارد، بنابراین وفق عدد رؤس (یعنی عدد ۱۲) که (۴) است، مضروب مسأله می‌شود و مسأله از (۶۰) تصحیح می‌گردد. زیرا: ۶۰ = ۴ × ۱۵

۴- سهام طائفه‌ی دختران در بطن اول (۹) بود که پس از ضرب در مضروب تبدیل به (۳۶) سهم می‌شود و هم‌چنین سهام طائفه‌ی پسران در بطن اول (۶) بود که پس از ضرب در مضروب تبدیل به (۲۴ سهم) می‌گردد. پس تا اینجا این‌گونه شد:

بطن ۱- طائفه‌ی دختران (نه دختر) ، طائفه‌ی پسران (سه پسر)

۳۶ سهم ، ۲۴ سهم

بطن ۳- شش دختر ، سه پسر

۱۸ سهم ، ۱۸ سهم

۴- حلّ باقی‌مانده‌ی مسأله بسیار ساده است و فقط سهام را بطن به بطن رو به پایین انتقال دهید تا به افراد بطن ششم برسید.

سهام ورّاث هر بطن در نقشه مشخص شده است.

تذکر

* تا اینجا دو نظریه‌ی امام محمد ﷺ در حلّ مسائل صنف اول ذوی‌الارحام توضیح داده شد. (الف - اختلاف فی بطن واحد)، (ب - اختلاف فی اکثر من بطن). اکنون به نظریه‌ی سوم توجه فرمایید.

ج) عدد الفروع اكثر من عدد الأصول:

و كذلک محمد ﷺ یأخذ الصفة من الأصل (حال القسمة علیه) و العدد من الفروع. أی إذا زاد عدد الفروع علی عدد الأصول کما فی ردّ المحتار و نصه: «و إن تعددت فروع الأصول المختلفین کلّهم أو بعضهم، فأبویوسف ﷺ جری علی أصله من القسمه علی أبدان الفروع، فیقسم المال علیهم أسباعاً. و محمد ﷺ یجعل الأصول موصوفاً بصفته متعدداً بعدد فروعه، فیقسم علی أعلی الخلاف. أعنی فی البطن الثانی أسباعاً»[1]

خلاصه‌ی کلام:

هنگامی که در فروع تعدد وجود داشته باشد (مثلاً بطن آخر دو نفر باشند)، هنگام تقسیم ترکه، عدد فروع در اصول ملحوظ می‌شود (یعنی اصول آن افراد نیز دو نفر در نظر گرفته می‌شوند)[2].

مثال:

شخصی فوت کرده و دارای پنج وارث مساوی‌الدرجه از صنف اول ذوی‌الارحام می‌باشد. ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود. (ورّاث در نقشه مشخص شده‌اند).

۱ ـ حلّ مسأله طبق قول امام ابویوسف ﷺ:

مسأله ۷

میـــــت

ابنی، بنت بنت بنت	بنت، ابن بنت بنت	بنتی، بنت ابن بنت
۴	۱	۲

۱- ردّ المحتار، کتاب الفرائض. ص ۷۹۳/ ج ۶.

۲- البته این نظریه‌ی امام محمد است. و امام ابویوسف ﷺ ترکه را به تعداد فروع در بطن آخر تقسیم می‌نماید.

شرح:

۱- وارث اول دو پسر هستند، وارث دوم یک دختر، وارث سوم باز دو دختر هستند.

۲- با درنظر گرفتن دو پسر به منزله‌ی چهار دختر، گویا در این مسأله هفت دختر وجود دارد. لذا ترکه‌ی میت به هفت قسمت تقسیم می‌شود. به هر پسر دو سهم و به هر دختر یک سهم داده می‌شود.

۲ ـ حلّ مسأله طبق قول امام محمد ﷺ:

۱- چون ورّاث (زنده) در نسل چهارم هستند و سه نسل از میت اولیه فاصله دارند، لذا بایستی مسأله به صورت گسترده نوشته شود و پس از مشخص شدن بطون، تقسیم ترکه از اولین بطنی که اختلاف ذکورت و انوثت در آن دیده می‌شود، آغاز می‌گردد.

مسأله به صورت زیر درمی‌آید:

میـــت

بطن ۱ ـ بنت .... بنت .... بنت

بطن ۲ ـ بنت .... بنت .... ابن

بطن ۳- بنت .... ابن .... بنت

بطن ۴- ابنی .... بنت .... بنتی

تذکر:

* إبنی: تثنیه است. یعنی دو عدد (ابن).

* بنتی: تثنیه است. یعنی دو عدد (بنت).

۲- چون در بطن چهارم (دو ابن) و (دو بنت) داریم و به قول اهل فرائض: فروع در بطن چهارم متعدد است. لذا اصل اینها نیز متعدد (دو نفر، دو نفر) درنظر گرفته می‌شوند.

تذکر:

* در بطن اول همه مؤنث هستند و اختلاف ذکورت و انوثت وجود ندارد. لذا آن را درنظر نمی‌گیریم.

۳- چون عدد فروع (۲) است. بنابراین همین (۲) را در اصول (بطن دوم و سوم) نیز ملحوظ می‌کنیم و مسأله به این صورت درمی‌آید.

میـــــــت

بطن ۲ - ۲ بنت .... بنت .... ۲ (ابن)

بطن ۳- ۲ بنت .... ابن .... ۲ بنت

بطن ۴- ۲ (ابن) .... بنت .... ۲ بنت

↓

این ردیف عمودی تغییر نمی‌کند (چون تعدد در این ستون وجود ندارد).

۴- در بطن دوم اختلاف ذکورت و انوثت وجود دارد. لذا تقسیم ترکه از همین بطن آغاز می‌شود. با درنظر گرفتن دو پسر به منزله‌ی چهار دختر، گویا در بطن دوم (یعنی در ردیف افقی دوم) هفت دختر داریم. و مسأله از (۷) ساخته می‌شود. (۳ سهم آن) به طایفه‌ی دختران و (۴ سهم آن) به طایفه‌ی پسران داده می‌شود. به این صورت:

بطن ۲ ← | دو بنت ــــــ یک بنت | .... | دو ابن |

طائفه‌ی دختران: ۳ سهم — طائفه‌ی پسران: ۴ سهم

۵- اگر به بطن سوم نظری بیفکنیم، باز طائفه‌ی دختران تبدیل به (دو بنت) و یک ابن شده است. که با درنظر گرفتن (ابن) به منزله‌ی دو بنت، گویا در این بطن (چهار دختر) وجود دارد. و اگر بخواهیم سهام طائفه‌ی دختران را که در بطن دوم (۳ سهم) بود به این چهار دختر در بطن سوم انتقال دهیم. بدون کسر قابل تقسیم نیست و مسأله نیازمند تصحیح است.

بطن ۲- ← طائفه‌ی دختران

۳ سهم

بطن ۳ ← دو بنت | یک ابن

طائفه‌ی دختران | طائفه‌ی پسران

۶- عدد رؤس (۴) و سهام (۳) است و در میان آنها نسبت تباین وجود دارد. پس عدد رؤس یعنی (۴) مضروب مسأله می‌شود و مسأله از (۲۸) تصحیح می‌گردد زیرا: ۲۸ = ۴ × ۷

۷- اکنون در نهایت حلّ مسأله به این صورت کامل می‌شود:

میت — مسأله ۷ تصحیح ۲۸ — مضروب: ۴

بطن ۲ ← طائفه بنات | دو ابن

۱۲ سهم (۱۲ = ۴ × ۳) | ۱۶ سهم (۱۶ = ۴ × ۴)

بطن ۳ ← ۲ بنت: ۶ | یک ابن: ۶ | چون اختلافی در این ستون عمودی نیست. لذا (۱۶) سهم در بطن آخر به همان دو دختر داده می‌شوند.

بطن ۴ ← إبنی (دو ابن): ۶ | بنت: ۶ | بنتی (۲ بنت): ۱۶ سهم

یا به صورت خلاصه این‌گونه می‌شود:

میت — مسأله ۷ تصحیح ۲۸ (عند محمد) — مضروب: ۴

ابنی، بنت بنت بنت	بنت، ابن بنت بنت	بنتی، بنت ابن بنت
۶	۶	۱۶

اعتبار جهات قرابت در ذوی‌الارحام

بعضی از فروع این‌گونه هستند که از دو طرف با میت اتصال دارند. و **به تعبیری دیگر**: گاهی این‌طور می‌شود که یک وارث از دو جهت با میت خویشاوند است و وارث دیگر از یک جهت، سؤال اینجاست که آیا سهم‌الارث این دو نفر از میت با هم مساوی است یا خیر؟ و آیا جهات قرابت سبب افزایش سهم‌الارث و ارث دو قرابته می‌شود یا نه؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: آری، افزایش جهات قرابت سبب افزایش سهم‌الارث می‌شود. یعنی جهات قرابت در ذوی‌الارحام اعتبار دارد. البته امام ابویوسف ﷺ می‌فرمایند: جهات قرابت در میان خود فروع در نظر گرفته می‌شود و به نوعی سبب افزایش تعداد آنها می‌گردد. و امام محمد ﷺ می‌فرمایند: جهات قرابت در میان اصول درنظر گرفته می‌شود. (البته در همان اصولی که اختلاف ذکورت و انوثت دیده می‌شود).

مثال - شخصی فوت کرده است و دارای سه وارث ذو رحم از صنف اول می‌باشد که در نسل سوم از میت قرار دارند. وارث اول یک پسر است که فقط از یک جهت با میت خویشاوند است. و وارث دوم و سوم دو دختر دو قرابته هستند که از دو جهت (هم از طرف پدر و هم از طرف مادر) با میت اتصال دارند و خویشاوند می‌باشند. به این صورت:[1]

میـــــــــــــــــــــــت

بطن ۱ - بنت .... بنت .... بنت

بطن ۲- بنت .... بنت .... ابن

بطن ۳- ابن .... بنتي (= دو بنت) ← دختران دو قرابته

۱- به خاطر اینکه طائفه‌ی دختران در بطن دوم در کنار یکدیگر قرار گیرند، اندکی نقشه‌ی مسأله‌ی کتاب سراجی را تغییر داده و ورّاث را جابجا کرده‌ایم.

حلّ مسأله طبق قول امام ابویوسف ﷺ

ایشان می‌فرمایند که ما همواره ترکه‌ی میت را در میان (فروع) یعنی افراد زنده در بطن آخر تقسیم می‌کنیم و کاری به مرده‌ها (اصول فوقانی و بطون مرده) نداریم. در بطن سوم، یک پسر و دو دختر دو قرابته وجود دارد که به علت تعدد جهات قرابت (چون از دو جهت با میت متصل می‌شوند)، چهار دختر محسوب می‌شوند. و با فرض کردن چهار دختر به منزله‌ی دو پسر، گویا در بطن سوم (۳ پسر) وجود دارد. لذا اصل مسأله از (۳) ساخته می‌شود. یک سهم به پسر (یک قرابته) و دو سهم به دختران دو قرابته داده می‌شود. به این صورت:

مسأله ۳

میـــت

بطن ۳ ←	ابن	دو دختر دو قرابته
	۱ سهم	۲ سهم

حلّ مسأله طبق قول امام محمّد ﷺ

۱ ـ چون ورّاث موجود در نسل سوم هستند و دو نسل با میت فاصله دارند، لذا باید حلّ مسأله را از نسل‌های اولیه شروع کرد.[1]

۲ ـ چون در بطن اول هیچ اختلاف ذکورت و انوثتی دیده نمی‌شود، لذا آن را نادیده انگاشته و به سوی بطن دوم می‌رویم.

و با درنظر گرفتن عدد فروع در اصول، نقشه‌ی بطن دوم به این صورت درمی‌آید:

	طائفه‌ی دختران	طائفه‌ی پسران
بطن ۲ ←	بنت ۲ بنت	۲ (ابن)

بنتی (دو دختر)

۱ـ قاعده‌ی اصلی امام محمد ﷺ نیز همین است که هرگاه ورّاث از میت فاصله داشته باشند، مسأله را به صورت گسترده می‌نویسد و تقسیم ترکه را از بطون نخستین آغاز می‌کند. (البته بطونی که مذکر و مؤنث مخلوط باشند).

۳ـ بنابراین طائفه‌ی دختران که قبلاً دو دختر بودند، الان سه دختر شدند و طائفه‌ی پسران که قبلاً یک پسر بود، اکنون دو پسر شده است.
با فرض کردن هر پسر به منزله‌ی دو دختر، گویا مجموعاً در بطن دوم (هفت دختر) وجود دارد. لذا مسأله نیز از (۷) ساخته می‌شود. به هر دختر یک سهم و به هر پسر دو سهم می‌رسد. سهام دختران را جمع کرده و آنها را یک طایفه قرار می‌دهیم و سهام پسران را نیز جمع کرده و آنها را طایفه‌ی دیگری قرار داده و سهام هر گروه را به بطن سوم انتقال می‌دهیم.

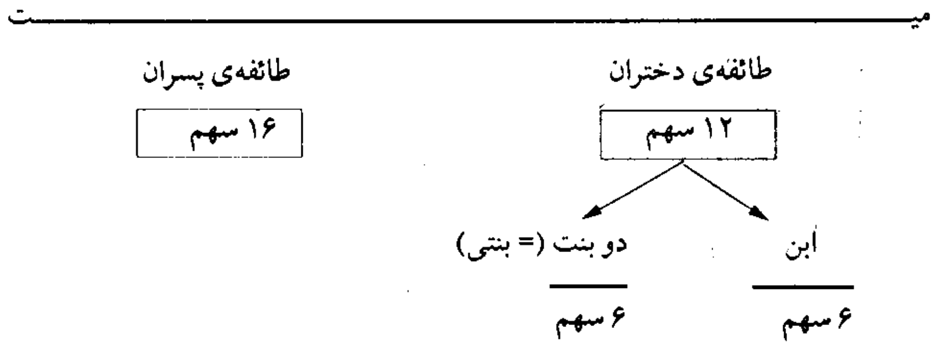
بطن ۲ ←	طائفه‌ی دختران	طائفه پسران
	(۳) سهم	(۴) سهم

۴ـ اکنون می‌خواهیم سهام دو طائفه‌ی (دختران و پسران) را به فروع (فرزندان آنها) در بطن سوم انتقال دهیم.
نخست سهام طائفه‌ی دختران را انتقال می‌دهیم. ملاحظه می‌شود که در زیر طائفه‌ی دختران در بطن سوم یک ابن و دو بنت (= بنتی) وجود دارد که با فرض کردن یک ابن به منزله‌ی دو بنت، گویا چهار دختر هستند.
۵ـ سه سهم طائفه‌ی دختران را نمی‌توان در میان چهار نفر (در بطن سوم) بدون کسر تقسیم نمود. لذا مسأله نیازمند تصحیح می‌گردد. و چون در میان سهام (۳) و عدد رؤس (۴) تباین وجود دارد، خود عدد رؤس مضروب مسأله می‌شود و مسأله از: (۲۸) تصحیح می‌گردد.
۶ـ سهام طائفه‌ی دختران قبلاً (۳ سهم) بود، اکنون پس از ضرب در مضروب (یعنی ۴) تبدیل به (۱۲ سهم) می‌شود. و همچنین سهام طائفه‌ی پسران که قبلاً (۴ سهم) بود، پس از ضرب در مضروب تبدیل به (۱۶ سهم) می‌گردد.
تا اینجا مسأله به این صورت حل شده است:

میـــــت — مسأله ۷ تصحیح ۲۸ — مضروب: ۴

بطن ۲ ←	طائفه‌ی دختران	طائفه پسران
	۱۲ سهم	۱۶ سهم

۷ـ اکنون که مشکل حل شده و مسأله تصحیح گردیده است، سهام هر دو طائفه را به فروع آنها انتقال می‌دهیم. مسأله این‌گونه می‌شود:

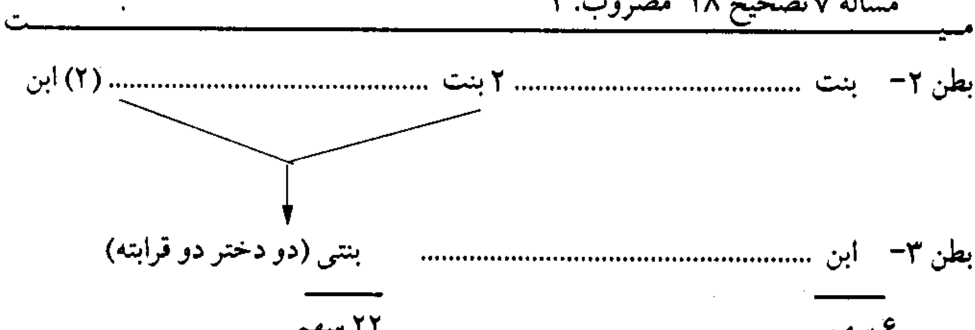


همان‌گونه که در نقشه مشخص است، سهام طائفه‌ی دختران دو نصف شد. (۶) سهم به (ابن) و (۶) سهم به دو دختر دو قرابته رسید.

۸ـ حال (۱۶ سهم) طائفه‌ی پسران را نیز به دختران دو قرابته انتقال می‌دهیم که مجموع سهام این دختران (۲۲ سهم) می‌شود. (۶ سهم) از طرف مادر به آنها رسید و (۱۶ سهم) از طرف پدرشان.

بنابراین حلّ کامل مسأله مطابق با قول امام محمد ﷺ به این صورت شد:

مسأله ۷ تصحیح ۲۸ مضروب: ۴



تذکر مهم:

اگرچه قول امام ابویوسف ﷫ در مسائل ذوی‌الارحام بسیار ساده و واضح است و هیچ دردسری ندارد و هم‌اکنون نیز در قانون وراثت اغلب کشورهای عربی مانند مصر ـ لیبی ـ مراکش و... بر آن فتوا داده می‌شود. اما فتوای مذهب احناف در تمام مسائل ذوی‌الارحام بر قول محمد ﷫ می‌باشد![1]

نظام توریث صنف دوم

افراد این صنف پدربزرگ‌های فاسد و مادربزرگ‌های فاسده می‌باشند و هنگامی که صنف اول وجود نداشته باشد، افراد این صنف ارث می‌برند.

۱ ـ وقتی که وارث میت یک نفر از این صنف باشد، تمام ترکه‌ی میت را دریافت می‌دارد (لعدم المزاحم) و یا آنچه که بعد از پرداخت فروض (زوج – زوجه) باقی می‌ماند، به اینها می‌رسد.

مثال ۱ ـ میـــت

اب الام
تمام ترکه

مسأله ۲

مثال ۲ ـ میـــت

زوج	اب الام
۱	۱

۲ ـ اگر درجات آنها تفاوت داشته باشد، آن‌که به میت نزدیک‌تر است ارث می‌برد و آن‌که دورتر است محجوب می‌گردد.[2]

۱- طریقه القاضی ابی یوسف ﷫، هی الطریقه المعتمدة الآن. و التی یجری العمل بها قانوناً بمصر و... (فی توریث ذوی‌الارحام). «احکام المواریث والترکات» ص ۱۷۳.

۲- سواء کان الاقرب من جهة الأب أو من جهة الام.

مثال ۱ ـ میت

اب، ام ام الام	اب، اب الام
م	تمام ترکه

مثال ۲ ـ میت

اب، ام ام الام	ام، اب الام
م	تمام ترکه

شرح:

اولی اگرچه مؤنث است اما به علت نزدیک‌تر بودن ارث می‌برد و دومی اگرچه مذکر است، اما به علت بعید بودن محجوب می‌گردد.

۳ ـ هنگامی که درجات قرابت مساوی باشند، آنکه با واسطه‌ی وارث (ذو فرض یا عصبه) به میت اتصال داشته باشد، ارث می‌برد و آن که با واسطه‌ی غیر وارث (ذو رحم) با میت اتصال دارد، محجوب می‌گردد.

مثال:

میت

اب، اب الام	اب، ام الام
م	تمام ترکه

شرح:

درجات قرابت هر دو پدربزرگ مساوی است. زیرا هر دو با دو واسطه به میت اتصال هستند. اما واسطه‌ی نفر اول (ام‌الام) است که یک جده‌ی صحیحه بوده و از ذوی‌الفروض می‌باشد. ولی واسطه‌ی نفر دوم (اب‌الام) است که یک جدّ فاسد (ذو رحم) می‌باشد.

۴ ـ اگر درجات قرابت آنها مساوی باشد. وجهات قرابت آنها نیز یکسان باشد (مثلاً همگی از جهت پدر باشند، یا همگی از جهت مادر میت باشند). در چنین حالتی ارث در میان آنها به طور مساوی (اگر هر دو از یک جنس باشند) تقسیم می‌شود و اگر یکی مذکر و یکی مؤنث باشد، ارث به قاعده‌ی (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میان آنان تقسیم می‌گردد.

مثال ۱-

مسأله ۳

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

اب، اب ام الاب	ام، اب ام الاب
۲	۱

شرح:

درجات قرابت هر دو وارث مساوی است، زیرا هر دو با سه واسطه به میت اتصال دارند و در هیچ‌کدام واسطه‌ی (وارث) هم نیست. و هر دو از جهت پدر میت هستند. البته چون اولی مذکر است دو سهم می‌برد و دومی به علت مؤنث بودن یک سهم می‌برد.

مثال ۲-

مسأله ۲

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

ام، اب الاب	ام، ام الاب
۱	۱

شرح: درجات قرابت هر دو مساوی است و جهات قرابت هر دو یکسان است (زیرا هر دو از طرف پدر با میت خویشاوند هستند) و هر دو مؤنث هستند، بنابراین ترکه نصف نصف در میان آنها تقسیم می‌شود.

۵ ـ اگر درجات قرابت مساوی است ولی جهات قرابت مختلف است مثلاً یکی از طرف پدر میت با میت متصل است و دیگری از طرف مادر میت به میت اتصال دارد. در این حالت فردی که از جهت پدر است (۲/۳) ترکه و فردی که از جهت، مادر میت است، (۱/۳) ترکه را می‌برد.

مثال:

مسأله ۳

میــــــــت

اب، ام الام	اب، ام الاب
۱/۳	۲/۳
۱ سهم	۲ سهم

شرح:

درجات قرابت هر دو مساوی است (زیرا هر دو با دو واسطه با میت متصل هستند) و وجه ترجیح با وارث هم وجود ندارد. زیرا هر دو توسط وارث (جده‌های صحیحه) با میت متصل هستند. اما به علت آن‌که جهات قرابت متفاوت است و اولی از جهت مادر و دومی از جهت پدر با میت متصل است، لذا (۱/۳) به قرابت مادری و (۲/۳) به قرابت پدری داده می‌شود.

نظام توریث صنف سوم

منظور از این صنف خواهرزاده‌های میت به طور عموم (چه پسر - چه دختر) و برادرزاده‌های میت (البته فقط دختران) هستند.

قواعد توریث این صنف

قاعده ۱ ـ اگر وارث میت یک نفر از این صنف باشد، تمام ترکه‌ی میت به او داده می‌شود (لعدم المزاحم).

مثال :

میـــت

خواهرزاده (ابن‌الاخت)

تمام ترکه

قاعده ۲- اگـر درجـات قـرابت مسـاوی نـیست، وارث نـزدیک ارث مـی‌برد و وارث دورتـر، محجوب می‌گردد.

مثال ۱-

میـــت

بنت الاخت	ابن، بنت الاخ
تمام ترکه	م

شرح:

اولی با یک واسطه به میت می‌رسد و نزدیک‌تر است و دومی با دو واسطه به میت می‌رسد و دورتر است، به همین علت محجوب می‌گردد.

مثال ۲-

میـــت

بنت الاخ	ابن، بنت الاخ
تمام ترکه	م

مثال ۳-

میـــت

بنت اخ خیفی	ابن، بنت اخ عینی
تمام ترکه	م

شرح:
دومی به علت دورتر بودن محجوب است (اگرچه مذکر است و از رشته‌ی اخ عینی می‌باشد).

قاعده ۳ ـ اگر درجات قرابت هر دو مساوی باشد، ولد وارث ارث می‌برد و ولد غیر وارث (ذو رحم) محجوب می‌گردد.

حل سه مسأله

مثال ۱ ـ

میـــــــــــــت

بنت، ابن اخ خیفی	ابن، بنت اخت عینی
تمام ترکه	م

شرح:
واسطه‌ی نفر اول (ابن اخ عینی) است که از عصبات بالنفس می‌باشد. و واسطه‌ی نفر دوم (بنت اخت عینی) است که یک وارث ذو رحم می‌باشد.

مثال ۲-

میـــــــــــــت

بنت، ابن اخ علّی	ابن، بنت اخت علّی
تمام ترکه	م

مثال ۳-

میـــــــــــــت

بنت، ابن اخ عینی	ابن، بنت اخت عینی
تمام ترکه	م

شرح:

واسطه‌ی نفر اول (ابن اخ عینی) است که یک عصبه بالنفس می‌باشد. واسطه‌ی نفر دوم (بنت اخت عینی) است که یک ذو رحم می‌باشد.

تذکر:

اگر در همین حالت که درجات قرابت مساوی است و اصل هر دو از خیفی‌ها (اولاد مادری) باشد، ترکه به اعتبار اصل در میان آن‌ها به صورت مساوی تقسیم می‌گردد و مذکر بر مؤنث برتری ندارد. به این مثال توجه فرمایید:

مسأله ۲ (عند محمد)

میت

بنت، ابن اخ خیفی	ابن، بنت اخت خیفی
۱	۱

مسأله ۳ (عند ابی یوسف)

میت

بنت، ابن اخ خیفی	ابن، بنت اخت خیفی
۱	۲

قاعده ۴ ـ اگر ورّاث صنف سوم دارای شرایط زیر باشند:

الف) درجات قرابت مساوی باشد.
ب) واسطه‌ی وارث وجود نداشته باشد.
ج) همگی ولد ذوی‌الفروض باشند.
د) یا همگی ولد عصبات باشند.
هـ) یا بعضی ولد ذوی‌الفروض و بعضی دیگر ولد عصبه باشند.
و) اصول همگی در ذکورت و انوثت یکسان باشد.
ز) یا اصول آنها در ذکورت و انوثت مختلف باشد.

حکم: طبق قواعد زیر مسائل این صنف را حل می‌کنیم.

قاعده اول:

اگر همگی ولد ذوی‌الفروض هستند. یعنی اصول آنها از بنی‌الاخیاف (فرزندان مادری) است. در این حالت ترکه در میان اصول و فروع به طور مساوی و یکسان در بین مذکر و مونث تقسیم می‌گردد.

قاعده دوم:

اگر اصول همگی از عصبات است. مثلاً: اصول تمام ورّاث از بنی‌الاعیان یا اصول تمام ورّاث به تنهایی از بنی‌العلاّت است. در این صورت ابتدا ترکه مطابق با دستور (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میان اصول تقسیم می‌شود و سپس مطابق با قاعده‌ی صنف اول، هرچه به اصول رسید، به فروع انتقال می‌یابد.

قاعده سوم:

اگر اصول مختلف بودند، مثلاً: بنی‌الاعیان، بنی‌العلاّت و بنی‌الاخیاف همگی جمع شده بودند. در این صورت نخست سهمیه‌ی فرضی ذوی‌الفروض داده می‌شود و سپس هرچه باقی بماند به عصبات پرداخت می‌گردد. و اگر عصبه موجود نباشد و ضرورت ردّ پیدا شود، مطابق با قوانین باب‌الرّد مسایل را حل کرده و سپس سهام اصول را به فروع انتقال می‌دهیم.

البته چون ذوی‌الارحام به حکم عصبات ارث می‌برند، لذا مطابق با قواعد بیان شده در باب‌العصبات هنگامی که برادران و خواهران عینی موجود باشند (علّی‌ها) محروم می‌شوند. و چنانچه مسأله به گونه‌ای باشد که علّی‌ها نیز ارث می‌برند، در این صورت عینی‌ها را یک طایفه و علّی‌ها را نیز یک طایفه‌ی مستقل فرض نموده و همانند صنف اول مسأله را تا رسیدن به فروع آخر حل می‌کنیم.

تذکر ۱ ـ

اگر (خیفی) هم وجود داشت، آنها را نیز یک طایفه‌ی مستقل فرض می‌کنیم. البته چون در خیفی‌ها مذکر و مؤنث مساوی است، هرچه به اصول آنها برسد، همان سهام بدون تغییر به فروع (بطون آخر) انتقال می‌یابد.

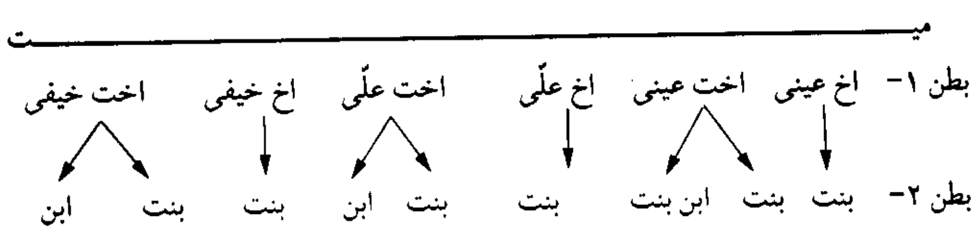
تذکر ۲ ـ

اگر فروع متعدد است، عدد فروع را مانند صنف اول در اصول ملحوظ می‌کنیم. به عبارت دیگر عدد فروع عینی در اصول عینی و عدد فروع علّی در اصول علّی و عدد فروع خیفی در اصول خیفی درنظر گرفته می‌شود.

اکنون مؤلف کتاب سراجی مثالی را بیان می‌کند که شامل تمام موارد مذکور است.

صورت مسأله

شخصی فوت کرده و وارث ذو فرض و عصبه ندارد و فقط (۹) وارث از ذوی‌الارحام دارد که همگی از صنف سوم هستند و هرکدام نیز با یک واسطه به میت اتصال دارند. به این صورت:



تذکرات مربوط به صورت مسأله:

۱ ـ بطن اول زنده نیستند و همگی فوت کرده‌اند.

۲ ـ بطن دوم زنده هستند و ما می‌خواهیم ترکه‌ی میت را در میان همین (۹) نفر تقسیم نماییم.

۳ ـ اخ عینی و اخ علّی و اخ خیفی هرکدام تنها یک دختر دارند و به عبارت دیگر: هرکدام دارای یک فرع هستند.

۴ ـ اخت عینی و اخت علّی و اخت خیفی هرکدام یک پسر و یک دختر دارند. یعنی هرکدام دارای دو فروع هستند.

تذکر:

افراد بطن اول را (اصول) و افراد بطن دوم را (فروع) می‌گویند.

حلّ مسأله مطابق با قول امام ابویوسف ﷫

الف) فروع (یعنی فرزندان) علّی‌ها و خیفی‌ها به علت وجود فروع (یعنی فرزندان) عینی‌ها که قوّت قرابت بیش‌تری از علّی‌ها و خیفی‌ها دارند، همگی محروم می‌شوند.

ب) چون امام ابویوسف ﷫ کاری به اصول ندارد و ترکه را در میان افراد زنده (فروع) تقسیم می‌کند و در فروع فقط (۲ بنت) و یک ابن داریم، گویا مجموع ورّاث مسأله (چهار بنت) هستند، لذا مسأله را از (۴) می‌سازد. به هر بنت (یک سهم) و به هر ابن (دو سهم) می‌دهد. (آفرین و سلام و درود خدا بر روان قاضی ابویوسف باد).

مسأله ۴ عند ابی‌یوسف ﷫

میــــــــــــــــــــــــــــــــــت

بطن ۱-	اخ عینی	اخت عینی	اخ علّی	اخت علّی	اخ خیفی	اخت خیفی
بطن۲-	بنت	بنت ابن	بنت	ابن بنت	بنت	بنت ابن
	۱	۱ ۲	همگی محروم (محجوب) می‌شوند.			

تذکر:

اکنون به جنجالی که در راه حلّ امام محمد ﷫ وجود دارد، توجه فرمایید:

حل مسأله مطابق با قول امام محمد ﷫

۱ ـ ابتدا عدد فروع را در اصول درنظر می‌گیریم. یعنی هر سه خواهر (عینی و علّی و خیفی) به علت داشتن دو فرزند در بطن دوم، به عنوان دو نفر فرض می‌شوند و شکل مسأله در بطن اول به این صورت می‌شود:

میــــــــــــــــــــــــــــــــــت

بطن ۱- اخ عینی ۲ اخت عینی اخ علّی ۲ (اخت علّی) اخ خیفی ۲ (اخت خیفی)

۲ ـ چون در اصول (اخ عینی) وجود دارد، لذا برطبق قواعد ترجیح در عصبات که در ذوی‌الارحم نیز اجرا می‌شود، (اخ علّی و اخت علّی) محروم می‌شوند و به فروع (فرزندان آنها) نیز چیزی داده نمی‌شود.

۳ ـ تقسیم ترکه را از ورّاث ذوی‌الفروض (خیفی‌ها) آغاز می‌کنیم. (دو اخت خیفی و یک اخ خیفی) مجموعاً سه نفر از اولاد مادری هستند و سهمیه‌ی فرضی آنها ($\frac{1}{3}$ترکه) است.

۴ ـ چون یک کسر (تنها همین $\frac{1}{3}$) در مسأله وجود دارد، لذا اصل مسأله نیز از (۳) ساخته می‌شود، یکی به (خیفی‌ها) می‌رسد و دو سهم باقی‌مانده به (اخ عینی و اخت عینی) داده می‌شود.

به این صورت:

مسأله ۳

میـــت

اخ عینی / (۲) اخت عینی	اخ خیفی / (۲) اخت خیفی
مجموعاً: ۲ سهم	مجموعاً: ۱ سهم

۵ ـ مسأله نیازمند تصحیح است. زیرا یک سهم (خیفی‌ها) را نمی‌توانیم در میان سه نفر تقسیم کنیم و در میان سهام و رؤس تباین وجود دارد. پس خود عدد رؤس خیفی‌ها (عدد ۳) مضروب مسأله می‌شود و مسأله از (۹) تصحیح می‌گردد.[1]

به این صورت:

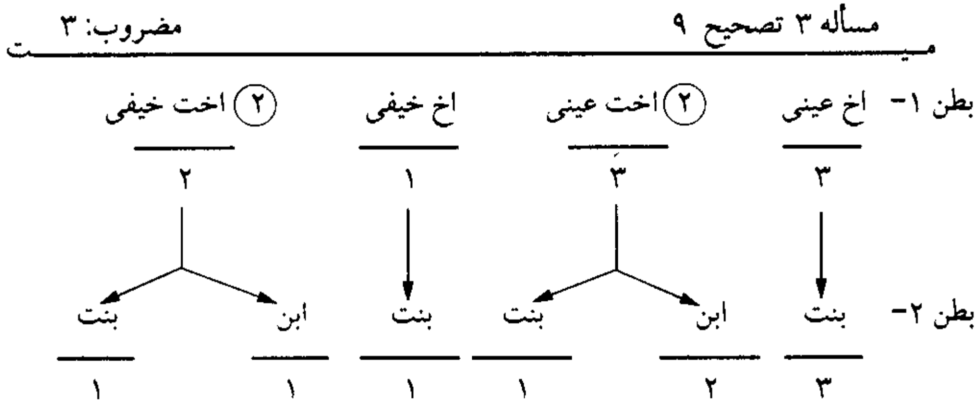
مسأله ۳ تصحیح ۹ — مضروب: ۳

میـــت

اخ عینی / (۲) اخت عینی	اخ خیفی / (۲) اخت خیفی
۶ سهم	۳ سهم

۱- یادتان نرود که در خیفی‌ها مذکر و مؤنث مساوی است.

۶ـاکنون سهام اصول را در میان فروع (در بطن دوم) تقسیم می‌کنیم. به این صورت:



خلاصه‌ی مسأله

۱ ـسه سهم به (بنت اخ عینی) از طرف پدرش (یعنی اخ عینی) رسید.

۲ ـدو سهم اخت عینی در میان پسر و دخترش به نسبت (۲ به ۱) تقسیم شد.

۳ ـیک سهم به (بنت اخ خیفی) از طرف پدرش رسید.

۴ ـدو سهم اخت خیفی در میان پسر و دخترش به صورت مساوی تقسیم شد (زیرا در خیفی‌ها مذکر و مؤنث مساوی هستند).

۵ ـفروع بنی‌العلاّت به طور کلی محروم شدند، زیرا اصول آنها در بطن اول محروم شده بودند.

تذکر ۱-

اگر در این مسأله فروع بنی‌الاعیان وجود نداشتند، فروع بنی‌العلاّت جای آنها را پر کرده و به همین صورت سهم می‌برند.

تذکر ۲-

اگر ورّاث میت سه دختر از اولاد برادران (عینی ـ علّی ـ خیفی) باشند، تمام ترکه به اتفاق صاحبین به اولاد برادر عینی می‌رسد و اولاد برادر علّی و خیفی محجوب می‌شوند.[1]

۱ـ اولاد: فرزندان

دلیل امام ابویوسف در این مسأله ظاهر است. زیرا اولاد عینی قوّت قرابت بیشتری دارند و ضعیف‌ترها (علّی و خیفی) را محجوب می‌کنند.

دلایل امام محمد در این مسأله:

الف) اوّلاً ولد وارث (یعنی بنوالاعیان و بنوالعلاّت)، ولد غیر وارث (یعنی بنوالأخیاف) را محجوب می‌کنند.

ب) هنگامی که تقسیم ترکه از اصول شروع می‌شود، بنوالاعیان در مقابل بنوالعلاّت قرار می‌گیرند که بنوالاعیان به علّت اینکه قوّت قرابت بیش‌تری دارند و از دو جهت با میت رشته‌دار (خویشاوند) هستند کلّ ترکه را تصاحب کرده و بنوالعلاّت را محجوب می‌نمایند. اکنون به صورت مسأله توجه فرمایید:

میــــــت

بنت، ابن اخ عینی	بنت، ابن اخ علّی	بنت، ابن اخ علّی
تمام ترکه	م (محجوب لضعف القرابة)	م (محجوب لکونها ولد غیروارث)

تمرین:

این مسأله را حلّ نمایید.

میــــــت — مسأله ۴ تصحیح ۸ — مضروب (۲)

۲ زوجه	۴ (ابن اخت عینی)	۲ (بنت اخ علّی)
$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{2}$	ق.ع
$\frac{1}{2}$	$\frac{2}{4}$	$\frac{1}{2}$

شرح:
ارث براساس اصول تقسیم می‌شود. یعنی اخت عینی ($\frac{1}{2}$) و (اخ علّی) به علت عصبه بودن باقی‌مانده‌ی ترکه را تصاحب می‌کند. و زوجات نیز به علت عدم وجود فرزند ($\frac{1}{4}$) سهمیه‌ی فرضی خود را می‌گیرند.

قواعد توریث صنف چهارم

افراد این صنف همان عموهای خیفی و عمه‌ها و خاله‌ها و دایی‌های میت و فرزندان آنها هستند.

قواعد این صنف:

قاعده ۱ -
اگر وارث میت یک نفر از این صنف باشد، تمام ترکه‌ی میت را دریافت می‌دارد. (لعدم المزاحم).

مثال ۱ - میت

دایی
تمام ترکه

مثال ۲ - میت

عمه
تمام ترکه

قاعده ۲ -
اگر ورّاث بیش‌تر از یک نفر بودند، نگاه می‌شود که آیا در میان آنها اتحاد قرابت وجود دارد یا اختلاف قرابت؟[1]

۱- در اینجا قاعده‌ی وارث نزدیک و وارث دور، اجرا نمی‌شود. زیرا همگی در یک درجه هستند.

* **اتحاد قرابت** این است که تمام ورّاث از جهت پدر میت باشند مانند: عم خیفی و عمه‌ها، یا تمام ورّاث از جهت مادر میت باشند مانند: دایی‌ها و خاله‌ها:

* **اختلاف قرابت** این است که ورّاث دو گروه هستند. بعضی اَبَویه (از جهت پدر هستند) و بعضی اُمَّویه (از جهت مادر هستند).

* اگر **اتحاد حیزّ** قرابت باشد،[1] مثلاً همگی از جانب پدر می‌باشند یا همگی از جانب مادر میت خویشاوند هستند، در این حالت آن شخصی که قرابت قوی‌تر دارد (اگرچه مؤنث باشد) ارث می‌برد و ضعیف‌تر (اگرچه مذکر باشد) محروم می‌شود.

و به عبارت ساده‌تر: آن‌که قرابتش (عینی) است. بر (علّی) و باز آن که قرابتش (علّی) است بر (خیفی) ترجیح دارد.

مثال ۱-

میــــــــــت

عمة عینی (عمه حقیقی)	عمة علّی (عمه علاّتی)	عمة خیفی (عمه اخیافی)	عموی خیفی (عموی اخیافی)
تمام ترکه	م	م	م

شرح:

در این افراد **اتحاد قرابت** وجود دارد. یعنی همگی از جانب پدر با میت خویشاوند هستند. در این حالت پیروز اول این میدان وارثی است که قرابتش قوی‌تر باشد یعنی (عینی) باشد (کار به مذکر و مؤنث آن نداریم). و چون وارث اول قرابتش (عینی) است، لذا تمام ترکه به او می‌رسد و بقیه محجوب می‌شوند.

تذکر:

عمه و عمو: از جانب پدر با میت خویشاوند هستند.

خاله و دایی (خال): از جانب مادر با میت خویشاوند هستند.

۱- الحَیِّز: ناحیه - جهت.

مثال ۲ -

میـــــت

عمه علّی	عمه خیفی	عموی خیفی
تمام ترکه	م	م

مثال ۳-

میـــــت

دایی حقیقی (خال‌لاب و ام)	دایی پدری (خال‌لاب)	دایی مادری (خال لام)	خاله پدری (خاله‌لاب)	خاله مادری (خاله لام)
تمام ترکه	م	م	م	م

مثال ۴-

میـــــت

خاله حقیقی (خالة لاب وام)	دایی پدری (خال لاب)	خاله پدری (خالة لاب)	دایی مادری (خال لام)	خاله مادری (خاله لام)
تمام ترکه	م	م	م	م

مثال ۵-

میـــــت

خال‌لاب (دایی علاّتی)	خال‌لام (دایی اخیافی)	خالة لام (خاله اخیافی)
تمام ترکه	م	م

مثال ۶-

میـــــــــــــــــــت

خالة لاب	خالة لام	خال لام
تمام ترکه	م	م

مثال ۷-

میـــــــــــــــــــت

خاله عینی	خاله علاّتی
تمام ترکه	م

مثال ۸-

میـــــــــــــــــــت

عمه عینی	عمه علاّتی
تمام ترکه	م

قاعده‌ی ۳-

اگر اتحاد قرابت وجود دارد (همگی از طرف پدر میت یا همگی از طرف مادر میت هستند) و قوّت قرابت آنها نیز مساوی است (همه‌ی ورّاث عینی یا همه‌ی ورّاث علّی یا همه ورّاث خیفی هستند). و بعضی مذکر و بعضی مؤنث هستند.

حکم: ترکه براساس قاعده‌ی (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میَان آنان تقسیم می‌شود.[۱]

۱- اگر قرابت اخیافی هم باشد باز هم قاعده‌ی (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میان مذکر و مؤنث اجرا می‌شود. قاعده‌ی مساوی بودن سهم مذکر و مؤنث در بنی‌الاخیاف فقط هنگام ذوی‌الفروض بودن اجرا می‌شود. ذوی‌الارحام بنا بر معنای عصبیت ارث می‌برند نه بر معنای فرضیت.

و قال فی البحر الرائق: و إن کانوا جمیعاً لأم فالمال بینهم للذکر مثل حظّ الانثیین. (ص ۴۰۱/ج ۹)

حلّ چهار مثال

مسأله ۳
۱ ـ میـــــــــــــــــــــت

عمّه لام	عمّ لام
۱	۲

شرح:

هر دو وارث اتحاد قرابت دارند (یعنی هر دو از طرف پدر با میت خویشاوند هستند) و قوت قرابت هر دو نیز مساوی است (زیرا هر دو اخیافی هستند). و چون یکی مذکر و یکی مؤنث است، لذا مطابق با قاعده‌ی مشهور (للذکر مثل حظّ الانثیین) ترکه در میان آنها تقسیم می‌گردد.

مسأله ۳
۲ ـ میـــــــــــــــــــــت

خالة لاب و ام (خاله عینی)	خال لاب و ام (دایی عینی)
۱	۲

مسأله ۳
۳ ـ میـــــــــــــــــــــت

خالة لاب	خال لاب
۱	۲

مسأله ۳
۴ ـ میـــــــــــــــــــــت

خالة لام	خال لام
۱	۲

قاعده‌ی ۴ ـ

اگر اختلاف قرابت وجود دارد (و به اصطلاح اهل فرائض: حِیّز قرابت ورثه مختلف است). یعنی قرابت بعضی از جانب پدر میت و بعضی دیگر از جانب مادر میت است.

حکم:

در این حالت که بعضی از طایفه‌ی پدر و بعضی از طایفه‌ی مادر هستند، قوّت قرابت (عینی بودن ـ علّی بودن ـ خیفی بودن) فقط در میان خود افراد آن طائفه اعتبار دارد (یعنی فرد قوی، ضعیف را محجوب می‌کند). اما قوّت قرابت یک طایفه بر طایفه‌ی دیگر اثر نمی‌کند. به ورّاثی که از جانب پدر هستند ($\frac{2}{3}$) ترکه و به ورّاثی که از جانب مادر میت هستند ($\frac{1}{3}$) ترکه تعلق می‌گیرد.

حلّ چند مثال

۱ ـ میت — مسأله ۳

عمة لاب و ام (عمه حقیقی	خالة لام (خاله اخیافی)
۲	۱

شرح:

وارث اول از طرف پدر با میت خویشاوند است و وارث دوم از طرف مادر خویشاوند است. لذا طبق قاعده ترکه به (سه قسمت) تقسیم می‌شود، دو سهم به خویشاوند پدری و یک سهم به خویشاوند مادری داده می‌شود.

مثال ۲ـ

میت — مسأله ۳

عمه حقیقی	عمه پدری	خاله حقیقی	خاله پدری
۲	م	۱	م

شرح:

الف) عمه حقیقی به علت اینکه قوّت قرابت بیش‌تری دارد، عمه پدری را محجوب می‌کند.

ب) خاله حقیقی به علّت این‌که قوّت قرابت بیش‌تری دارد، خاله پدری را محجوب می‌کند.

ج) اکنون از طائفه‌ی پدری (عمه حقیقی) و از طائفه‌ی مادری (خاله حقیقی) ماند، لذا طبق قاعده (للذکر مثل حظّ الانثیین) دو سهم به طائفه پدری و یک سهم به طائفه‌ی مادری داده می‌شود.

مثال ۳ـ

مسأله ۳

میـــــت

عمة لاب و ام	خال لام
۲	۱

مثال ۴ـ

مسأله ۳

میـــــت

عمة لام	خالة لاب وام
۲	۱

مثال ۵ـ

مسأله ۳

میـــــت

عمة لاب و ام	خالة لاب و ام
۲	۱

مثال ۶ـ

مسأله ۳

میـــــت

عمة لام	خالة لاب و ام
۲	۱

مثال ۷ ـ

مسأله ۳

میـــــــــت

خالة لاب (خاله خیفی)	عمة لاب و ام (عمه عینی)
۱	۲

تذکر:

اگر تعداد عمه‌ها زیاد باشند، $\frac{۲}{۳}$ ترکه به صورت مساوی در میان آنها تقسیم می‌شود و همچنین اگر تعداد خاله‌ها زیاد باشند، $\frac{۱}{۳}$ ترکه در میان آنها مشترک است.

مثال:

مسأله ۳

میـــــــــت

۳ خالة لاب و ام	۳ عمة لاب و ام
$\frac{۱}{۳}$ مشترکاً	$\frac{۲}{۳}$ مشترکاً

که اگر مسأله‌ی فوق را تصحیح کنیم به این صورت می‌شود:

مسأله ۳ تصحیح ۹ — مضروب (۳)

میـــــــــت

خالة	خالة	خالة	عمة	عمة	عمة
۱	۱	۱	۲	۲	۲

تمرین:

این مسأله را حل کنید.

میـــــــــت

عمة لاب و ام	عم لاب و ام
م	تمام ترکه

شرح:

اولی عموی حقیقی میت است که از عصبات بالنفس است و دومی عمه‌ی حقیقی است که از ورّاث ذوی‌الارحام میت می‌باشد. و هنگامی که عصبه وجود داشته باشد، ارث به ذوی‌الارحام نمی‌رسد.

سؤال:

مگر (عمو و عمه) برادر و خواهر نیستند، پس چرا ارث را به صورت (للذکر مثل حظّ الانثیین) در میان آنها تقسیم نکردید؟

پاسخ:

چون (عمو) نمی‌تواند خواهرش (عمه) را عصبه بالغیر کند. زیرا شرط عصبه شدن این است که آن خواهر، خودش از ورّاث ذوی‌الفروض میت باشد (نه از صنف ذوی‌الارحام) و متأسفانه (عمه) از ورّاث ذوی‌الارحام است و برادرش نمی‌تواند هیچ کمکی در عصبه شدن به او بکند، لذا محجوب می‌گردد.

فصل ـ فی اولاد الصنف الرابع

محور اصلی گفتگوی این فصل در این باره است که افراد زیر که همگی از ذوی‌الارحام هستند، به چه ترتیبی از میت ارث می‌برند.این افراد به صورت خلاصه عبارتند از:

۱ ـ دخترعموهای میت (مطلقاً)

۲ ـ پسرعمه‌ها و دخترعمه‌های میت

۳ ـ پسردایی‌ها و دختردایی‌های میت

۴ ـ پسرخاله‌ها و دخترخاله‌های میت

احوال میراثی فرزندان صنف چهارم

حالت اول:

قاعده ۱ ـ

اگر وارث میت تنها یک نفر از آنها باشد، تمام ترکه را دریافت می‌دارد (لعدم المزاحم).

مثال ۱ ـ

میـــــــــــــــــــــت

بنت عم خیفی
(دختر عموی مادری میت)

تمام ترکه

مثال ۲ ـ

میـــــــــــــــــــــت

ابن عمه (پسر عمه)

تمام ترکه

قاعده ۲ ـ

اگر درجات قرابت مختلف است (بعضی نزدیک به میت هستند و بعضی از میت فاصله دارند و واسطه‌های آنها تا میت زیاد است) در این صورت به طور عموم وارث نزدیک (اگرچه مؤنث باشد) ارث می‌برد و وارث دورتر (اگرچه مذکر هم باشد) محجوب می‌گردد.

مثال ۱ ـ

میـــــــــــــــــــــت

بنت عمه	ابن، بنت عمه
تمام ترکه	م

شرح:
اولی اگرچه دختر است اما چون با یک واسطه به میت می‌رسد، مستحق دریافت کلّ ترکه می‌شود. و دومی اگرچه پسر است، اما چون با دو واسطه به میت متصل می‌شود، از میراث محجوب می‌گردد.

مثال ۲-

میت	
بنت خال (دختر دایی)	ابن، بنت عم
تمام ترکه	محروم

مثال ۳-

میت	
بنت خاله	ابن، بنت خاله
تمام ترکه	م

قاعده ۳-
اگر درجات قرابت آنها مساوی است و جهت قرابت نیز متحد است (همه از جانب پدر میت خویشاوند هستند یا همگی از جانب مادر میت خویشاوند می‌باشند) و فقط در قوّت قرابت اختلاف دارند.

حکم:
آن که قرابتش قوی‌تر است ارث می‌برد و ضعیف‌تر محجوب می‌شود.
به عبارتی دیگر: عینی ارث می‌برد و در مقابلش علّی و خیفی محجوب می‌گردند و همچنین علّی ارث می‌برد و در مقابلش خیفی محروم می‌ماند.

مثال ۱ ـ

میـــــــت

ابن عمه خیفی	ابن عمه علّی	بنت عمه عینی
م	م	تمام ترکه

مثال ۲ ـ

میـــــــت

ابن خاله خیفی	ابن خاله علّی	بنت خاله عینی
م	م	تمام ترکه

قاعده ۴ ـ

الف) اگر درجات قرابت مساوی است.
ب) قوّت قرابت نیز مساوی است.
ج) جهت قرابت نیز متحد است (همه از طرف پدراند یا همه از طرف مادراند).

حکم:

ولد عصبه ارث می‌برد و ولد غیر وارث (ذو رحم) محجوب می‌گردد.

مثال:

میـــــــت

ابن عمه (عینی یا علّی)	بنت عم (عینی یا علّی)
م	تمام ترکه

شرح:

وارث اول اگرچه دختر است اما به دلیل اینکه پدرش از عصبات بالنفس میت است، تمام ترکه را تصاحب می‌کند. و وارث دوم اگرچه پسر است، اما به دلیل اینکه مادرش از ذوی‌الارحام است، محجوب می‌شود.

تذکر:

اگر در مسأله‌ای قوّت قرابت یک وارث بیش‌تر بود، و باز وارث دیگر، فقط پدرش عصبه بود، طبق ظاهر الروایة، وارثی که قوّت قرابت بیش‌تری دارد ترجیح پیدا می‌کند و تمام ترکه را می‌برد. (و علیه الفتویٰ)

مثال

فی ظاهرالروایة

میـــــــت

بنت عم علّی	ابن عمه عینی
م	تمام ترکه

شرح:

اگرچه وارث اول دخترعموی میت و به اصطلاح ولد عصبه می‌باشد (اما محروم می‌گردد) و اگرچه دومی پسرعمه‌ی میت است و ولد ذو رحم می‌باشد، اما تمام ترکه را دریافت می‌دارد. زیرا گفته‌اند: عصوبت اصل به فرع منتقل نمی‌شود اما قوّت قرابت اصل به فرع انتقال می‌یابد.

قاعده ۵ ـ

الف) درجات قرابت مساوی است.
ب) حیز (جهت) قرابت‌ها مختلف است. (یعنی بعضی از جانب پدر و بعضی از جانب مادر خویشاوند هستند).
ج) بعضی ولد عصبه و بعضی ولد ذو رحم هستند.

حکم:

در این حالت با شرایط مذکور ($\frac{۲}{۳}$) ترکه برای قرابت پدری و ($\frac{۱}{۳}$) ترکه برای قرابت مادری درنظر گرفته می‌شود. و ولد عصبه بودن اعتباری ندارد.

حل دو مثال:

مسأله ۳
۱ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

بنت عم لاب	ابن الخال لاب
۲	۱

مسأله ۳
۲ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

بنت عم لاب و ام	ابن الخال لاب و ام
۲	۱

تذکر:

امام سرخسی ﷫ فرموده‌اند که در این حالت هم ولد عصبه بودن، معتبر است (و علیه الفتویٰ).
میـــــــــــــــــــــــــــــــت

بنت عم لاب و ام	ابن الخال لاب و ام
تمام ترکه	م

دلیل:

اولی دخترعموی حقیقی است که از عصبات می‌باشد و دومی فرزند دایی است که از ذوی‌الارحام است، لذا نفر اول به علت اینکه ولد وارث (عصبه) است ارث می‌برد و نفر دوم به علت اینکه ولد غیر وارث (ذو رحم) است، محجوب می‌گردد.

قاعده ۶ ـ

الف) درجات قرابت مساوی است.
ب) حیز قرابت‌ها مختلف است.
ج) هر دو ولد ذو رحم هستند.

حکم:

طبق این شرایط همانند حالت قبلی ($\frac{۲}{۳}$) ترکه برای قرابت پدری و ($\frac{۱}{۳}$) ترکه برای قرابت مادری درنظر گرفته می‌شود.

مثال:

میـــــــــــــــــــــــــــــت

بنت عمّ	بنت خاله
$\frac{۲}{۳}$ ترکه	$\frac{۱}{۳}$ ترکه

قاعده ۷ ـ

الف) درجات قرابت مساوی است.
ب) بطون متعدد هستند (فاصله‌ی ورّاث زنده تا میت زیاد است و چند نسل فاصله دارند).
ج) اصول در ذکورت و انوثت نیز اختلاف دارند.

حکم:

در این شرایط، مطابق با قول امام محمد ﷺ همانند صنف اول عمل می‌کنیم. یعنی از اولین بطنی که اختلاف ذکورت و انوثت شروع می‌شود، تقسیم ترکه را آغاز کرده و تا رسیدن به فروع آخر (افراد زنده) ادامه می‌دهیم.

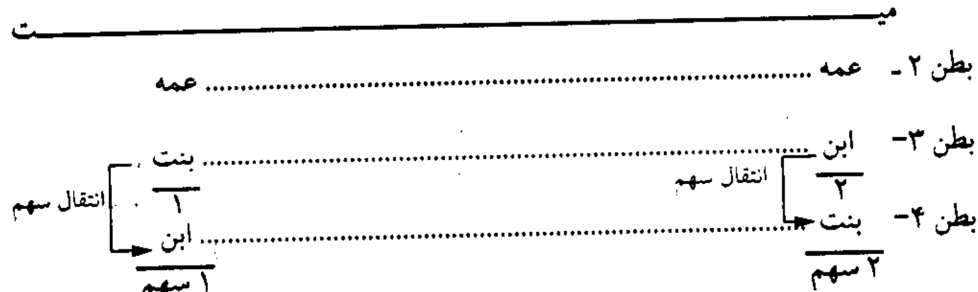
مثال:

میـــــــــــــــــــــــــــــت

بنت، ابن العمه	ابن، بنت العمه
۲	۱

شرح:

اگر مسأله را به صورت گسترده بنویسیم، متوجه خواهیم شد که در بطن دوم اختلاف ذکورت و انوثت وجود دارد، لذا از همان بطن دوم تقسیم ترکه را آغاز می‌کنیم و سپس هر سهمی که به اصول برسد، به فروع انتقال می‌دهیم.



قاعده (۸ و ۹)

الف) درجات قرابت مساوی است.
ب) فروع متعدد هستند / یا جهات قرابت متعدد است.
ج) اصول در ذکورت و انوثت اختلاف دارند.

حکم:

تعدد فروع و جهات قرابت را در اصول درنظر گرفته و مطابق با قاعده‌ی صنف اول، تقسیم ترکه را از بطنی که اختلاف ذکورت و انوثت دیده می‌شود، آغاز کرده و تا رسیدن به فروع آخر ادامه می‌دهیم.

این مسأله دربرگیرنده‌ی تمام قواعد مذکور است:

صورت مسأله:

شخصی فوت کرده و ورّاث او هشت نفر (چهار پسر و چهار دختر) از اولاد صنف چهارم ذوی‌الارحام می‌باشند که دو نسل از میت اولیه فاصله گرفته‌اند. ترکه‌ی او به صورت زیر تقسیم می‌شود. البته نخست به نقشه‌ی صورت مسأله‌ی مذکور توجه فرمایید.

میـــت

بطن ۱ – ← عمة لاب ..... عمة لاب ..... عم لاب ......| ...... خالة لاب....خالة لاب....خال لاب

بطن ۲ – ← بنت ....ابن ← (زوجین) ← بنت ......| .... بنت ..... ابن ← (زوجین) ← بنت

بطن ۳ – ← (۲)ابن .... ۲ بنت ....| .... ۲ بنت .... ۲ (ابن)

(= ابنی) (= بنتی) | (= بنتی) (= ابنی)

توضیحات نقشه‌ی صورت مسأله:

۱ ـ در بطن اول سه وارث پدری وجود دارد که عبارتند از:

(دو عمه و یک عمو) و در قسمت دیگر نیز سه وارث مادری وجود دارد که عبارتند از: (دو خاله و یک دایی).

۲ ـ در بطن دوم پسرعمه و دخترعمو با یکدیگر ازدواج کرده و ثمره‌ی این ازدواج دو دختر دو قرابته است.

۳ ـ همچنین در بطن دوم این مسأله پسرخاله و دختردایی نیز با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و ثمره‌ی ازدواج آنها دو پسر دو قرابته می‌باشد.

حل مسأله طبق قول امام ابویوسف ﷺ

۱ ـ امام ابویوسف ﷺ فقط ترکه را در میان ورّاث زنده (بطن سوم) تقسیم می‌کند. وی طبق قاعده‌ی خویش «تعدد جهات قرابت را در میان خود فروع درنظر می‌گیرد».

مثلاً: (دو بنت) دو قرابته در بطن سوم، به جای (چهار بنت) و (دو ابن) دو قرابته در بطن سوم، به جای (چهار ابن) در نظر گرفته می‌شوند و شکل نقشه به این صورت درمی‌آید:

مـیـــت

بطن ۳ ـ ←(۲)ابن .... ۴ بنت* .... ۲ بنت .... ۴ ابن*

۲ ـ اکنون به ورّاث قرابت پدری ($\frac{۲}{۳}$) ترکه به ورّاث قرابت مادری ($\frac{۱}{۳}$) ترکه را می‌دهیم. به این صورت:

ورّاث قرابت پدری ($\frac{۲}{۳}$)		ورّاث قرابت مادری ($\frac{۱}{۳}$)	
(۲) ابن	۴ بنت	۲ بنت	۴ ابن

میـــــــت

۳ ـ در قسمت قرابت پدری: با فرض کردن (۴ بنت) به عنوان (دو ابن)، گویا در این قسمت (چهار ابن داریم) که سهمیه‌ی همگی (۲) است.
۴ ـ در قسمت قرابت مادری: با فرض کردن دو بنت به عنوان (یک ابن)، گویا در این قسمت (پنج ابن) داریم که سهم همگی آنها (یک سهم) است. به این صورت:

قرابت پدری	قرابت مادری
(۴) ابن	(۵) ابن
۲ سهم	۱ سهم

میـــــــت

۵ ـ در هر دو قسمت (قرابت پدری و مادری) مسأله نیازمند تصحیح است. زیرا دو سهم در میان (چهار پسر) و یک سهم در میان (۵ پسر) بدون کسر قابل تقسیم نمی‌باشد.
۶ ـ در قرابت پدری در میان (۲ و ۴) تداخل وجود دارد که وفق عدد رؤس (یعنی ۴) که دو است، انتخاب می‌شود. زیرا: $۴ \div ۲ = ۲$
۷ ـ در قرابت مادری در میان (۱ و ۵) تباین وجود دارد که خود عدد رؤس (یعنی ۵) انتخاب می‌شود.
۸ ـ در میان اعداد رؤس و رؤس، یعنی (۲ و ۵) مخرج مشترک می‌گیریم و چون تباین وجود دارد، آنها را در هم ضرب می‌کنیم و حاصل ضرب (یعنی عدد ۱۰) مضروب مسأله می‌شود و این مسأله از (۳۰) تصحیح می‌گردد. یعنی: $۱۰ \times ۳ = ۳۰$

۹ـ اکنون مسأله به این صورت درآمد:

مسأله ۳ تصحیح ۳۰ (عند ابی یوسف) مضروب: ۱۰

میت	
قرابت پدری	قرابت مادری
۲۰ سهم	۱۰ سهم

۱۰ ـ سپس سهام مذکور را به این صورت در میان وراث زنده‌ی این میت که در بطن سوم قرار دارند، تقسیم می‌کنیم.

میت			
قرابت پدری		قرابت مادری	
دو ابن	دو بنت دو قرابته	دو بنت	دو ابن دو قرابته
۱۰	۱۰	۲	۸
۵ ۵	۵ ۵	۱ ۱	۴ ۴

تذکرات:

۱- در قرابت پدری: دو بنت دو قرابته به منزله‌ی چهار بنت فرض شدند و به همین جهت مانند دو پسر (۱۰) سهم گرفتند.

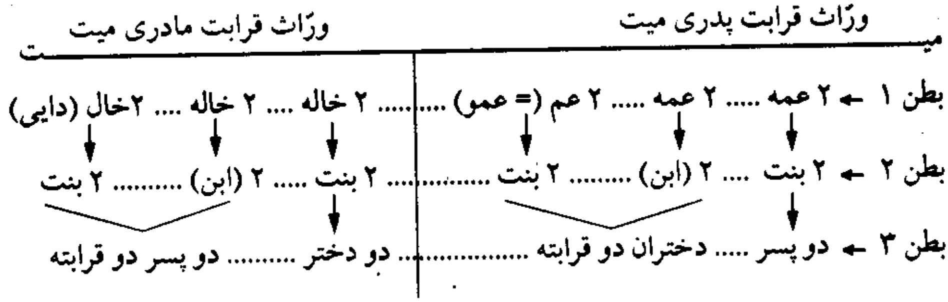
۲- در قرابت مادری: دو ابن دو قرابته به منزله‌ی چهار (ابن) فرض شدند و به همین جهت مانند هشت دختر (۸ سهم) گرفتند.

اکنون به حلّ مسأله مطابق با قول امام محمد ﷺ می‌پردازیم. خوب حواستان را جمع کنید که به زودی: لَتَرَوُنَّ الجَحیم.[1]

۱- سوره التکاثر (آیه ۶).

حلّ مسأله طبق قول امام محمد ﷺ

۱ ـ نخست تعدد فروع و تعدد جهات قرابت را در بطون فوقانی (بطن اول و بطن دوم) درنظر می‌گیریم. بنابراین بطن اول و دوم به این شکل درمی‌آیند:



۲ ـ چون (۴ عمّه) مساوی (۲ عمو) هستند و (۴ خاله) نیز مساوی (۲ دایی) می‌باشند، لذا گویا در بطن اول در قسمت ورثه‌ی پدری (۴ عمو) و در قسمت ورثه‌ی مادری (۴ دایی) داریم.
حال ($\frac{2}{3}$) ترکه را برای قرابت پدری و ($\frac{1}{3}$) ترکه را برای قرابت مادری درنظر گرفته و اصل مسأله را از (۳)می‌سازیم.
۳ ـ عموها چهار نفراند و سهم آنها (۲) می‌شود و دایی‌ها نیز چهار نفراند و سهم آنها (۱) می‌باشد. پس مسأله در هر دوگروه (فریق) نیازمند تصحیح است.
۴ ـ از فریق عموها در میان سهام (۲) و عدد رؤس (یعنی ۴) تداخل وجود دارد که وفق عدد رؤس انتخاب می‌شود.

وفق عدد رؤس ۲ = ۲ ÷ ۴

۵ ـ از فریق دایی‌ها در میان سهام (۱) و عدد رؤس (۴) نسبت تباین وجود دارد، که خود عدد رؤس (یعنی ۴) برای عملیات پیداکردن مضروب انتخاب می‌شود.
۶ـ در میان اعداد رؤس و رؤس به دست آمده (یعنی ۲ و ۴) نسبت تداخل وجود دارد، که عدد بزرگ‌تر (یعنی ۴) مخرج مشترک است و به عنوان مضروب اول مسأله انتخاب می‌گردد و مسأله از عدد (۱۲) تصحیح می‌شود.
به این صورت:

مسأله ۳ تصحیح اول ۱۲ — مضروب اول (۴)

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــت

سهام گروه عموها	سهام گروه دایی‌ها	
۲	۱	→ سهام از اصل مسأله
۸	۴	→ سهام از تصحیح مسأله

۷ـ هشت سهم گروه عموها را به این ترتیب در میان ورّاث بطن اول تقسیم می‌کنیم.

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــت

عمه	عمة	عمو
۲	۲	۴

۸ـ چهار سهم گروه دایی‌ها را نیز به همین ترتیب در میان ورّاث بطن اول تقسیم می‌کنیم.

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــت

خاله	خاله	دایی
۱	۱	۲

۹ـ اکنون ذکور (مردان) را یک طایفه و إناث (زنان) را یک طایفه‌ی دیگر درنظر می‌گیریم. سهام عمو را که (۴ سهم) بود، به دو دختر دو قرابته در بطن سوم انتقال می‌دهیم (چون اختلاف ذکورت و انوثتی وجود ندارد).

۱۰ـ سهام دایی‌ها را که (۲ سهم) بود. مستقیماً به دو پسر دو قرابته در بطن سوم انتقال می‌دهیم. (زیرا اختلاف ذکورت و انوثتی در بطن دوم در زیرستون دایی‌های دیده نمی‌شود)

۱۱ـ اگر به بطن سوم در ذیل ستون عمّه‌ها (گروه زنان) نگاه کنیم، ملاحظه می‌شود که باز اختلاف ذکورت و انوثت وجود دارد. بنابراین سهام عمه‌ها را که (۴ سهم) است در میان فروع آنها در بطن دوم به صورت زیر تقسیم می‌کنیم:

میـــت

بطن ۱ـ عمه عمه

گروه زنان: ۴ سهم

↓ ↓

بطن ۲ـ دو بنت دو ابن

۱۲ـبا درنظر گرفتن دو بنت اولیه به منزله‌ی (یک ابن) گویا مجموعاً در بطن دوم (سه ابن) وجود دارد. و چهار سهم را نمی‌توان در میان سه نفر بدون کسر تقسیم نمود و مسأله نیازمند تصحیح دوم می‌شود و عدد رؤس (یعنی ۳) از این گروه برای عملیات پیداکردن مضروب دوم انتخاب می‌شود.

۱۳ـ همچنین اگر در ذیل گروه خاله‌ها در بطن سوم نظری بیفکنیم، مشاهده می‌شود که باز اختلاف ذکورت و انوثت وجود دارد. بنابراین سهام خاله‌ها را که مجموعاً دو سهم است، در میان فروع آنها در بطن دوم تقسیم می‌کنیم.

به این صورت:

میـــت

بطن ۱ـ← خاله خاله

گروه زنان: ۲ سهم

↓ ↓

بطن ۲ـ← ۲ ابن ۲ بنت

۱۴ـچون در میان سهام (عدد ۲) و رؤس (عدد ۳) تباین وجود دارد (دو بنت را به منزله‌ی یک ابن درنظر گرفتیم)، لذا خود رؤس (یعنی ۳) برای عملیات پیداکردن مضروب جدید (مضروب دوم) انتخاب می‌شود.

۱۵ ـ عدد رؤس انتخاب شده از فریق عمه‌ها (۳) بود که با این (۳) که از فریق خاله‌ها انتخاب شده است؛ نسبت تماثل (تساوی) دارد. بنابراین (۳) را به عنوان مضروب دوم مسأله درنظر گرفته و دوباره این مسأله‌ی بغرنج از (۳۶) تصحیح می‌گردد.

۱۶ ـ در بندهای قبلی گفتیم که سهام عموها (۴ سهم) است و به دو دختر در بطن سوم منتقل می‌شوند و سهام دایی نیز (۲ سهم) است و به پسران در بطن سوم واگذار می‌شوند. اکنون همان چهار سهم قبلی عموها نیز در این مضروب جدید ضرب می‌شود و تبدیل به (۱۲) سهم می‌شوند و آن را به دختران دو قرابته در بطن سوم تحویل می‌دهیم و سهام قبلی دایی‌ها را نیز در مضروب جدید ضرب کرده و تبدیل به (۶) سهم می‌شوند و آن را به پسران دو قرابته در بطن سوم واگذار می‌کنیم.

به این صورت:

میت

	عمه	عمه	عمو	خاله	خاله	دایی
بطن ۳ ←	*	ابن	بنت	*	ابن	بنت
			↓ دو بنت دو قرابته ۱۲ سهم از طرف عمو (جدّ آنها) به اینها می‌رسد.			↓ دو ابن دو قرابته ۱۶ سهم از طرف دایی (جدّ آنها) به اینها می‌رسد.

۱۷ ـ سهمیه‌ی قبلی عمه‌ها (۴ سهم) بود که اکنون پس از ضرب در مضروب جدید تبدیل به (۱۲ سهم) می‌شوند و به صورت زیر در میان فروع آنها در بطن سوم تقسیم می‌گردد.

میت

بطن اوّل	عمه	عمه
	جمعاً: ۱۲ سهم	
بطن دوّم	↓ ۲ بنت	↓ (۲) ابن
	۴ سهم	۸ سهم

سپس سهام به دست آمده به فرزندان هر یک در بطن سوم انتقال می‌یابد. به این صورت:

میت

بطن اوّل ← عمة — عمة

بطن دوّم ← ۲ بنت — ۲ (ابن)

۴ سهم — ۸ سهم

انتقال سهام ۲ پسر — دو دختر دو قرابته انتقال سهام

۴ سهم — ۸ سهم

۱۸ ـ سهمیه‌ی قبلی خاله‌ها (۲ سهم) بود که اکنون تبدیل به (۶ سهم) می‌شود و به فرزندان هر یک در بطن سوم انتقال می‌یابد. به این صورت.

میت

بطن اوّل ← خاله — خاله

(مجموعاً: ۶ سهم)

بطن دوّم ← ۲ ابن — ۲ بنت

۴ سهم — ۲ سهم

انتقال سهام دو ابن دو قرابته — دو بنت انتقال سهام

۴ سهم — ۲ سهم

خلاصه‌ی حلّ مسأله:

۱ ـ برای دو پسر بنت‌العمه (۴ سهم) از طرف مادرش رسید.

۲ ـ برای دو دختر (ابن‌العمه) از طرف پدر ۸ سهم و از طرف مادر ۱۲ سهم که جمعاً (۲۰ سهم) می‌شوند؛ رسید.

۳ ـ برای دو دختر بنت‌الخاله ۲ سهم از طرف مادرش رسید.

۴ ـ برای دو پسر ابن‌الخاله ۴ سهم از طرف پدر و ۶ سهم از طرف مادرش یعنی مجموعاً (۱۰ سهم) رسید.

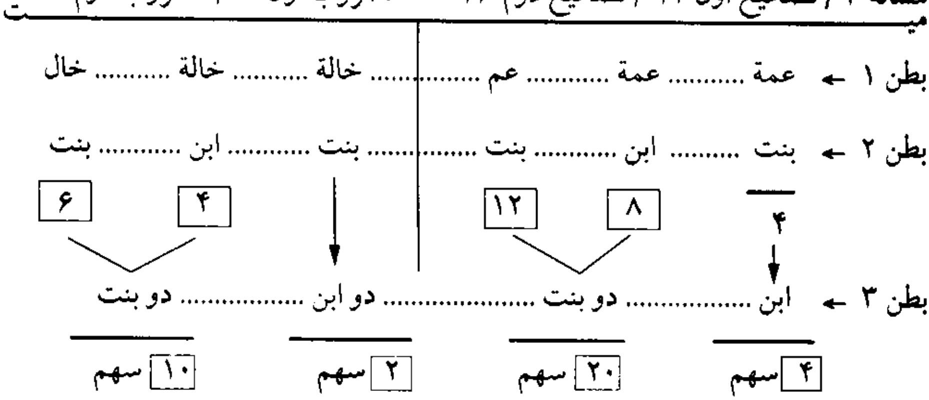
مجموع سهام قرابت پدری ۱۲ + ۸ + ۴ = ۲۴

مجموع سهام قرابت مادری ۶ + ۴ + ۲ = ۱۲

مجموع سهام ورثه که با کلّ تصحیح مساوی است. ۲۴ + ۱۲ = ۳۶

۵ ـ بالاخره این مسأله‌ی به روش خسته‌کننده و عذاب‌آور امام محمد ﷺ به صورت زیر کامل گردید. تدبر فی هٰذا المقام فانّه من مطارح الأذکیاء. و لیست فیها فائدة الاّ ضیاع الوقت و العُمر.

مسأله ۳ / تصحیح اوّل ۱۲ / تصحیح دوم ۳۶ مضروب اول: ۴ / مضروب دوم: ۳



فصل چهارم

باب: میراث الخُنْثیٰ

- تعریف لغوی و اصطلاحی «خُنثیٰ»
- انواع «خنثیٰ»
- روش‌های توریث «خنثی مشکل»
- مطالب زاید بحث «خنثی مشکل»
- قول امام شعبی و توضیحات صاحبین رحمهما الله

▢ تعریف خُنثیٰ

خنثیٰ به کسی گفته می‌شود که هر دو عضو تناسلی (مردانه و زنانه) را داشته باشد و یا اصلاً چیزی شبیه آلت آن دو را نداشته باشد. در زبان عربی به آن (خنثیٰ) و در زبان فارسی (دو جنس) و در اصطلاح پزشکی (هِرمافرودیت) و در اصطلاح عامیانه به آن (نر و ماده) می‌گویند.

وجه تسمیه

خنثی از کلمه‌ی (الخُنْث) به معنای شکستگی، دولاشدگی، نرمی و انعطاف‌پذیری مشتق شده است و چون غالباً این نوع انسان‌ها از لحاظ نرمی کلام و استخوان‌بندی و طرز راه‌رفتن و لباس پوشیدن و... با زنان مشابهت دارند، لذا به آنان خنثی گفته می‌شود.

روش‌های تعیین جنسیت خنثی قبل از رسیدن به سن بلوغ

۱ ـ اگر از راه (ذکر) ادرار می‌کند، مذکر است و اگر از راه (فرج) ادرار می‌کند، مؤنث محسوب می‌شود.

۲ ـ اگر از هر دو راه (با تقدیم و تأخیر) ادرار می‌کند، پس مجرای سابق اعتبار دارد. یعنی اگر نخست ادرارش از راه (ذکر) خارج می‌شود، پسر است و چنانچه نخست ادرارش از راه (فرج) بیرون می‌آید، دختر به حساب می‌آید.

۳ ـ اگر از هر دو راه معاً (یعنی هم‌زمان و بدون تقدیم و تأخیر) ادرار می‌کند، پس امام ابوحنیفه رحمه الله توقف کرده و حکم دیگری برای آن بیان نکرده‌اند. اما صاحبین گفته‌اند: در این حالت براساس کثرت و قِلت بوَل (حجم ادرار خروجی) حکم می‌شود. یعنی اگر حجم خروجی ادرارش از

مسیر (ذکر) بیش‌تر است، پسر به حساب می‌آید و اگر حجم خروجی ادرارش از مسیر (فرج) بیش‌تر است، دختر به شمار می‌آید.
و چنانچه حجم ادرار از هر دو مسیر مساوی باشد، پس صاحبین نیز توقف (= سکوت) کرده و حکم دیگری برای آن بیان نفرموده‌اند.

روش تعیین جنسیت خنثیٰ در زمان بلوغ

۱ ـ اگر در وی علامات مرد بودن مانند (احتلام - روییدن موی ریش و سبیل، علاقه به هم‌بستری با زنان) ظاهر شدند، او یک مرد به حساب می‌آید.
۲ ـ چنانچه در وی علامات زن بودن همانند (حیض شدن، برآمدن سینه‌ها، حامله شدن و...) ظاهر شدند، پس او یک زن محسوب می‌شود.

انواع خنثیٰ:

خنثی بر دو گونه است:

۱ ـ خنثی واضح
۲ ـ خنثی مشکل

خنثی واضح: آن است که قبل از بلوغ یا بعد از رسیدن به سن بلوغ، توسط علاماتی که ذکر شدند، جنسیت او قابل تشخیص باشد.
خنثی مشکل: آن است که با هیچ‌یک از علامات مذکور قابل تشخیص نباشد (یعنی نه مشابه صفات مردانه دارد و نه مشابه صفات زنانه، یا چند نشانه‌ی متضاد را با هم دارد).
و چون تشخیص مرد بودن و یا زن بودن او دشوار است، لذا فقهاء به آن (خنثیٰ مشکل) گفته‌اند.[۱]

۱- خوشبختانه امروزه با پیشرفت علوم پزشکی، تشخیص جنسیت این افراد به آسانی امکان‌پذیر شده است. زیرا متخصصان ماهر توسط عملیات جرّاحی، فرد خنثی را به هر جنسیتی که نزدیک‌تر باشد، با همان جنس نزدیک همگون می‌سازند. و دیگر نیازی به سرگردانی فقهاء و فرائض‌دانان باقی نمی‌ماند. (الاّ ماشاء الله).

توریث خنثی مشکل

۱ - مذهب مفتی به نزد احناف:

به فرد خنثی مطابق با (أَسْوَءُ الحالَیْن) ارث داده می‌شود. یعنی مسأله دو مرتبه حل می‌شود. یک دفعه او را (پسر) و بار دوم او را (دختر) فرض کرده و به او سهم می‌دهند. در هر حالتی که به خنثی (سهمیه‌ی کم‌تری رسید) یا به طور کلّی محجوب (محروم) گردید، مطابق با همان حالت به او ارث داده می‌شود. این رأی امام ابوحنیفه ﷺ و قول عموم صحابه ﷺ می‌باشد.

حل دو مثال

مثال ۱-

شخصی فوت کرده و ورّاث او (ابن - بنت، یک فرزند خنثی مشکل) است، ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود:

۱ ـ مسأله‌ی ذکورت: میـــت — مسأله ۵

ابن	بنت	خنثی مشکل (مذکر)
۲	۱	۲

۲ ـ مسأله‌ی انوثت: میـــت — مسأله ۴

ابن	بنت	خنثی مشکل (مؤنث)
۲	۱	۱

شرح:

چون در مسأله‌ی انوثت (دختر بودن) سهمیه‌ی کم‌تری به خنثی می‌رسد، لذا مسأله را طبق حالت دوم حلّ کرده و به ورّاث موجود در مسأله سهم می‌دهیم.

اعتراض:

همیشه سهمیه‌ی (دختر) کم‌تر از (پسر) است، پس چرا گفته نشده که همواره به خنثی سهمیه‌ی دخترانه داده می‌شود؟

پاسخ:

همواره این‌گونه نیست. این امر بستگی بـه ورّاث مـوجود در مسأله دارد. مـثلاً گـاهی طـوری می‌شود که سهمیه‌ی یک مؤنث مساوی یک مذکر و حتی بیش‌تر از او می‌شود.

به این مثال توجه فرمایید:

زنی فوت کرده و ورّاث او (زوج - ام - اخت خیفی و یک خنثی مشکل پدری) هستند که معلوم نیست این خنثی (اخ علّی است یا اخت علّی) ترکه‌ی این زن به صورت زیر تقسیم می‌گردد.

۱ ـ ابتدا خنثی را یک (اخ علّی) درنظر گرفته و مسأله را حل می‌کنیم:

مسأله‌ی ذکـورت: میت — مسأله ۶

خنثی (اخ علّی)	اخت خیفی	ام	زوج
ق.ع	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$
۱	۱	۱	۳

مسأله‌ی انـوثت: میت — مسأله ۶ ع ۸

خنثی (اخت علّی)	اخت خیفی	ام	زوج
$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$
۳	۱	۱	۳

شرح:

ملاحظه کنید که در حالت مؤنث بودن سهمیه‌ی خنثی بیش‌تر شده است. زیرا در حالت مذکر بودن سهمیه‌ی او ($\frac{1}{6}$) ترکه و در حالت مؤنث بودن سهمیه اوَ ($\frac{3}{8}$) ترکه شده است. و پرواضح است که ($\frac{3}{8}$) بیش‌تر از ($\frac{1}{6}$) می‌باشد.

تذکر:

قبلاً بیان شد که اگر با یک فرض خنثی ارث می‌برد و با فرض دیگر محروم می‌شود، همان حالت محرومیت برای او درنظر گرفته می‌شود.

مثال ۲-

شخصی فوت کرده و ورّاث او (زوج - اخت عینی - و یک خنثی پدری) است، ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود:

مسأله‌ی ذکورت: میت — مسأله ۲

زوج	اخت عینی	خنثی (اخ علّی)
$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	عصبه (ق.ع)
۱	۱	- م
		(به علّت تمام شدن ترکه)

مسأله‌ی انوثت: میت — مسأله ۶ ع ۷

زوج	اخت عینی	خنثی (اخت علّی)
$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$(تکلمة للثلثین)
۳	۳	۱

شرح:

چون خنثی با فرض مذکر بودن محجوب می‌شود و با فرض مؤنث بودن از ارث بهره‌مند می‌گردد، لذا ترکه را مطابق با روش اول (مذکر بودن) در میان ورّاث موجود در مسأله تقسیم می‌کنیم. [پایان مطالب ضروری بحث خنثی مشکل]

مطالب زاید بحث خنثی مشکل

۱ ـ توریث خنثی مشکل مطابق با قول امام شعبی رحمه الله

از امام شعبی[1] درباره‌ی میراث یک خنثی مشکل سؤال شد، ایشان قول حضرت ابن‌عباس رضی الله عنهما را بیان داشته و فرمودند:

۱- امام عامر شعبی رحمه الله ازکبار تابعین و یکی از شیوخ امام ابوحنیفه رحمه الله است. سال تولد ایشان ۱۹ هجری و سال وفات او سال ۱۰۳ هجری می‌باشد.

«للخنثیٰ نصف النَصِیبَیْن بالمنازعة»(۱)

«به خنثی مشکل بالمنازعت (برای قطع منازعت و دعوای او با ورّاث) این‌گونه سهم داده می‌شود: نصف سهمیه‌ی یک مرد و نصف سهمیه‌ی یک زن.»

توضیح:

گویا ورّاث و آقای خنثی بر سر تقسیم ارث با یکدیگر درگیر هستند. مثلاً هنگامی که سهمیه‌ی (ذکورت) بیش‌تر شود، خنثی می‌گوید: به من سهمیه‌ی یک پسر بدهید، زیرا من مشابه یک پسرم. و ورّاث می‌گویند: خیر،تو مشابه دختر هستی و باید سهمیه‌ی یک دختر را برداری!

و باز هنگامی که سهمیه‌ی (انوثت) بیش‌تر شود، خنثی می‌گوید: به من سهمیه‌ی یک دختر بدهید، زیرا من مشابه یک دختر هستم. و ورّاث می‌گویند: خیر، تو مشابه پسران هستی و باید سهمیه‌ی یک پسر را برداری!

اکنون برای قطع این منازعه (جنگ و دعوا) امام شبعی ﷺ می‌فرمایند: ما نه سهمیه‌ی کامل یک مرد به خنثی می‌دهیم و نه سهمیه‌ی کامل یک زن. بلکه نصف سهمیه‌ی یک مرد بعلاوه‌ی (+) نصف سهمیه‌ی یک زن، به آقای خنثی می‌دهیم. (زیرا او نه یک مرد کامل است و نه یک زن کامل).

۲ـ اختلاف صاحبین درباره تخریج مسأله خنثی مطابق با قول امام شعبی ﷺ

الف) روش امام ابویوسف ﷺ:

مؤلف کتاب سراجی قول امام ابویوسف ﷺ را با سه تعبیر بیان کرده است.(۲)

۱- حضرت امام اوزاعی، حضرت امام ثوری، ابن ابی لیلیٰ، نعیم بن حماد ﷺ نیز همین نظریه را داشته‌اند.

۲- تعجب از مصنف کتاب سراجی اینجاست که نخست می‌فرمایند: فتوای احناف مطابق با قول امام ابوحنیفه ﷺ است. اما بعداً در مقام حلّ مسأله، مسأله را عملاً مطابق با قول امام شعبی ﷺ و با روش صاحبین حل کرده و توضیح داده است. و برای روش مفتی‌به هیچ مسأله‌ای را حل نکرده است. و این در حالی است که قول امام شعبی ﷺ یک قول مبهم است و از سوی اکثر فقهاء رد شده است. زیرا در عمل کردن براساس آن جمع نمودن میان دو صفت متضاد (تذکیر و تأنیث) لازم می‌آید که امری کاملاً محال است. (معلّم الفرائض ص ۲۳۷).

تعبیر اول: «نصف نصیبَیْن»

به تعبیر اول در ضمن یک مثال توجه فرمایید:

شخصی فوت کرده و ورّاث او (یک پسر، یک دختر و یک خنثی مشکل) هستند، ارث او این‌گونه تقسیم می‌شود:

میــــت

ابن	بنت	خنثی
۱	$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۳}{۴}$

مجموع سهام (ابن و بنت) $۱ + \frac{۱}{۲} = \frac{۳}{۲}$

سهمیه‌ی خنثی مشکل $\frac{۳}{۲} \div ۲ = \frac{۳}{۴}$

شرح:

سهمیه‌ی پسر (یک سهم) و سهمیه‌ی دختر (نصف یک سهم) است و به خنثی حد وسط این دو سهم می‌رسد. یعنی ($\frac{۳}{۴}$) سهم. و همین ($\frac{۳}{۴}$) راکه معدل (= حد وسط) دو سهم فوق می‌باشد، مؤلف کتاب سراجی آن را به (نصف النصیبَیْن) تعبیر کرده است (زیرا نصیب به معنای حصه و سهمیه می‌باشد).

تعبیر دوم:

«أو نقول للإبن سهمان و للبنت سهم و للخنثیٰ نصف النصیبَیْن و هو سهم و نصف».

این تعبیر در واقع همان تعبیر اول است. اما فقط سهام ورّاث را دو برابر نموده است. یعنی اگر برای پسر میت (دو سهم) و برای دختر میت (یک سهم) درنظر گرفته شود، سهمیه‌ی خنثی (۱/۵ سهم) می‌شود. به این صورت:

میــــت

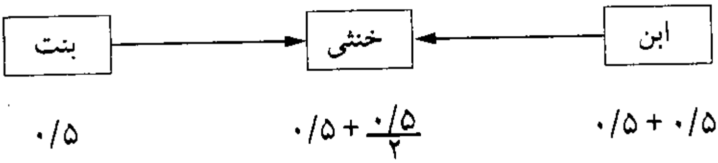
ابن	بنت	خنثی
۲	۱	۱/۵

مجموع سهام (ابن و بنت)   ۳ = ۱ + ۲

سهمیه‌ی خنثی مشکل   ۱$\frac{۱}{۲}$ ← (یعنی) ۱/۵ = ۲ ÷ ۳

تعبیر سوم:
سهمیه‌ی خنثی (نصف مُتَیَقِنْ + نصف النصف المُتَنازِع فیه) یعنی به اندازه‌ی سه رُبع است.

توضیح تعبیر سوم در ضمن یک مثال:
فرض کنید که در مسأله‌ی مذکور، آقای خنثی در وسط (ابن) و (بنت) نشسته است. به این صورت:

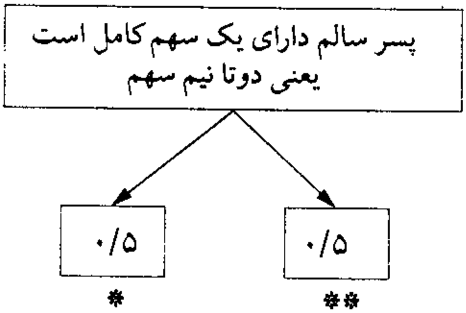


او ابتدا رو به خواهر و برادرش (بنت و ابن) کرده و می‌گوید: شما هر دو نفر یقین دارید که من حداقل به اندازه‌ی یک خواهر (سهمیه) می‌گیرم. هر دو نفر حرف او را قبول کرده و به وی (۰/۵ سهم) می‌دهند.

دوباره رو به برادرش می‌کند و می‌گوید: من کاملاً یک دختر نیستم (که به ۰/۵ سهم دخترانه راضی شوم) بلکه کمی با تو نیز شباهت دارم (صفات مردانه هم دارم)، پس سهمیه من از (نصف یک سهم) بیش‌تر است و تو دو نصف (یعنی یک سهم کامل) داری. پس یک نصف دیگر از سهام خودت بردار و به من بده! برادر می‌گوید: آنگاه سهام تو با سهام من برابر می‌شود (زیرا هر دو یک، یک مساوی می‌شویم). دوباره خنثی رو به لو کرده و می‌گوید: یک نصف کامل مال خودت باشد. اما آن نصف دیگر را با من نصف کن و نصفه‌ی همان نصف دوم را که یک رُبع می‌شود به من بده ($\frac{۱}{۴}$ = ۲ ÷ ۰/۵) برادر سالم قبول می‌کند و یک ربع دیگر به او می‌دهد و سهام خنثی (سه ربع ← یعنی $\frac{۳}{۴}$) می‌شوند.[۱]

۱- منظور از برادر سالم یعنی برادری که از عیب خنثی بودن سالم است و مشکل جنسیت ندارد.

پس به صورت خلاصه می‌توان گفت که (ابن) دارای (دو نصف سهم) است. یکی مال خودش است و خنثی با او دعوایی ندارد. اما در نصف دیگر خنثیٰ با او (منازعه) یعنی جنگ و دعوا می‌کند و می‌گوید: نصف همین نیم سهم خودت را به من بده تا سهم‌الارث من ($\frac{۳}{۴}$) گردد. به این الگو توجه فرمایید:



* این نیم سهم مخصوص پسر سالم (ابن) است که خنثی در آن ادعایی ندارد.
** این نیم سهم دعوایی است و خنثی نصف همین را از برادرش که پسر سالم است، درخواست می‌نماید.

توجه: وقتی (۰/۵) را بر دو تقسیم کنیم (۰/۲۵) می‌شود و (۰/۲۵) یعنی رُبع (یعنی $\frac{۱}{۴}$).

خلاصه اینکه:

سهام خنثی (۰/۷۵) یعنی ($\frac{۳}{۴}$) می‌شود. به این صورت:

سهمیه خنثی	=	نصف المتنازع فیه	+	نصف یقینی
$۰/۷۵ = \frac{۳}{۴}$	=	$۰/۵ \div ۲$	+	۰/۵

سؤال ۱-

در این صورت (در تعبیر فوق) مجموع سهام هر سه وارث موجود در مسأله (یعنی ابن، بنت، خنثی) چقدر می‌شود؟

مجموع سهام هر سه وارث $۱ + \frac{۱}{۲} + \frac{۳}{۴} = \frac{۴ + ۲ + ۳}{۴} = \frac{۹}{۴}$

اکنون اگر ($\frac{9}{4}$) را تبدیل به کسر مخلوط کنیم ($2\frac{1}{4}$) می‌شود.

$$\frac{9}{4} \xrightarrow{\text{کسر مخلوط}} 2\frac{1}{4} \xrightarrow{\text{یعنی}} \text{دو سهم و ربع سهم}$$

پس معلوم شد که در این حالت (مجموع الأنصِباء) یعنی مجموع سهام تمام ورّاث به تعبیر کتاب سراجی (دو سهم و رُبع سهم) می‌گردد.[1]

سؤال ۲-

در این حالت مسأله از چند تصحیح می‌شود؟

مسأله ۹

میــــــــــــــــــــــــــــت

ابن	بنت	خنثی
۱	$\frac{1}{2}$	$\frac{3}{4}$
۴	۲	۳

شرح:

در این صورت مسأله از (۹) تصحیح می‌شود و به (ابن) چهار سهم و به (بنت) دو سهم و به (خنثی) سه سهم می‌رسد.

تذکر ۱ -

منظور از کلمه‌ی (العول) که در عبارت سراجی (لأنه یعتبر السَهام و العول و تصح من تسعة) آمده، عول اصطلاحی که در باب‌العول توضیح داده شد، نیست بلکه مراد از «عول» در این عبارت بسط کسرها (یعنی عمل تجنیس) می‌باشد که در جلد اول همین کتاب کاملاً توضیح داده شده است.

۱- این توضیحات برای تفهیم عبارت عربی متن سراجی افزوده شده‌اند.

تذکر ۲ ـ

امام ابویوسف و امام محمد ﷺ پس از توضیح قول امام شعبی و مثال دادن برای آن، به قول امام ابوحنیفه رجوع کرده‌اند. و نظریه‌ی فتوایی آنان همانند قول امام صاحب می‌باشد.[1][2]

ب) روش امام محمد ؛ درباره‌ی توضیح قول امام شعبی ﷺ

صورت مسأله همان مسأله‌ی قبلی است. یعنی شخصی فوت کرده و دارای سه فرزند (ابن - بنت - خنثی) می‌باشد، ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود:

۱ ـ ابتدا خنثی را مذکر (ابن) فرض کرده و مسأله را حل می‌کنیم.

مسأله‌ی ذکورت: میـــت — مسأله ۵

ابن	بنت	خنثی (= ابن)
۲	۱	۲

↓ یعنی ($\frac{۲}{۵}$ ترکه) که مؤلف کتاب سراجی آن را به «خُمسانِ مال» تعبیر کرده است!

۲ ـ سپس خنثی را یک مؤنث (= بنت) فرض کرده و مسأله را حل می‌کنیم:

مسأله‌ی انوثت: میـــت — مسأله ۴

ابن	بنت	خنثی (= بنت)
۲	۱	۱

↓ یعنی $\frac{۱}{۴}$ ترکه که مؤلف سراجی آن را به «رُبع المال» تعبیر کرده است.

۱- ردّ المحتار ص ۵۱۵ / ج ۵.

۲- حاشیه شریفیه ص ۱۴۰.

۳ـ اکنون نسبت هر دو مسأله را (عیناً مانند قاعده‌ی مناسخات) پیدا کرده و آنها را هم‌مخرج می‌کنیم. مسأله‌ی اول از (۵) است و مسأله‌ی دوم از (۴) و نسبت (۵ و ۴) تباین است. لذا مسأله‌ی اول و سهام ورّاث او را در (۴) و مسأله‌ی دوم و سهام ورّاث او را در (۵) ضرب می‌کنیم.[1]

مسأله‌ی ذکورت: میت — تصحیح: ۲۰

ابن	بنت	خنثی (= ابن)
۲	۱	۲
×۴	×۴	×۴
۸	۴	۸

مسأله‌ی انوثت: میت — تصحیح: ۲۰

ابن	بنت	خنثی (= بنت)
۲	۱	۱
×۵	×۵	×۵
۱۰	۵	۵

* اکنون هر دو تصحیح را با هم جمع کرده و مجموع ترکه (۴۰) می‌شود و سهام ورّاث را نیز در هر دو تصحیح با هم جمع می‌کنیم.

به این صورت:

مجموعه — ۲۰ + ۲۰ = ۴۰

ابن	بنت	خنثی
۸	۴	۸
+۱۰	+۵	+۵
۱۸	۹	۱۳

۱- اگر نسبت دو مسأله توافق یا تداخل بود، (وفق) یکی را در دیگری ضرب کرده و مسأله‌ها را هم‌مخرج می‌کنیم.

شرح:

همانگونه که از نقشه واضح است، مسأله از (۴۰) تصحیح گردید و ابن (۱۸ سهم) و بنت (۹ سهم) و خنثی (۱۳ سهم) گرفت.

سؤال ۱ -

تعبیر کتاب سراجی از سهمیه‌ی خنثی $(\frac{۱۳}{۴۰})$ چگونه است؟

پاسخ:

هنگامی که خنثی را یک مذکر فرض کردیم $(\frac{۲}{۵})$ ترکه را گرفت و بعداً که او را یک مؤنث فرض کردیم، $(\frac{۱}{۴})$ ترکه را گرفت و اکنون اگر $(\frac{۲}{۵})$ و $(\frac{۱}{۴})$ را نصف کنیم به ترتیب مساوی $(\frac{۱}{۵}$ و $\frac{۱}{۸})$ می‌شوند. و اگرهر دو را با هم جمع کنیم $(\frac{۱۳}{۴۰})$ می‌شوند.

$$\frac{۲}{۵}+\frac{۱}{۴}\xrightarrow{\text{نصف}}\frac{۱}{۵}+\frac{۱}{۸}=\frac{۸+۵}{۴۰}=\frac{۱۳}{۴۰}\ \text{سهمیه‌ی خنثی}$$

(ثُمن) + (خُمس)

و با این ترتیب گویا آقای خنثی نصف نصیبَین (یعنی نصف سهم یک مذکر و نصف سهم یک مؤنث) را به عنوان سهم‌الارث خود دریافت نمود.

سؤال ۲-

بالاخره معلوم نشد که این حلّ و تفسیرهای صاحبین چرا این قدر طولانی گردید و هدف نهایی آنها چه بود؟

پاسخ:

هدف نهایی این بزرگواران توضیح و تفسیر قول مبهم امام شعبی ﷫ بود. زیرا اما شعبی ﷫ گفته بود که به آقای خنثی نصف نصیبَین (نصف حصه‌ی یک پسر و نصف حصه‌ی یک دختر) داده

می‌شود. این سخن، سخنی مبهم است و امام شعبی مثالی برای آن ذکر نکرده است. به همین جهت امام ابویوسف و امام محمد هرکدام مطابق با ذهن خود مثالی را حل کرده و قول امام شعبی را در ضمن آن مثال با تعابیر مختلفی به اثبات رسانده و توضیح داده است که منظور امام شعبی از نصف نصیبَین یعنی این. مثلاً امام ابویوسف گفت: به خنثی (۲/۵ سهم) می‌رسد و امام محمد گفت که: به خنثی روی هم خُمس و ثُمن ترکه می‌رسد که خمس (نصف سهم یک مذکر است) و ثمن (نصف سهمیه‌ی یک مؤنث است) و هنگامی که هر دو را با هم جمع می‌کنیم ($\frac{۱۳}{۴۰}$) می‌شوند. و همین ($\frac{۱۳}{۴۰}$) سهم‌الارث خنثی می‌باشد. در هر صورت:

﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِم فَرِحُوْنَ﴾[۱]

سؤال ۳ـ

معلوم نشد که کدام راه حل (راه حلّ امام ابویوسف یا راه حلّ امام محمد) صحیح‌تر و نزد علماء پسندیده‌تر است؟

پاسخ:

اگرچه فتویٰ بر قول هیچ‌کدام از این دو بزرگوار نیست (و فتوا بر قول امام صاحب می‌باشد) اما محققین این فنّ گفته‌اند:

قول امام محمد ﷺ راجح‌تر است. زیرا همه‌ی علماء معتقدند که باید مسأله طوری حل شود که به خنثی سهمیه‌ی کم‌تری برسد و در قول امام محمد این امر کاملاً مراعات شده است.

مثال:

اگر ترکه‌ی یک میت را صد دینار بگیریم، طبق قول امام ابویوسف سهمیه‌ی خنثی (۳۳/۳۳) دینار می‌شود. و مطابق با قول امام محمد سهمیه‌ی خنثی (۳۲/۵) دینار می‌گردد. که حدود یک دینار کم‌تر است.

۱- سوره المؤمنون آیه ۵۳

به این صورت:

۱ـ میت — مسأله ۹ — عند ابی یوسف ﷺ — ترکه: ۱۰۰ دینار

ابن	خنثی	بنت
۴	۳	۲

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی فرض شده (یعنی یکصد دینار) $\frac{۱۰۰}{۹} = ۱۱/۱۱$

سهمیه‌ی خنثی $۱۱/۱۱ \times ۳ = ۳۳/۳۳$

۲ـ میت — مسأله ۴۰ — عند محمّد ﷺ — ترکه: ۱۰۰ دینار

ابن	بنت	خنثی
۱۸	۹	۱۳

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی فرض شده $\frac{۱۰۰}{۴۰} = ۲/۵$

سهمیه‌ی خنثی $۲/۵ \times ۱۳ = ۳۲/۵$

فصل پنجم

باب: میراث الحَمْل

- شرایط توریث حمل
- حداقل و حداکثر مدت حمل
- حلّ مسأله‌ی میراثی حمل
- مطالب زاید بحث حمل

□ میراث حَمْل

حمل به جنینی گفته می‌شود که هنوز در شکم مادر می‌باشد و به دنیا نیامده است.
طبق احکام شرعی، حمل نیز از مورث خود ارث می‌برد.

شرایط توریث حمل:

۱ ـ هنگام فوت متوفیٰ، وجودش در شکم مادر یقینی باشد (هرچند که به صورت خیلی کوچک و یا نطفه در رحم مادر باشد).
۲ ـ زنده متولد شود. (و اگر مرده به دنیا بیاید، ارث نمی‌برد).

حداقل و حداکثر مدت حمل:

حداقل مدت حمل ۶ ماه و حداکثر آن ۲ سال می‌باشد. یعنی کمترین زمان ممکن برای اینکه یک بچه به صورت صحیح و سالم از شکم مادرش پیدا شود و بعداً بتواند زنده بماند (۶ ماه) است.[۱]

و همچنین بیش‌ترین زمان ممکن برای اینکه یک بچه در شکم مادرش معطل بماند و متولد نشود، دو سال است و بیش‌تر از دو سال در شکم مادر مکث نمی‌کند و حتماً متولد می‌شود و به دنیا می‌آید.[۲]

۱- و اگر درکمتر از شش ماه (مثلاً در پنج ماهگی یا چهارماهگی و غیره) متولد شود، بچه نیست، بلکه به آن «سِقط» می‌گریند که زنده نمی‌ماند.

۲- البته آنچه که غالباً مشاهده می‌شود همان (۹ ماه) یعنی (۲۷۰ روز) است. به همین جهت بعضی ازکتب فقهی معاصر، حداقل مدت حمل را (۹ ماه) و حداکثر آن را یک سال شمسی (۳۶۵ روز) قرار داده‌اند و در قوانین حقوقی بعضی از کشورها همانند مصر و سوریه و... معیار همین (۹ ماه) و یا یک سال است. الفقه الاسلامی و ادلّته ص ۷۸۸۲/ج ۱۰.

دلیل برای حداقل مدت حمل:

۱ ـ اگر این دو آیه‌ی قرآن کریم را در کنار هم گذاشته و به معنای هر دو اندکی دقت کنیم، به وضوح روشن می‌شود:

الف) و حمله و فصاله ثلاثون شهراً.(۱)

ب) و فصاله فی عامین.(۲)

در آیه‌ی نخست مدت حمل و شیرخوارگی انسان روی هم (۳۰ ماه) گفته شده و در آیه‌ی دوم مدت شیرخوارگی انسان (۲ سال) یعنی ۲۴ ماه بیان شده است. و هنگامی که این دو مدت را از یکدیگر تفریق نماییم، حداقل مدت حمل که شش ماه است، مشخص می‌گردد.

حداقل مدت حمل ۶ = ۲۴ - ۳۰

و این برداشت فقهی از حضرت علی و حضرت ابن عباس ﷺ روایت شده است.(۳)

دلیل برای حداکثر مدت حمل

روایت حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها است که به صورت سماعی از آن حضرت ﷺ شنیده‌اند:

عن عائشة رضی‌الله‌عنها قالت: لایبقی الولد فی رحم امّه اکثر من سنتین ولو بظل مِغْزَلٍ. و فی روایة: و لو بفلكة مِغْزَل.(۴)

حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها فرمودند که بچه بیش‌تر از دو سال در شکم مادرش معطل نمی‌ماند ولو اینکه این مکث به مقدار چند لحظه‌ی خیلی کوتاه همانند یک بار دور زدن دوک ریسندگی باشد.(۵)

سؤال ۱ ـ

در چه صورت‌هایی حمل از میت ارث می‌برد؟

۱- سوره احقاف/ ۱۵

۲- سوره لقمان/۱۴.

۳- و هذا ما فهمه علی و ابن عباس ﷺ. (الفقه الإسلامی ص ۱۰/۷۸۸۲)

۴- أخرجه البیهقی فی سننه

۵- اکنون جرّاحان تیغ به دستی وجود دارند که بچه را قبل از کامل شدن درد زایمان (و گاهی قبل از شروع درد زایمان) در نُه ماهگی توسط عملیات جرّاحی فوراً بیرون می‌آورند. چه برسد به اینکه تا ۲ سالگی او را در شکم مادر بگذارند!!

پاسخ:

الف) اگر بچه از خود میت است (مثلاً زمانی که میت فوت کرده همسرش حامله بوده است) در این صورت اگر آن بچه از تاریخ فوت پدرش در رأس دو سال یا درکمتر از مدت دو سال متولد شد، از پدرش ارث می‌برد (اما اگر از تاریخ فوت پدرش بیشتر از دو سال گذشته بود و بعداً متولد شد، مثلاً ۲/۵ سال بعد از فوت پدرش متولد شد، آن وقت ارث نمی‌برد).[۱]

ب) اگر بچه از خود میت نیست، بلکه از ورثای میت است (مثلاً شخصی فوت کرده و مادرش از شوهر دوم حامله بوده است) در این صورت اگر آن نوزاد در رأس ۶ ماه یا در مدت کمتر از ۶ ماه (از تاریخ فوت میت) متولد شد، از میت ارث می‌برد. اما اگر بعد از اینکه شش ماه یا بیشتر از شش ماه از تاریخ فوت میت گذشته بود (مثلاً هفت ماه بعد متولد شد)، در این حالت از میت ارث نمی‌برد.

سؤال ۲ -

چرا فقهاء در مورد اول (بچه از خود میت باشد) حداکثر مدت حمل و در مورد دوم (بچه از خود میت نباشد)، حداقل مدت حمل را مبنای ارث‌بری جنین قرار داده‌اند؟

پاسخ:

چون در مورد اول تلاش بر این است که باید نسب بچه از پدر (مرده‌اش) به گونه‌ای ثابت شود که هیچ شکّ و شبهه‌ای در آن به وجود نیاید. به همین جهت حداکثر مدت حمل یعنی دو سال را مبنای ارث‌بری قرار داده‌اند.[۲]

اما اگر بچه پس از دو سال متولد گردد، معلوم می‌شود که این نطفه از خود میت نیست و بعد از فوت او توسط فرد دیگری در رحم آن زن گذاشته شده است و بچه مال میت نمی‌باشد.

اما در مورد دوم نیازی به اثبات نَسَب نیست. چون که (هنوز پدر نوزاد مذکور زنده است و ارتباط زوجیت در میان والدین او برقرار است) لذا در این مورد حداقل مدت حمل (یعنی شش ماه) را مبنای ارث‌بری قرار داده‌اند.[۳]

۱- مؤلف کتاب سراجی کمتر از دو سال و رأس دو سال را یکسان قرار داده است و در ظاهر روایت این است که اگر در کمتر از دو سال متولد شد، ارث می‌برد. اما اگر در رأس دو سال متولد شد، ارث نمی‌برد. (النهر الفائض) ص ۱۴۱

۲- زیرا اگر نسب بچه از پدرش ثابت نشود، از او ارث نمی‌برد.

۳- زیرا آنچه که در این مورد ضروری است، فقط اثبات وجود حمل در زمان فوت مورث می‌باشد.

سؤال ۳ـ

صورت‌های اثبات حیات جنین نزد فقهاء چگونه است؟

پاسخ:

۱ ـ کاملاً طبیعی و به صورت صحیح و سالم متولد شود و بعداً زنده بماند (اگرچه مثلاً یک ساعت یا یکی دو روز باشد).

۲ ـ اگر بعد از تولد گریه کند، یا نفس بکشد یا عطسه بزند و یا پستان مادر را بگیرد و یا دست و پا را تکان دهد و بعد بمیرد (اگرچه حیاتش بسیار کوتاه بوده) باز هم ارث می‌برد. زیرا پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند:

اذا اسْتَهَلَّ الصبيُّ صُلّيَ عليه و وَرِثَ.

«هنگامی که نوزاد گریه کرد (و بعداً مرد) هم نماز جنازه بر او خوانده می‌شود و هم ارث می‌برد.»(۱)(۲)

طریقه‌ی تقسیم ترکه قبل از تولد نوزاد

بهتر این است که وزّاث تا زمان تولد جنین صبر کنند و ترکه را تقسیم ننمایند، اما اگر عجله داشتند و می‌خواستند قبل از تولد او ترکه را تقسیم کنند، برای اینکه سهم‌الارث او حفظ شود و حقوق وی ضایع نگردد، دو راهکار متصور است:

۱- رواه النسائی و الترمذی

۲- به این شوخی فقهی توجه فرمایید: بعضی از فقهاء گفته‌اند: اگر بچه‌ای به صورت نیمه جان متولد شود باز هم ارث می‌برد، البته با این تفاصیل که:

الف) اگر به صورت طبیعی (یعنی از سر) متولد شده سینه‌اش معتبر است. یعنی اگر تمام سینه‌اش بیرون آمد و بعداً مُرد، ارث می‌برد (و اگر کمتر از سینه بیرون آمد و مُرد، ارث نمی‌برد)

ب) اگر به صورت معکوس و غیرطبیعی (از پاها) متولد شد، نافش معتبر است. یعنی اگر تا نافش از شکم مادر بیرون آمد و بعداً مرد، ارث می‌برد. (و اگر قبل از بیرون آمدن به این اندازه؛ فوت کرد، ارث نمی‌برد).

دلیل: لِلأکثر حکم الکُلّ.

تذکر:

اگر به هنگام به دنیا آمدن نوزاد در زنده متولد شدن آن شک شود، یعنی ندانیم که جنین مرده به دنیا آمده یا اینکه زنده به دنیا آمده و لحظه‌ای بعد مرده است، اماره‌های پزشکی و مفاد شهادت پرستاران ملاک است و چنانچه هیچ دلیلی هم برای اثبات این امر وجود نداشته باشد، مسأله‌ی ارث بردن وی منتفی خواهد بود.

۱ ـ اگر جنین با متولد شدن خود مانع از ارث بردن تمام یا بعضی از ورثه شود، ترکه تقسیم نمی‌شود و تا زمان تولد جنین به تعویق خواهد افتاد. مانند اینکه اگر بازماندگان متوفی، برادران و خواهران او باشند و همسر میت باردار باشد، این جنین که فرزند متوفی محسوب می‌شود، در صورت زنده متولد شدن، مانع از ارث بردن برادران و خواهران میت خواهد شد.

۲ ـ اگر جنین مانع ارث بردن هیچ یک از ورثه نباشد و آنها بخواهند ترکه را تقسیم کنند.

طبق قول مفتیٰ به نزد احناف (قول امام ابویوسف) ترکه براساس احتیاط تقسیم می‌شود و در طی این تقسیم سهمیه‌ی یک پسر یا سهمیه‌ی یک دختر (هرکدام که بیشتر باشد) برای حمل تا زمان تولد نوزاد و روشن شدن وضعیت او، کنارگذاشته می‌شود.

و همچنین برای جلوگیری از ضایع شدن حق نوزاد، قاضی شرع از تمام ورّاثی که ممکن است سهام آنان با تولد توزاد متغیر شود (یعنی کم و زیاد گردد)، یک کفیل (ضامن) می‌گیرد. (تا مثلاً در صورت افزایش تعداد نوزادان به بیش‌تر از یک نفر و...) سهام اضافه را از ورّاث پس گرفته و به نوزاد تحویل دهد.[۱]

حلّ مسأله‌ی میراثی حمل

مسأله‌ی میراثی حمل با دو تقدیر (دو احتمال) حل می‌شود.

۱ ـ با فرض اینکه نوزاد یک پسر باشد.
۲ ـ با فرض اینکه نوزاد یک دختر باشد.

سپس به سهام مذکور نگاه می‌کنند که در کدام حالت (پسر بودن یا دختر بودن) سهم‌الارث بیش‌تری نصیب نوزاد می‌شود، که در هر صورت همان سهم بیش‌تر برای او تا زمان تولدش نگه‌داری می‌شود و به بقیه‌ی ورّاث سهام کمتر داده می‌شود و سهام باقی‌مانده‌ی ترکه را به اضافه‌ی سهمیه‌ی نوزاد تا زمان تولد و روشن شدن وضعیت او متوقف نگه می‌دارند.

۱- یا تا زمان بالغ شدن نوزاد، به صورت امانت در نزد خود نگه‌داری نماید.

خلاصه اینکه:

همواره برای حمل (اَحْسَنُ اَلْحالَیْن) و برای بقیه‌ی ورّاث (اَسْوَءُ اَلْحَالَیْن) در نظر گرفته می‌شود.

شیوه‌ی حلّ مسأله‌ی میراثی حمل

۱ـابتدا حمل را مذکر (یک پسر) در نظر گرفته و مسأله را حل و در صورت نیاز تصحیح می‌کنیم.

۲ـ سپس حمل را مؤنث (یک دختر) در نظر گرفته و مسأله را حل و در صورت نیاز تصحیح می‌کنیم.

۳ـ برای اینکه بتوانیم سهام ورثه را در هر دو حالت (ذکورت و انوثت حمل) با یکدیگر مقایسه کرده و سهام اقلّ و اکثر را تشخیص دهیم، باید هر دو مسأله را هم‌مخرج نماییم. یعنی باید کاری کنیم تا تصحیح هر دو مسأله یکسان گردد.

۴ـ برای هم‌مخرج کردن تصحیح دو مسأله، نخست باید نسبت (توافق - تداخل - تباین) را در بین هر دو تصحیح مشخص سازیم. اکنون اگر:

الف) اگر نسبت در میان تصحیح دو مسأله، توافق (یا تداخل) بود، وفق هر دو تصحیح را پیدا کرده و چهار مرحله‌ی زیر را طی می‌کنیم.

۱) وفق تصحیح مسأله‌ی انوثت (×) کلّ تصحیح مسأله‌ی ذکورت
۲) وفق تصحیح مسأله‌ی انوثت (×) سهام ورّاث مسأله‌ی ذکورت
۳) وفق تصحیح مسأله‌ی ذکورت (×) کلّ تصحیح مسأله‌ی انوثت
۴) وفق تصحیح مسأله‌ی ذکورت (×) سهام ورّاث مسأله‌ی انوثت

ب) اگر نسبت در میان تصحیح دو مسأله تباین بود، باز هم چهار مرحله‌ی فوق را طی می‌کنیم. البته به جای وفق (تصحیح مسأله‌ی ذکورت و انوثت)، کلّ تصحیح مسأله‌ی ذکورت و انوثت را قرار می‌دهیم. به این صورت:

۱ـکلّ تصحیح مسأله‌ی انوثت (×) کلّ تصحیح مسأله‌ی ذکورت
۲ـکلّ تصحیح مسأله‌ی انوثت (×) سهام ورّاث مسأله‌ی ذکورت
۳ـکلّ تصحیح مسأله‌ی ذکورت (×) کلّ تصحیح مسأله‌ی انوثت
۴ـکلّ تصحیح مسأله‌ی ذکورت (×) سهام ورّاث مسأله‌ی انوثت

حلّ یک مسأله طبق قول مفتی به

صورت مسأله:

شخصی فوت کرده و ورّاث او عبارتند از:

۱ـ زوجه‌ی حامله‌اش
۲ـ یک دختر
۳ـ مادر
۴ـ پدر

اکنون ورّاث عجله دارند و می‌خواهند قبل از تولد نوزاد ترکه را تقسیم نمایند. طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی مذکور را بنویسید.

الجواب بإسم مُلْهِم الصَواب

۱ـ ابتدا حمل را یک پسر فرض کرده و مسأله را حلّ و تصحیح می‌کنیم.

مسأله ۲۴ تصحیح ۷۲ (وفق: ۸) مضروب: ۳
مسأله‌ی ذکورت: میـــــت

زوجه	ام	اب	بنت	حمل (ابن)
$\frac{۱}{۸}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$	للذکر مثل حظّ الانثیین	
۳	۴	۴	۱۳	
۹	۱۲	۱۲	۳۹	

۳۹ ← بنت: ۱۳ ، حمل: ۲۶

۲ـ سپس حمل را یک دختر فرض کرده و مسأله را حل (و در صورت نیاز تصحیح می‌کنیم).[۱]

مسأله‌ی انوثت: میـــــت — مسأله ۲۴ ع ۲۷ (وفق: ۳)

زوجه	ام	اب	بنت	حمل (بنت)
$\frac{۱}{۸}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۲}{۳}$ ترکه	
۳	۴	۴	۱۶	
			بنت: ۸	حمل: ۸

۳ـ پس از مقایسه‌ی تصحیح هر دو مسأله (یعنی عددهای ۷۲ و ۲۷) مشخص می‌شود که هر دو در عدد (۹) توافق دارند. لذا وفق هر دو را محاسبه می‌کنیم.

وفق تصحیح مسأله‌ی ذکورت ۸ = ۹ ÷ ۷۲

وفق تصحیح مسأله‌ی انوثت ۳ = ۹ ÷ ۲۷

۴ـ اکنون وفق مسأله‌ی انوثت (یعنی عدد ۳) را در کل تصحیح و همچنین در سهام مسأله‌ی ذکورت ضرب می‌کنیم.

تصحیح مشترک هر دو مسأله ۲۱۶ = ۳ × ۷۲

سهمیه‌ی زوجه ۲۷ = ۳ × ۹

سهمیه‌ی مادر ۳۶ = ۳ × ۱۲

سهمیه‌ی پدر ۳۶ = ۳ × ۱۲

سهمیه‌ی دختر ۳۹ = ۳ × ۱۳

سهمیه‌ی حمل ۷۸ = ۳ × ۲۶

۱– این مسأله در واقع همان مسأله‌ی (منبریه) است.

۵ـ سپس وفق مسأله‌ی ذکورت را در تصحیح و در سهام مسأله‌ی انوثت ضرب می‌کنیم.

تصحیح مشترک هر دو مسأله	۲۷ × ۸ = ۲۱۶
سهمیه‌ی زوجه	۳ × ۸ = ۲۴
سهمیه‌ی مادر	۴ × ۸ = ۳۲
سهمیه‌ی پدر	۴ × ۸ = ۳۲
سهمیه‌ی دختر	۸ × ۸ = ۶۴
سهمیه‌ی حمل	۸ × ۸ = ۶۴

۶ـ اکنون مسأله‌ی ذکورت و انوثت را با یکدیگر مقایسه کرده و مسأله‌ی حمل (تقسیم موقت ترکه) را به دست می‌آوریم. در این مسأله سهام اقلّ (سهام کمتر) را برای سایر ورثه در نظر گرفته و باقی‌مانده‌ی سهام را برای حمل تا زمان تولد نوزاد متوقف نگه می‌داریم.

به عنوان مثال:
زوجه از مسأله‌ی ذکورت (۲۷) سهم و از مسأله‌ی انوثت (۲۴) سهم گرفته، چون (۲۴) کمتر از (۲۷) است. لذا فعلاً همین سهمیه‌ی کمتر (یعنی ۲۴ سهم) را برای زوجه در نظر می‌گیریم (و به او می‌گوییم شما فعلاً همین ۲۴ سهم خود را بگیر و منتظر باش تا نوزاد متولد شود؛ که پسر می‌شود یا دختر! و بعداً تسویه حساب نهایی صورت می‌گیرد و سهمیه‌ی واقعی شما و بقیه‌ی ورّاث قطعاً مشخص خواهد شد).

مسأله‌ی ذکورت: میـــت — تصحیح ۲۱۶

زوجه	ام	اب	بنت	حمل (ابن)
۲۷	۳۶	۳۶	۳۹	۷۸

مسأله‌ی انوثت: میـــت — تصحیح ۲۱۶

زوجه	ام	اب	بنت	حمل (بنت)
۲۴	۳۲	۳۲	۶۴	۶۴

مسأله‌ی حـمل: میـــــت ـــــ تصحیح ۲۱۶

حمل	بنت	اب	ام	زوجه
۸۹	۳۹	۳۲	۳۲	۲۴

سهام تقسیم شده در میان ورّاث قبل از تولد نوزاد ۱۲۷ = ۳۹ + ۳۲ + ۳۲ + ۲۴

سهام موقوفه تا مشخص شدن حالت حمل ۸۹ = ۱۲۷ - ۲۱۶

حلّ مسأله پس از تولد نوزاد

۱ ـ اگر نوزاد پسر شد، طبق مسأله‌ی ذکورت عمل می‌کنیم. و چون حقّ واقعی پسر (۷۸ سهم) است و ما برای او (۸۹ سهم) متوقف گذاشته بودیم، لذا (۱۱ سهم) دیگر از سهام موقوفه برداشته و دومرتبه به صورت زیر در میان ورّاثی که سهام آنان کم داده شده بود، تقسیم می‌کنیم.

زوجه = ۳ سهم
ام = ۴ سهم
اب = ۴ سهم

۲ ـ اگر نوزاد دختر شد. طبق مسأله‌ی انوثت عمل می‌کنیم. و چون حق واقعی نوزاد در این حالت (۶۴ سهم) است و ما برای او (۸۹ سهم) گذاشته بودیم. لذا (۲۵ سهم) از سهام موقوفه برداشته و به دختر اول میت که سهام او کم داد شده بود، تحویل می‌دهیم تا سهام هر دو خواهر (هرکدام ۶۴ سهم) و مساوی یکدیگر شوند.

۳ ـ اگر حمل سقط شد یا مرده به دنیا آمد، بایستی یک مسأله‌ی جدید ترتیب دهیم و حمل در آن کالعدم (گویا وجود ندارد) در نظر گرفته و و با مسأله‌ی حمل هم مخرج نماییم تا سهام هر دو مسأله به آسانی با یکدیگر قابل مقایسه باشند. به این صورت:

میت — مسأله ۲۴ — (حمل کالعدم)

زوجه	ام	اب	بنت
$\frac{1}{8}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$ + ق.ع	$\frac{1}{2}$
۳	۴	۱+۴ =۵	۱۲

۴ـو چون در میان اصل این مسأله (یعنی عدد ۲۴) و تصحیح مسأله‌ی حمل (یعنی ۲۱۶) تداخل وجود دارد. لذا اصل مسأله و سهام مسأله‌ی مذکور را در عدد (۹) ضرب می‌کنیم تا با مسأله‌ی حمل هماهنگ گردد. (۲۴ و ۲۱۶) تداخل دارند ← ۹ = ۲۴ ÷ ۲۱۶

۵ـپس از ضرب در (۹) مسأله‌ی مذکور به این صورت درمی‌آید.

میت — تصحیح ۲۱۶ — (حمل کالعدم)

زوجه	ام	اب	بنت
۲۷	۳۶	۴۵	۱۰۸

میت — تصحیح ۲۱۶ — (مسأله‌ی حمل بدون تغییر)

زوجه	ام	اب	بنت	حمل
۲۴	۳۲	۳۲	۳۹	۸۹

۶ـاکنون با مقایسه این دو مسأله به خوبی روشن می‌شود که بایستی (۸۹ سهم) موقوفه به صورت زیر در میان ورّاثی که سهام آنان کم داده شده است، دو مرتبه تقسیم گردد.

زوجه = ۳ سهم
ام = ۴ سهم
اب = ۱۳ سهم (یعنی ۴ + ۹)
بنت = ۶۹ سهم

تذکر:

تا اینجا مطالب ضروری این مبحث به پایان رسیدند.

□ مطالب زاید بحث حمل

این مطالب فقط برای اضافه کردن معلومات عمومی خوانندگانی که متن کتاب سراجی را **مطالعه** می‌کنند، تشریح می‌گردند والاّ ضرورت چندانی ندارند.

الف) یک مطلب عجیب:

قال فی رد المحتار: «والعجب ممّا فی السراجیة حیث ذکر أن المفتی به أن الموقوف نصیب ولد واحد ثمّ وقف نصیب أربعة ذکور، و قسّم بناءً علی ذلک فتأمّل.[۱]

علاّمه ابن عابدین ﷺ مؤلف کتاب «ردّ المحتار» فرموده‌اند: از رفتار دوگانه‌ی مؤلف کتاب سراجی تعجب می‌کنم. زیرا ایشان نخست فرموده‌اند: قول مفتی به در مسأله‌ی حمل این است که برای حمل (سهم‌الارث یک پسر یا یک دختر) موقوف نگه داشته می‌شود، اما بعداً مثالی که آورده در آن مثال، سهم‌الارث چهار پسر برای حمل جدا کرده و تمام ترکه را بر مبنای (چهارقلو بودن حمل) تقسیم نموده است. اکنون به حلّ مسأله‌ی مذکور مطابق با روش سراجی توجه فرمایید:

مسأله‌ی ذکورت ۱ ـ میت — مسأله ۲۴ (وفق: ۸)

زوجه	حمل (۴ پسر)	بنت	اب	ام
۱/۸	للذکر مثل حظّ الانثیین		۱/۶	۱/۶
۳	جمعاً ۱۳ سهم		۴	۴

مسأله‌ی انوثت ۲ ـ میت — مسأله ۲۴ ع ۲۷ (وفق: ۹)

زوجه	حمل (۴ دختر)	بنت	اب	ام
۱/۸	۲/۳		۱/۶	۱/۶
۳	جمعاً ۱۶ سهم		۴	۴

۱- ردّ المحتار ص ۸۰۰/ ج ۶.

و پس از متحد کردن مخارج، هر دو مسأله به این صورت درمی‌آیند:

مسأله‌ی ذکورت ۱ ـ میت — تصحیح ۲۱۶ (مضروب: ۹)

زوجه	حمل (۴ پسر)	بنت	اب	ام
	جمعاً ۱۱۷ سهم			
۲۷	۲۶	۱۳	۳۶	۳۶
	سهم یک پسر	سهم یک دختر		

مسأله‌ی انوثت ۲ ـ میت — تصحیح ۲۱۶ (مضروب: ۸)

زوجه	حمل (۴ دختر)	بنت	اب	ام
۲۴	جمعاً ۱۲۸ سهم		۳۲	۳۲

پس از مقایسه‌ی سهام هر دو مسأله، مسأله‌ی حمل به این صورت ظاهر می‌شود:

میت — تصحیح ۲۱۶

زوجه	بنت	اب	ام	حمل
۲۴	۱۳	۳۲	۳۲	۱۱۵

۲۴ + ۱۳ + ۳۲ + ۳۲ = ۱۰۱

سهام موقوفه برای حمل ۱۱۵ = ۱۰۱ − ۲۱۶

حلّ یک چیستان از متن کتاب سراجی

«اذا کان البنون اربعة فنصیبها سهم و اربعة اتساع من اربعة و عشرین، مضروب فی تسعة، فصار ثلاثة عشر سهماً و هی لها».

☐ مطالب زاید بحث حمل

این مطالب فقط برای اضافه کردن معلومات عمومی خوانندگانی که متن کتاب سراجی را مطالعه می‌کنند، تشریح می‌گردند والاّ ضرورت چندانی ندارند.

الف) یک مطلب عجیب:

قال فی رد المحتار: «والعجب ممّا فی السراجیة حیث ذکر أن المفتی به أن الموقوف نصیب ولد واحد ثمّ وقف نصیب أربعة ذکور، و قسّم بناءً علی ذلک فتأمّل.[۱]

علاّمه ابن عابدین ﷺ مؤلف کتاب «ردّ المحتار» فرموده‌اند: از رفتار دوگانه‌ی مؤلف کتاب سراجی تعجب می‌کنم. زیرا ایشان نخست فرموده‌اند: قول مفتی به در مسأله‌ی حمل این است که برای حمل (سهم‌الارث یک پسر یا یک دختر) موقوف نگه داشته می‌شود، اما بعداً مثالی که آورده در آن مثال، سهم‌الارث چهار پسر برای حمل جدا کرده و تمام ترکه را بر مبنای (چهارقلو بودن حمل) تقسیم نموده است. اکنون به حلّ مسأله‌ی مذکور مطابق با روش سراجی توجه فرمایید:

مسأله‌ی ذکورت ۱ ـ میت — مسأله ۲۴ (وفق: ۸)

زوجه	حمل (۴ پسر)	بنت	اب	ام
۱/۸	للذکر مثل حظّ الانثیین		۱/۶	۱/۶
↓			↓	↓
۳	جمعاً ۱۳ سهم		۴	۴

مسأله‌ی انوثت ۲ ـ میت — مسأله ۲۴ ع ۲۷ (وفق: ۹)

زوجه	حمل (۴ دختر)	بنت	اب	ام
۱/۸	۲/۳		۱/۶	۱/۶
↓			↓	↓
۳	جمعاً ۱۶ سهم		۴	۴

۱- ردّ المحتار ص ۸۰۰/ج ۶.

مسأله ۲۴ (حمل کالعدم)

میت

زوجه	ام	اب	بنت
$\frac{۱}{۸}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$ + ق.ع	$\frac{۱}{۲}$
۳	۴	۱+۴ =۵	۱۲

۴ـو چون در میان اصل این مسأله (یعنی عدد ۲۴) و تصحیح مسأله‌ی حمل (یعنی ۲۱۶) تداخل وجود دارد. لذا اصل مسأله و سهام مسأله‌ی مذکور را در عدد (۹) ضرب می‌کنیم تا با مسأله‌ی حمل هماهنگ گردد. (۲۴ و ۲۱۶) تداخل دارند ← ۹ = ۲۴ ÷ ۲۱۶

۵ـپس از ضرب در (۹) مسأله‌ی مذکور به این صورت درمی‌آید.

تصحیح ۲۱۶ (حمل کالعدم)

میت

زوجه	ام	اب	بنت
۲۷	۳۶	۴۵	۱۰۸

تصحیح ۲۱۶ (مسأله‌ی حمل بدون تغییر)

میت

زوجه	ام	اب	بنت	حمل
۲۴	۳۲	۳۲	۳۹	۸۹

۶ـاکنون با مقایسه این دو مسأله به خوبی روشن می‌شود که بایستی (۸۹ سهم) موقوفه به صورت زیر در میان ورّاثی که سهام آنان کم داده شده است، دو مرتبه تقسیم گردد.

زوجه = ۳ سهم
ام = ۴ سهم
اب = ۱۳ سهم (یعنی ۴ + ۹)
بنت = ۶۹ سهم

تذکر:

تا اینجا مطالب ضروری این مبحث به پایان رسیدند.

مسأله‌ی حمل: میت — تصحیح ۲۱۶

زوجه	ام	اب	بنت	حمل
۲۴	۳۲	۳۲	۳۹	۸۹

سهام تقسیم شده در میان ورّاث قبل از تولد نوزاد ۱۲۷ = ۳۹ + ۳۲ + ۳۲ + ۲۴

سهام موقوفه تا مشخص شدن حالت حمل ۸۹ = ۱۲۷ - ۲۱۶

حلّ مسأله پس از تولد نوزاد

۱ـ اگر نوزاد پسر شد، طبق مسأله‌ی ذکورت عمل می‌کنیم. و چون حقّ واقعی پسر (۷۸ سهم) است و ما برای او (۸۹ سهم) متوقف گذاشته بودیم، لذا (۱۱ سهم) دیگر از سهام موقوفه برداشته و دومرتبه به صورت زیر در میان ورّاثی که سهام آنان کم داده شده بود، تقسیم می‌کنیم.

زوجه = ۳ سهم
ام = ۴ سهم
اب = ۴ سهم

۲ـ اگر نوزاد دختر شد. طبق مسأله‌ی انوثت عمل می‌کنیم. و چون حق واقعی نوزاد در این حالت (۶۴ سهم) است و ما برای او (۸۹ سهم) گذاشته بودیم. لذا (۲۵ سهم) از سهام موقوفه برداشته و به دختر اول میت که سهام او کم داد شده بود، تحویل می‌دهیم تا سهام هر دو خواهر (هرکدام ۶۴ سهم) و مساوی یکدیگر شوند.

۳ـ اگر حمل سقط شد یا مرده به دنیا آمد، بایستی یک مسأله‌ی جدید ترتیب دهیم و حمل در آن کالعدم (گویا وجود ندارد) در نظر گرفته و و با مسأله‌ی حمل هم مخرج نماییم تا سهام هر دو مسأله به آسانی با یکدیگر قابل مقایسه باشند. به این صورت:

مسأله ۲۴ (حمل کالعدم)

میـــــــــت

زوجه	ام	اب	بنت
$\frac{1}{8}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$ + ق.ع	$\frac{1}{2}$
۳	۴	۱+۴ =۵	۱۲

۴ـ و چون در میان اصل این مسأله (یعنی عدد ۲۴) و تصحیح مسأله‌ی حمل (یعنی ۲۱۶) تداخل وجود دارد. لذا اصل مسأله و سهام مسأله‌ی مذکور را در عدد (۹) ضرب می‌کنیم تا با مسأله‌ی حمل هماهنگ گردد. (۲۴ و ۲۱۶) تداخل دارند ← ۹ = ۲۴ ÷ ۲۱۶

۵ـ پس از ضرب در (۹) مسأله‌ی مذکور به این صورت درمی‌آید.

تصحیح ۲۱۶ (حمل کالعدم)

میـــــــــت

زوجه	ام	اب	بنت
۲۷	۳۶	۴۵	۱۰۸

تصحیح ۲۱۶ (مسأله‌ی حمل بدون تغییر)

میـــــــــت

زوجه	ام	اب	بنت	حمل
۲۴	۳۲	۳۲	۳۹	۸۹

۶ـ اکنون با مقایسه این دو مسأله به خوبی روشن می‌شود که بایستی (۸۹ سهم) موقوفه به صورت زیر در میان ورّاثی که سهام آنان کم داده شده است، دو مرتبه تقسیم گردد.

زوجه = ۳ سهم
ام = ۴ سهم
اب = ۱۳ سهم (یعنی ۴ + ۹)
بنت = ۶۹ سهم

تذکر:

تا اینجا مطالب ضروری این مبحث به پایان رسیدند.

□ مطالب زاید بحث حمل

این مطالب فقط برای اضافه کردن معلومات عمومی خوانندگانی که متن کتاب سراجی را مطالعه می‌کنند، تشریح می‌گردند والاّ ضرورت چندانی ندارند.

الف) یک مطلب عجیب:

قال فی رد المحتار: «والعجب ممّا فی السراجیة حیث ذکر أن المفتی به أن الموقوف نصیب ولد واحد ثمّ وقف نصیب أربعة ذکور، و قسّم بناءً علی ذلک فتأمّل.[1]

علاّمه ابن عابدین ﷺ مؤلف کتاب «ردّ المحتار» فرموده‌اند: از رفتار دو گانه‌ی مؤلف کتاب سراجی تعجب می‌کنم. زیرا ایشان نخست فرموده‌اند: قول مفتی به در مسأله‌ی حمل این است که برای حمل (سهم‌الارث یک پسر یا یک دختر) موقوف نگه داشته می‌شود، اما بعداً مثالی که آورده در آن مثال، سهم‌الارث چهار پسر برای حمل جدا کرده و تمام ترکه را بر مبنای (چهارقلو بودن حمل) تقسیم نموده است. اکنون به حلّ مسأله‌ی مذکور مطابق با روش سراجی توجه فرمایید:

مسأله‌ی ذکورت ۱ ـ میت — مسأله ۲۴ (وفق: ۸)

زوجه	حمل (۴ پسر) بنت	اب	ام
$\frac{1}{8}$	للذکر مثل حظّ الانثیین	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$
↓		↓	↓
۳	جمعاً ۱۳ سهم	۴	۴

مسأله‌ی انوثت ۲ ـ میت — مسأله ۲۴ ع ۲۷ (وفق: ۹)

زوجه	حمل (۴ دختر) بنت	اب	ام
$\frac{1}{8}$	$\frac{2}{3}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$
↓		↓	↓
۳	جمعاً ۱۶ سهم	۴	۴

۱- ردّ المحتار ص ۸۰۰/ ج ۶.

و پس از متحد کردن مخارج، هر دو مسأله به این صورت درمی‌آیند:

مسأله‌ی ذکورت ۱ ـ میـــــــت تصحیح ۲۱۶ (مضروب: ۹)

زوجه	حمل (۴ پسر)	بنت	اب	ام
	جمعاً ۱۱۷ سهم			
۲۷	۲۶	۱۳	۳۶	۳۶
	سهم یک پسر	سهم یک دختر		

مسأله‌ی انوثت ۲ ـ میـــــــت تصحیح ۲۱۶ (مضروب: ۸)

زوجه	حمل (۴ دختر)	بنت	اب	ام
۲۴	جمعاً ۱۲۸ سهم		۳۲	۳۲

پس از مقایسه‌ی سهام هر دو مسأله، مسأله‌ی حمل به این صورت ظاهر می‌شود:

میـــــــت تصحیح ۲۱۶

زوجه	بنت	اب	ام	حمل
۲۴	۱۳	۳۲	۳۲	۱۱۵

۲۴ + ۱۳ + ۳۲ + ۳۲ = ۱۰۱

سهام موقوفه برای حمل ۱۱۵ = ۱۰۱ − ۲۱۶

حلّ یک چیستان از متن کتاب سراجی

«اذا کان البنون اربعة فنصیبها سهم و اربعة اتساع من اربعة و عشرین، مضروب فی تسعة، فصار ثلاثة عشر سهماً و هی لها».

در صورتی که حمل (چهار پسر) در نظر گرفته شود، سهمیه‌ی دختر از (۲۴ سهم) ← ($۱\frac{۴}{۹}$) سهم می‌گردد. که اگر آن را (به منظور متحد کردن مخارج دو مسأله‌ی ذکورت و انوثت) در (۹) ضرب کنیم، تبدیل به (۱۳ سهم) می‌شود.

خلاصه اینکه:

سهمیه‌ی دختر میت از (۲۴ سهم) ← ($۱\frac{۴}{۹}$) می‌شود و از (۲۱۶ سهم) ← ۱۳ سهم می‌گردد. چگونگی این مطالب را توضیح دهید.

توضیح مطاب مذکور:

اگر در مسأله‌ی ذکورت (قبل از تصحیح) نگاه کنید، متوجه خواهید شد که اگر حمل را چهار پسر فرض کنیم، چهار پسر مساوی هشت دختر می‌شوند. و با این حساب مجموع دختران مذکور در این مسأله (۹ دختر) می‌شوند که سهمیه‌ی آنها روی هم (۱۳ سهم) است. و باز هنگامی که (۱۳ سهم) را در میان (۹ دختر) تقسیم کنیم، سهمیه‌ی هر دختر به صورت عدد مخلوط ($۱\frac{۴}{۹}$) می‌گردد.

$$\frac{۱۳}{۹} \xrightarrow{\text{یعنی}} ۱۳ \div ۹ = ۱\frac{۴}{۹}$$

و اگر ($۱\frac{۴}{۹}$) را در (۹) ضرب کنیم تبدیل به (۱۳) می‌شود.

$$۱\frac{۴}{۹} \xrightarrow{\text{عمل تجنیس}} \frac{۱۳}{۹}$$

سهمیه‌ی یک دختر، پس از تصحیح در مسأله‌ی ذکورت $\frac{۱۳}{۹} \times ۹ = \frac{۱۳ \times ۹}{۹} = \frac{۱۱۷}{۹} = ۱۳$

سؤال:

در مسأله‌ی ذکورت که سهام دختر میت و حمل (در صورتی که حمل چهار پسر در نظر گرفته شود) روی هم (۱۳) شده است و ۱۳ سهم را نمی‌توان در میان (۹ دختر) به صورت صحیح و بدون کسر تقسیم نمود.[1] پس چرا مؤلف کتاب سراجی مسأله را تصحیح نکرده است.

۱- زیرا چهار پسر (۸ دختر) محسوب می‌شوند. و با یک دختر دیگر، مجموعاً عدد رؤس آنها (۹) می‌گردد.

پاسخ:
زیرا عدد (۹) دو بار در مسأله‌ی ذکورت ضرب می‌شود و اعداد به دست آمده خیلی بزرگ می‌شوند و عمل بسط طولانی می‌گردد. چون در صورت تصحیح کردن، مضروب مسأله‌ی ذکورت عدد رؤس (یعنی ۹) است و باز هنگام هم مخرج کردن مسأله‌ی ذکورت و انوثت (چون وفق مسأله‌ی انوثت نیز نُه است) باز هم (۹) برای بار دوم نیز در مسأله‌ی ذکورت ضرب می‌گردد. به همین علت مؤلف از تصحیح کردن مسأله‌ی ذکورت صرف‌نظر کرده و سهام حمل و دختر میت را روی هم (۱۳ سهم) گفته است.

حلّ مسأله پس از تولد نوزاد

۱ ـ اگر نوزاد دختر به دنیا آمد، تمام سهام موقوفه (یعنی ۱۱۵ سهم) به دختران میت داده می‌شود تا مجموع سهام آنان که $\frac{2}{3}$ ترکه (یعنی ۱۲۸ سهم) است؛ کامل گردد.

مجموع سهام دختران ۱۲۸ = ۱۳ + ۱۱۵

۲ ـ اگر نوزاد پسر به دنیا آمد، طبق مسأله‌ی ذکورت عمل می‌شود و (۱۱ سهم) از سهام موقوفه برداشته و به این صورت دوباره در میان سه وارث زیر تقسیم می‌گردد.

زوجه = ۳ سهم
اب = ۴ سهم
ام = ۴ سهم

تذکر:
سهم دختر قبلاً (در تقسیم موقت و قبل از تولد نوزاد) به صورت کامل پرداخت شده است (یعنی ۱۳ سهم).

والباقی (۱۰۴ سهم) دیگر از سهام موقوفه باقی می‌ماند که در میان پسران میت تقسیم می‌شود. که مثلاً چنانچه تعداد نوزادها (چهار پسر) باشند، سهمیه‌ی هر پسر (۲۶ سهم) می‌گردد.

۳ ـ اگر جنین مرده به دنیا آمد، یک مسأله به صورت زیر ترتیب می‌دهیم و مقدار ترکه را (۲۱۶ سهم) فرض کرده و آن را در میان (زوجه، اب، ام، دختر) به صورت زیر تقسیم می‌کنیم.

تصحیح ۲۱۶

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوجه	اب	ام	بنت
$\frac{۱}{۸}$	$\frac{۱}{۶}$ + ق.ع	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۲}$

سهمیه‌ی زوجه   ۲۷ = ۸ ÷ ۲۱۶

* سهمیه‌ی فرضی پدر   ۳۶ = ۶ ÷ ۲۱۶

سهمیه‌ی مادر   ۳۶ = ۶ ÷ ۲۱۶

سهمیه‌ی دختر   ۱۰۸ = ۲ ÷ ۲۱۶

مجموع سهام   ۲۰۷ = ۱۰۸ + ۳۶ + ۳۶ + ۲۷

باقی‌مانده‌ی سهام   ۹ = ۲۰۷ - ۲۱۶

اکنون (۹ سهم) باقی‌مانده دو مرتبه به عنوان عصبیت به پدر میت داده می‌شود و به این صورت مجموع سهام پدر میت (۴۵ سهم) می‌گردند. [۳۶ سهم فرضی و ۹ سهم از طریق عصبیت] بنابراین خلاصه‌ی مسأله‌ی مذکور به این صورت می‌شود:

تصحیح ۲۱۶

میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوجه	اب	ام	بنت
۲۷	۴۵	۳۶	۱۰۸

اکنون (۱۱۵ سهم) موقوفه را طبق همین نقشه به ورّاث برمی‌گردانیم. یعنی به این صورت:

زوجه = ۳ سهم
اب = ۱۳ سهم
ام = ۴ سهم
بنت = ۹۵ سهم

۱۱۵ = ۹۵ + ۴ + ۱۳ + ۳

تذکر:

با توجه به پیشرفت‌های چشم‌گیر علوم پزشکی در عصر حاضر و به وجود آمدن دستگاه‌های سونوگرافی مدرن و فوق مدرن، تعیین جنسیت جنین امری بسیار ساده و پیش پا افتاده شده است و دیگر نیازی به تقسیم ترکه بر مبنای احتمالات نمی‌باشد و ما فقط به عنوان یک بحث فقهی و میراثی آن را توضیح داده‌ایم. (واللّه اعلم بالصواب).

فصل ششم

باب: میراث المَفْقُود

- تعریف مفقود از دیدگاه فقهاء و فرائض دانان
- حکم مال و سرمایه‌ی مفقود
- وضعیت حقوقی زوجه‌ی مفقودالخبر (حکم قدیم و فتوای جدید علماء)
- روش حلّ مسأله‌ی میراثی مفقود

❏ میراث المفقود

تعریف مفقود:

مفقود شخصی است که چندین سال قبل (به قصد طلب علم، تجارت، رفتن به میدان جهاد و...) از منزل خارج شده و دوباره برنگشته است و هیچ اطلاعی از مرگ و یا زندگی او در دست نمی‌باشد.

حکم مال و سرمایه‌ی مفقود:

«المفقود حيّ في ماله حتّى لايرث منه أحد» مفقود درباره‌ی مال و سرمایه‌ی خود یک فرد زنده محسوب می‌شود. یعنی ترکه‌ی او فوراً در میان وارثانش تقسیم نمی‌گردد تا یکی از دو مطلب زیر ثابت شود:

۱ـ مرگ قطعی او توسط گواهی گواهان ثابت شود.
۲ـ قاضی حکم مرگ فرضی او را صادر نماید.

پس از وقوع یکی از دو حالت مذکور؛ ترکه‌ی مفقود در میان ورّاث زنده‌ی او تقسیم می‌شود و ورّاثی که قبل از اعلام فوت مفقود (از سوی قاضی شرع) از دنیا رفته‌اند؛ از مال مفقود ارث نمی‌برند.

حصه‌ی مفقود از اموال دیگران

«المفقود میت فی مال غیره حتّی لایرث (فعلاً) من احدٍ».

مفقود در مورد اموال دیگران؛ یک فرد مرده محسوب می‌شود و به صورت قطعی (و بالفعل) از اموال آنان ارث نمی‌برد.

البته چون احتمال زنده شدن و برگشت او نیز وجود دارد؛ لذا فقهاء گفته‌اند:

اگر در زمان غایب بودن مفقود یکی از ورّاث او (مثلاً پدر مفقود یا مادر مفقود) بمیرند، سهم‌الارث مفقود از ترکه‌ی آنان جدا می‌شود و تا زمان معلوم شدن وضعیت او (مرگ یا زندگی) به صورت امانت متوقف باقی می‌ماند. اگر مفقود زنده و سلامت بازآمد، سهم‌الارث خود را برمی‌دارد. و اگر باز نیامد (و خبر مرگ او قطعی شد)، سهم‌الارث متوقف شده در میان ورّاثی که سهام آنان به خاطر مفقود کم شده بود، بار دیگر تقسیم می‌گردد. و چنانچه یک تن یا چند تن از آنان در طی این مدت (یعنی در مدت انتظار برای پیدا شدن مفقود) بمیرند، حصه‌ی هر یک به ورّاث شرعی آنان انتقال می‌یابد و ورّاث خصوصی مفقود، هیچ حقّی از اموال متوقف شده ندارند. (بلکه حقّ آنان در اموال شخصی خود مفقود می‌باشد نه در اموال خویشاوندان مفقود).

سؤال:

بعد از گذشت چند سال قاضی حکم موت فرضی مفقود را صادر می‌نماید؟

پاسخ:

طبق فتوای قدیم علماء، هنگامی که (۹۰ سال) از تاریخ تولد مفقود گذشت و خبری از مفقود به دست نیامد، قاضی حکم موت فرضی او را صادر می‌نماید.

اقوال دیگر (غیر مفتی‌به)

۱ ـ ظاهر الروایة این است که هرگاه هم‌سن و سالان وی در شهری که مفقود در آنجا سکونت داشته (و یا در آنجا به دنیا آمده و بزرگ شده است) همگی فوت کردند و حتّی یک نفر از آنان باقی نماند، قاضی شرع حکم موت فرضی او را صادر می‌نماید.

۲ ـ امام حسن بن زیاد ﷺ از امام ابوحنیفه ﷺ روایت کرده است که این مدت (۱۲۰ سال) می‌باشد.
۳ ـ امام محمّد ﷺ فرموده‌اند که این مدت (۱۱۰ سال) است.
۴ ـ امام یوسف ﷺ فرموده‌اند که این مدت (۱۰۵ سال) می‌باشد.
۵ ـ بعضی دیگر گفته‌اند: تعیین این مدت به صورت قطع و یقین میسر نمی‌باشد و در آیات و احادیث نیز چیزی در این باره تعیین نشده است. و از طرف دیگر عمر انسان‌ها براساس نژاد و شرایط اقلیمی محلّ زندگی آنان نیز متفاوت است. لذا این امر به اجتهاد و نظریه‌ی شخصی قاضی وقت بستگی دارد و قاضی شرع با توجه به شرایط مفقود و صلاحدید خود، پس از انقضاء (= پایان) مدتی که عُرفاً و عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند، حکم موت فرضی او را صادر می‌نماید.
و رأی مختار و مشهور نزد علمای مذاهب سه گانه (شوافع، مالکیه، حنابله) و علاّمه زیلعی ﷺ از احناف نیز همین است که در این باره مدت خاصی تعیین نمی‌شود، بلکه تعیین این مدت بستگی به اجتهاد و صلاحدید قاضی دارد که با توجه به شرایط و مصالح موجود در خانواده‌ی مفقود، آن را تعیین و حکم خود را بر مبنای مدت تعیین شده، صادر می‌نماید.(۱)

حکم مال و سرمایه‌ی مفقود و زوجه‌ی مفقود

۱ ـ قول قدیم علماء:

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، علمای قدیم با توجه به ساده‌زیستی و دیانت قوی مردم در زمان‌های سابق و طولانی بودن عمرهای آنان، فتوای (۹۰ سال) را داده‌اند. یعنی هنگامی که (۹۰) سال کامل از تاریخ تولد مفقود سپری شد و خبری از مفقود به دست نیامد، آنگاه قاضی شرع بنا به درخواست زوجه‌ی مفقود یا ورّاث او، حکم مرگ مفقود را تأیید می‌نماید. و پس از صدور حکم قاضی، سرمایه‌اش در میان ورّاث موجود (زمان صدور حکم قاضی) تقسیم می‌شود و زنش نیز از ابتدای همان تاریخ صدور حکم قاضی؛ عدّت وفات (یعنی چهار ماه و

۱- احکام المواریث و الترکات ص ۲۱۶.

ده روز) را می‌گذراند و بعد از پایان عدّت اگر خواستگاری پیدا کرد، می‌تواند با او ازدواج نماید.(۱)

۲ـ فتوای جدید علماء:

چون در زمان‌های قدیم جست‌وجوی احوال مفقود و تفتیش خبر مرگ و زندگانی او کاری بسیار مشکل و دشوار بوده است است (البته مشکلات زندگی کمتر بوده و مردم هم دارای عمرهای طولانی، ایمانی استوار و قدرت صبر و تحمل فوق‌العاده بوده‌اند)، لذا علماء مدت طولانی (۹۰ سال) را با توجه به شرایط آن زمان تعیین کرده و بر آن فتوا داده‌اند. اما امروزه با توجه به مشکلات روزافزون زندگی ماشینی و پیداشدن وسایط ارتباطی پرسرعت همانند (تلفن-پست الکترونیکی، اینترنت، تلویزیون و ماهواره و...) دنیا به یک دهکده‌ی کوچک تبدیل شده است و پیدا کردن خبر مفقود بسیار ساده و آسان گشته است. و همچنین با توجه به ضعف ایمانی و کم‌تحملی مردم عصر حاضر، هیچ زنی پیدا نمی‌شود که تمام امیال و عواطف زنانه‌ی خود را زیر پا گذاشته و تا (۹۰ سال) گیسوانش را به امید پیدا شدن شوهر مفقودش به سفیدی برساند(۲) و مشکلات روحی و اقتصادی موجود را تحمل نماید.(۳)

و همچنین امروزه محفوظ ماندن و دست نخوردن سرمایه‌ی مفقود تا (۹۰ سال) امری شگرف و باورنکردنی است و بلکه تا (۹۰ روز) نیز باقی نمی‌ماند و توسط ورّاث میراث‌خوار حیف و میل می‌شود و کاملاً از بین می‌رود.(۴) لذا علمای متأخرین احناف درباره‌ی زوجه‌ی مفقود بر قول امام مالک ﷺ فتوا داده‌اند و آن اینکه:

هرگاه از تاریخ گم شدن مفقود چهار سال گذشت (و خبری از وی نشد)، بنابر دستور قاضی شرع (در کشور اسلامی) و یا تصمیم‌گیری جماعت معتمدین متدین (در کشور غیراسلامی) زوجه‌ی مفقود چهار ماه و ده روز عدّت وفات را بگذراند و پس از آن می‌تواند با شوهر دیگری ازدواج نماید.

۱- شتر در خواب بیند پنبه‌دانه. (هیچ مرد عاقلی با هم‌سن و سال مادربزرگ خود ازدواج نمی‌کند)!!!
۲- غالباً تا (۹۰ سال) اثری از قبرش هم باقی نمی‌ماند، چه برسد به خودش!!!
۳- فرشته تاب مستوری ندارد / ببندی در، سر از روزن برآرد!!!
۴- و تأکلون التراث اکلاً لمّا و تحبّون المال حبّاً جمّا (سوره‌ی فجر/آیات ۱۹ و ۲۰).

و این می‌طلبد که علماء با توجه به اوضاع نگران‌کننده‌ی جامعه‌ی فعلی مسلمین، درباره‌ی مال و سرمایه‌ی مفقود نیز بر همین قول (چهار سال) فتوا بدهند و این قول از امام شافعی ﷺ و بسیاری از علمای احناف نیز روایت شده است.
بنابراین هرگاه قاضی در کشور اسلامی و یا جماعت معتمدینِ متدین در کشور غیر اسلامی پس از تحقیق و تفحص مطابق با صلاحدید خود حکم مرگ مفقود را تأیید نمودند، در آن وقت ترکه‌ی مفقود (یعنی سرمایه‌ی او) در میان ورّاث موجود وی تقسیم می‌گردد. (و گذراندن نود سال لزومی ندارد).[۱]
لازم به توضیح است که این قول امام مالک ﷺ برگرفته از قول حضرت عمر فاروق ﷺ است که فرموده‌اند:
أیما امرأة فقدت زوجها فلم تدر أین هو؟ فانّها تنتظر أربع سنین، ثمّ تعتد أربعة أشهر و عشراً ثمّ تحل.[۲]

حکم جدید زوجه‌ی مفقود باتفصیل

هرگاه شوهر زنی مفقود گردید باید مراحل زیر را طی کند تا طلاق‌نامه‌ی خود را از قاضی شرع دریافت دارد:
۱ـ همسر مفقود باید به یکی از دادگاه‌های کشور اسلامی مراجعه کند و پس از تنظیم دادخواست طلاق (= فسخ نکاح) نخست زوجیت و نکاح شرعی خویش را با شوهر مفقودش توسط شهادت شهود (دو شاهد عادل) به اثبات برساند.
۲ـباز در مرحله‌ی دوم نیز همانند مرحله‌ی اول توسط شهادت شهود، مفقود بودن شوهرش را نزد قاضی اثبات نماید.
۳ـ در مرحله‌ی سوم خود قاضی برای پیداکردن شوهر گم شده‌ی آن زن تلاش می‌کند. مثلاً هرجا که گمان غالب دارد، مأمور می‌فرستد تا محلّ اختفای وی را شناسایی کرده و او را دستگیر نموده و در دادگاه حاضر نمایند. و اگر مجهول‌المکان است، توسط چاپ اعلامیه در مجلّه‌ها و

۱ـ طرازی شرح سراجی: تألیف حضرت مولانا مفتی سعید احمد پالن پوری، مفتی دارالعلوم دیوبند ص ۲۸۳
۲ـ أخرجه البخاری. (احکام الترکات ص ۲۱۷).

روزنامه‌های کثیرالانتشار و پخش اطلاعیه از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون و ماهواره و شبکه‌ی جهانی اینترنت و... احوال مفقود را جست‌وجو می‌نماید و چنانچه هیچ اطلاعی از این تلاش‌ها به دست نیامد و همگی مأیوس شدند، در این صورت قاضی به زوجه‌ی مفقود اعلام می‌نماید که تاکنون اطلاعی از مرگ و زندگی شوهرتان بدست نیامده است و شما باید مدت چهار سال صبر کنی. اگر در ظرف این چهار سال شوهرت پیدا نشد، دوباره به دادگاه مراجعه کن و دادخواست رسیدگی مجدد را بده.

۴ ـ اگر پس از سپری شدن چهار سال باز هم خبری نشد. زوجه‌ی مفقود به دادگاه مراجعه می‌کند و قاضی پرونده به او می‌گوید: از امروز به بعد شوهر مفقودت کاملاً یک فرد مرده محسوب می‌شود و شما باید عدّت وفات (یعنی ۴ ماه و ده روز) را بگذرانی و بعد از پایان عدّت اگر خواستی اجازه داری تا با شوهر دلخواهت ازدواج نمایی.

البته این در صورتی است که شوهر مال و سرمایه‌ی کافی در اختیار آن زن گذاشته باشد تا بتواند در زمان غایب بودن شوهرش توسط آن امرار معاش نماید و زوجه هم آدم صبوری باشد و توانایی بردباری و تحمل فراق شوهرش را داشته باشد.

۵ ـ اما اگر شوهر هیچ مالی برای تأمین معاش زوجه و فرزندانش باقی نگذاشته، بلکه آنان را بدون نان و نفقه و سرپناه رها کرده و رفته است و یا اینکه خود زوجه به علت بی‌صبری فراوان تحمل بیوگی را ندارد و خطر قوی از دست دادن عصمت و ابتلای شدید خودش را به معصیت و زنا در حضور قاضی اظهار نماید، در این صورت قاضی اختیار دارد که پس از سنجیدن جوانب کار به جای چهار سال، یک سال به زوجه‌ی مفقود دستور صبر و تحمل دوری از شوهرش را بدهد (و اگر قبلاً یک سال صبر کرده بود، فوراً حکم تفریق را صادر نماید والاّ) بعد از گذشت یک سال حکم تفریق و جدایی او را از شوهر مفقودش صادر و کتباً به وی اعلام می‌دارد و این تفریق یک طلاق رجعی محسوب می‌شود و در این صورت بَایستی آن زن عِدّت طلاق (یعنی سه حیض) را از تاریخ تفریق سپری نماید و بعداً اگر خواست می‌تواند با شوهر دیگری ازدواج نماید.

سؤال ۱ -

اگر زوجه بنا به دستور قاضی شرع با شوهر دیگری ازدواج کرد و پس از گذشت مدتی ناگهان سر و کله‌ی شوهر اول (یعنی آقای مفقود) پیدا شد، حکم شرعی چه می‌باشد؟[۱]

پاسخ:

در این صورت آن زن کما فی‌السابق در نکاح شوهر اول باقی می‌ماند و نکاح او با شوهر دوم خود به خود (و بدون طلاق) باطل می‌گردد.

البته اگر از شوهر دوم حامله شده است، در این صورت شوهر اول (مفقود) تا پایان عدّت (یعنی وضع حمل و پایان یافتن ایام نفاس) با او نزدیکی نکند و اگر از شوهر دوم حامله نشده است، تا سه حیض (یعنی تا پایان عدّت طلاق) با او هم‌بستر نشود و بعد از پایان عدّت (سه حیض) می‌تواند با او هم‌بستر گردد.

و همچنین لازم است که آن زن دوران عدّت خویش (یعنی مدت زمانی که در ایام عدّت است) را در خانه‌ی شوهر اولش (= آقای مفقود) طی نماید.

تذکر:

نسب فرزندی که از شوهر دوم به دنیا آورده است، از پدرش ثابت می‌شود و آن فرزند ولدالزنا نمی‌باشد.

۱- اگر مفقود پس از تقسیم شدن اموالش برگشت، ائمه‌ی ثلاثه گفته‌اند: هرچه باقی‌مانده، به وی برگشت داده می‌شود و آنچه توسط ورّاث مصرف شده است، هیچ تاوانی (جریمه‌ای) ندارد. زیرا ورّاث بنا بر دستور قاضی در اموال مفقود دخل و تصرف کرده‌اند.

امّا علمای حنابله تصریح کرده‌اند که: هرچه باقی مانده به وی برگردانده می‌شود و هرچه توسط ورّاث مصرف شده، باید مثل آن یا قیمت آن را به مفقود بپردازند. احکام الترکات ص ۲۱۸ و المفصّل ص ۳۸۹ (دکتر عبدالکریم زیدان می‌گوید: من با نظریه‌ی دوّم موافق هستم).

سؤال ۲ ـ

آیا زوجه‌ی مفقود می‌تواند بدون اطلاع به قاضی دادگاه، از طرف خودش یا خانواده‌اش با شوهر دیگری ازدواج نماید؟

پاسخ:

خیر، بدون اطلاع به قاضی شرع و طی کردن مراحل قانونی مذکور، نکاح او از شوهر اولش فسخ نمی‌شود و بدیهی است که بدون اطلاع قاضی و صدور حکم از طرف او، نکاح آن زن با شوهر دوم نیز غیر شرعی است و صحیح نمی‌باشد. زیرا در این صورت بنابر ضرورت پیش آمده، فقط قاضی دادگاه قائم‌مقام (یعنی جانشین) شوهر شده و می‌تواند به جای شوهر او را طلاق دهد. بنابراین حقّ فسخ نکاح به صورت غیابی فقط و فقط در اختیار قاضی شرع می‌باشد و نه خود زن و نه اولیای او و نه اولیای مفقود، هیچ‌کدام دارای این اختیار نمی‌باشند. (و اگر بدون اطلاع قاضی ازدواج کند، آن ازدواج در حکم زنا می‌باشد).

تذکر:

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید اگر زوجه‌ی مفقود در کشوری غیر اسلامی زندگی می‌کند و شوهرش مفقود گشته است. در این صورت گروهی از مسلمانان متدین که ساکن آن کشور هستند، به شرط آنکه در میان آنان یک یا چند عالم کاملاً آگاه به مسائل شرعی و إفتاء نیز وجود داشته باشد، می‌توانند درباره‌ی آن زن تصمیم بگیرند. یعنی شورای آنان قائم‌مقام شوهر شده و حکم تفریق وی را از شوهر مفقودش صادر می‌نمایند.
همچنین در صورتی که شوهر زنی نسبت به دادن مخارج نان و نفقه و نیازهای اولیه و ضروری زندگانی همسرش کوتاهی و یا انکار نماید، زوجه می‌تواند بَراساس «عُسْر و حَرَج» پس از طی مراحل مَذکور، از طریق شکایت به دادگاه اسلامی، نسبت به فسخ نکاح (و گرفتن طلاق) از شوهر بی‌کفایتش اقدام نماید.[1]

۱- حکم جدید زوجه‌ی مفقود با پاسخ دو سؤال مذکور از جلد دوم فتاوای عثمانی تألیف مفتی اعظم پاکستان حضرت مولانا مفتی محمّد تقی عثمانی مد ظله العالی (صص ۴۴۷ الی ۴۷۵) به طور خلاصه نقل شده است.

چگونه سهم‌الارث مفقود از ترکه‌ی دیگران جدا می‌شود؟

۱ ـ مسأله‌ی مفقود همانند مسأله‌ی حمل به دو صورت حلّ می‌شود. یعنی یک مرتبه مفقود را (زنده) و مرتبه‌ی دیگر (مرده) فرض کرده و در هر دو صورت مسأله را به صورت کامل حل می‌کنیم.

۲ ـ سپس هر دو مسأله را هم‌مخرج نموده و به ورّاث دیگر سهام اقلّ (یعنی کمتر) داده و باقی‌مانده (یعنی سهام اکثر) را برای مفقود تا زمان ظهور حال وی (مرگ یا زندگی او) به صورت مال موقوف (یعنی امانتی) محفوظ نگه می‌داریم.

۳ ـ اگر مفقود زنده برگشت، طبق مسأله‌ی اول (مسأله‌ی حیات) عمل می‌کنیم و چنانچه خبر مرگش تأیید شد، طبق مسأله‌ی دوم (مسأله‌ی موت) عمل می‌شود و سهام موقوفه در میان ورّاث میت اول (و اگر آنها زنده نباشند در میان بازماندگان آنان) تقسیم می‌گردد.

سؤال:

چگونه دو مسأله‌ی مذکور را هم‌مخرج می‌کنیم؟

اصول هر دو مسأله را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، اگر نسبت آنها توافق (یا تداخل) باشد، وفق هر هر یک را در کلّ دیگری ضرب می‌کنیم و اگر نسبت آنها تباین باشد، کلّ هر یک را در کلّ مسأله‌ی دیگر ضرب می‌کنیم. عدد به دست آمد مخرج مشترک هر دو مسأله می‌گردد (عیناً همانند مسأله‌ی حمل).

مثال تباین

صورت مسأله:

زنی به نام (فاطمه) فوت کرده است و ورّاث او (شوهر ـ دو خواهر عینی و یک برادر عینی که مفقود است) می‌باشند. ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود.

شرح:

الف) در مسأله‌ی اول مفقود را یک شخص زنده فرض کرده و مسأله را تا آخر حل می‌کنیم، به این صورت:

مسأله‌ی حیات: ۱ ـ میـــــت — مسأله ۲ تصحیح ۸ — مضروب : ۴

زوج	اخت	اخت	اخ مفقود (زنده)
$\frac{۱}{۲}$	للذکر مثل حظ الانثیین		
① / ۴	① / ۴		
۴	۱	۱	۲

ب) سپس مفقود را یک شخص مرده فرض کرده و مسأله را حل می‌کنیم.

مسأله‌ی موت: ۲ ـ میـــــت — مسأله ۶ ع ۷

زوج	اخت	اخت	اخ مفقود (مرده)
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۲}{۳}$ مشترکاً		×
۳ سهم	۴ سهم مشترکاً		

ج) هم‌اکنون هر دو مسأله را هم‌مخرج می‌کنیم. تصحیح مسأله‌ی اوّل (۸) و تصحیح مسأله‌ی دوم (۷) است. وقتی که (۸ و ۷) را مقایسه می‌کنیم. معلوم می‌شود که نسبت آنها تباین است. پس مسأله‌ی اول و سهام ورّاث او را در هفت و مسأله‌ی دوم و سهام ورّاث او را در هشت (یعنی برعکس یکدیگر) ضرب می‌کنیم. شکل جدید مسائل فوق به این صورت درمی‌آید:

مسأله‌ی حیات: میـــــت — تصحیح ۵۶

زوج	اخت	اخت	اخ مفقود (زنده)
۴	۱	۱	۲
×۷	×۷	×۷	×۷
۲۸	۷	۷	۱۴

مسأله‌ی موت: میت — تصحیح ۵۶

زوج	اخت	اخت	اخ مفقود (زنده)
۳	۲	۲	×
۸×	۸×	۸×	[سهمی ندارد]
۲۴	۱۶	۱۶	

د) سهام هر دو مسأله را مقایسه نموده و سهام اقل (کمتر) را به ورّاث موجود تحویل می‌دهیم و باقی‌مانده (یعنی ۱۸ سهم دیگر) را تا زمان مشخص شدن حالت مفقود (زندگی یا مرگ او) موقوف نگه می‌داریم. به این صورت:

مسأله‌ی مفقود: میت — تصحیح ۵۶

زوج	اخت	اخت	اخ مفقود
۲۴	۷	۷	۱۸

سهام تقسیم شده در میان ورّاث قبل از مشخص شدن حالت مفقود $24 + 7 + 7 = 38$

سهام موقوفه برای مفقود تا زمان مشخص شدن حالت مرگ یا زندگی او $56 - 38 = 18$

حلّ مسأله پس از مشخص شدن حالت مفقود

۱ ـ اگر مفقود زنده برگشت. طبق مسأله‌ی اول عمل می‌شود. یعنی از (۱۸ سهم) موقوفه، چهار سهم به (زوج) برگردانده می‌شود تا سهمیه‌اش نصف ترکه (یعنی ۲۸ سهم کامل) شود. و (۱۴ سهم) دیگر برای مفقود باقی می‌ماند و چون خودش به سلامتی پیدا شده است به خود او تحویل داده می‌شود.

۲ ـ اگر مدت (۹۰ سال) از تاریخ تولد مفقود سپری شد و خبری از او نشد (و طبق فتوای جدید علماء پس از گذشت چهار سال هیچ خبری از وی نیامد) در این صورت مطابق با مسأله‌ی دوم عمل می‌شود، یعنی (۱۸ سهم) موقوفه به خواهران میت تسلیم می‌گردد تا بالسویه در میان خود تقسیم نمایند.

فصل هفتم

باب: میراث المُرتَد

- تعریف «مرتد» از دیدگاه فقهاء
- حکم شرعی ارتداد
- حکم مرد مرتد
- حکم زن مرتد
- حکم اموال مرتد

❐ میراث المُرتَد

تعریف مرتد:

مرتد به کسی گفته می‌شود که (نعوذبالله) دین مبین اسلام را ترک کرده و از آن برگردد (خواه به دین دیگری مثل یهودیت یا مسیحیت برود و یا لائیک و لامذهب باقی بماند).

و همان‌گونه که در ابتدای کتاب (جلد اول میراث) اشاره گردید، ارتداد یکی از موانع پنج‌گانه‌ی ارث‌بری محسوب می‌شود.[1]

حکم شرعی ارتداد

قال الله تعالی:

﴿و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی‌الدنیا والاخرة و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون﴾[2]

«هرکس از شما که دین خود را بگذارد و مرتد شود و در حالت کفر و ارتداد بمیرد، تمام اعمال نیک آنان در دنیا و آخرت نابود شده و از بین می‌روند و آنان تا ابد در داخل دوزخ سوزان ماندگار خواهند شد.»

حکم مرد مرتد

به حکم قاضی مسلمین او را دستگیر کرده و تا سه روز در زندان نگه می‌دارند و به تمام شکوک و شبهات احتمالی وی (که سبب ارتداد او شده است) پاسخ داده و هر روز او را دستور توبه و

۱- بردگی - قتل - اختلاف دین - اختلاف کشور - از موانع مشهور ارث‌بری هستند.

۲- بقره/۲۱۷.

برگشت می‌دهند. اگر توبه کرد و دوباره شهادتین را سه مرتبه خواند، آزاد می‌شود ورنه بعد از پایان یافتن مهلت سه روزه، کشته می‌شود. زیرا پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند:

مَنْ بَدَّلَ دینَه فاقتلوه.(۱)

«هرکس دین خودش را عوض کند، او را بکشید».

حکم زن مرتده

نزد احناف به دلیل اینکه زن فی نفسه موجودی عاجز و ناتوان است و نمی‌تواند از اهل حرب قرار گیرد، لذا بعد از مرتد شدن او را به زندان می‌افکنند و به کلیه‌ی شبهات او پاسخ داده می‌شود. اکنون اگر توبه کرد و شهادتین را سه مرتبه خواند، از زندان آزاد می‌شود. و اگر توبه نکرد، تا ابد در زندان محبوس باقی می‌ماند تا مرگ طبیعی‌اش فرابرسد و همانجا هلاک گردد.(۲)

دلیل کشته نشدن زن مرتده این حدیث صحیحین (بخاری و مسلم) است که حضرت عبداللّه بن عمر ؓ از آن حضرت ﷺ روایت کرده‌اند:

نهی رسول‌الله ﷺ عن قتل النساء والصبیان.(۳)

«پیامبر خدا ﷺ از کشتن زنان و کودکان نهی (منع) کرده‌اند.»

حکم اموال مرتد

اموال مرتد بر سه گونه است:

۱ـ اموالی که در حالت مسلمانی و در دارالاسلام کسب کرده است.

۲ـ اموالی که در حالت ارتداد (و قبل از فرار به کشور کفر) کسب کرده است.

۳ـ اموالی که در حالت ارتداد و بعد از رسیدن به دارالحرب (=کشور کفر) به دست آورده است.

۱- صحیح بخاری ص ۱۰۲۳/ج ۲

۲- نزد جمهور علماء و ائمه‌ی ثلاثه (زن مرتده) هم کشته می‌شود. الفقه الإسلامی ص ۵۵۸۲/ج ۷.

۳- صحیح بخاری ص ۴۲۳/ج ۱.

حکم قِسم اول

اگر مرتد بمیرد یا کشته شود، یا موفق به فرار از کشور اسلامی گردد و قاضی مسلمین نسبت به لُحُوق (یعنی رسیدن) او به دارالحرب و دارالکفر حکم کند، در تمام صورت‌های مذکور مالی را که در حالت مسلمانی کسب کرده در میان ورّاث مسلمانش تقسیم می‌شود و هیچ‌یک از فقهاء در این باره اختلافی ندارند. زیرا ارتداد به معنای هلاکت است (و چون مرتد واجب‌القتل می‌باشد) پس به محض رسیدن به کشور کفر یک مرده محسوب می‌شود و اموالش در میان ورّاث مسلمانش تقسیم می‌گردد.

حکم مال دوم

اموالی که در حالت ارتداد کسب کرده به ورّاث مسلمانش تعلق نمی‌گیرند. زیرا ارتباط او با مسلمانان به سبب خروج از دین اسلام کاملاً منقطع شده است و اکنون او یک کافر حربی محسوب می‌شود و مسلمان از کافر ارث نمی‌برد.

لذا این‌گونه اموال به عنوان مال فیئی (مال بی‌صاحب) در بیت‌المال مسلمانان گذاشته می‌شود تا در مصالح عمومی جامعه‌ی مسلمین خرج شود.[1]

اما صاحبین (امام ابویوسف و محمّد) می‌فرمایند: این مال نیز همانند مال اول در میان وارثان مسلمانش تقسیم می‌گردد.

امام شافعی رحمه الله **می‌فرمایند:** مال اول و دوم (هر دو نوع مال) به عنوان مال فیئی به بیت‌المال مسلمین سپرده می‌شوند. زیرا وراثت در میان مسلمانان و کفّار وجود ندارد. و این رأی حضرت ابن عباس رضی الله عنهما است و به اخذ المالکیة والشافعیه و هو القول الصحیح عندالحنابله.[2]

حکم مال سوم

مالی که بعد از مرتد شدن در کشور کفر کسب کرده است، به اجماع تمام فقهاء، حکم مال فیئی را دارد و به بیت‌المال مسلمین سپرده می‌شود.

۱- مال فیئی: مالی است که از کفّار بدون جنگ و خون‌ریزی به دست می‌آید. و مالی که با زور در اثنای جنگ با کفار به دست می‌آید، مال غنیمت نامیده می‌شود.

۲- احکام المواریث و الترکات ص ۳۶.

حکم اموال مرتده

اما زن مرتده به این علّت که آنکه هنوز عصمت نفس او باقی است و واجب‌القتل نمی‌باشد، بنابراین عصمت مال و سرمایه‌ی او نیز به طریق اولیٰ باقی است و حقّ وارثان مسلمانش از سرمایه‌ی او منقطع نمی‌شود و هرگاه بمیرد، تمام اموال او (قبل از ارتداد و بعد از ارتداد) به وارثان مسلمانش تعلق می‌گیرند و طبق اصول شرعی در میان آنان تقسیم می‌شود.

آیا مرتد از کسی ارث می‌برد؟

مرتد یا مرتده به علت ارتداد از تمام ملت‌ها و تمام مذاهب خارج می‌شوند. لذا مرتد یا مرتده از هیچ‌کس ارث نمی‌برند. نه از مسلمانی و نه از مرتدی دیگر مثل خود.(۱)

مثال:

دو نفر که خویشاوند یکدیگرند، مرتد می‌شوند (و دین دیگری را می‌پذیرند و یا کاملاً لامذهب باقی می‌مانند) هرکدام از این دو که بمیرد از دیگری ارث نمی‌برد.(۲)

یک استثناء:

البته اگر خدای ناخواسته اهالی یک شهر و یا اهالی یک روستا همگی مرتد شدند(۳) و دولت اسلامی بنابر ضعف خود نتوانست با آنان جهاد کند، در این صورت آن شهر یا روستا دارالحرب (کشور کفر) قرار می‌گیرد و یک حربی وارث حربی دیگر می‌شود. یعنی اگر دو نفر که خویشاوند یکدیگر هستند، در چنین شهر یا چنین روستایی بمیرند، از یکدیگر ارث می‌برند.

۱- این حکم به خاطر زجر و توبیخ تعیین شده است و درباره‌ی علت این حکم گفته شده:
المرتد لاملّة له، لأن ما انتقل الیه لایقر علیه، و المیراث مبنی علی الملّة کالنکاح (شریفیه)
۲- احکام المواریث و الترکات ص ۳۵.
۳- مثلاً مسیحی یا یهودی شدند و یا قادیانی و... گشتند.

فصل هشتم

باب: میراث الأسیر

- حکم فقهی و شرعی اسیر
- روش حلّ مسأله‌ی میراثی اسیر

❑ میراث اسیر

اگر مسلمانی در دست کفّار اسیر شود، حتماً دارای یکی از سه حالت زیر است:

۱ـ اگر بر مشکلات و مصایب اسارت صبر کند و بر دین اسلام باقی بماند؛ حکم او همانند حکم سایر مسلمانان عادی است.[۱] یعنی اینکه نه زوجه‌اش جدا می‌شود و نه مال و سرمایه‌اش در میان ورّاث شرعی او تقسیم می‌گردد. و اگر در زمان اسارت وی یکی از ورّاث او بمیرد، سهم‌الارث اسیر از سرمایه‌ی میت جدا می‌شود و تا زمان آزادی و بازگشت وی از اسارت، محفوظ نگه داشته می‌شود.

۲ـ اگر خدای ناکرده (والعیاذ باللّٰه) مذهب خود را بگذارد و دین اسلام را ترک کند، حکم او همانند حکم مرتد است.

۳ـ اگر هیچ اطلاعی از تغییر دین و مذهب و یا موت و حیات او در دست نباشد، حکم او همانند حکم شخص مفقود است.

روش حلّ مسأله‌ی میراثی اسیر

عیناً همانند مسائل خنثی و مسائل حمل دو بار مسأله را حل می‌کنیم. یعنی ابتدا یک بار اسیر را زنده و مسلمان و بار دیگر او را مرده (یا مرتد) فرض کرده و هر دو مسأله را هم‌مخرج می‌کنیم و سپس سهام اقلّ را به ورّاث داده و باقی‌مانده‌ی ترکه را تا مشخص شدن حال اسیر متوقف (و به صورت امانت) محفوظ نگه می‌داریم.

۱ـ ارتداد مُکْرَه (= مجبور شده) اعتبار ندارد. البته ارتداد شخص عاقل و غیرمضطر مانع ارث است. (النهر الفائض) ص ۳۷.

مثال:

یک زن فلسطینی به نام عایشه فوت کرده است و ورّاث او عبارتند از (شوهر - مادر - دختر - خواهر عینی) و یک برادر عینی به نام قاسم که هم‌اکنون در دست ارتش لعنتی اسرائیل اسیر گشته و وضعیت مرگ و یا زندگی او مشخص نمی‌باشد. اکنون ترکه‌ی مرحومه عایشه به صورت زیر تقسیم می‌گردد.

مسأله‌ی اوّل: میت — متوفی: عایشه — مسأله ۱۲ تصحیح ۳۶

زوج	ام	بنت	اخت عینی	اخ عینی اسیر (= زنده و مسلمان)
۱/۴	۱/۶	۱/۲	للذکر مثل حظ الانثیین	
۳	۲	۶	۱	
۹	۶	۱۸	۱	۲

مسأله‌ی دوّم: میت — مسأله ۱۲

زوج	ام	بنت	اخت عینی	اخ عینی اسیر (= مرده یا مرتد)
۱/۴	۱/۶	۱/۲	عصبه مع‌الغیر	×
۳	۲	۶	۱	[بدون سهم]

۱ ـ اکنون در میان تصحیح مسأله‌ی اول (یعنی عدد ۳۶) و تصحیح مسأله‌ی دوم (یعنی عدد ۱۲) نگاه می‌کنیم که چه نسبتی برقرار است؟ و چون نسبت آنها تداخل است (و تداخل در حکم توافق می‌باشد) لذا وفق هر یک را پیدا کرده و در دیگری ضرب می‌کنیم.

گویا توافق دو عدد مذکور به این صورت است:

وفق ۳۶ (سه) است. ۳ × [۱۲] = ۳۶
وفق ۱۲ (یک) است. ۱ × [۱۲] = ۱۲
عدد مشترک

تذکر:

در واقع (۳۶) و (۱۲) هر دو را به (۱۲) ساده می‌کنیم.
۲ ـ پس مسأله‌ی اول را در یک ضرب می‌کنیم که هیچ تغییری نمی‌کند و مسأله‌ی دوم را در (۳) ضرب می‌کنیم.

مسأله‌ی اوّل: میـــت — تصحیح ۳۶

زوج	ام	بنت	اخت عینی	اخ عینی اسیر
۹	۶	۱۸	۱	۲

مسأله‌ی اوّل: میـــت — مسأله ۱۲ — تصحیح ۳۶ — مضروب: ۳

زوج	ام	بنت	اخت عینی	اخ عینی اسیر
۳	۲	۶	۱	×
×۳	×۳	×۳	×۳	
۹	۶	۱۸	۳	

۳ ـ اکنون که هر دو مسأله هم‌مخرج شده‌اند، سهام اقل را به ورّاث موجود می‌دهیم و سهام باقی‌مانده را برای اسیر تا مشخص شدن حالت او محفوظ نگه می‌داریم. به این صورت:

مسأله‌ی اسیر: میـــت — تصحیح ۳۶

زوج	ام	بنت	اخت عینی	اسیر
۹	۶	۱۸	۱	۲ سهم

شرح:

با ملاحظه در سهام ورّاث هر دو مسأله به خوبی واضح می‌شود که سهام (زوج، ام، بنت) در هر دو مسأله مساوی است. بنابراین چیزی از سهام آنان متوقف نمی‌شود. البته خواهر عینی در مسأله‌ی اول (یک سهم) و در مسأله‌ی دوم (سه سهم) دارد و چون (یک سهم) کمتر است لذا فعلاً همین یک سهم را به او می‌دهیم و دو سهم از حقّ او را موقوف نگه می‌داریم. اکنون اگر اسیر (آقای قاسم) از زندان رهایی یافت و با حالت مسلمانی و مجاهدی به آغوش خانواده‌اش بازگشت، دو سهم موقوفه از ترکه‌ی مرحومه عایشه را خودش تحویل می‌گیرد و در غیر این صورت، این دو سهم موقوفه دوباره به خواهر عینی مرحومه عایشه برگشت داده می‌شوند.

فصل نهم

باب: میراث الغَرقیٰ و الحَرقیٰ و الهَدمیٰ

- مذهب اوّل درباره‌ی میراث غرق‌شدگان و زیر آوار ماندگان
- مذهب دوّم در این باره
- روش حلّ مسأله‌ی میراثی این افراد

❑ میراث افراد: غرق شده، سوخته شده، زیر آوار رفته

فَعِیل به معنای مفعول است و معنای این سه کلمه به این صورت می‌شوند:

۱ ـ غَرقیٰ: جمع غریق (در دریا غرق شده).
۲ – حَرقیٰ: جمع حریق (در آتش سوخته شده).
۳ ـ هَدمیٰ: جمع هدیم (زیر آوار رفته).

این فصل را با طرح یک سؤال آغاز می‌کنیم.

سؤال:

حکم افرادی که وارث و مورث یکدیگرند و به صورت دسته جمعی (و با هم) در حوادثی مانند: [غرق شدن در دریا، سوختن در آتش، و بمباران و... واژگون شدن سقف یا دیوار در اثر زلزله، سقوط هواپیما، تصادف، وقوع جنگ و نسل‌کشی فراگیر و...] می‌میرند و تقدم و تأخر فوت آنها نسبت به یکدیگر مشخص نمی‌باشد، چیست؟ آیا از یکدیگر ارث می‌برند یا خیر؟

تذکر:

اگر معلوم باشد که کدام میت جلوتر از دنیا رفته و کدام بعداً مرده است. آنکه بعداً مرده از آن که سابق (جلوتر) مرده، ارث می‌برد.

یک مثال:

پدر و پسری با هم تصادف می‌کنند. اما پدر در ساعت ۸ صبح و پسر در ساعت ۹ صبح جان سپرده است. در این صورت پسر که بعداً مرده از پدرش که جلوتر مرده است، ارث می‌برد. و باز

چون خود پسر نیز مرده است، لذا سهم‌الارثی که از ترکه‌ی پدر بدست آورده، در میان ورّاث زنده‌اش تقسیم می‌گردد.

در پاسخ به سؤال این بحث دو مذهب وجود دارد

۱ ـ مذهب جمهور علماء (غیر از حنابله):

چون تقدم و تأخر فوت آنها نسبت به هم مشخص نیست، لذا فرض می‌شود که هر دو نفر در یک لحظه‌ی واحد فوت کرده‌اند. بنابراین وراثت در میان این دو نفر جاری نمی‌شود. یعنی هر یک از آن دیگری ارث نمی‌برد، بلکه ترکه‌ی هر نفر در میان ورّاث زنده‌ی خودش تقسیم می‌گردد.(۱)

مثال:

پدری به نام ابراهیم و پسری به نام اسماعیل در یک حادثه‌ی رانندگی فوت می‌کنند و تقدم و تأخر فوت آنها نسبت به یکدیگر مشخص نیست.

ورّاث ابراهیم عبارتند از:

۱ ـ زوجه: ساره
۲ ـ دختر: هاجره
۳ ـ پدر: یعقوب

ورّاث اسماعیل عبارتند از:

۱ ـ مادرش: ساره
۲ ـ خواهرش: هاجره
۳ ـ جدّ پدری: یعقوب

اکنون طبق مذهب جمهور علماء (مذهب مفتی به) مسأله‌ی مذکور به این صورت حل می‌شود.

۱- و هذا القول مروی عن أبی‌بکر الصدیق، و زید بن ثابت، و عبدالله بن عباس، و معاذبن جبل، و الحسن بن علی ـ رضی‌الله‌عنهم جمیعاً ـ و به قال عمربن عبدالعزیز و الزهری و الأوزاعی، و مالک و الشافعی، أبوحنیفه و أصحابه. (المغنی ص ۶/۳۰۸ و شرح السراجیة ص ۴۲۹)

۱ - میت — مسأله ۲۴ — ترکه‌ی مرحوم ابراهیم

زوجه	دختر	پدر	پسر
(ساره)	(هاجره)	(یعقوب)	(اسماعیل)
$\frac{1}{8}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$ + ق.ع	~~صفر~~
۳	۱۲	۵+۴ =۹	

۲ - میت — مسأله ۳ — ترکه‌ی مرحوم اسماعیل

ام	خواهر تنی	جدّ صحیح	پدر
(ساره)	(هاجره)	(یعقوب)	~~(ابراهیم)~~
$\frac{1}{3}$	محروم توسط جد	ق.ع	صفر
۱		۲	

دلیل این مذهب:

این رأی حضرت ابوبکر و عمر ﷺ می‌باشد.

رویٰ خارجة بن زید بن ثابت ﷺ عن أبیه أنه قال: أمرنی ابوبکر الصدیق ﷺ بتوریث أهل الیمامة، فورثت الأحیاء من الأموات، و لم أورث الأموات بعضهم عن بعض. و أمرنی عمر ﷺ بتوریث أهل طاعون عَمْوَاس، و کانت القبیلة تموت بأسرها، فورّثت الاحیاء من الأموات، و لم أورّث الأموات بعضهم عن بعض. و هکذا نقل عن علی ﷺ فی قتلی الجمل و صِفّین.(۱)

«خارجه بن زید می‌گوید که پدرم حضرت زید بن ثابت ﷺ فرمودند که حضرت ابوبکر صدیق ﷺ درباره‌ی مقتولان جنگ یمامه به من دستور دادند که فقط زنده‌ها را وارث مرده‌ها قرار دهم و یک مرده را وارث مرده‌ی دیگر قرار ندهم. و همچنین حضرت عمر فاروق ﷺ نیز درباره‌ی تقسیم ترکه‌ی مرده‌های طاعون عمواس، همین دستور را به من دادند. و همین دستورالعمل از حضرت علی ﷺ درباره‌ی مقتولان جنگ‌های جمل و صفّین روایت شده است.»(۲)

۱- الفقه الإسلامی ص ۷۹۰۴/ج ۱۰ و ایضاً سنن البیهقی ص ۲۲۲/ج ۶

۲- طاعون عَمْوّاس: عمواس اسم روستای معروفی در کشور سوریه بوده است که در زمان خلافت حضرت عمر فاروق ﷺ طاعونی همه گیر در آن واقع شده و حدود (۲۵۰۰۰) نفر از جمله صحابی معروف: ابوعبیده بن الجرّاح ﷺ نیز در اثر آن فوت کرده‌اند.

مذهب دوّم:

و أصحاب هذا القول یقولون:

إذا مات المتوارثان، فجهل أوّلها موتاً، ورث بعضهم من بعض، فیجعل أحدهما أوّلها موتاً، ولکن لایرث کلّ واحد منهما ما ورثه من مال صاحبه، و الاّ لزم أن یرث کلّ واحد من مال نفسه. و هذا مذهب الإمام أحمد بن حنبل رحمه الله.

دلیل:

و استدلوا بروایة اخری عن عمر و علی و ابن مسعود و شریح و إبراهیم النخعی و الشعبی، أنهم قالوا: یرث بعضهم من بعض، یعنی من ماله، دون ماورثه من میت معه.[1]

پیروان این مذهب (یعنی حنابله) می‌گویند:

هنگامی که دو نفر (وارث و مورث) هم‌زمان و با هم فوت کنند و تقدیم و تأخیر فوت آنان نسبت به یکدیگر معلوم نباشد، این دو نفر از یکدیگر ارث می‌برند. در این حالت فرض می‌شود که یکی از آنان چند لحظه جلوتر از دیگری فوت کرده است. (برای فرد دیگر نیز چنین حالتی در نظر گرفته می‌شود). و بدین ترتیب هر میت فقط از مال و دارایی شخصی میت دیگر ارث می‌برد، نه از اموال اختصاصی خودش که به طرف مقابل رسیده است. زیرا معقول نیست که یک میت وارث اموال خودش شود و از ترکه‌ی خودش نیز ارث ببرد!

مثال:

دو برادر تنی به نام سلیمان (برادر بزرگتر) و دیگری به نام صالح (برادر کوچکتر) در طی یک سفر دریایی؛ به علّت طوفانی شدن هوا؛ در دریا غرق می‌شوند و می‌میرند. ورّاث برادر بزرگتر (سلیمان) که ترکه‌اش (۹۰ دلار) است؛ عبارتند از:

۱ ـ مادرش به نام (عایشه)
۲ ـ دخترش به نام (فاطمه)
۳ ـ عمویش به نام (ابراهیم)

۱- الفقه الاسلامی ص ۷۹۰۴/ج ۱۰

و ورّاث برادر کوچکتر (صالح) که ترکه‌اش (۱۸۰ دینار) است؛ عبارتند از:

۱ ـ مادرش (عایشه)
۲ ـ دخترش (سمیّه)
۳ ـ عمویش (ابراهیم)

* اکنون به شیوه‌ی حلّ این مسأله طبق قول اوّل و دوّم توجه فرمایید:

حل مسأله مطابق با قول مفتی به (جمهور علماء)

ترکه‌ی هر برادر جداگانه در میان وارثان او تقسیم می‌شود و هیچ کدام از این دو برادر، وارث برادر دیگر به شمار نمی‌آید.

۱ ـ میـــت مسأله ۶ ترکه: ۹۰ دلار / متوفی: سلیمان

مادر (عایشه)	دختر (فاطمه)	عمو (ابراهیم)	برادر تنی (صالح)
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	ق.ع	محروم
①	③	②	

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی سلیمان ۱۵ = ۶ ÷ ۹۰

سهم عایشه از ترکه‌ی پسرش سلیمان ۱۵ = ۱ × ۱۵

سهم فاطمه از ترکه‌ی پدرش سلیمان ۴۵ = ۳ × ۱۵

سهم ابرهیم از ترکه‌ی برادرزاده‌اش سلیمان ۳۰ = ۲ ÷ ۱۵

۲ ـ میت — مسأله ۶ — ترکه: ۱۸۰ دینار / متوفی: صالح

مادر	دختر	عمو	برادر تنی
(عایشه)	(سمیه)	(ابراهیم)	(سلیمان)
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	ق.ع	محروم
①	③	②	

اندازه‌ی یک سهم از ترکه‌ی صالح $180 \div 6 = 30$

سهم عایشه از ترکه‌ی پسرش صالح $30 \times 1 = 30$

سهم سمیه از ترکه‌ی پدرش صالح $30 \times 3 = 90$

سهم ابرهیم از ترکه‌ی برادرزاده‌اش صالح $30 \times 2 = 60$

حل مسأله مطابق با قول دوّم (مذهب حنابله)

۱ ـ نخست فرض می‌شود که سلیمان زودتر از برادرش صالح فوت کرده است. بنابراین صالح یکی از ورّاث او به حساب می‌آید و بخش اوّل ترکه‌ی سلیمان به صورت زیر تقسیم می‌شود:

۱ ـ میت — مسأله ۶ — ترکه: ۹۰ دلار / متوفی: سلیمان

مادر	دختر	برادر تنی	عمو
(عایشه)	(فاطمه)	(صالح)	(ابراهیم)
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	ق.ع	محروم
[۱۵ دلار]	[۴۵ دلار]	[۳۰ دلار]	

تذکر:

ابراهیم توسط صالح محجوب است. زیرا درجه‌ی اُخوت از درجه‌ی عمومت مقدم می‌باشد.

۲ ـ در مرحله‌ی دوّم نیز همانند مرحله‌ی اوّل، باز فرض می‌شود که صالح چند لحظه جلوتر از برادرش سلیمان فوت کرده است. بنابراین سلیمان یکی از ورّاث او به حساب آمده و بخش اوّل ترکه‌ی صالح به صورت زیر تقسیم می‌گردد.

مسأله ۶ — ترکه: ۱۸۰ دینار / متوفی: صالح — ۲ ـ میت

مادر	دختر	برادر تنی	عمو
(عایشه)	(سمیه)	(سلیمان)	(ابراهیم)
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	ق.ع	محروم
[۳۰ دینار]	[۹۰ دینار]	[۶۰ دینار]	

تذکر:

در این مرحله نیز ابراهیم توسط سلیمان محجوب می‌شود. زیرا زمانی که برادر وجود داشته باشد، عمو ارث نمی‌برد.

۳ ـ همانگونه که از دو نقشه‌ی مذکور واضح است: برادر بزرگتر (سلیمان) مبلغ (۶۰ دینار) از ترکه‌ی برادر کوچکترش (صالح) بدست آورده و چون متعاقباً خود سلیمان نیز فوت کرده است، دو مرتبه این مبلغ در میان ورّاث زنده‌ی سلیمان تقسیم می‌گردد. البته در این تقسیم برادرش صالح شرکت داده نمی‌شود و از این (۶۰ دینار) هیچ سهمی نمی‌برد. زیرا در اصل این دینارها مال خود صالح بوده است و اگر قرار باشد از آنها سهم ببرد، گویا از ترکه‌ی خودش نیز ارث برده است و این سخن معقول نمی‌باشد و هیچ میتی از سرمایه‌ی خودش ارث نمی‌برد.

بنابراین بخش دوّم ترکه‌ی سلیمان که (۶۰ دینار) است، به صورت زیر در میان ورّاث زنده‌ی او تقسیم می‌شود:

مسأله ۶ — ترکه: ۶۰ دینار / متوفی: سلیمان

مادر	دختر	عمو	برادر تنی
(عایشه)	(فاطمه)	(ابراهیم)	(صالح)
۱/۶	۱/۲	ق.ع	محروم
[۱۰ دینار]	[۳۰ دینار]	[۲۰ دینار]	

۴ـ از طرف دیگر (صالح) نیز چنین مسأله‌ای دارد و او نیز (۳۰ دلار) از ترکه‌ی برادرش سلیمان بدست آورده است. و چون متعاقباً خودش نیز فوت کرده است، مبلغ مذکور به ورّاث زنده‌اش (منهای سلیمان) انتقال می‌یابد. زیرا این دلارها در اصل مال خود سلیمان بوده و اگر دومرتبه سلیمان از آنها سهم ببرد، گویا از ترکه‌ی خودش ارث برده است. و این سخن عاقلانه نمی‌باشد! بنابراین بخش دوّم ترکه‌ی صالح (۳۰ دلار) در میان ورّاث زنده‌اش، به صورت زیر تقسیم می‌گردد:

مسأله ۶ — ترکه: ۳۰ دلار / متوفی: صالح

مادر	دختر	عمو	برادر تنی
(عایشه)	(سمیه)	(ابراهیم)	(سلیمان)
۱/۶	۱/۲	ق.ع	محروم
[۵ دلار]	[۱۵ دلار]	[۱۰ دلار]	

۵ـ خلاصه اینکه: ترکه‌ی مرحوم سلیمان و مرحوم صالح، مطابق با مذهب حنابله به صورت زیر در میان ورّاث زنده‌ی آنان تقسیم گردید:

ترکه‌ی مرحوم سلیمان: ۹۰ دلار (و ۶۰ دینار)

عایشه	فاطمه	ابراهیم
۱۵ دلار ۱۰ دینار	۴۵ دلار ۳۰ دینار	۲۰ دینار

ترکه‌ی مرحوم صالح: ۱۸۰ دینار (و ۳۰ دلار)

میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

عایشه { ۳۰ دینار، ۵ دلار } سمیه { ۹۰ دینار، ۱۵ دلار } ابراهیم { ۱۰ دلار }

«ترکه‌ی سلیمان و صالح»

میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

عایشه { ۲۰ دلار، ۴۰ دینار } ابراهیم { ۱۰ دلار، ۲۰ دینار } فاطمه { ۴۵ دلار، ۳۰ دینار } سمیه { ۱۵ دلار، ۹۰ دینار }

تمرین:

پدری به نام ابراهیم و پسری به نام اسماعیل در اثر گازگرفتگی خفه شده و از دنیا رفته‌اند. اگر ورثه‌ی زنده‌ی ابراهیم پسر دیگرش به نام (اسحاق) و ورثه‌ی زنده‌ی اسماعیل نیز پسرش به نام (محمّد) باشد، طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی این دو نفر را مطابق با مذهب مفتی‌به، بنویسید. ضمناً یادآوری می‌شود که ترکه‌ی ابراهیم (یک میلیون تومان) و ترکه‌ی اسماعیل (شش میلیون تومان) می‌باشد.

حل مسأله

ترکه: ۱۰۰۰٫۰۰۰ (متوفی: ابراهیم)

۱ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

ابن	ابن (مرده)	ابن‌الابن
(اسحاق)	اسماعیل	(محمّد)
تمام ترکه	محروم	محروم

ترکه: ۶۰۰۰٫۰۰۰ (متوفی: اسماعیل)

۲ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

ابن	اب (مرده)	اخ عینی
(محمّد)	ابراهیم	(اسحاق)
تمام ترکه	محروم	محروم

فصل دهم

حرف‌های خودمانی درباره‌ی میراث

- احوال میراثی ذوی‌الفروض
- هشدارهای ویژه
- روش عملی و حسّی تقسیم ترکه
- روش تنظیم درخواست برای تقسیم ترکه
- مختصری درباره‌ی قرض
- توضیح نقشه‌های میراثی

مقدمه

مطالعه و یادگیری مطالب این بخش که گاه با زبان عربی و گاه با زبان فارسی محاوره‌ای و به صورت پراکنده بیان شده‌اند، می‌تواند کمک مؤثری به نوآموزان علم میراث در حفظ حالات میراثی ورّاث باشد و همچنین بر توانایی و قدرت استدلال آنها در حلّ مسائل مختلف میراثی افزوده و مهارت آنان را در این زمینه چند برابر خواهد نمود.

(إن شاءالله تعالی)

احوال میراثی ذوی الفروض

الأب

۱ ـ فرض مطلق (یعنی $\frac{1}{6}$ فرضاً): مع‌الولد أو ولدالابن.
۲ ـ الفرض والتعصیب معاً (یعنی $\frac{1}{6}$ + ق.ع): مع البنت أو بنت الابن
۳ ـ تعصیب محض (یعنی تمام ترکه): عند عدم الولد و ولدالابن.

الجدّ الصحیح

۱ ـ فرض مطلق (یعنی $\frac{1}{6}$ فرضاً): مع الولد أو ولدالابن
۲ ـ الفرض والتعصیب معاً (یعنی $\frac{1}{6}$ + ق.ع): مع البنت أو بنت الابن
۳ ـ تعصیب محض (یعنی تمام ترکه): عند عدم الولد و ولدالابن
۴ ـ حالت سقوطی: و یسقط الجدّ بالأب

اولاد اُمّ (برادر خیفی ـ خواهر خیفی)

۱ ـ $\frac{1}{6}$: للواحد
۲ ـ $\frac{1}{3}$: للإثنین فصاعداً.
تذکر:
حالت تساوی: ذکورهم و اناثهم فی القسمه والإستحقاق سواءٌ.
۳ ـ حالت سقوطی: و یسقطون بالولد و ولدالابن و إن سفل. و بالأب و **الجدّ بالإتفاق.**

الزوج (شوهر)

دو حالت دارد:

۱ ـ $\frac{1}{2}$: عند عدم الولد و ولد الإبن و إن سَفَلَ
۲ ـ $\frac{1}{4}$: مع الولد أو ولد الإبن و إن سفل

الزوجة (زن)

۲ حالت دارد:

۱ ـ $\frac{1}{4}$: عند عدم الولد و ولدالإبن و إن سفل
۲ ـ $\frac{1}{8}$: مع الولد أو و ولد الإبن و إن سفل

بنات صلبی

۳ حالت دارند:

۱ ـ $\frac{1}{2}$: للواحدة.
۲ ـ $\frac{2}{3}$: للإثنتین فصاعدة.
۳ ـ **حالت عصبیت:** مع الإبن للذّکر مثل حظّ الأنثیین (و هو یُعَصِّبُهُنّ).

«بنات الإبن»

۶ حالت دارند:

۱ ـ $\frac{1}{2}$: للواحدة [عند عدم بنات الصلب]
۲ ـ $\frac{2}{3}$: للإثنتين فصاعدة [عند عدم بنات الصلب]
۳ ـ **به همراهی یک بنت صلبی:** $\frac{1}{6}$ تکملةً للثُّلُثَیْن.
۴ ـ **به همراهی دو بنت صلبی:** ساقط می‌شوند (ولایرثن مع الصُّلْبِیَتَیْن).
۵ ـ **حالت تعصیب:** (استثناء از حالت چهارم): إلاّ أن یکون بِحَذائِهِنَّ أو اَسْفَلَ مِنْهُنَّ غُلامٌ فَیُعَصِبُهُنَّ.
۶ ـ **حالت سقوطی:** وَ یَسْقُطْنَ (بالإبن).

خواهران عینی (حقیقی)

۵ حالت دارند:

۱ ـ $\frac{1}{2}$: للواحدة.
۲ ـ $\frac{2}{3}$: للإثنتین فصاعدة.
۳ ـ **حالت عصوبت بالغیر:** با همراه «برادر عینی» عصبه بالغیر می‌شوند.
۴ ـ **حالت عصوبت مع‌الغیر:** با همراهی (بنت صلبی) یا (بنت الابن) عصبه مع‌الغیر می‌شوند و همانند عصبات، باقی‌مانده‌ی ترکه را دریافت می‌دارند.
۵ ـ **حالت سقوطی:** وَ یَسْقُطْنَ (بالإبن) و (إبن الإبن) و إن سَفَلَ، و (بالأب) بالإتفاق، و (بالجدّ) عند ابی حنیفة (رح).

خواهران عِلّی (پدری)

۷ حالت دارند:

۱ - $\frac{1}{2}$ للواحدة (عند عدم أخوات عینی)
۲ - $\frac{2}{3}$ للإثنتین فصاعدة (عند عدم أخوات عینی)
۳ - به همراهی یک خواهر عینی: $\frac{1}{6}$ تکلمةً للثُّلُثَیْن.
۴ - به همراهی دو خواهر عینی: ساقط می‌شوند (و لایرثن مع الأختین لأبٍ و أُمٍّ).
۵ - حالت عصوبت بالغیر: (استثناء از حالت چهارم): إلاّ أن یکون مَعَهُنَّ أخٌ لأبٍ، فَیُعَصِبُهُنَّ.
۶ - حالت عصوبت مع‌الغیر: با همراهی (بنت صلبی) یا (بنت الإبن) عصبه مع‌الغیر می‌شوند، و همانند عصبات، باقی‌مانده‌ی ترکه را تصاحب می‌نمایند.
۷- حالت سقوطی:
الف) حالت سقوطی اول: و یسقطون (بالإبن) و (إبن الإبن) و إن سفل. و (بالأب) بالاتفاق، و (بالجدّ) عند ابی حنیفة (رح)
ب) حالت سقوطی دوم: توسط (اخ عینی) مطلقاً، و همچنین توسط (اخت عینی) به شرط آن‌که همین اُخت عینی، توسط (بنت یا بنت‌الابن) عصبه شده باشد، نیز ساقط می‌شوند.

حالات مادر

۳ حالت دارد:

۱ - السدس
۲ - ثلث الکُلّ ($\frac{1}{3}$ کلّ ترکه)
۳ - ثلث مابقی

$\frac{1}{6}$ کل ترکه در دو حالت:
۱ - مع الولد أو ولدالإبن و إن سفل
۲ - أو مع‌الإثنین من الإخْوة والأَخَوَات فصاعداً (مِنْ أی جِهَةٍ کانا).

$\frac{1}{3}$ کل ترکه در دو حالت:
۱ ـ عند عدم الولد أو ولد الإبن و إن سفل
۲ ـ میت یک برادر داشته باشد یا تنها یک خواهر داشته باشد. یا اصلاً برادر و خواهر نداشته باشد.

$\frac{1}{3}$ باقی‌مانده‌ی ترکه در دو مسأله مشهور به «عُمَرِیتان» و ذالک فی مسألتَیْن
۱ ـ زوج و أبَوَیْن (زوج + ام + اب)
۲ ـ زوجة و أبَوَیْن (زوجة + ام + اب)

تذکر:
و لو کان مکان الأب جدّ، فللأمّ ثُلُثُ جمیعِ المال. (لا ثُلْثُ الباقی).

حالات جدّه‌ی صحیحه

سه حالت دارد:
۱ ـ السدس ۲ ـ السقوط ۳ ـ الحَجْب

۱ ـ $\frac{1}{6}$: لِأَبٍ کانتْ أو لِأُمٍّ، واحدةٍ کانت أو اکثر، إذا کُنَّ ثابتاتٍ (یعنی صحیحاتٍ)، مُتَحاذِیاتٍ فی الدرجةِ.

۲ ـ دو حالت سقوطی
۱ ـ حالت سقوطی اول (با مادر): و یسقطن کُلُهُنَّ بالأمّ.
۲ ـ حالت سقوطی دوم (با اب و جدّ): و یسقطن الأبویّاتُ ایضاً بالأب و کذالک بالجدّ (إلاّ أمّ الأب) فإنّها ترث مع الجدّ).

۳ ـ حالت حَجْب (بُعدیٰ با قُربیٰ)
القُربیٰ من أیّ جهةٍ کانت تَحْجُبُ البُعدیٰ (مِنْ أیّ جهةٍ کانت).
* وارثةً کانت القُربیٰ أو محجوبَةً.

تذکر ۱ -

ارث جدّه‌ی یک قرابته با ارث جدّه‌ی دو قرابته مساوی است (و علیه الفتویٰ).

تذکر ۲ -

در حالات ورّاث ذوی‌الفروض به این کلمات و عبارت‌ها خوب توجه کنید که در یک‌جا (أو) داریم و در یک‌جا (و) و در یک‌جا (مع‌الولد) و در یک‌جا (عند عدم الولد) و... داریم. مواظب باشید که این عبارت‌ها را با هم قاطی (مخلوط) نکنید.

۱ - در حالت سوم (اب) داریم:
التعصیب المحض: عند عدم الولد (و) ولدالابن و إن سفل

۲ - در حالت اول و دوم (زوج) داریم:
النصف: عند عدم الولد (و) ولد الابن و إن سفل
الربع: مع الولد (أو) ولدالابن و إن سفل

۳ - در حالت اول و دوم (زوجه) داریم:
الربع: عند عدم الولد (و) ولدالابن و إن سفل
الثمن: مع الولد (أو) ولدالابن و إن سفل.

۴ - در حالت اول (مادر) داریم:
السدس: مع الولد (أو) ولدالإبن و إن سفل.
(أو) مع الإثنین من الإخوة و الأخوات.

۵ - این دو حالت سقوطی را با یکدیگر اشتباه نکنید:
الف) در حالت سقوطی اولاد اُمّ (اخ خیفی، اخت خیفی) داریم:
و یسقطون بالولد (و) ولد الابن و إن سفل و بالأب و الجد بالإتفاق.
ب) امّا در حالت سقوطی (اُخت عینی و اخت علّی) این عبارت را داریم:
و یسقطون بالإبن و إبن الإبن و إن سفل و بالأب بالإتفاق و بالجدّ عند ابی حنیفه رحمه الله .

هشدارهای ویژه

حلّ مسائل میراثی نیاز به هوشیاری زیادی دارند و قبل از سهمیه دادن هر وارث باید به چند هشدار ویژه توجه داشت تا بتوان سهمیه‌ی آن وارث را به درستی و بدون اشتباه، محاسبه کرد. لذا در این قسمت؛ هشدارهای ویژه‌ی مربوط به ورّاث ذوی الفروض را به زبان ساده و عامیانه بیان می‌کنیم تا راهنمای شما در حلّ مسائل مختلف میراثی باشند. (و باللّٰه التوفیق).

تذکر:

در تمام این هشدارها منظور از «ضدّ»، [حاجب و یا ساقط کننده] می‌باشد.

۱ ـ هشدارهای (اب)

وقتی که می‌خواهیم به (پدر میت) سهمیه بدهیم باید به دو هشدار ویژه توجه نماییم:

۱ ـ در میان ورّاث مسأله به دنبال (ابن) و (ابن الابن) می‌گردیم، اگر یکی از این دو نفر وجود داشتند، به پدر میت فقط ($\frac{1}{6}$) ترکه را می‌دهیم.

۲ ـ اگر (ابن) و (ابن الابن) وجود نداشتند، به دنبال (بنت) و (بنت الابن) می‌گردیم. اگر یکی از این دو نفر وجود داشتند، به پدر میت ($\frac{1}{6}$ + ق.ع) می‌دهیم. یعنی ابتدا ($\frac{1}{6}$) از طریق فرضیت و سپس اگر مقداری از ترکه باقی بماند (همین باقی‌مانده را) از کانال عصبیت به پدر میت واگذار می‌کنیم.

۳ ـ اگر هیچ یک از این افرادی که نام بردیم در مسأله وجود نداشتند [نه (ابن)، نه (ابن الابن) / نه (بنت)، نه (بنت الابن)]، در این حالت، نخست به فرض بران دیگری که در مسأله حضور دارند سهم می‌دهیم و سپس هرچه از ترکه باقی ماند، باقی‌مانده را به عنوان عصبیت به پدر میت تحویل می‌دهیم.

توجه:

اگر در میان ورّاث (هم اِبن) و (هم بنت) وجود داشت. مانند حالت اوّل فقط ($\frac{1}{6}$ ترکه) را به پدر میت واگذار می‌کنیم.

۲ ـ هشدارهای جدّ صحیح

هنگامی که می‌خواهیم به پدربزرگ میت سهمیه بدهیم، باید خوب نگاه کنیم که آیا این پدربزرگ جدّ صحیح است یا جدّ فاسد. که اگر فاسد باشد (چون جز ذوی‌لارحام است) سهمیه ندارد و از همان ابتدا توسط ذوی‌الفروض دیگر یا عصبات موجود در مسأله، حذف می‌شود.

اکنون قبل از سهمیه دادن به جدّ صحیح باید به هشدارهای زیر توجه کنیم:

۱ ـ نخست به دنبال ضدّ او می‌گردیم. ضدّ (یعنی حاجب و حذف‌کننده‌ی) پدربزرگ، پدر میت است. اگر پدر میت در جمع ورّاث حضور دارد، فوراً پدربزرگ را حذف می‌کنیم و به او ارث نمی‌دهیم.

۲ ـ در مرحله‌ی دوم به دنبال (ابن) و (ابن الابن) می‌گردیم. اگر یکی از اینها در مسأله وجود داشت، تنها به پدربزرگ میت ($\frac{1}{6}$) ترکه را می‌دهیم.

۳ ـ در مرحله سوم به دنبال (بنت) و (بنت الابن) می‌گردیم. اگر یکی از اینها در مسأله وجود داشت، به پدربزرگ میت ($\frac{1}{6}$ + ق.ع) می‌دهیم.

توجه:

منظور از پدربزرگ (پدر پدر) می‌باشد.

۳ ـ هشدارهای «اولاد اُمّ»

هشدار ۱ ـ

ابتدا به دنبال ضدهای (اولاد اُمّ) می‌گردیم. اگر یکی از این ضدها (یا چند نفر از اینها) در جمع ورّاث مسأله حضور داشتند، اولاد اُمّ را حذف می‌کنیم و به آنها ارث نمی‌دهیم.

نابودکننده‌های «اولاد اُمّ» در مسائل میراثی عبارتند از:

۱ ـ پدر میت
۲ ـ پدربزرگ میت (جدّ صحیح)
۳ ـ فرزندان میت: (پسر میت / پسر پسر میت)، (دختر میت / دختر پسر میت).

تذکر:

۱ ـ هیچ‌یک از برادران و خواهران میت (چه تنی، چه پدری) نمی‌توانند «اولاد اُمّ» را حذف کنند.
۲ ـ مادر میت نیز نمی‌تواند «اولاد اُمّ» را حذف نماید. یعنی مادر و (اولاد مادر) ضد هم نیستند.

هشدار ۲ ـ

اگر هیچ‌یک از این ضدها در مسأله حضور نداشتند، به تعداد اولاد اُمّ نگاه می‌کنیم (مذکر و مؤنث در اینها یکسان است). اگر تعدادشان یک نفر بود ($\frac{1}{6}$) ترکه. و اگر تعدادشان دو نفر، سه نفر، چهار نفر یا بیشتر بودند ($\frac{1}{3}$) ترکه را مشترکاً به آنها تحویل می‌دهیم.

مثال:

ترکه‌ی میت (۳۰۰) تومان است و تعداد اولاد اُم (۵ نفر) هستند. سهم‌الارث آنان این‌گونه محاسبه می‌شود:

۳۰۰ $\xrightarrow{\frac{1}{3}\ \text{ترکه}}$ ۱۰۰ سهم مشترک هر پنج نفر

۱۰۰ ÷ ۵ = ۲۰ سهم یک نفر

۴ ـ هشدارهای «زوج»

زوج هیچ ضدّی (یعنی حاجبی) ندارد. لذا به دنبال ضدّ او نمی‌گردیم.
۱ ـ قبل از سهمیه دادن (زوج) به دنبال فرزندانِ زوجه می‌گردیم، که آیا زوجه (همین زنی که الان مرده و ما می‌خواهیم ترکه‌اش را تقسیم کنیم) فرزندی دارد یا ندارد.[1]
اکنون اگر فرزندی داشت (چه از این شوهر ـ چه از شوهران قبلی خود)، در این صورت ($\frac{1}{4}$) ترکه‌اش را به آقا شوهرش تحویل می‌دهیم.
۲ ـ اگر زوجه‌ی بیچاره مرده بود و هیچ فرزندی در این دنیا برجا نگذاشته بود، در این صورت ($\frac{1}{2}$) ترکه‌اش را به آقا شوهرش تحویل می‌دهیم.

۱- منظور از فرزند (ابن ـ بنت)/ (ابن الابن ـ بنت الابن) می‌باشد.

تذکر مهم:

در حلّ مسائل (زوج و زوجه) خوب دقت کنید که گاهی اینها علاوه از ارتباط زوجیت، از کانال‌های دیگری مانند تعصیب و... نیز ارث می‌برند.

مثال:

زنی فوت کرده و ورّاث او (شوهر که پسرعموی زنش نیز هست، و یک برادر خیفی هستند)، ارث او به صورت زیر تقسیم می‌شود.

مسأله ۶

میـــــــــت

زوج	پسرعمو (زوج)	اخ خیفی
$\frac{۱}{۲}$	ق.ع	$\frac{۱}{۶}$
۳	۲	۱

شرح:

شوهر سه سهم از کانال فرضیت و دو سهم از کانال عصبیت ارث می‌برد و مجموع سهام او (۵ سهم) می‌شوند.

۵ـ هشدارهای «زوجه»

زوجه هیچ ضدّی در میان ورثه ندارد. لذا به دنبال ضدّ او نمی‌گردیم.

۱ ـ قبل از سهمیه دادن (زوجه) به دنبال فرزندانِ «زوج» می‌گردیم و نگاه می‌کنیم که آیا این شوهر بیچاره که الان فوت کرده و ما می‌خواهیم ترکه‌اش را تقسیم کنیم، از این خانم یا از خانم‌های قبلی خود فرزندی دارد یا نه؟ اگر فرزندی داشت،[1] به زوجه (یا زوجاتش) ($\frac{۱}{۸}$) ترکه‌ی او را تحویل می‌دهیم.

۲ – اگر شوهری که مرده، کاملاً بی‌اولاد است و هیچ فرزندی در این دنیا ندارد، ($\frac{۱}{۴}$) ترکه‌اش را به خانم (یا خانم‌هایش) تحویل می‌دهیم.

۱– منظور از فرزند (ابن ـ بنت) و (ابن الابن ـ بنت الابن) می‌باشد.

تذکر:

($\frac{1}{8}$) یا ($\frac{1}{4}$) ترکه در میان خانم‌ها مشترک است و به تعداد آنها تقسیم می‌شود.

مثال:

مردی سه زنه فوت کرده و دارای یک پسر است. اگر ترکه‌ی او (۲۴ میلیون تومان) باشد. ارث او چگونه تقسیم می‌شود.

ترکه ۲۴۰۰۰٫۰۰۰ تومان

میـــــــــــــت

۳ زوجه	ابن
$\frac{1}{8}$ مشترکاً	ق.ع

سهمیه‌ی هر سه زن ۳۰۰۰٫۰۰۰=۸÷۲۴۰۰۰٫۰۰۰

سهمیه‌ی یک زن ۱۰۰۰٫۰۰۰=۳÷۳۰۰۰٫۰۰۰

سهمیه‌ی پسر میت ۲۱۰۰۰٫۰۰۰=۳۰۰۰٫۰۰۰-۲۴۰۰۰٫۰۰۰

٦ ـ هشدارهای «بنت صلبی»

دختر میت هیچ ضدّی (یعنی حاجبی) ندارد، لذا به دنبال ضدّش نمی‌گردیم. البته به جای ضد، «عصبه‌کننده» دارد. بنابراین:

۱ ـ نخست به دنبال (پسر میت) می‌گردیم، اگر میت پسری داشت، همان پسر (بنت صلبی) را که خواهرش هست، عصبه بالغیر می‌کند. و در این حالت (بنت) فرضیت خود را از دست می‌دهد و از زمره‌ی ذوالفروض‌ها خارج می‌شود و به گروه عصبات می‌پیوندد. و به همین جهت نمی‌توان برای او سهمیه‌ی مشخصی تعیین کرد. بنابراین ابتدا به تمام فرض‌بران موجود در مسأله سهمیه می‌دهیم و بعداً هرچه باقی ماند، در میان دختر و برادرش به صورت (للذکر مثل حظّ الانثیین) تقسیم می‌کنیم.

۲ ـ اگر عصبه‌کننده (یعنی برادر) وجود نداشت، به تعداد دخترها نگاه می‌کنیم.

الف) اگر دختر یک نفر بود $\frac{1}{2}$ ترکه (یعنی نصف ترکه) را به او می‌دهیم.

ب) اگر تعداد دخترها دو نفر، سه نفر، چهار نفر، یا بیشتر بودند ($\frac{۲}{۳}$) ترکه را مشترکاً به آنها تحویل می‌دهیم.[۱]

ب) اگر تعداد دخترها دو نفر، سه نفر، چهار نفر، یا بیشتر بودند ($\frac{۲}{۳}$) ترکه را مشترکاً به آنها تحویل می‌دهیم.

۷ـ هشدارهای «بنت الإبن»

۱ ـ قبل از سهمیه دادن به «بنت الإبن»، در مرحله‌ی اول به دنبال ضدهایش (یعنی حاجب‌ها و حذف‌کننده‌هایش) می‌گردیم. ضدّهای او عبارتند از:

الف) وجود پسر میت:

اگر (ابن میت) در جمع ورّاث حضور داشت (چه پدرش باشد و چه عمویش)، بنت الابن را حذف می‌کنیم و هیچ ارثی به او نمی‌دهیم.[۲]

ب) وجود دو رئیس (= وجود دو بنت صلبی)

«بنت الابن» جانشین و معاون (بنت صلبی) است. و با این حساب (بنت صلبی) رئیس (بنت الابن) محسوب می‌شود. اکنون اگر دو نفر بنت صلبی یا بیشتر در جمع ورّاث حضور داشتند، (بنت الابن) را حذف می‌کنیم و هیچ ارثی به او نمی‌دهیم.

تذکر مهم:

در این حالت که بنات صلبی میت دو نفر (یا بیشتر) بودند، **فوراً (بنت الابن) را حذف نکنید، بلکه نگاه کنید که آیا برادری و یا پسر عمویی دارد یا خیر؟ زیرا اگر برادر یا پسر عمویی داشته**

۱- یک پسر یا یک دختر به همین صورت که از پدر مرده‌اش ارث می‌برد، از مادر مرده‌اش نیز به همین صورت ارث خواهد برد.

۲- اگر (بنت الابن) توسط (ابن الابن) عصبه شده باشد، باز هم توسط (ابن) حذف می‌شود. و همچنین (بنت الابن) توسط (ابن الابن) عالی (یعنی نزدیک‌تر به میت) ساقط می‌شود. مانند اینکه (بنت، ابن الابن) توسط (ابن الابن) ساقط می‌گردد.

باشد، حذف نمی‌شود. بلکه به همراه برادرش یا پسرعمویش از کانال عصبیت ارث می‌برد. و چنانچه تحقیق کردید و ملاحظه نمودید که برادر و یا پسرعمویی در مسأله وجود ندارد، می‌توانید او را با خیال راحت حذف کنید.[۱]

ج) وجود یک رئیس (= وجود یک بنت صلبی)

اگر یک نفر (بنت صلبی) در جمع ورّاث حضور داشته باشد، بنت‌الابن (چه یک نفر باشد یا بیشتر) سهمیه‌اش کم می‌شود. یعنی در این حالت سهمیه‌ی (بنت‌الابن) ($\frac{۱}{۶}$) ترکه می‌شود که فرائض‌دانان به این ($\frac{۱}{۶}$ ترکه)، تکلمةً للثلثین می‌گویند.

۲ـ اگر هیچ‌کدام از این ضدها (پسر میت ـ دختر میت) در مسأله حضور نداشتند، در مرحله دوم به دنبال عصبه‌کننده‌ی (بنت‌الابن) می‌گردیم. «بنت‌الابن» دو نوع عصبه‌کننده دارد:

الف) برادر اصلی خودش یعنی (ابن الابن)

ب) پسرعمویش که باز هم (ابن الابن) میت است.

۳ـ اگر نَه ضد وجود داشت و نَه عصبه‌کننده.

به تعداد «بنت الابن»ها نگاه می‌شود:

الف) اگر یک نفر بود ($\frac{۱}{۲}$ ترکه) و اگر دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر یا بیشتر بودند ($\frac{۲}{۳}$) ترکه را مشترکاً به آنها تحویل می‌دهیم.

۱- همواره این قاعده را به خاطر داشته باشید که اگر (ابن الابن) هم درجه‌ی (بنت الابن) باشد، در هر صورت (بنت الابن) را عصبه بالغیر می‌کند. (چه بنت الابن نیاز به ارث داشته باشد و چه نیاز به ارث نداشته باشد). امّا اگر (ابن الابن) در درجه‌ی پایین‌تری از (بنت الابن) قرار داشته باشد، فقط زمانی (بنت الابن) را عصبه بالغیر می‌کند که نیازمند ارث باشد. یعنی از طریق فرضیت ارث نبرده باشد. مانند این مسأله:

میت

۲ بنت	بنت الابن	ابن، ابن الابن
$\frac{۲}{۳}$	للذکر مثل حظّ الانثیین	

هشدارهای اخت عینی

۱ـقبل از سهیمه دادن به «اخت عینی» نخست به دنبال ضدهایش می‌گردیم. اگر یک ضد یا چند ضد از ضدهای «اخت عینی» در جمع ورّاث حضور داشتند، از همان ابتدای کار «اخت عینی» را حذف می‌کنیم و هیچ سهمی به او نمی‌دهیم.

«اخت عینی» چهار نفر ضد دارد که عبارتند از:

الف) پدر میت
ب) پدربزرگ میت (جدّ صحیح)
ج) پسر میت
د) پسر پسر میت

۲ـدر مرحله‌ی دوم به دنبال عصبه‌کنندگان اخت عینی می‌گردیم.

اخت عینی دو نوع عصبه‌کننده دارد:

الف) برادر اصلی اخت عینی که او را (اخ عینی) می‌گویند. اخ عینی سبب می‌شود تا اخت عینی (عصبه بالغیر) گردد.
ب) بنت صلبی میت یا جانشین او (بنت الابن).

(I) اگر اخ عینی در جمع ورّاث حضور داشته باشد، اخت عینی را عصبه بالغیر می‌کند و اخت عینی از جمع ذوی‌الفروض خارج شده و در زمره‌ی عصبات داخل می‌شود و از کانال عصبیت ارث می‌برد.

در این حالت اخت عینی همانند عصبات، سهمیه‌ی مشخصِ و معینی ندارد. لذا وقتی که تمام فرض‌بران موجود در مسأله را سهمیه دادیم، هرچه از ترکه باقی ماند، در میان اخت عینی و برادرش (اخ عینی) به قاعده‌ی (للذکر مثل حظّ الانثیین) تقسیم می‌کنیم.

(II) اگر بنت صلبی (یا بنت الابن) در جمع ورّاث موجود در مسأله حضور داشت. اخت عینیّ (عصبه مع‌الغیر) می‌شود. و باز هم از کانال عصبیت ارث می‌برد.[۱]

۱- و هٰذه الحالة توجد إذا وجدت أخت شقيقه أو أكثر، و لم يوجد معهنّ أخ شقيق يعصبهنّ.

۳ـ اگر چهار نفر ضدی که نام برده شدند، هیچ‌کدام در مسأله موجود نبودند. و عصبه‌کننده‌ای هم در جمع ورّاث حضور نداشت. در این هنگام به تعداد اُخت‌های عینی نگاه می‌کنیم. اگر یک نفر باشد ($\frac{1}{2}$ ترکه) و اگر دو نفر، سه نفر، چهار نفر یا بیشتر باشند ($\frac{2}{3}$) ترکه را مشترکاً به آنها واگذار می‌کنیم.

مثال:

ترکه‌ی میت (۶۰۰۰٬۰۰۰ تومان) است و تعداد خواهران تنی او پنج نفر هستند. سهمیه‌ی یک خواهر چقدر می‌شود؟

سهمیه خواهران ۴۰۰۰٬۰۰۰ $\xrightarrow{\frac{2}{3}\text{ ترکه}}$ ۶۰۰۰٬۰۰۰

سهمیه یک خواهر ۸۰۰٬۰۰۰ = ۵ ÷ ۴۰۰۰٬۰۰۰

هشدارهای «اخت علّی»

۱ـ قبل از سهمیه دادن اخت علّی، نخست به دنبال ضدهایش در مسأله می‌گردیم. این بیچاره (۶ نفر) ضد دارد. که عبارتند از:

۱- اب (پدر میت)
۲- اب الاب (جدّ صحیح میت)
۳- ابن (پسر میت)
۴- ابن الابن (پسر پسر میت)
۵- اخ عینی (برادر حقیقی میت)
۶- دو نفر اخت عینی (یا بیشتر)

اکنون اگر یکی از افراد مذکور یا چند نفر از افراد مذکور (پدر میت ـ پدربزرگ میت ـ پسر میت ـ پسر پسر میت ـ برادر عینی میت) در جمع ورّاث حضور داشتند، فوراً (اخت علّی) را حذف می‌کنیم و او را از جمع ورّاث خارج می‌نماییم.

*** تذکر ۱ -**

اگر دو نفر (اخت عینی) در مسأله حضور داشتند، فوراً (اخت علّی) را حذف نمی‌کنیم، بلکه نگاه می‌کنیم که آیا عصبه‌کننده‌ای برای (اخت علّی) وجود دارد یا خیر؟ زیرا اگر عصبه‌کننده‌ای وجود داشته باشد، حذف نمی‌شود و (به جای کانال فرضیت) از کانال عصبیت ارث می‌برد و همانگونه که می‌دانید عصبه‌کننده‌ی (اخت علّی) برادرش (اخ علّی) می‌باشد.

*** تذکر ۲ -**

اخت علّی با (بنت) یا (بنت الابن) نیز عصبه مع الغیر می‌شود. و در این حالت قدرتی همانند قدرت برادرش (اخ علّی) پیدا می‌کند و می‌توانند افرادی همانند (ابن، اخ عینی) و (ابن، اخ علّی) و (عم) و (ابن العم) را محجوب (حذف) نماید.

اگر تحقیق و تفحص کردیم و ملاحظه نمودیم که هیچ عصبه‌کننده‌ای در جمع ورّاث حضور ندارد. آنگاه ما مجاز هستیم که با خیال راحت (اخت علّی) را به علت وجود (دو اخت عینی) از جمع ورّاث حذف نماییم.

*** تذکر ۳ -**

اگر یک نفر (اخت عینی) در جمع ورّاث حضور داشته باشد، (اخت علّی) کاملاً حذف نمی‌شود، بلکه سهمیه‌اش کم می‌شود و به ($\frac{1}{6}$ ترکه) می‌رسد. که فرائض‌دانان به آن (تکلمةً للثلثین) می‌گویند.

هشدار چهارم

اگر هیچ‌کدام از ضدهای فوق در مسأله حضور نداشتند، به تعداد خواهران علّی نگاه می‌کنیم.

الف) اگر یک نفر باشد ($\frac{1}{2}$ ترکه) را به او می‌دهیم.

ب) اگر دو نفر، سه نفر، چهار نفر یا بیشتر باشند، ($\frac{2}{3}$ ترکه) را بدون چون و چرا به آنها واگذار می‌کنیم.

هشدارهای «اُمّ»

مادر میت هیچ ضدی ندارد. فقط قبل از سهمیه دادن به او به سه هشدار زیر توجه می‌کنیم.

هشدار اول

۱ ـ وجود (ابن) یا (ابن الابن) للمیت.

۲ ـ وجود (بنت) یا (بنت الابن) للمیت.

۳ ـ وجود جمعی از برادران و خواهران میت (دو نفر یا بیشتر از دو نفر).

حکم:

اگر یکی از موارد بالا دیده شود، سهمیه‌ی مادر میت ($\frac{1}{6}$ ترکه‌ی) میت است.

هشدار دوم

اگر هیچ‌کدم از افراد فوق در مسأله دیده نشدند و یا میت تنها یک برادر و یا تنها یک خواهر داشت، در این حالت ($\frac{1}{3}$ کلّ ترکه) را به مادر میت تحویل می‌دهیم.

هشدار سوم

همواره قبل از سهمیه دادن به مادر میت، خوب نگاه می‌کنیم و به خود می‌گوییم: مواظب باش که شاید این مسأله‌ای که قرار است آن را حل کرده و به مادر میت سهمیه بدهیم، مسأله‌ی (عمریتان) نباشد؟! زیرا اگر مسأله‌ی عمریتان باشد، سهمیه‌ی مادر فرق می‌کند. در مسأله‌ی عمریتان به جای ($\frac{1}{3}$ کل ترکه)، $\frac{1}{3}$ باقی‌مانده‌ی ترکه را بعد از جدا کردن سهمیه‌ی (زوج یا زوجه) به مادر میت واگذار می‌کنیم.

مسأله‌ی اول:

زوج + اب + اُمّ

مسأله‌ی دوم:

زوجه + اب + اُمّ

* در مسأله‌ی اول: پس از سهمیه دادن (زوج) هرچه از ترکه باقی ماند، $\frac{1}{3}$ آن را به مادر میت می‌دهیم.
* در مسأله دوم: پس از سهمیه دادن (زوجه) هرچه از ترکه باقی‌مانده $\frac{1}{3}$ آن را به مادر میت واگذار می‌کنیم.

هشدارهای «جدّه»

هشدار اول

نخست نگاه کنیم که این جده‌ای که قرار است به او ارث بدهیم، جدّه‌ی صحیحه است یا جدّه‌ی فاسده. زیرا جدّه‌ی فاسده از ذوی‌الارحام است و غالباً حذف می‌شود و ارثی به او نمی‌رسد.

هشدار دوم

در مرحله دوم به دنبال ضدهای مادربزرگ می‌گردیم.
اصلی‌ترین ضدّ جدّه (مادر میت) است. اگر مادر میت در جمع ورّاث حضور داشته باشد، هر نوع مادربزرگ (چه مادری - چه پدری) را فوراً نابود می‌کند و از ارث محروم می‌سازد.[1]

هشدار سوم

ضد دیگر جدّه (پدر میت) است. البته پدر میت زورش به جدّه‌های مادری نمی‌رسد و فقط جدّه‌های پدری را حذف می‌کند. و قدرت حذف کردن جَدّه‌های مادری را ندارد.

۱- گویا جدّه جانشین (مادر) است. و هنگامی که خود مادر موجود باشد، جدّه محلّی از إعراب ندارد و خودبخود حذف می‌شود.

تذکر:

جدّ صحیح نیز همانند پدر میت فقط جدّه‌های پدری را حذف می‌کند (به استثنای اُمّ اب).
یعنی زور (اب الاب) فقط به (اُمّ اب) نمی‌رسد، چون زوجه‌اش است و اگر او را حذف کند، (اُمّ اب) قهر می‌کند و پیرمرد بیچاره (اب الاب) تا آخر عمر مجرد و بدون زن باقی می‌ماند!

تذکر:

(اب الاب) می‌تواند جدّه‌هایی همانند (ام،اب‌الاب) را ساقط نماید.

هشدار چهارم

باید نگاه کنیم که چند مادربزرگ در مسأله وجود دارد. اگر دو مادربزرگ یا بیشتر در جمع ورّاث حضور داشتند، مادربزرگی که به میت نزدیک‌تر است (فاصله‌اش کمتر است)، ارث می‌برد و مادربزرگ دورتر حذف می‌شود و ارث نمی‌برد.
به تعبیری دیگر: مادربزرگ قریبه، ضدّ مادربزرگ بعیده است و او را حذف می‌نماید.

تذکر:

اگر مادربزرگ‌ها هم‌درجه بودند (فاصله‌ی آنها تا میت یکسان بود) آنگاه زیر اسم همگی یک خط طولانی رسم کرده و می‌نویسیم: ($\frac{1}{6}$ مشترکاً).

هشدار پنجم

بعد از طی کردن مراحل چهارگانه‌ی فوق، به مادربزرگ میت ($\frac{1}{6}$ ترکه‌ی) نوه‌اش را تحویل می‌دهیم تا دل این پیرزن نیز شاد شود!

طریقه‌ی شناخت جدّ صحیح و مادربزرگ صحیحه

اگرچه قبلاً در این باره کاملاً توضیح داده شده است، اما چون مقداری تشابه وجود دارد، لذا دوباره درباره‌ی آن به صورت ساده توضیح داده می‌شود:

۱ـ جدّ صحیح = از ذوی الفروض است و سهمیه‌ی فرضی مشخص دارد.
۲ـ جده‌ی صحیحه = از ذوی‌الفروض است و سهمیه‌ی فرضی مشخص دارد.
۳ـ جدّ فاسد = از صنف دوم ذوی‌الارحام است و سهمیه‌ی مشخصی ندارد.
۴ـ جده‌ی فاسده = از صنف دوم ذوی‌الارحام است و سهمیه‌ی مشخصی ندارد.

تعریفات:

جدّ صحیح: هوالذی لاتدخل فی نسبته الی المیت اُمّ

آن است که در سلسله نسبت او تامیت تمام واسطه‌ها مذکر (مرد) باشند. (و هیچ مؤنثی واسطه قرار نگیرد).

چند مثال برای جدّ صحیح

۱ـاب الاب (للمیت)
۲ـاب، اب الاب (للمیت)
۳ـاب، اب اب الاب (اب ۴ مرتبه)
۴ـاب، (۵ مرتبه پشت سر هم).

* **جدّ فاسد** = آن است که در سلسله نسب او تا میت واسطه‌ی مؤنث بیاید (چه یک واسطه یا بیشتر).

چند مثال برای جدّ فاسد (غیر صحیح)

۱ـ اب، الام للمیت ← جد فاسد مادری
↓
جدّ فاسد

شرح:

ملاحظه کنید که در اینجا واسطه‌ی (اب) تا میت یک اُمّ (= مؤنث) است. به همین جهت این جدّ فاسد شده است.

۲ ـ اب، ام اب للمیت. ← جد فاسد پدری

جدّ فاسد واسطه‌ی مؤنث

شرح:

در اینجا نیز یک واسطه‌ی مؤنث وجود دارد. (و واسطه‌ی دیگر مذکر است).

۳ ـ اب، ام ام للمیت. ← جد فاسد مادری

جدّ فاسد

شرح:

در اینجا دو واسطه‌ی مؤنث وجود دارد.

*** جده‌ی صحیحه: هی التی لایدخل فی نسبتها الی المیت جدّ فاسد.**

«آن است که در سلسله نسب او تامیت (جدّ فاسد) داخل نشود».

علامات جده‌ی صحیحه و امثال آن

۱ ـ فقط با واسطه‌ی مؤنث به میت متصل می‌شود.

مانند:

الف) ام، ام (للمیت). ← جده‌ی صحیحه‌ی مادری

ب) ام، ام ام الام (للمیت) ← جده‌ی صحیحه‌ی مادری

۲ ـ فقط با واسطه‌ی ذکور به میت متصل می‌شود. مانند:

الف) ام الاب (للمیت). ← جده‌ی صحیحه‌ی پدری

ب) ام، اب الاب (للمیت) ← جده‌ی صحیحه‌ی پدری

ج) تمام واسطه‌های اولیه به ترتیب مؤنث هستند. و واسطه‌های آخر نیز به ترتیب تا به میت، همگی مذکر هستند. مانند:

۱ ـ ام، ام الاب (للمیت): جده‌ی صحیحه‌ی پدری
۲ ـ ام، ام ام الاب (للمیت): جده‌ی صحیحه پدری
۳ ـ ام، ام ام اب الاب (للمیت): جده‌ی صحیحه‌ی پدری

*** جده‌ی فاسده:** آن است که در سلسله نسب او تا به میت، (جدّ فاسدی) داخل شود. پس همواره به یاد داشته باشید که تعریف جدّه با (جد) می‌شود.

یعنی:
۱ ـ در سلسله نسبش جدّ فاسد نباشد = صحیحه است.
۲ ـ در سلسله نسبش جدّ فاسد باشد = فاسده است.

چند مثال برای جدّه‌ی فاسده

۱ ـ ام، اب الام (للمیت) ← جده فاسده‌ی مادری
۲ ـ ام، اب ام الاب (للمیت) ← جده‌ی فاسده‌ی پدری
۳ ـ ام، اب ام الام (للمیت) ← جده فاسده‌ی مادری
۴ ـ ام، ام اب الام (للمیت) ← جده‌ی فاسده‌ی مادری

طریقه‌ی شناخت جدّه‌ی فاسده

۱ ـ در سلسله نسب او تامیت، مخلوطی از مذکرها و مؤنث‌ها وجود دارد.
۲ ـ اکثراً در سلسله نسب او (اب) میان دوتا (ام) یا بالعکس (ام) وسط دوتا (اب) دیده می‌شود.

توجه:

در بحث جدّ و جده (اب) علامت مذکر و (ام) علامت مؤنث می‌باشد.

برخی از مشابهات در احوال ذوی‌الفروض

دانستن این نکات برای حفظ احوال ذوی‌الفروض و تثبیت آنها در ذهن شما، کمک خواهد کرد. پس سعی کنید این موارد را به خوبی یاد بگیرید تا در حلّ مسائل میراث ورزیده شوید و به سرعت آنها را حل نمایید.

۱ـ حالات (اب) با حالات (اب الأب) تقریباً یکسان هستند و کسر هر دوی آنها ($\frac{1}{6}$) یا ($\frac{1}{6}$ + ق.ع) است.

۲ـ کسرهای (اولاد اُمّ) با کسرهای خود (اُمّ) نیز یکسان هستند. کسر بزرگ اینها ($\frac{1}{3}$) و کسر کوچک‌تر آنان ($\frac{1}{6}$) است.

۳ـ حالات "زوج" و "زوجه" نیز به یکدیگر نزدیک است. زیرا کسرهای زوج ($\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{4}$) و کسرهای زوجه نیز به ترتیب، نصف کسرهای مذکور یعنی ($\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{8}$) هستند.

۴ـ کسر (مادربزرگ) به علت اینکه جانشین (مادر است) با کسر مادر یکسان است و ($\frac{1}{6}$) می‌باشد.

۵ـ حالات دختران و حالات خواهران تقریباً مشابه هم هستند و هر دو گروه دو کسر دارند:

۱ـ وقتی که یک نفر باشند کسر آنها ($\frac{1}{2}$) است.
۲ـ وقتی که دو نفر یا بیشتر باشند کسر آنان ($\frac{2}{3}$) است.
۳ـ هر دو هنگامی که در جوار برادرهایشان قرار بگیرند، عصبه بالغیر می‌شوند.

۶ـ حالات میراثی (بنت و بنت‌الابن) تقریباً مشابه هم هستند. زیرا (بنت‌الابن) جانشین (بنت صلبی) است. به همین جهت دو حالت از حالات میراثی (بنت‌الابن) به همراهی (بنت صلبی) بررسی می‌شوند:

۱ـ یک بنت صلبی (+) بنت‌الابن (یک نفر یا بیشتر)

$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$ تکلمة للثلثین

۲ـ دو بنت صلبی (+) بنت‌الابن (یک نفر یا بیشتر)

$\frac{2}{3}$	محروم

۷ـ حالات میراثی (اخت عینی و اخت علّی) نیز تقریباً مشابه یکدیگرند. زیرا (اخت عینی) به نوعی رئیس (اخت علّی) به شمار می‌آید. به همین جهت دو حالت از حالات میراثی (اخت علّی) به همراه (اخت عینی) بررسی می‌شوند.

۱ ـ یک خواهر عینی (+) خواهر علّی (یک نفر یا بیشتر)

$\frac{1}{2}$ $\frac{1}{6}$ (تکلمةً للثلثین)

۲ ـ دو خواهر عینی (+) خواهر علّی (یک نفر یا بیشتر)

$\frac{2}{3}$ محروم

۸ـ گاهی حالات (بنت) و (اخت) با هم بررسی می‌شوند. (بنت و اخت) با یکدیگر ضد نیستند. بلکه دختر میت همواره دوستدار خواهر میت است و او را عصبه مع‌الغیر می‌کند.

بنت (+) اخت (عینی ـ علّی)
$\frac{1}{2}$ فرضاً   عصبه مع‌الغیر

۹ ـ ($\frac{1}{6}$) تکلمةً للثلثین را در دو جا داریم:

(۱)

۱ ـ بنت صلبی (+) بنت الابن
$\frac{1}{2}$ فرضاً $\frac{1}{6}$ تکملةً للثلثین

(۲)

۲ ـ اخت عینی (+) اخت علّی
$\frac{1}{2}$ فرضاً $\frac{1}{6}$ تکلمة للثلثین

واگر کمی در الگوهای بیان شده دقت کنید، ($\frac{1}{6}$ تکلمة للثلثین) در جایی هست که هر دو وارث با یکدیگر مشابه باشند. یعنی:

[بنت + بنت] * [اخت + اخت]

و اگر مشابه نباشند ($\frac{1}{6}$ تکلمةً للثلثین) در آنجا وجود نخواهد داشت.
مثلاً در این مثال‌ها که (یک طرف بنت) و (یک طرف اخت) قرار دارد، ($\frac{1}{6}$ تکلمةً للثلثین) وجود ندارد.

بنت (+) اخت عینی ⇐ اشتباه است.
$\frac{1}{2}$ $\frac{1}{6}$ تکلملة للثلثین

بنت (+) اخت علّی ⇐ اشتباه است.
$\frac{1}{2}$ $\frac{1}{6}$ تکلمة للثلثین

۱۰ - (ابـن) و (اخ) بـا یکـدیگر فـرق دارنـد. اوّلی پسـر میت است و دوّمـی بـرادر میت می‌باشد.

۱ - بنت میت (+) ابن میت ⇐ للذکر مثل حظ الانثیین (صحیح است)
۲ - اخ میت (+) اخت میت ⇐ للذکر مثل حظ الانثیین (صحیح است)

۳ - بنت میت (+) اخ میت ⇐ للذکر مثل حظ الانثیین (اشتباه است)
۴ - ابن میت (+) اخت میت ⇐ للذکر مثل حظ الانثیین (اشتباه است)

۵ - بنت (+) اخ ⇐ (صحیح است)
$\frac{1}{2}$ فرضاً ق.ع

۶ - ابن (+) اخت ⇐ (صحیح است)
تمام ترکه محروم

۱۱ - (ابن الابن) و (ابن البنت) با یکدیگر فرق دارند. اوّلی پسر پسر میت است و از عـصبات بالنفس می‌باشد و ارث می‌برد. اما دومی پسر دختر میت است و از ذوی‌الارحام است و معمولاً حذف می‌شود و ارث نمی‌برد.

۱۲ ـ (بنت الابن) و (بنت‌البنت) نیز با یکدیگر تفاوت دارند. اولی (دختر پسر میت) است و از ورّاث ذوی‌الفروض است و ارث می‌برد. اما دومی (دختر دختر میت) است و از ذوی‌الارحام می‌باشد که معمولاً حذف می‌گردد و هیچ ارثی نمی‌برد.

۱۳ ـ در این الگوها خوب دقت کنید:

۱ ـ بنت صلبی (+) ابن الابن ⇐ صحیح است.
$\frac{1}{2}$ فرضاً ق.ع

۲ ـ اخت عینی (+) ابن الاخ ⇐ صحیح است.
$\frac{1}{2}$ فرضاً ق.ع

۳ ـ اخت علّی (+) ابن الاخ ⇐ صحیح است.
$\frac{1}{2}$ فرضاً ق.ع

۴ ـ بنت صلبی + ابن الابن = للذکر مثل خط الانثیین ⇐ اشتباه است.

دلیل اشتباه:

این دو نفر اختلاف درجه دارند. اولی بدون واسطه به میت متصل است ولی دومی با یک واسطه به میت اتصال دارد. (اولی دختر میت و دومی نوه‌ی میت می‌باشد). لذا ارث به (صورت للذکر مثل خط الانثیین) تقسیم نمی‌شود. بلکه بنت صلبی ($\frac{1}{2}$ فرضاً) می‌گیرد و باقی‌مانده‌ی ترکه که ($\frac{1}{2}$) دیگر است به عنوان عصبیت به (ابن الابن) می‌رسد. آری، اگر به این صورت باشد. ترکه به صورت (للذکر مثل خط الانثیین) تقسیم می‌شود. (به بند ۵ توجه نمایید).

۵ ـ بنت صلبی + ابن = للذکر مثل خط الانثیین ⇐ صحیح است.

چند نکته‌ی مهم

۱ ـ در حل مسائل همیشه این نکته را خوب به خاطر داشته باشید که بایستی به محض سهام دادن ورّاث، فوراً سهام پرداخت شده را با یکدیگر جمع کنید تا (عادله بودن ـ عائله بودن یا ردّیه بودن) مسأله مشخص شود و دچار اشتباه نشوید.

۲ـ همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، هر خواهری توسط برادرش فوراً (عصبه بالغیر) نمی‌شود. باید همواره خویشاوندی و ارتباط تک تک ورّاث رابا میت در نظر بگیریم (نه ارتباط ورّاث را با یکدیگر)

مثال:

(عمو و عمه) نسبت به یکدیگر برادر و خواهر هستند. اما هنگامی که خویشاوندی آنها را نسبت به میت در نظر بگیریم، یکی عموی میت می‌شود و دیگری عمه‌ی میت. و عمو از خویشاوندان (عصبه) است و عمه از خویشاوندان (ذوی‌الارحام). بنابراین (عمو) نمی‌تواند (عمه) را عصبه بالغیر کند. لذا کلّ ترکه، به عصبه‌ی میت (عموی میت) می‌رسد. و (عمه) به علت اینکه از خویشاوندان ذوی‌الارحام نسبت به میت است، حذف می‌شود و هیچ ارثی به او نمی‌رسد.

میت	
عمو	عمه
تمام ترکه	محروم

تذکر:

اگر کسی مسأله‌ی فوق را این‌گونه حل کند، صد در صد اشتباه کرده است:

میت	
عمو	عمه
للذکر مثل حظّ الانثیین	

یادآوری:

شرط عصبه بالغیر شدن این است که (برادر) از عصبات بالنفس باشد و (خواهر) از جمله زنان ذوی‌الفروض.

۳ـ مسأله‌ی مهم دیگری که در حل مسائل میراثی باید مورد توجه قرار گیرد، مسأله‌ای است که در زبان عامیانه به آن (پیش مُوتی یا پیش‌مرگ بودن) می‌گویند.

پیش‌مرگی بدین معناست که:
افرادی که جلوتر از میت کنونی فوت کرده و از دنیا رفته‌اند، نه خودشان و نه فرزندانشان (هیچ‌کدام) از میتی که تازه فوت کرده است، ارث نمی‌برند.

مثال:
پیرمردی به نام (احمد) دو پسر متأهل به نام‌های (عمر و علی) دارد. (عمر) جلوتر از پدرش فوت می‌کند (و به اصطلاح پیش‌مرگ می‌شود). چند سال بعد خود این پیرمرد (یعنی احمدآقا) فوت می‌کند. اکنون ارث این پیرمرد فقط به پسر زنده‌اش (علی) می‌رسد. و نه خود (عمر) از (احمدآقا) ارث می‌برد و نه فرزندان عمر.
زیرا پدرشان (عمر) پیش‌مرگ شده، یعنی جلوتر از (احمدآقا) فوت کرده است. به این صورت:

میــــــــــــــــت — متوفی: احمدآقا

علی	عمر و فرزندانش
تمام ترکه‌ی احمد آقا	محروم

روش عملی و حسّی تقسیم ترکه

شخصی فوت کرده و دارای یک قطعه زمین به مساحت (۱۰۰۰ متر مربع)، یک باغ میوه، یک باب منزل مسکونی، یک اتومبیل شخصی و یک کامپیوتر (لپ‌تاپ)[1] می‌باشد. ورّاث آن مرحوم (یک زوجه، یک پسر، سه دختر) هستند. طریقه‌ی عملی و حسّی تقسیم ترکه‌ی این میت چگونه می‌باشد؟
به دو روش می‌توانیم این کار را انجام دهیم:

روش اول:
۱ ـ هر جز از اجزای ترکه را جدا جدا تقسیم می‌کنیم.

۱- کامپیوتر دستی، کیفی Laptop

مثلاً: تقسیم (۱۰۰۰ متر زمین) به این صورت انجام می‌گیرد:

حقّ زوجه $۱۰۰۰ \div ۸ = ۱۲۵$

حقّ فرزندان $۱۰۰۰ - ۱۲۵ = ۸۷۵$

حقّ یک دختر $۸۷۵ \div ۵ = ۱۷۵$

حقّ یک پسر $۱۷۵ \times ۲ = ۳۵۰$

ترکه: یک هزار متر زمین

میت

زوجه	پسر	۳ دختر
۱۲۵ مترمربع	۳۵۰ مترمربع	۵۲۵ مترمربع

بعد از اینکه حصه‌ی هر وارث روی کاغذ مشخص شد، یک مهندس یا یک نقشه بردار از دفتر فنّی مهندسی، بیاورند تا زمین را متراژ و قطعه‌بندی نماید و نقشه‌ی زمین را رسم کرده و **محدوده‌ی هر وارث** را روی آن مشخص سازد.

در مورد باغ

می‌گوییم ($\frac{۱}{۸}$) باغ مال زوجه است و ($\frac{۷}{۸}$) آن مال فرزندان میت است. و به **عبارت دیگر بعد از جداکردن سهمیه‌ی زوجه،** باقی‌مانده‌ی باغ به (۵ قسمت) تقسیم می‌شود. ($\frac{۳}{۵}$) آن مال **دختران** و ($\frac{۲}{۵}$) آن **مال پسر** میت است.

البته اگر خود باغ را تقسیم نمی‌کنند و فقط از فروش محصولاتش استفاده می‌نمایند. **باز میوه‌ها و یا درآمدش** را به صورت گفته شده در میان خود **تقسیم** کنند.

منزل

تقسیم منزل هم به همین صورت است. **اگر** آن را می‌فروشند، **پولش را نیز به همین صورت در میان خود تقسیم** کنند. و **اگر اجاره‌اش** می‌دهند، **هر ماه پول اجاره‌اش را به همین ترتیب در میان خود تقسیم** نمایند.

اتومبیل

یک بنگاه‌دار بیاورند و آن را قیمت کنند و قیمت اتومبیل را به صورت گفته شده در میان خود تقسیم نمایند.

اگر ماشین را به راننده‌ای می دهند تا کار کند، در پایان هر ماه کارکردش را به همین نسبت در میان خود تقسیم نمایند.

کامپیوتر

کامپیوتر را بفروشند و قیمتش را به نسبت‌های گفته شده در میان خود تقسیم نمایند.

و اگر یک نفر از ورّاث آن را برای خودش برمی‌دارد، بایستی پول ورّاث دیگر را از جیب خود پرداخت نماید.

روش دوم:

تمام اجزای ترکه را توسط کارشناسان، یک‌جا قیمت‌گذاری و سپس آنها را بفروشند و از کلّ ترکه سهمیه‌ی هر وارث را جدا کرده و به صورت پول نقد به او تحویل نمایند.

سؤال:

آیا پسر میت می‌تواند، اتومبیل سواری پدر یا کامپیوتر پدر را به بهانه‌ی یادگاری برای خودش بردارد و هیچ چیزی به ورّاث دیگر ندهد؟

پاسخ:

جایز نیست و حرام مطلق است. و روز قیامت از او حتماً سؤال خواهد شد که چرا حقّ دیگران را خورده است.

قال النبی ﷺ:

من قطع میراثاً، قطع الله میراثه من الجنّة[1].

هرکس سهم‌الارث دیگری را بخورد، خداوند متعال میراث او را از بهشت قطع خواهد کرد.

۱- رواه ابن ماجه

آری، اگر قیمت آن را پرداخت نمود و یا ورّاث با رضایت خاطر خویش (بدون ترس، بدون گیر کردن در رودربایستی و...) آن را به او دادند، اشکالی ندارد.

مثال:

کامپیوتر مذکور را فروختند و قیمت آن مثلاً (۹۰/۰۰۰) تومان شد، آن را به این صورت تقسیم کنند:

حق زوجه ۹۰,۰۰۰ ÷ ۸ = ۱۱,۲۵۰

باقی‌مانده‌ی ترکه ۹۰,۰۰۰ − ۱۱۲۵۰ = ۷۸,۷۵۰

حقّ یک دختر ۷۸,۷۵۰ ÷ ۵ = ۱۵,۷۵۰

حقّ پسر ۱۵,۷۵۰ × ۲ = ۳۱,۵۰۰

خلاصه‌ی تقسیم ترکه:

میت — کامپیوتر (۹۰/۰۰۰ تومان)

زوجه	پسر	۳ دختر
۱۱,۲۵۰ تومان	۳۱,۵۰۰ تومان	۴۷,۲۵۰ تومان

و اکنون اگر پسر گفت: کامپیوتر را من برمی‌دارم، بایستی (۵۸/۵۰۰) تومان پول به بقیه‌ی ورّاث بپردازد.

۹۰/۰۰۰ − ۳۱/۵۰۰ = ۵۸/۵۰۰

و به عبارت دیگر بایستی مبلغ (۱۱/۲۵۰) تومان به مادرش بدهد و مبلغ (۴۷/۲۵۰) تومان به خواهرانش تقدیم نماید. یا از مادر و خواهرانش بخواهد تا با خوش‌دلی و رضایت خاطر خویش، سهم الارث خود را از قیمت کامپیوتر مذکور به او ببخشند. (نه با ارعاب و تهدید و قهرکردن). زیرا اگر وارثی در اثر ترس یا در اثر شرم، حقّ خود را معاف کند، هرگز معاف نخواهد شد.

تذکر:

اگر در میان ورّاث شخص نابالغی وجود دارد، رضایت او تا قبل از رسیدن به سنّ بلوغ، اعتبار ندارد و بایستی سهم‌الارث او را جداکرده وکنار بگذارند، تا بعد از رسیدن به سنّ بلوغ، خودش درباره‌ی آن تصمیم بگیرد.

شیوه‌های درخواست تقسیم ترکه

هرگاه یکی از افراد خانواده‌ی شما فوت کرد و دارای سرمایه‌ای (هرچند کم و مختصر) بود، بر شما لازم است که براساس وظیفه‌ی شرعی و اسلامی خود، در اسرع وقت و هرچه سریع‌تر (مثلاً: بلافاصله پس از پایان یافتن سه روز ایام تعزیت، یا یک هفته بعد از آن) طی یک گزارش (درخواست) ساده، طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی متوفی را از دارالافتای یک حوزه‌ی علمیه یا عالمی که در فنّ تقسیم میراث مهارت کامل دارد، جویا شوید.[1][2]

لازم به یادآوری است که هنگام نوشتن این درخواست باید تعداد ورّاث شخص متوفی (و اگر مقدور است مقدارکلّ ترکه‌اش) راکامل و بدون‌کم وکاست در برگه‌ی گزارش خود نوشته و پس از اینکه پاسخ خویش را از مرجع ذی‌صلاح دریافت داشتید، حصه‌ی هر وارث را آنگونه که از طرف عالم مربوطه، مشخص شده است، با نهایت امانتداری و بدون کمبود و نقصان به وی تحویل دهید. و اگر خدای ناکرده این کار را نکردید و از دستورات شیطان پیروی کرده و سهم‌الارث یک وارث یا تمام ورّاث را با توسل به زور و قدرت خود و یا با فریب و نیرنگ بالا کشیده و خوردید، گویا آتش سوزان جهنم و اخگرهای دوزخ را وارد شکم خود و زن و بچه‌ی خویش کرده‌اید و با زیر پا گذاشتن دستورات صریح قرآن کریم به جنگ با «اللّٰه» رفته و قهر و غضب الهی را به جان خریده‌اید. و بایستی هر لحظه منتظر گرفتار شدن در چنگال عدل الهی و افتادن در ورطه‌ی مصایب و مشکلات گوناگون دنیوی و چشیدن عذاب دردناک اخروی در روز قیامت باشید.

۱- این کار نه تنها عیب نیست بلکه یک افتخار بزرگ است. زیرا عمل کردن به دستورات قرآن کریم بزرگ‌ترین افتخار یک مسلمان واقعی محسوب می‌شود و ضامن سلامت و سربلندی او در دنیا و آخرت می‌باشد.

۲- البته باید دانست آن‌گونه که تصور عمومی مردم است، هرکس که دارای عنوان «مولوی» یا «ماموستا» و... باشد، استاد ارث و میراث نیست (زیرا لازم نیست که یک نفر همه فن حریف باشد). امروزه تمام علوم تخصصی شده‌اند و علوم حوزوی نیز از این قاعده مستثنیٰ نمی‌باشند. مثلاً بعضی از علماء در لغت و ادبیات عرب، بعضی در فلسفه و منطق، بعضی در تفسیر، برخی در حدیث و برخی در فقه و برخی در میراث (که خودش نیز زیرشاخه‌ای از فقه است)، تخصص دارند.

﴿إنّه لایُفلح الظّالمون﴾[1]

بنابراین ای مسلمانان عزیز گوش‌ها و چشم‌هایتان را باز کنید و کمی به خود آیید و خوب به خاطر داشته باشید که تقسیم میراث تمام مرده‌ها را خود ذات اقدس باری تعالی (جلّ جلاله) برعهده گرفته است و آن را بر عهده‌ی هیچ بنده‌ی دیگری و حتی بر عهده‌ی پیامبر معصومش نیز باقی نگذاشته است. و بر ما به عنوان یک مسلمان فرض اکید است که عیناً همانند دستورات «الله» در قرآن کریم، میراث مرده‌های خود را تقسیم کنیم، نه مطابق دلخواه خود. زیرا تقسیم کردن میراث رفتگان مطابق با صلاحدید و هویٰ و هوس‌های نفسانی، نوعی بی‌توجهی و نادیده انگاشتن تقسیم خداوندی است. و نتیجه‌ی این کار آنگونه که خودش در قرآن کریم وعده داده است، گرفتار شدن در عذاب رسواکننده‌ی (دنیوی) و اخروی می‌باشد. (اعاذنا اللّه منها).

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم
تو خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال

﴿و ما علینا الاّ البلاغ المبین﴾[2]

۱- انعام/ ۲۱
۲- سوره یاسین/ آیه ۱۷

چند درخواست ساده

نمونه اول:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

احتراماً شخصی به نام «احمد» فوت کرده و بازماندگان او (دو زوجه - ۴ پسر و ۳ دختر) هستند. مستدعی است، طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی مرحوم احمد را مطابق با قوانین شرع مقدس اسلام بیان دارید.

نمونه دوم:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

چه می‌فرمایند مفتیان گرامی درباره‌ی اینکه شخصی به نام «فاطمه» فوت کرده است و ورّاث حین‌الفوت ایشان (زوج - مادر و پدر) هستند. خواهشمند است طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی مرحومه را مطابق با قوانین شرع بیان دارید.

نمونه سوم:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

تاریخ:.......

احتراماً به استحضار می‌رساند که برادرم به نام ابوبکر (ره) در یک سانحه‌ی رانندگی فوت کرده است و بازماندگان او (زوجه - یک پسر و دو برادر تنی و یک جده‌ی صحیحه‌ی مادری) هستند. لطفاً طریقه‌ی تقسیم ترکه‌ی مرحوم ابوبکر را مطابق با قوانین شرع مقدس اسلام بیان دارید. در ضمن یادآوری می‌شود که ترکه‌ی مرحوم ابوبکر (یک باب مغازه، یک باب منزل، یک اتومبیل سواری و پنج میلون تومان پول نقد) می‌باشند.

«اجرکم عندالله»

المُسْتَفْتی (نام سؤال‌کننده):..........

تلفن:...........

مختصری درباره‌ی «قرض»

قرض (دَیْن) بر سه گونه است:

۱ ـ قرضی که میت در حال صحت و سلامتی خویش از مردم گرفته است و با گواه و شاهد نیز ثابت می‌باشد.

۲ ـ قرضی که میت در حال مرض‌المَوت به آن اقرار کرده؛ یا با گواهی شهود ثابت شده است.

۳ ـ حقوق الله (قرض خدا): مانند حجّی که بر گردن میت فرض بوده و آن را انجام نداده است. نمازها و روزه‌های قضایی ـ زکاتی که پرداخت نکرده است و...

طریقه‌ی ادای این قرض‌ها

پس از جدا کردن مخارج تجهیز و تکفین، هرچه از ترکه باقی می‌ماند، ابتدا قرض نوع اوّل (و اگر چیزی باقی ماند) قرض نوع دوّم ادا می‌شود.

درباره‌ی قرض نوع سوّم تفصیل این است که اگر میت نسبت به ادای آنها وصیت کرده باشد، در این حالت از ($\frac{1}{3}$ ترکه) ادا می‌شوند و $\frac{2}{3}$ دیگر ترکه، حقّ ورّاث است و بایستی در میان ورّاث تقسیم گردد.

امّا اگر میت نسبت به ادای «حقوق الله» هیچ وصیتی نکرده است، بر ورّاث نیز ادای آنها واجب نمی‌باشد. البتّه اگر خودشان با دلخواه خویش تبرّعاً و احساناً، آنها را پرداخت کردند، از گردن میت ساقط خواهند شد.

ثواب معاف کردن قرض

اگر میت مفلس (نادار و فقیر) است و ترکه‌ای ندارد که قرض طلبکاران از آن پرداخت شود، بهتر است که طلبکاران به جای فشار به خانواده‌ی مدیون، او را معاف کنند.[1] زیرا در اثر این معافی آنقدر ثواب به معاف‌کننده می‌رسد که اگر در روز قیامت تمام نیکی‌ها و حسنات میت را به معاف‌کننده بدهند، در مقابل بزرگی و عظمت ثوابی که خداوند متعال به بنده‌ی معاف‌کننده‌اش می‌دهد، اصلاً قابل مقایسه و قابل توجه نمی‌باشد.

۱- معاف کردن: بخشیدن

همچنین درباره‌ی مهلت دادن مقروض مفلس یا معاف کردن آن فضایل زیادی در قرآن کریم و احادیث نبوی وارد شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿و إن كان ذو عسرة فنظرة الى ميسره و أن تصدّقوا خيرٌ لكم إن كنتم تعلمون﴾.[۱]

و اگر مقروض شما تنگدست بود، به او مهلت دهید تا توانایی یابد و اگر او را ببخشید (و معاف کنید)، برایتان بهتر است، اگر واقعاً دانا هستید.

به یک روایت در این زمینه توجه فرمائید:

عن ابی‌هریرة عن النبی ﷺ: قال: كان تاجرٌ يُدَاينُ النّاس، فإذا رأى مُعسراً قال لِفتيانِهِ: تجاوزوا عنه، لعلّ اللهَ أنْ يتجاوز عنَّا، فَتَجَاوَزَ اللهُ عنه.

از ابوهریرة رضی الله عنه روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: تاجری (در زمان‌های گذشته زندگی می‌کرد) که به مردم قرض می‌داد و چون قرض‌دار وی تنگدست می‌بود، به خدمتکاران خود می‌گفت که از وی درگذرید تا باشد که خداوند متعال از (گناهان ما نیز) درگذرد. پس (وقتی که مُرد نیکی دیگری به جز این نیکی نداشت پس) خداوند متعال از گناهان وی درگذشت و او را وارد بهشت نمود.[۲]

تا می‌توانید از قرض کردن بپرهیزید

۱) از سَلَمه بن اَکْوَع رضی الله عنه روایت است که فرمود: ما نزد پیامبر خدا ﷺ نشسته بودیم که جنازه‌ای را آوردند و به آن حضرت گفتند: بر وی نماز بگذار. آن حضرت ﷺ سؤال کردند که آیا «قرض‌دار است» گفتند: خیر، باز پرسیدند که آیا چیزی (ترکه‌ای) از خود باقی گذاشته است. گفتند: خیر، پس آن حضرت بر روی نماز گزارد.

سپس جنازه‌ی دوّمی را آوردند و باز حضرت پرسیدند که آیا «بدهکار است» گفتند: آری، البته (۳ دینار ترکه دارد)، آن حضرت ﷺ بر او نماز گزارد.

سپس جنازه‌ی سوّمی را آوردند و باز حضرت پرسیدند که آیا «بدهکار است» گفتند: آری سه دینار بدهکار است. امّا ترکه‌ای برای پرداخت دیون خویش ندارد. آن حضرت ﷺ فرمودند: شما خودتان بر این دوست خویش نماز بگزارید (من بر او نماز نمی‌گزارم).

۱- سوره بقره / آیه‌ی ۲۸۰

۲- صحیح البخاری ـ باب من أنظَر مُعْسِرًا ـ رقم ۲۰۷۸

ابوقتاده گفت: یا رسول الله ﷺ من قرض او را ادا می‌کنم. آنگاه پیامبر خدا ﷺ بر وی نماز گزارد.(۱)

۲) عن عبدالله بن عمرو بن العاص، أنَّ رسول الله ﷺ قال: يُغْفَرُ للشهيد كُلُّ ذَنْبٍ إلاّ الدَّين.(۲)

حضرت عبدالله بن عمرو بن العاص از نبی‌اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: تمام گناهان شهید بخشیده می‌شوند مگر قرض (که بخشیده نمی‌شود).

۳) عن ابی‌هريرة قال: قال رسول الله ﷺ مَطْلُ الغَنِيِّ ظُلْمٌ.(۳)

از حضرت ابوهریرة روایت است که آن حضرت ﷺ فرمودند: توانگری که در ادای بدهی خود تأخیر می‌کند، او یک ظالم است. (و در روایت دیگر آمده: ظلم سبب گرفتاری در سختی‌ها و تاریکی‌های روز قیامت می‌باشد).

۴) عن أنس قال: قال رسول الله ﷺ: اَلْقَتْلُ فی سبيل الله يُكَفِّرُ كُلَّ خطيئةٍ، فقال جبرئيل ؑ: اِلاّ الدَّين، فقال النبی ﷺ: إلاّ الدَّين.(۴)

حضرت انس از آن حضرت ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: باکشته شدن در راه خدا، تمام گناهان بخشیده می‌شوند. (در این هنگام جبرئیل وحی آورد که بگو: بجز قرض). آن حضرت ﷺ نیز به دنبال سخن اوّل خود اضافه کرده و فرمودند: مگر قرض (که معاف نمی‌شود).

* * *

همانگونه که از روایات فوق روشن است، پیامبر خدا ﷺ بر جنازه‌ی افرادی که مقروض بوده‌اند، نماز نخوانده است و به یاران خود دستور داده که خودتان بر جنازه‌ی آنها نماز بخوانید و آنان را از فضیلت خاص نماز و دعای خویش محروم کرده است. و حتّی شهید با آن مقام ارجمندی که نزد خداوند متعال دارد، از ورود در بهشت به خاطر قرضی که برگردن دارد، بازمی‌ماند. بنابراین خوب توجه داشته باشید که چون «قرض» حقّ‌الناس

۱- صحیح البخاری ـ کتاب حواله ـ رقم ۲۲۸۹
۲- صحیح مسلم ـ کتاب الإماره ـ رقم ۳۵۸۹
۳- صحیح البخاری ـ حدیث رقم (۲۴۰۰)
۴- سنن الترمذی و قال حدیث حسن صحیح ـ رقم (۱۶۰۷)

است، هرگز بخشیده نمی‌شود و مقروض به شدّت در قبر و قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

متأسفانه مسلمانان امروزی بر اثر چشم و هم‌چشمی‌ها و مخارج بی‌جا، قرض‌های کلان می‌گیرند و اصلاً به فکر پرداخت آنها نیستند و هنگامی که می‌میرند، (آنقدر مقروض‌اند که) اگر تمام ترکه و دار و ندار آنان را بفروشند، ($\frac{1}{10}$) آن قرض‌ها قابل پرداخت نمی‌باشند.[۱]

در احادیث صحیح دیگر آمده است که: روح مؤمن به علّت مقروض بودن از ورود در بهشت یا از حصول ثواب أعمال نیک خود، بازداشته می‌شود و تا قرض‌هایش ادا نشوند، همانند اسیری در همان حالت بلاتکلیفی باقی می‌ماند.

بنابراین تا می‌توانید: قرض نکنید و اگر بنا به ضرورت شدید مجبور به این کار شدید (قرض خیلی کمی بگیرید تا قادر به بازپرداخت آن باشید) و همچنین به خانواده‌ی خود اکیداً سفارش کنید (و در وصیت‌نامه‌ی خود قید کنید) که اگر روزی مرگ به صورت ناگهانی به سراغم آمد (و فرصت وصیت نداشتم)، حتماً پس از دفنم، در اولین مرحله و بدون تأخیر، قرض‌هایم را ادا کنید.[۲]

مسأله:

خرج کردن از مال میت برای برپایی مجالس غیرشرعی زیر صحیح نمی‌باشد:

۱ ـ مراسم روز سوم، مراسم روز هفتم، مراسم روز چهلم، مراسم سالگرد ارتحال.

۲ ـ پخش شیرینی و شربت در مجالس قرآن‌خونی و ذکرخوانی با أجرت (= مُزد).

* * *

۱- اَلْقَرض، مِقراضُ المُحَبَّة: قرض سبب بریده شدن رشته‌های محبّت و مودّت می‌گردد. (ریشه‌ی بسیاری از دعواها و قطع روابط حسنه، قرض کردن می‌باشد).

۲- متأسفانه در عصر کنونی پیدا شدن چنین خانواده‌هایی بسیار کم و نادر است. و همه پس از مرگ میت بلافاصله تمام سرمایه‌ی او را نوش‌جان می‌کنند و می‌گویند: به درک که به جهنم می‌رود، می‌خواست قرض نکند!!

چاره‌ای از پذیرش «کسر» نیست!

یکی از بحث‌های مشکل که همواره موجبات سرگردانی طلاّب و دانشجویان میراث را فراهم می‌آورد و سبب دلسردی و میراث‌گریزی بسیاری از آنان می‌گردد، بحث «تصحیح مسأله» و تشخیص نسبت‌های «توافق ـ تداخل ـ تباین) و ضرب و تقسیم‌های مکرّر آن می‌باشند!

اکنون می‌خواهم خیلی خودمانی بگویم که عمل تصحیح آنگونه که بعضی از اهل فرائض می‌گویند: عملاً فایده‌ی زیادی دربرندارد و به قول معروف: «اصلاً به زحمتش نمی‌ارزد» به این مثال توجه فرمائید:

مسأله ۶ / تصحیح ۳۰ — مضروب: ۵

میت

اب	ام	۱۰ بنت
$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۲}{۳}$
۱	۱	۴
۵	۵	۲۰

اکنون اگر:

در این مسأله مقدار ترکه اعدادی همانند (۶۰,۰۰۰) و (۹۰,۰۰۰) و (۱۸۰۰۰) و... باشند. کار تقسیم ترکه ساده است. زیرا این اعداد بر تصحیح مسأله (یعنی عدد ۳۰) بخش‌پذیر هستند. امّا اگر از بخت بد، مقدار ترکه اعدادی مانند (۵۰,۰۰۰)، (۷۰,۰۰۰) و (۱۱۰۰۰) و غیره باشند. زحماتی که برای تصحیح این مسأله متحمل شده بودیم تماماً به هدر می‌روند و قصر آرزوها (رُند کردن سهام ورّاث) فرو می‌ریزد. زیرا این اعداد بر (۳۰) بخش‌پذیر نیستند و بازهم سر و کله‌ی «کسر» در سهام ورّاث پیدا می‌شود.

و با توجّه به اینکه تعیین مقدار ترکه‌ی هر میت (در مقام عمل، نه در مقام مثال زدن روی کاغذ) در اختیار ما نمی‌باشد، که ما آن طوری در نظر بگیریم تا حتماً بر عدد تصحیح مسأله، بخش‌پذیر باشد.[1] بنابراین بهترین روش حلّ مسایل میراثی همان روش جمع کردن فروض (کسرها) و

۱- در اکثر کتاب‌های میراث، هنگامی که مثال می‌زنند، زیرکانه مقدار ترکه را طوری انتخاب می‌کنند که کاملاً بر تصحیح بخش‌پذیر باشد و هیچ مشکلی برجود نیاید!

مخرج مشترک گرفتن و پذیرفتن کسر (و اَعشار) می‌باشد که هیچ مشکلی هم ایجاد نمی‌کند.[۱][۲] زیرا به قول یکی از اساتید: «تا نان تکه‌تکه و پاره پاره نشود، قابل خوردن نمی‌باشد!»

خوشبختانه امروزه محاسبه‌ی سهام ورّاث به روش درصدی در اکثر دارالافتاها مروج شده است و خیلی عام فهم نیز می‌باشد. و باکمک یک ماشین حساب ساده می‌توان محاسبات مذکور را به آسانی انجام داد و دیگر نیازی به یادگیری قواعد دست و پاگیر تصحیح و پیمودن روش‌های خسته‌کننده و طولانی آن وجود ندارد.

آقاجان! الآن دنیا پیشرفت کرده و همه چیز عوض شده است. در عصر اینترنت و کامپیوتر ۲/۵ و ۲/۷۵ و غیره را کودکان دبستانی نیز می‌فهمند، چه برسد به آدم‌های بزرگ و غالباً تحصیل‌کرده (و میراث‌خوار کنونی که حتی هزارم‌ها را نیز از حلقوم یکدیگر بیرون می‌کشند)!!

پس چه لزومی دارد که بی‌مورد خودمان را خسته سازیم و چندین قانون عجیب و غریب را اجرا کنیم تا مثلاً ۲/۵ را رُند ساخته و تبدیل به اعداد سرراستی مانند (۳ یا ۵) نمائیم. و میراث به این سادگی را در نظر دانش‌پژوهان عزیز پیچیده کرده و از آن یک غول ترسناک بسازیم!

شاعر می‌گوید:

چو کاری برآید به لطف و خوشی
چه حاجت به تندی و گردنکشی

و باز شیخ اجل سعدی شیرازی (ره) می‌فرماید:

ما نصیحت به جای خود کردیم و رفتیم
روزگـــاری دریـــن بســـر بـــردیم
گـــر نـــیاید بـــه گـــوشِ رغـبتِ کس
بـــر رســـولان پـــیام بـــاشد و بس

۱- این روش در بخش پایانی جلد اوّل میراث به زبان ساده، کاملاً توضیح داده شده است.

۲- همچنین برای گریز از زحمات تصحیح، می‌توان مقدار ترکه‌ی میت را (۱۰۰) فرض کرده و سهام ورثه را براساس درصد محاسبه نمود. مثلاً در همین مسأله اگر (۱۰۰) را بر (۶) تقسیم کنیم (۱۶/۶۶) می‌شود که سهمیه‌ی هر یک از والدین میت است. و اگر (۱۰۰) را بر ($\frac{۲}{۳}$) تقسیم کنیم (۶۶/۶۶) بدست می‌آید که سهمیه‌ی دختران میت براساس درصد است.

توضیح نقشه‌های میراثی

نقشه‌ی زیر را توضیح دهید.

مسأله ۱۲

میــــــــــــــــــــــــت

زوج	بنت صلبی	بنت الابن	عمو
$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$ تکلمة للثلثین	ق.ع
۳	۶	۲	۱

شرح:

این نقشه صورت یک مسأله‌ی میراثی است.

صورت مسأله: زنی فوت کرده و بازماندگان او چهار نفراند. یعنی (شوهرش ـ دختر خودش ـ دختر پسرش ـ برادر پدرش یعنی عمویش). اکنون ارث این زن به صورتی که در نقشه‌ی فوق مشاهده می‌کنید، تقسیم شده است. به عبارت دیگر سرمایه‌ی این زن (۱۲ تومان) فرض شده و به این صورت در میان وارثانش تقسیم شده است.

۱ ـ **شوهرش:** از ۱۲ تومان ⟵ ۳ تومان گرفته.

۲ ـ **دختر خودش:** از ۱۲ تومان ⟵ ۶ تومان گرفته.

۱ ـ **دختر پسرش:** از ۱۲ تومان ⟵ ۲ تومان گرفته.

۱ ـ **عمویش:** از ۱۲ تومان ⟵ یک تومان گرفته.

سؤال ۱ ـ

لطفاً مراحل حلّ این مسأله را توضیح دهید. (تا ما کم سوادها بفهمیم و سردربیاوریم)!

پاسخ:

۱ ـ ما در مرحله‌ی اوّل به ذوی‌الفروض‌های موجود در مسأله سهمیه می‌دهیم. یعنی (زوج ـ بنت ـ بنت الابن) زیرا هر سه نفر از ورّاث ذوی‌الفروض هستند.

۲ ـ ملاحظه کردیم که این زن دارای بچّه است (بنت صلبی و بنت الابن بچّه‌های این زن محسوب می‌شوند). لذا به شوهرش ($\frac{1}{4}$) ترکه را به عنوان سهمیه‌ی فرضی او تحویل می‌دهیم.
۳ ـ چون دختر خود این خانم یک نفر است؛ لذا ($\frac{1}{2}$) یعنی نصف ترکه را برای او می‌گذاریم.
۴ ـ باز چون دختر پسرش هم در مسأله حضور دارد، ($\frac{1}{6}$ترکه) را به دختر پسرش حواله می‌کنیم.
۵ ـ عموی میت از عصبات بالنفس است و سهمیه‌ی مشخصی ندارد. بنابراین باقی‌مانده‌ی ترکه را برای او گذاشتیم. و به همین جهت در زیر اسم عمو نوشتیم (ق.ع) یعنی باقی‌مانده‌ی ترکه به این آقا عمو به عنوان عصبیت می‌رسد.
۶ ـ سپس در بین کسرهای تعیین شده، یعنی ($\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{6}$) مخرج مشترک می‌گیریم و چون کوچکترین مخرج مشترک اینها (۱۲) است، لذا (۱۲) را به عنوان اصل مسأله انتخاب می‌کنیم و فرض می‌کنیم که سرمایه‌ی این زن (۱۲ تومان) است.
۷ ـ بعداً از همین (۱۲ تومان) $\frac{1}{4}$ برای شوهر میت جدا می‌کنیم. یعنی دوازده را تقسیم بر چهار می‌کنیم.
۳ = ۴ ÷ ۱۲

۸ ـ سپس دوازده را بر دو تقسیم می‌کنیم، سهمیه‌ی دختر میت بدست می‌آید.

سهمیه‌ی دختر میت ۶ = ۲ ÷ ۱۲

۹ ـ دو مرتبه دوازده را بر شش تقسیم می‌کنیم تا سهمیه‌ی دختر پسر میت بدست آید.

سهمیه‌ی دختر پسر میت ۲ = ۶ ÷ ۱۲

۱۰ ـ در نهایت سهام ذوی‌الفروض را با هم جمع می‌کنیم و هرچه باقی ماند به عموی میت می‌دهیم.

مجموع سهام ذوی‌الفروض ۱۱ = ۲ + ۶ + ۳

سهمیه‌ی عموی میت ۱ = ۱۱ − ۱۲

سؤال ۲ ـ

نقشه‌ی عولی زیر را توضیح دهید.

مسأله ۶ ع ۷

میـــت

زوج	دو اخت عینی
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۲}{۳}$
۳	۴

پاسخ:

مسأله‌ی عولی مثل مسائل دیگر حل می‌شود. با این تفاوت که وقتی سهام ورّاث را با هم جمع می‌کنیم، از اصل مسأله بیشتر می‌شوند.

مثلاً در مسأله‌ی فوق سهمیه‌ی زوج (۳) و سهمیه‌ی خواهران حقیقی میت (۴) است. و وقتی که آنها را جمع می‌کنیم (۷ تومان) می‌شوند، در حالی که اصل مسأله و ترکه‌ی میت (۶ تومان) فرض شده است. لذا ما می‌فهمیم که ترکه‌ی (۶ تومانی) جوابگوی نیاز این ورّاث نیست و باید آن را کمی بیشتر یعنی (۷ تومان) فرض کنیم.

در حلّ مسائل عولی نیاز به پریشانی خاصی نیست. همین که سهام ورّاث را جمع کنیم، مقدار عول آن مسأله خود به خود مشخص می‌شود. مثلاً در همین مثال، به محض اینکه (۳ و ۴) را جمع بزنیم، به طور خودکار مشخص می‌شود که عول این مسأله تا (۷) است. و پس از نوشتن (عول ۷) یا (ع ۷) حلّ مسأله به طور کامل پایان می‌یابد و دنباله‌ی دیگری ندارد.

سؤال ۳ ـ

رمز (عول ۷) یعنی چه؟

یعنی اینکه ما سرمایه‌ی میت را به (۷ قسمت) مساوی تقسیم می‌کنیم و (۳ سهم) به شوهر میت می‌دهیم و (۴ سهم) به خواهران میت واگذار می‌کنیم.

سؤال ۴ ـ

نقشه‌ی ردّی زیر را توضیح دهید.

مسأله ۶ بعد الرد ۵

میـــــــت

ام	(۲) بنت
$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۲}{۳}$
۱	۴

پاسخ:

مسأله‌ی ردّیه برعکس مسأله‌ی عائله است. یعنی هنگامی که سهام ورّاث موجود در مسأله را با هم جمع می‌کنیم، مجموع سهام از اصل مسأله کمتر می‌شوند. مثلاً: در مسأله‌ی فوق، سهمیه‌ی مادر (۱) و سهمیه‌ی دختران میت (۴) است. و وقتی (۱ و ۴) را جمع می‌کنیم (۵ تومان) می‌شود. در حالی که اصل مسأله و ترکه‌ی میت (۶ تومان) فرض شده است. لذا ما می‌فهمیم که این ترکه‌ی (۶ تومانی) که ما آن را برای ورّاث مسأله در نظر گرفته‌ایم از نیاز آنها افزون‌تر است و باید یک تومان از آن کم شود. بنابراین می‌نویسیم (بعد الرد ۵) و اصل مسأله را به جای (۶) به (۵) تغییر می‌دهیم. و با نوشتن (بعد الرد ۵) حلّ مسأله کامل می‌شود و دنباله‌ی دیگری ندارد. و رمز (بعد الرد ۵) یعنی اینکه ما ترکه‌ی این میت را به (۵) قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم و (۱) سهم به مادر میت و (۴) سهم دیگر به دختران میت واگذار می‌نماییم.

فصل یازدهم

دانستنی‌های مفید

- تقویم روانبُد
- ضرب متقاطع
- امتحان ضرب

☐ مقدمه

بسیاری از فرائض‌نویسان در پایان کتب خود چیستان‌های فرائض را می‌آورند و روی آنها بحث می‌کنند. امّا به نظر حقیر بحث در چیستان‌ها فایده‌ی چندانی دربرندارد، لذا نگارنده به جای این کار، چند سرگرمی مفید از مباحث ریاضیات گردآوری نموده که هم جنبه‌ی سرگرمی و رفع خستگی دارند و هم بر اندوخته‌های علمی خوانندگان عزیز می‌افزاید. (و بالله التوفیق).

☐ تقویم روانبُد (ره)

این تقویم دائمی (سالنامه‌ی هجری قمری) که در پنج بیت مختصر و به صورت رمز بیان شده است، از اختراعات علاّمه‌ی فقید حضرت مولانا محمّد عبدالله روانبد (ره) است[1] و از روی آن می‌توان به درستی ابتدای هر ماه قمری را استخراج نمود.

ابیات تقویم

۱ ـ «نَجَلْدَخْ نَسَرْ» شوال و محرم
رجب «رَدْخَلْ سَرَنْج» آمد صَفَر هم
۲ ـ رَبیع اَوَّلَیْن «خَنجَزْ دَخَلْس» است
چنین دان حال ذوالحج المکرّم

۱- او یکی از درخشنده‌ترین ستارگان آسمان شعر و ادب بلوچستان است که ماهرانه و ادیبانه به زبان‌های فارسی، بلوچی، عربی و اردو شعر می‌سرود. به همین جهت او را «سعدی بلوچستان» لقب داده‌اند. آثار زیادی در فقه، تاریخ، شعر و ریاضیات از وی به جا مانده است و مهمترین شاهکار ادبی وی «دیوان روانبد» است که اخیراً به چاپ رسیده است. تاریخ تولد ایشان ۱۳۰۵ شمسی و تاریخ وفات ایشان مرداد ماه ۱۳۶۷ شمسی می‌باشد. او در سفر بازگشت از حج در اثر واژگونی اتومبیل در محدوده‌ی کشور قطر وفات کرد و در همانجا نیز به خاک سپرده شد. نگارنده فنّ عروض را از شاگرد خاص ایشان (حاجی خدا رحم مدظله‌العالی) فراگرفته است.

۳ ـ «سَرَدْجِ لَسْخَنٍ» ثانی ربیع است
موافق شد به او رمضان اعظم
۴ ـ «دَخَنْسٍ رَدْجَلٍ» اُوْلیٰ جمادیٰ
به شعبان شد «جَلَسْخٍ بِخْرَدٍ» ضَمّ
۵ ـ «لَسَرْنٍ جَلْدَخٍ» ثانی جمادیٰ
ولی ذوالقعده با او گشت همدم

شرح:

۱ ـ رمز ماه شوال و محرّم ← نجلدخ نسر

۲ ـ رمز ماه رجب و صفر ← ردخل سرنج

۳ ـ رمز ماه ربیع‌الاوّل و ذوالحجة ← خنجر دخلس

۴ ـ رمز ماه ربیع‌الثانی و رمضان ← سردج لسخن

۵ ـ رمز ماه جمادی‌الاوّل ← دخنس ردجل

۶ ـ رمز ماه شعبان ← جلسخ بخرد

۷ ـ رمز ماه جمادی‌الثانی و ذوالقعده ← لسرن جلدخ

هر حرف از این رموز هشت حرفی به معنای یکی از روزهای هفته هستند بدین شرح:

۱ ـ س = یوم السبت ← روز شنبه

۲ ـ د = یوم الأحد ← روز یکشنبه

۳ ـ ن = یوم الأثنین ← روز دوشنبه

۴ ـ ل = یوم الثلثاء ← روز سه‌شنبه

۵ ـ ر = یوم الأربعاء ← روز چهارشنبه

۶ – خ = یوم الخمیس ← روز پنج‌شنبه

۷ ـ ج = یوم الجمعه ← روز جمعه

مثال:

رمز «سردج لسخن» که رمز ماه رمضان است به این معنا است:

سردج: روز شنبه ـ روز چهارشنبه ـ روز یکشنبه ـ روز جمعه

لسخن: روز سه‌شنبه ـ روز شنبه ـ روز پنج‌شنبه ـ روز دوشنبه

طریقه‌ی استفاده:

سال هجری قمری را بر عدد «۸» تقسیم می‌کنیم. باقی‌مانده هرچه بدست آمد در رمز هشت حرفی مربوط به همان ماه از راست به چپ به اندازه‌ی باقی‌مانده می‌شماریم، هر حرفی که بدست آمد، روز آغازین آن ماه خواهد بود.

تذکری مهم:

هرگاه باقی‌مانده‌ی تقسیم صفر شد، آخرین حرف از هر رمز معتبر خواهد بود.

مثال ۱ ـ

ماه رمضان در سال ۱۴۱۵ هجری قمری با چه روزی آغاز می‌شود.

۱۴۱۵	۸
۸	۱۷۶
۰۶۱	
۵۶	
۰۵۵	
۴۸	
۷	

رمز ماه رمضان «سردج لسخن» است. و چون باقی‌مانده‌ی تقسیم (۷) شده است، لذا از ابتدای رمز تا حرف هفتم می‌شماریم. حرف هفتم آن (خ) است و به معنای پنج‌شنبه می‌باشد. پس معلوم می‌شود که اوّلین روز ماه رمضان در سال (۱۴۱۵ هجری قمری) با روز پنج‌شنبه آغاز می‌گردد.

مثال ۲ ـ

ماه رمضان در سال (۱۴۳۲ هجری قمری) با چه روزی آغاز می‌شود؟

۱۴۳۲ | ۸
۱۷۹

باقی مانده صفر

آخرین حرف رمز ماه رمضان (ن) است که به معنای (دوشنبه) می‌باشد. پس معلوم می‌شود که ماه رمضان در سال (۱۴۳۲ هجری قمری) با روز دوشنبه آغاز می‌گردد.

مثال ۳ ـ

عید الفطر (ابتدای شوال) در سال ۱۴۳۲ در چه روزی واقع می‌شود؟

۱۴۳۲ | ۸
۱۷۹

باقی مانده صفر

آخرین حرف از رمز ماه شوال را نگاه می‌کنیم.
رمز ماه شوال (نجلدخ نسر) است و آخرین حرف آن (ر) می‌باشد که به معنای چهارشنبه است.
پس معلوم می‌شود که عیدالفطر سال ۱۴۳۲ هجری قمری در روز چهارشنبه واقع می‌شود.
و اگر در تقویم سال ۱۴۳۲ هجری (مصادف با ۱۳۹۰ شمسی) نگاهی بیندازید، به صحّت این محاسبات پی خواهید برد.
این تقویم دائمی برای محاسبات ایّام مهم در هر سال قمری بسیار مفید است و جنبه‌ی کاربردی دارد و خصوصاً به وسیله‌ی آن می‌توان از تحیر و سرگردانی‌های موجود (درباره شروع و پایان ماه مبارک رمضان) رهایی یافته و به آرامش خاطر نسبی دست یافت.

❏ ضرب متقاطع

ضرب به روش عادی را که همه بلدند. مانند این ضرب:

$$\begin{array}{r} ۴۵ \times \\ ۲۳ \\ \hline ۱۳۵ \\ ۹۰ \\ \hline ۱۰۳۵ \end{array}$$

این روش ضرب کردن مقداری طولانی است و اگر با روش ضرب متقاطع آشنا شوید و مقداری آن را تمرین نمائید، خواهید دید که با ضرب کردن بدین روش، خیلی سریع‌تر و در زمانی کوتاه‌تر به پاسخ مورد نظر دست خواهید یافت.

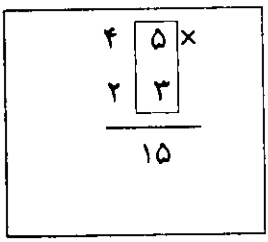
مراحل ضرب متقاطع در ضرب دو رقمی

برای ضرب دو رقم در دو رقم، سه مرحله‌ی زیر طی می‌شود:

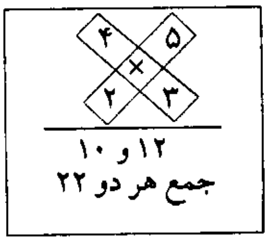
۱ ـ ابتدا (۵ و ۳) یعنی رقم یکان هر دو عدد، با هم ضرب می‌شوند.

۲ ـ سپس به صورت متقاطع (×) ضرب می‌کنیم. یعنی رقم یکان هر عدد در دهگان عدد دیگر ضرب می‌شود (۴ × ۳) و (۵ × ۲)

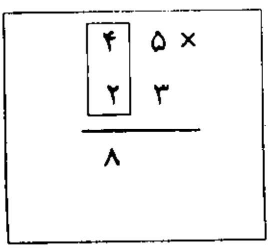
۳ ـ در مرحله‌ی سوم مثل مرحله‌ی اوّل، رقم دهگان هر دو عدد در یکدیگر ضرب می‌شوند. یعنی (۴ × ۲).



مرحله (۱)



مرحله (۲)



مرحله (۳)

۴ ـ در هر مرحله همانند ضرب معمولی، ده بر یک نیز داریم. یعنی در مرحله‌ی اوّل (۵) را نوشته و (۱) را ده بر یک می‌کنیم. در مرحله‌ی دوّم که حاصل‌ضرب (۲۲) شد، آن را با

ده بر یک مرحله‌ی قبل جمع می‌کنیم که (۲۳) می‌شود و (۳) را نوشته و (۲) را مجدداً ده بر یک می‌کنیم.
۵ ـ در مرحله‌ی سوم که حاصل‌ضرب (۸) شده، آن را با ده بر یک مرحله‌ی قبل که (۲) است جمع می‌کنیم و جواب (۱۰) می‌شود. و بدین ترتیب جواب کامل ضرب (۱۰۳۵) بدست می‌آید.

ضرب سه رقم در سه رقم

روش عادی را که همه بلدند. مانند این ضرب:

```
   ۸۳۲ ×
   ۱۶۵
 -------
  ۴۱۶۰
 ۴۹۹۲
 ۸۳۲
 -------
 ۱۳۷,۲۸۰
```

به روش متقاطع:

۱ ـ ابتدا (۲ و ۵) را در هم ضرب می‌کنیم. جواب (۱۰) می‌شود، که صفر آن را نوشته و یک را ده بر یک می‌کنیم.

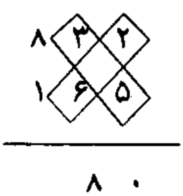
```
    (۱)
  ۸ ۳ [۲] ×
  ۱ ۶ [۵]
 ---------
        ۰
```

۲ ـ سپس به صورت متقاطع ضرب می‌کنیم و حاصل را با ده بر یک مرحله‌ی قبل جمع می‌زنیم.

$۵ \times ۳ = ۱۵$

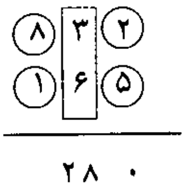
$۶ \times ۲ = ۱۲$

$۱۵ + ۱۲ + (۱) = ۲۸$



اکنون از عدد ۲۸ (فقط ۸) را نوشته و (۲) را ده بر یک می‌کنیم.

۳ـ در این مرحله ضرب متقاطع کمی شلوغ‌تر می‌شود. گویا سه ضرب متقاطع یکی پس از دیگری انجام می‌گیرد و حاصل‌ها با هم جمع می‌شوند.

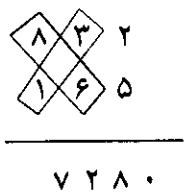


۵ × ۸ = ۴۰
۱ × ۲ = ۲
۳ × ۶ = ۱۸

۴۰ + ۲ + ۱۸ = ۶۰
۶۰ + (۲) = ۶۲

جمع هر سه ضرب متقاطع (۶۰) می‌شود که آن را با ده بر یک مرحله‌ی قبل (یعنی عدد ۲) جمع می‌کنیم و (۶۲) می‌شود. (۲) را نوشته و (۶) را ده بر یک می‌کنیم.

۴ـ در مرحله‌ی چهارم همانند مرحله‌ی دوّم (دو ضرب متقاطع را انجام داده و حاصل‌ها را جمع کرده و عدد ده بر یک را نیز بر آنها می‌افزائیم.

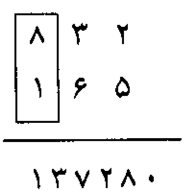


۶ × ۸ = ۴۸
۱ × ۳ = ۳

۴۸ + ۳ + (۶) = ۵۷
ده بر یک مرحله‌ی قبل

اکنون که جواب (۵۷) شده، (۷) را نوشته و (۵) را ده بر یک می‌کنیم.

۵ـ در مرحله‌ی پایانی دو رقم آخر (رقم صدگان هر دو عدد) را در یکدیگر ضرب می‌کنیم. و جواب نهایی این ضرب که عدد (۱۳۷,۲۸۰) است، بدست می‌آید.



۸ × ۱ = ۸
۸ + ۵ = ۱۳
ده بر یک مرحله‌ی قبلی

تذکر:
چون ما سال‌ها با ضرب کردن به روش معمولی کار کرده و به آن خو گرفته‌ایم، به همین جهت احساس می‌کنیم که این روش خیلی ساده و ضرب متقاطع مشکل است. امّا اگر چند روزی با روش متقاطع کار کنیم، متوجه خواهیم شد که این روش از روش معمولی خیلی ساده‌تر است و با کمک آن می‌توان سریع‌تر به پاسخ مورد نظر دست یافت.

❏ امتحان ضرب به روش اُقلیدس

روش عادی راکه همه بلدند.

$$\begin{array}{r} ۴۵ \times \\ ۲۳ \\ \hline ۱۰۳۵ \end{array}$$

اگر جواب (یعنی ۱۰۳۵) رابر (۲۳) تقسیم کنیم، (۴۵) بدست می‌آید و باز اگر (۱۰۳۵) را بر (۴۵) تقسیم کنیم، عدد دیگر (۲۳) بدست می‌آید.
امّا یک روش جالب‌تر وجود دارد که با علامت (×) نیز هم‌خوانی دارد.

روش امتحان اقلیدسی
۱ـ نخست در این روش یک علامت ضرب (×) رسم کرده و سپس ارقام عدد اوّل را با هم جمع می‌کنیم و هر جا حاصل جمع به (۹) رسید آن را صفر تصور کرده و دوباره جمع را ادامه می‌دهیم تا تمام ارقام به پایان برسند. با عدد دوّم (مضروب فیه) نیز همین کار را انجام می‌دهیم.

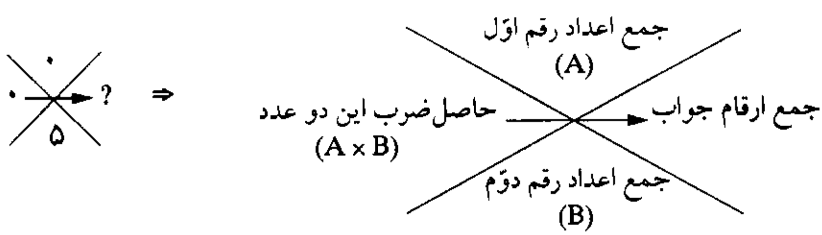
$$\begin{array}{rl} ۴۵ \times & \xrightarrow{\text{جمع ارقام}} ۴ + ۵ = ۹ \xrightarrow{\text{یعنی}} \text{صفر} \\ ۲۳ & \xrightarrow{\text{جمع ارقام}} ۲ + ۳ = ۵ \longrightarrow \text{خود پنج نوشته می‌شود.} \\ \hline ۱۰۳۵ & \end{array}$$

۲ـ اکنون حاصل جمع ارقام هر دو عدد را به صورت زیر داخل علامت ضرب می‌نویسیم.



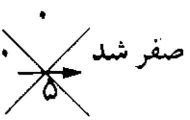
۳ـ حاصل هر دو عدد مذکور (صفر و ۵) را در یکدیگر ضرب می‌کنیم و چنانچه جواب (۹) شود یا بزرگتر از (۹) گردد، آن را بر (۹) تقسیم کرده و باقی‌مانده را در سمت چپ علامت ضرب می‌نویسیم (و اگر به ۹ نرسید ← باز خود همان جواب را داخل علامت ضرب می‌نویسیم).

در این ضرب (۰ = ۵ × ۰) جواب صفر می‌شود که چون به (۹) نرسیده، خودش را در داخل علامت ضرب نوشته و یک فلش نیز رسم می‌کنیم. به این صورت:



۴ـ اکنون در مرحله‌ی آخر، ارقام جواب را با هم جمع می‌کنیم (به روش قبلی ۹ تا ۹ تا) اگر جواب صفر شد، مشخص می‌شود که ضرب ما به درستی انجام شده و جواب صحیح است و اگر صفر نشد، جواب ما اشکال دارد.

۴۵ ×
۲۳
―――
۱۰۳۵ ―جمع ارقام→ ۱ + ۰ + ۳ + ۵ = ۹ ―یعنی→ صفر



نتیجه

چون جمع ارقام جواب نیز صفر شده، پس ضرب، صحیح می‌باشد.

تمرین ۱ -

صحّت این ضرب را آزمایش کنید.

$$\begin{array}{r} ۸۳۲ \times \\ ۱۶۵ \\ \hline ۱۳۷{,}۲۸۰ \end{array}$$

۱) در مرحله‌ی اوّل ارقام (۸۳۲) را با هم جمع می‌کنیم.

$$۸ + ۳ = ۱۱ \xrightarrow{-۹} ۲ \longrightarrow ۲ + ۲ = ۴$$

۲) در مرحله‌ی دوّم ارقام (۱۶۵) را با هم جمع می‌کنیم.

$$۱ + ۶ + ۵ = ۱۲ \xrightarrow{-۹} ۳$$

۳) چهار و سه را داخل علامت ضرب نوشته و سپس آنها را در هم ضرب می‌کنیم.



$$۴ \times ۳ = ۱۲$$

۴) و چون (۱۲) بزرگتر از (۹) است آن را بر (۹) تقسیم نموده و باقی‌مانده را در سمت چپ علامت ضرب یادداشت می‌کنیم.

$$\begin{array}{r|l} ۱۲ & ۹ \\ \cline{2-2} \underline{۹} & ۱ \\ ۳ & \end{array}$$

باقی‌مانده



۵) حال ارقام جواب را جمع می‌زنیم که اگر آن طرف فلش هم (۳) شد، معلوم می‌شود ضرب ما بدرستی انجام شده است.

$$\begin{array}{r} ۸۳۲ \times \\ ۱۶۵ \\ \hline ۱۳۷۲۸۰ \end{array} \xrightarrow{\text{جمع ارقام}} \begin{array}{l} ۱+۳+۷=۱۱ \xrightarrow{-۹} (۲) \\ (۲)+۲+۸+۰=۱۲ \xrightarrow{-۹} ۳ \end{array}$$

و چون پاسخ (۳) شد، معلوم است که ما عمل ضرب را به درستی انجام داده‌ایم.

۴ / ۳ ← ۳ / ۳ ⇐ ضرب صحیح است

تمرین ۲ -

صحّت این ضرب چهار رقمی را آزمایش کنید.

$$\begin{array}{r} ۴۳۸۵ \times \\ ۶۹۷۱ \\ \hline ۳۰{,}۵۶۷{,}۸۳۵ \end{array}$$

۲ / ۱ ← ۱ / ۵ ⇐ ضرب صحیح است

فصل دوازدهم

تمرینات دوره‌ای

☐ در تمرینات زیر سهمیه‌ی هر وارث را مشخص ساخته و در صورت نیاز مسأله را حلّ و تصحیح نمائید.

سؤالات متعلق به «اب»

۱ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

اب	ام	ابن

۲ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

اب	ام	بنت

۳ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

اب	ام	عم

۴ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

ام	اب	اخ عینی	اخت عینی

۵ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

ام	۱۰ بنت صلبی	اب

۶ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــت

زوجه	ام	اب	(۲) اخ عینی

* * *

سؤالات متعلق به «جد»

۷ ـ میـــــــــــــــت

جد	ام	ابن

۸ ـ میـــــــــــــــت

جد	ام	بنت

۹ ـ میـــــــــــــــت

جد	ام	عم

۱۰ ـ میـــــــــــــــت

جد	ام	اب

۱۱ ـ میـــــــــــــــت

زوج	ام	جد	(۲) اخ علّی

۱۲ ـ میـــــــــــــــت

زوجه	جد	اخت لام	اخت عینی

* * *

سؤالات متعلق به «اولاد ام»

۱۳ - میت

زوج　　ام　　اخ اخیافی　　عم

۱۴ - میت

زوج　　ام　　اخ خیفی　　اخت خیفی

۱۵ - میت

بنت　　اخت عینی　　اخت خیفی

۱۶ - میت

زوج　　اخت اخیافی　　(۱۲) جدّه　　(۸) عم

۱۷ - میت

زوج　　اخت اخیافی　　ام　　جدّه

۱۸ - میت

زوج　　اخت علّی　　(۶) اخت خیفی

* * *

سؤالات متعلق به «زوج»

۱۹ - میت

زوج — اخت عینی

۲۰ - میت

زوج — ام — بنت صلبی

۲۱ - میت

زوج — (۵) اخت عینی

۲۲ - میت

زوج — (۳) بنت صلبی — (۳) اخت علّی

۲۳ - میت

زوج — ام — اخت عینی — اخت خیفی

۲۴ - میت

زوج — ام — اخ عینی — ابن اخ عینی — عم

* * *

سؤالات متعلق به «زوجه»

۲۵ ـ میـــــــــــــــــت

زوجه اخت عینی عم

۲۶ ـ میـــــــــــــــــت

زوجه بنت ام

۲۷ ـ میـــــــــــــــــت

زوجه بنت اخت عینی اخ علّی

۲۸ ـ میـــــــــــــــــت

زوجه بنت ابن ابن‌الابن

۲۹ ـ میـــــــــــــــــت

زوجه ام اخت عینی عم

۳۰ ـ میـــــــــــــــــت

(۲) زوجه (۴) اخت عینی (۴) عم

* * *

سؤالات متعلق به «بنت صلبی»

۳۱ ـ میـــــــــــت

بنت ابن الاخ لاب و ام

۳۲ ـ میـــــــــــت

بنت بنت ابن العم

۳۳ ـ میـــــــــــت

بنت بنت بنت

۳۴ ـ میـــــــــــت

(۲) بنت بنت‌الابن عم

۳۵ ـ میـــــــــــت

(۲) بنت بنت‌الابن ابن‌الابن عم

۳۶ ـ میـــــــــــت

بنت بنت‌الابن بنت ابن‌الابن عم

۳۷ ـ میـــــــــــت

زوج (۹) بنت (۳) اخت خیفی

۳۸ ـ میـــــــــــت

زوج (۲) بنت الابن ام اخت علّی

سؤالات متعلق به «بنت‌الابن»

۳۹ ـ میت

بنت‌الابن   بنت‌الابن   اب

۴۰ ـ میت

بنت   بنت‌الابن   عم

۴۱ ـ میت

بنت‌الابن   اخ عینی

۴۲ ـ میت

(۲)بنت   اب   بنت‌الابن

۴۳ ـ میت

بنت   بنت‌الابن   بنت‌ابن‌الابن   ابن‌ابن‌ابن‌الابن

* * *

سؤالات متعلق به «اخت عینی»

۴۴ ـ میت

اخت علّی   عم

۴۵ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــت

(۲) اخت عینی عم

۴۶ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــت

اخت عینی اخت علّی عم

۴۷ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــت

بنت اخت عینی اخ عینی

۴۸ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــت

بنت ابن‌الابن اخ عینی اخت عینی

۴۹ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــت

اب ام اخ علّی اخت علّی

۵۰ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــت

زوجه ام اخت عینی عم

* * *

سؤالات متعلق به «اخت علّی»

۵۱ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــت

اخت علّی ابن الاخ عینی

۵۲ ـ میـــــــــــــــــــت

اخت علّی　　　اخت علّی　　　ابن العم

۵۳ ـ میـــــــــــــــــــت

اب　　　ام　　　اخت علّی　　　اخ علّی

۵۴ ـ میـــــــــــــــــــت

جد　　　ام　　　اخت علّی　　　اخ علّی

۵۵ ـ میـــــــــــــــــــت

(۲) اخت عینی　　　اخت علّی　　　عم

۵۶ ـ میـــــــــــــــــــت

زوج　　　ام　　　اخت عینی　　　اخت علّی

* * *

سؤالات متعلق به «ام»

۵۷ ـ میـــــــــــــــــــت

ام　　　اخت عینی　　　ابن العم

۵۸ ـ میـــــــــــــــــــت

ام　　　(۲) اخت عینی　　　ابن الاخ عینی

۵۹ ـ میت

ام بنت ابن‌الابن

۶۰ ـ میت

زوجه ام (۲) اخت علّی

۶۱ ـ میت

زوج ام اخ عینی

۶۲ ـ میت

ام (۲) بنت (۵) بنت‌الابن ابن‌الابن

* * *

سؤالات متعلق به «جدّه‌ها»

۶۳ ـ میت

جدّه (۲) اخت عینی ابن الاخ عینی

۶۴ ـ میت

جدّه جدّه بنت عم

۶۵ ـ میت

ام جدّه عم

۶۶ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

اب‌الاب　　　ام‌الاب　　　(۲) بنت

۶۷ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

(۵) بنت　　　(۵) جدّه　　　(۵) اخت عینی

۶۸ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

ام　　　ام‌الام　　　(۲) بنت　　　عم

* * *

سؤالات متعلق به «حَجب»

۶۹ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوج　　　بنت　　　ابن　　　ام

۷۰ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوجه　　　بنت‌الابن　　　اب　　　ام

۷۱ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوج　　　بنت کافره　　　ام

۷۲ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوج　　　ابن قاتل　　　اخ لام　　　ام

۷۳ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــت

زوج　　　اخت عینی　　　اخت علّی

۷۴ ـ میـــــت

زوجه	(۲) اخت عینی	اخت خیفی

۷۵ ـ میـــــت

زوجه	(۲) اخت علّی	اب

۷۶ ـ میـــــت

زوج	(۲) اخت عینی	ام

* * *

سؤالات متعلق به «تخارج»

۷۷ ـ میـــــت

زوجه صولحت‌علی‌الدار	بنت	اب

۷۸ ـ میـــــت

زوجه	بنت صولحت‌علی‌شیء	(۲) ابن

* * *

سؤالات متعلق به «رد»

۷۹ ـ میـــــت

زوجه	بنت	ام

۸۰ ـ میـــــت

بنت	بنت‌الابن	جدّه

۸۱ ـ میت

اخت عینی — اخت علّی

۸۲ ـ میت

(۹) بنت — (۹) بنت الابن

۸۳ ـ میت

زوجه — (۶) بنت

* * *

سؤالات متعلق به «مقاسمة الجد»

۸۴ ـ میت

جد — اخ عینی — اخ عینی — ام

۸۵ ـ میت

جد — اخ عینی — اخ علّی

۸۶ ـ میت

زوج — ام — جد — (۲) اخت عینی

* * *

سؤالات متعلق به «مناسخه»

۸۷ ـ میت — مورث اعلیٰ (ادریس)

زوجه	ابن	بنت	بنت
(زینب)	(احمد)	(سلیمه)	(عایشه)

میت — متوفی (عایشه)

زوج	ام	اخ عینی	اخت عینی	اخت خیفی
(خلیل)	(زینب)	(احمد)	(سلیمه)	(زهره)

۸۸ ـ میت — مورث اعلیٰ (سمیّه)

زوج	بنت	بنت	بنت	بنت	اخت عینی
ابوبکر	رقیه	زینب	حلیمه	فاطمه	راضیه

میت — متوفی: فاطمه

زوج	ابن	ابن	اب	اخت	اخت	اخت
عباس	زبیر	مسعود	ابوبکر	رقیه	زینب	حلیمه

میت — متوفی: زبیر

زوجه	زوجه	اب	اخ عینی
فوزیه	کلثوم	عباس	مسعود

۸۹ ـ میت — مورث اعلیٰ (حامد)

ام	اخت عینی	عم
حمیده	حلیمه	سعید

میت (متوفی: حلیمه)

زوج	عم
مجاهد	سعید

۹۰ـتوفی مصطفی عن أبیه إبراهیم و زوجته صفیه و إبنین هما أمین و سعید. ثم قبل قسمة الترکة مات سعید عن جده ابراهیم و أمه صفیه و زوجته حسینه و إبنه علی و إبنته رقیه.
فما هو نصیب کلّ واحد من الورثه من ترکة المورث الاعلی (مصطفی).

* * *

سؤالات متعلق به «ذوی‌الارحام»

۹۱ـ میت

زوج	بنت‌البنت	ابن‌البنت	اب الام

۹۲ـ میت

زوج	ابن‌ابن‌البنت	بنت‌البنت

۹۳ـ میت

بطن ۱ـ	اب	ام	ام	ام
بطن ۲ـ	ام	اب	اب	ام
بطن ۳ـ	اب	ام	اب	اب

۹۴ـ میت

بطن ۱ـ	ام	اب	اب	اب
بطن ۲ـ	ام	ام	ام	ام

بطن ۳ ـ ام ام اب اب

بطن ۴ ـ ام اب ام اب

۹۵ ـ میت

بنت البنت بنت الاخت

۹۶ ـ میت

بطن ۱ ـ اخت علّی اخت علّی اخ علّی اخت خیفی اخ خیفی

بطن ۲ ـ ابن ابن بنت بنت بنت

بطن ۳ ـ بنت بنت ابن ابن ابن

۹۷ ـ میت

زوج خال بنت‌الخال

۹۸ ـ میت

زوج بنت‌العم ابن‌بنت‌العم

۹۹ ـ میت

بطن ۱ ـ العم العم الخالة الخال

بطن ۲ ـ بنت بنت بنت بنت

بطن ۳ ـ ابن بنت ابن بنت

۱۰۰ ـ میت

عم لاب عم لام

* * *

سؤالات متعلق به «مفقود»

۱۰۱ ـ میت

زوج	اخت لام	اخ لام	جدّ صحیح	اب (مفقود)

۱۰۲ ـ میت

زوج	بنت	بنت الابن	ام	ابن (مفقود)

فصل سیزدهم

نمونه‌ی سؤالات امتحانی

❑ مقدمه

داوطلبانی که قصد دارند در آزمون‌های درس میراث شرکت کرده و نمرات خوبی کسب کنند، می‌توانند جهت آشنایی با انواع سؤال‌هایی که از کتاب سراجی در امتحانات سنوات گذشته طرح شده است، از این بخش استفاده کرده و با حلّ آنها بر مهارت و توانایی هرچه بیشتر خویش در پاسخگویی به انواع سؤالات امتحانی بیفزایند. (و بالله التوفیق).

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۷۳ شمسی

۱ ـ الف) موانع ارث را نام ببرید.
ب) عصبه را نام برده و اقسام سه‌گانه‌ی عصبات نسبی را بنویسید. (۳/۵ نمره)

۲ ـ الف) احوال اولاد اُم را توضیح دهید.
ب) در صورت اختلاط ذکور و اناث، مال به چه نحو بین آنها تقسیم کرده می‌شود. (۳ نمره)

۳ ـ نصف به چه کسانی از ذوی‌الفروض تعلق می‌گیرد. (۲/۵ نمره)

۴ ـ و اذا اختلط النصف من الاوّل بکلّ الثانی أو ببعضه فهو من ستّه و اذا اختلط الربع بکلّ الثانی أو ببعضه فهو من اثنی عشر، و اذا اختلط الثمن بکلّ الثانی أو ببعضه فهو من أربعة و عشرین. عبارت فوق را توضیح دهید. مراد از «اوّل» و «ثانی» در عبارت مذکور چه می‌باشد؟ (۳ نمره)

مسائل زیر را حل کنید

۵ـ میت (۱/۵ نمره)

زوجه ‏ ‏ ‏ ‏ (۲) اخت عینی ‏ ‏ ‏ ‏ اخت لام

۶ـ میت (۲ نمره)

زوجه ‏ ‏ ‏ ‏ (۱۲) اخت شقیقه ‏ ‏ ‏ ‏ (۲) اخ لام

۷ـ میت (۱/۵ نمره)

زوجه ‏ ‏ ‏ ‏ (۲) بنت صلبیه ‏ ‏ ‏ ‏ اب ‏ ‏ ‏ ‏ ام ‏ ‏ ‏ ‏ اخ عینی

۸ـ میت (۱/۵ نمره)

اب ‏ ‏ ‏ ‏ (ام) ‏ ‏ ‏ ‏ ۱۲ اخ لاب

۹ـ میت (۱/۵ نمره)

زوجه ‏ ‏ ‏ ‏ ام ‏ ‏ ‏ ‏ اب

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۷۴ شمسی

۱ـ «پدر» چند حالت دارد، توضیح دهید. (۱/۵ نمره)

۲ـ حالات «اولاد اُم» را مرقوم دارید. (۱/۵نمره)

۳ـ در چه صورت اصل مسأله از (۲۴) گرفته می‌شود (۲ نمره)

۴ـ مخرج (۲۴) تا چند عول می‌کند؟ مختصر اختلافی که بین جمهور صحابه و ابن‌مسعود (رضی‌الله‌عنهم) در این مسئله هست نوشته و مسأله‌ی زیر را طبق قول هر دو فریق (جمهور و ابن‌مسعود) حل نمایید. (۲ نمره)

میت

زوجه ام اختان لاب و ام اختان لام ابن قاتل

۵ـ احوال «زوجه» را بنویسید. (۱ نمره)

۶ـ الثالث من الأصول الثلاثة أن لاتکون بین سهامهم و رؤسهم موافقه، فیضرب کلّ عدد رؤس من انکسرت علیهم السهام فی اصل مسألة کزوج و خمس اخوات لأب و أم. قاعده‌ی مذکور را با حل مسأله توضیح دهید. (۳ نمره)

۷ـ ثمّ مسائل الرد علی أربعة أوجه: الثانی منها اذا اجتمع فی المسألة جنسان أو ثلاثة اجناس ممن یرد علیه عند عندم من لایرد علیه فاجعل المسألة من سهامهم أعنی من خمسة اذا کان فیها ثلثان و سدس.

قسم دوّم از مسائل رد را با حلّ مسأله‌ی مذکور در قاعده؛ توضیح دهید. (۳ نمره)

مسائل زیر را حل کنید

۸ـ میت (۲ نمره)

زوج ام ۲ اخت لاب و ام ۲ اخت لام

۹ ـ میـــت (۲ نـــــمره)

زوجه جدّه اختان لاب اخت لام

۱۰ ـ میـــت (۲ نـــمره)

ام اب بنت اخت لاب و ام اخ لام

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۷۵ شمسی

۱ ـ **موانع ارث** را نام ببرید، سپس مثال **اختلاف دارین** را حقیقتاً و حکماً، بنویسید. (۲ نمره)

۲ ـ **حدّ صحیح** و جدّ فاسد را تعریف نموده و مثالی برایشان بنویسید. (۲ نمره)

۳ ـ **احوال بنات صلبی** و زوجات را بنویسید. (۲/۵ نمره)

۴ ـ **«عصبه بنفسه»** را تعریف نموده و اصناف اربعه‌ی آن را بنویسید، سپس قاعده ی ارث **عصبات فیما بینهم** را مرقوم دارید. (۲/۵ نمره)

۵ ـ **اصطلاحات** (تماثل، تداخل، توافق، تباین) را تعریف نمائید. (۲ نمره)

۶ ـ **قاعده‌ی اخذ** مسأله را از (۶) و (۱۲) و (۲۴) ذکر نموده و برای هر یک مثالی بیاورید. (۱/۵ نمره)

۷ ـ **اصل سوم** از اصول تصحیح را در ضمن مثالی بنویسید. (۲ نمره)

۸ـ مسائل زیر را حل نموده و تصحیح نمائید. (۳ نمره)

الف) میت

امرأة ۲ بنت اب ام

ب) میت

اب (ام) ۱۰ بنت

ج) میت

۶ بنت ۳ جدّه ۳ عم

د) میت

اب ام بنت اخ عینی عم

۹ـ من صالح علی شیءٍ من الترکة فاطرح سهامه من التصحیح ثمّ اقسم مابقی من الترکة علی سهام الباقین: کزوج و اُمّ و عمّ. فصالح الزوج علی ما فی ذمّته من المهر. بعد از توضیح عبارت، مسأله عنوان شده را حل نمائید. (۲/۵ نمره)

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۷٦ شمسی

۱ ـ جدّ صحیح چه کسی را می‌گویند و در چه صورت از ارث محروم می‌شود و در چند مورد با پدر فرق می‌کند؟ فقط نام ببرید (۱/۵ نمره)

۲ ـ حالات «زوج و زوجه» را بیان کنید. (۲ نمره)

۳ـ حالات خواهران پدری و مادری (عینیات) را بیان کنید. (۲/۵ نمره)

۴ـ حجب نقصان را تعریف کنید و آن برای چند نفر است؟ همه‌ی آنان را نام ببرید. **(۱/۷۵ نمره)**

۵ـ الف) عول را تعریف نید.

ب) مجموعاً مخارج چند تا می‌باشند و چند تا از آنها عول می‌کند و چند تا عول نمی‌کند، نام ببرید. **(۳/۵ نمره)**

۶ـ مسائل زیر را حل کنید.

الف) میت

اب ابن

ب) میت

زوج اختین لام ام

ج) میت

زوج اخت عینية

د) میت

زوجه بنت بنت اب ام

ه) مسأله‌ی شماره‌ی چهارم به چه نامی معروف است؟ **(۴/۷۵ نمره)**

۷ـ این مسأله را تصحیح کنید. **(۲ نمره)**

میت

زوج اب ام (۶) بنات

۸ـ حکم مفقود چیست؟ و طبق قول مفتی به تا چه زمانی مال او توقیف می‌شود. (۲ نمره)

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۷۷ شمسی

۱ـ حقوق چهارگانه‌ای که به ترکه‌ی میت تعلق می‌گیرند، به ترتیب نام ببرید. (۲ نمره)

۲ـ اصحاب فرائض را تعریف کرده و آنها را نام ببرید. (۳/۵ نمره)

۳ـ الف) اختلاف دارین که از موانع ارث است، چند صورت دارد؟ آنها را با ذکر مثال بیان کنید.
ب) عوامل اختلاف دارین را بنویسید. (۳ نمره)

۴ـ حالات اولاد اُم را بیان کرده و توضیح دهید که آیا ذکور و اناث ایشان فرق می‌کند یا خیر؟ (۲ نمره)

۵ـ حالات اخوات عینیه (پدری و مادری) را بیان کنید. (۲/۵ نمره)

۶ـ عصبه بنفسه و عصبه بغیره و عصبه مع غیره را تعریف کنید. (۱/۵ نمره)

۷ـ این دو مسأله را حل کنید. (۲/۵ نمره)

الف) میـــــــــــت

زوج	اختین لاب و ام	ام

ب) میـــــــــــت

اب	ابن

۸ـاین مسأله را تصحیح کنید. (۲ نمره)

میـــــت

زوج ام اب ۶ بنات

۹ـاکثر مدت حمل نزد امام ابوحنیفه و نزد امام شافعی (رحمهما الله تعالی) چقدر است؟(۱ نمره)

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۷۸ شمسی

۱ ـ موانع ارث را نام ببرید؟

۲ ـ احوال «اولاد اُم» را به تفصیل بنویسید.

۳ـ چه کسانی از ذوی‌الفروض «ربع» می‌برند و در چه حالتی؟

۴ـ عصبات نسبی بر چد قسم‌اند؟ و عصبه بنفسه را تعریف کنید.

۵ـ حجب حرمان (در مورد افرادی که گاهی ارث برده و گاهی هم محجوب می‌شوند) مبتنی بر چند اصل است؟ همه را بنویسید.

۶ ـ از مسائل زیر (۳ مسأله را به دلخواه خود) حل کرده و سهم هر فرد را مشخص سازید.

الف) میـــــت

زوجه اب ام (۲) ابن (۳) بنت

ب) میـــــت

(۲) زوجه ام بنت الابن (۲) اخت لام أخ لاب

ج) میـــــــــــت
زوج ③بنت الابن ② اخت معًا (= اخت عینی)

د) میـــــــــــت
② زوجه اخت معًا ② اخت لاب أخ لاب أُخت لام

ه) میـــــــــــت
زوجه ③جدّات ⑤ بنات

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۷۹ شمسی

۱ ـ بعد از تعریف عصبه، عصبه بغیره و مع غیره را توضیح دهید. (۳/۵ نمره)

۲ ـ موانع ارث را نام برده و سپس توضیح دهید که بین محروم و محجوب چه فرقی وجود دارد؟ (۳ نمره)

۳ ـ حالات زوجه و بنات صلبی را بنویسید. (۲/۵ نمره)

۴ ـ والثانی أن یکون بعض الأعداد متداخلاً فی البعض فالحکم فیها أن یضرب اکثر الأعداد فی أصل المسألة مثل: أربع زوجات و ثلاث جدّات و إثنا عشر عمّاً.
عبارت را توضیح داده و مسأله را حل نمائید. (۴ نمره)

۵ ـ میراث مرتد و مرتده چگونه تقسیم می‌شود؟ با ذکر اختلاف فقهاء، مسأله را توضیح دهید. (۳ نمره)

۶ـ مسائل زیر را حل نمائید. (۴ نمره)

۱ـ میـــــــــت

زوجه ۲ بنت عم

۲ـ میـــــــــت

زوج ام (۲) اخت عینی (۲) اخت لام

۳ـ میـــــــــت

(۲) زوجه ابن (۳) أخوات عینیات

۴ـ میـــــــــت

زوجه ۲ بنت ام اب

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۸۰ شمسی

۱ـ موانع ارث را نام ببرید، سپس توضیح دهید که چه نوع قتلی از موانع ارث‌بری محسوب می‌شود. (۱/۲۵ نمره)

۲ـ الف) حالات اب و اولاد اُم را توضیح دهید.
ب) مراد از «کلاله» چیست (۴ نمره)

۳ـ فرق بین محروم و محجوب را نوشته و با ذکر مثال توضیح دهید. (۲ نمره)

۴ـ الف) حالات «بنات الابن» را بنویسید.
ب) چه کسانی از ورثه مستحق نصف می‌شوند؟ آنها را نام ببرید. (۲/۷۵ نمره)

۵ـ فرق بین عصبه بغیره و عصبه مع غیره را بیان نمائید. (۲ نمره)

۶ـ فکلّ عدد یکون مخرجاً لجزء، فذالک العدد ایضاً یکون مخرجاً لضعف ذالک الجزء و لضعف ضعفه.

الف) عبارت را توضیح دهید.

ب) منظور از طریق «تضعیف و تنصیف» چیست؟ (۳ نمره)

۷ـ و الرابع أن یکون مع الثانی من لایرد علیه فاقسم مابقی من مخرج فرض من لایرد علیه علی مسألة من یرد علیه فإن استقام فبها و هذا فی صورة واحدة کزوجة و اربع جدات وست اخوات لام. عبارت را با حل مسأله توضیح دهید. (۲ نمره)

۸ـ مسائل زیر را حل نمائید. (۳ نمره)

الف) میـــــــت

زوج ام اخت عینی (۳) اخ عینی (۴) اخت علّی

ب) میـــــــت

زوج (۲) اخ لام (۲) اخت لام

ج) میـــــــت

زوجه بنت بنت الابن ام اخ عینی

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۸۱ شمسی

۱ ـ چه حقوقی به ترکه‌ی میت بعد ازفوتش تعلق می‌گیرد؟ آنها را به ترتیب بنویسید. (۲ نمره)

۲ ـ جدّ صحیح و جدّه‌ی فاسده را تعریف نمائید. (۲ نمره)

۳ ـ الف) احوال اولاد اُم را بنویسید.
ب) حالات «اُم» را نیز ذکر کنید. (۳ نمره)

۴ ـ عصبه مع غیره را با ذکر مثال تعریف کنید. (۲ نمره)

۵ ـ الحجب علی نوعین .... دو نوع حجب را ذکر کنید. (۱ نمره)

۶ ـ اذا اختلط الثمن بکلّ ثانی....
الف) منظور ازکلّ ثانی چیست؟
ب) در چننی صورتی مسأله از چند گرفته می‌شود؟ (۲ نمره)

۷ ـ اعلم انّ زید بن ثابت ﷺ لایجعل الاخت لاب و اُمّ أو لأبٍ صاحبة فرض مع الجدّ إلاّ فی مسألة الأکدریة و هی: زوج و اُمّ و جدّ و اخت لاب و اُمّ.
الف) مسأله‌ی مذکور را چرا «اکدریة می‌نامند؟

ب) مسأله را مطابق با مذهب حضرت زید بن ثابت ﷺ حل نمائید.

ج) تفسیر «مقاسمة» را بنویسید. (۴ نمره)

۸ـ مسائل زیر را حل و تصحیح نمائید. (۴ نمره)

الف) میـــــــــــــت

زوج اب ام ۶ بنات

ب) میـــــــــــــت

زوجه ام اختان لام اختان لاب و ام

ج) میـــــــــــــت

جد زوج بنت ام اخت لاب

د) میـــــــــــــت

زوج جد اخ لاب و ام

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۸۲ شمسی

۱ ـ نام و نسب مصنف کتاب «سراجی» را بنویسید. (۲ نمره)

۲ ـ در مورد اهمیّت علم فرائض حدیثی را که ماتن (در متن کتاب) نقل کرده، بنویسید و سپس بیان کنید که چرا علم فرائض نصف علم قرار داده شده است؟ (۲ نمره)

۳ ـ عصبه را تعریف نموده و اقسام آن را ذکر کنید. (۲ نمره)

۴ ـ فروض مقدّره (در کتاب الله) چند تا هستند، آنها را ذکر نموده و بیان کنید که اصحاب این فروض چه کسانی هستند؟ (۴/۵ نمره)

۵ـ «و بنات الابن کبنات الصلب و لهنّ أحوال ست».
تمام حالات میراثی «بنات الابن» را بنویسید. (۲/۵ نمره)

۶ـ مخارج چند تا هستند؟ در کدام یک عول انجام می‌گیرد و در کدام انجام نمی‌گیرد؟ (۳/۵ نمره)

۷ـ مسائل زیر را حل نموده و مسأله‌ی سوم و چهارم را تصحیح کنید.

الف) میـــــــــــــــــت (۰/۷۵ نمره)

زوجه　　جده　　(۲) اخت شقیقه

ب) میـــــــــــــــــت (۰/۷۵ نمره)

زوجه　　ام　　(۲) اخت لام

ج) میـــــــــــــــــت (۱ نمره)

اب　　ام　　۵ بنات

د) میـــــــــــــــــت (۱ نمره)

۶ بنات　　۳ جدّه　　(۳) اعمام

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۸۳ شمسی

۱ـ چند حق به ترکه‌ی میت تعلق می‌گیرد؟ آنها را به ترتیب بنویسید. (۲ نمره)

۲ـ فروض مقدرة در کتاب الله را نام ببرید. (۱/۵ نمره)

۳ـ «أب» چند حالت دارد؟ با توضیح کامل بنویسید. (۳ نمره)

۴ـ احوال «أخوات لأب و اُم» را بنویسید. (۲/۵ نمره)

۵ـ عصبات نسبیه را نام برده و هر یکی را تعریف نمائید. (۳ نمره)

۶ـ بحث مخارج فروض را با تفصیل بنویسید. (۴ نمره)

۷ـ دو مسأله‌ی زیر را حل نمائید.

الف) میــــــــــــــت (۲ نمره)

امرأة　　بنتان　　أب　　اُم

ب) میــــــــــــــت (۲ نمره)

أب　　(۳) بنت　　ابن　　زوج

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۸۴ شمسی

۱ـ «أصحاب هٰذه السهام إثنا عشر نفرًا». هر دوازده نفر (اصحاب فرائض) را فقط نام ببرید. (۳ نمره)

۲ـ مسأله‌ی زیر را حا نمائید. (۲ نمره)

میــــــــــــــت

زوج　　ام　　عم

۳ـ حالات «زوجه» را بنویسید. (۲نمره)

۴ـ این مسأله را حل کنید. (۲ نمره)

میــت

زوجه ۴ بنت بنت الأخ

۵ـ المحجوب یحجب بالإتفاق، کالإثنین من الإخوة و الأخوات فصاعدة، فإنّهما لایرثان مع الاب و لکن یحجبان الامّ من الثلث الی السدس. عبارت مذکور را توضیح دهید. (۲ نمره)

۶ـ این مسأله را حل نمائید. (۲ نمره)

میــت

ام أختین لام اختین لأب بنت الأخ

۷ـ فردی وفات کرده و فقط هفت دختر و یک زوجه دارد. ارث این فرد چگونه تقسیم می‌شود؟ (۲ نمره)

۸ـ تعلّموا الفرائض و علّموها الناس، فإنّها نصف العلم. فقط ترجمه کنید. (۱ نمره)

۹ـ این مسأله‌ی مناسخه را حل کنید. (۲ نمره)

مسأله: زید وفات می‌کند، ورثه‌اش یک زوجه به نام مریم و یک دختر به نام رقیه و سه پسر به نام‌های احمد، محمّد و عبدالرشید است. اکنون قبل از تقسیم ارث زید، پسر سومی ـعبدالرشید ـ در سن هفت سالگی وفات می‌کند. توضیح دهید مسأله چگونه حل می‌شود؟

۱۰ـ حالات «بنات صلبی» را تحریر نمائید. (۲ نمره)

سؤالات شورای هماهنگی مدارس ـ سال ۱۳۸۵ شمسی

۱ ـ چهار حقوقی که به ترکه‌ی متوفی تعلق می‌گیرند، به ترتیب نام ببرید. (۲ نمره)

۲ ـ این مسأله را حل کنید. (۲ نمره)

میـــت

زوجه بنت ام اخت لاب و ام

۳ ـ از اقسام پنجگانه‌ی قتل، کدام قتل موجب محرومیت از ارث نیست؟ (۲ نمره)

۴ ـ زید وفات کرد و یک دختر و یک خواهر حقیقی (عینی) و یک برادر پدری (لأب) را پشت سر گذاشت، ارث او چگونه تقسیم می‌شود؟ (۲ نمره)

۵ ـ الف) اگر پدر در حیات خودش گفت که فلان فرزندم هیچ حقّی از ترکه‌ی من ندارد و من او را از ارث خود محروم کردم. آیا این فرزند محروم می‌شود؟
ب) آیا فرزند به سبب فِسق (نافرمانی وگناه) از ارث والدین محروم می‌گردد یا خیر؟ (۲ نمره)

۶ ـ «مُوصیٰ له بجمیع المال» را تعریف کنید. (۲ نمره)

۷ ـ مریم بدون داشتن فرزندی وفات کرد و ورّاث او (شوهر، مادر، جدّ صحیح) هستند. سهمیه‌ی هر فرد از ترکه‌ی او چقدر می‌شود؟ (۲ نمره)

۸ ـ حَجب حِرمان را تعریف کنید. (۲ نمره)

۹ ـ ماتَ و ترکَ (زوجة و اُختَین لأبٍ و اُختَین لاُمّ). مسأله را حل کنید. (۲ نمره)

۱۰ ـ این مسأله را حل کنید. (۲ نمره)

میـــــت

(۳) ابن ۲ بنت

بخشی از سؤالات امتحانات سنوات گذشته‌ی دارالعلوم دیوبند (هند)

سؤال ۱:

تعریف، موضوع، غرض و غایت علم فرائض و نام مؤلف کتاب سراجی را بنویسید.

سؤال ۲:

الف) فضیلت و اهمیت علم فرائض را بنویسید.

ب) مطلب حدیث: تعلّموا الفرائض و علّموها النّاس، فإنّها نصف العلم را نوشته و علّت اینکه به فرائض «نصف علم» گفته شده چیست؟

سؤال ۳:

الف) معنای ترکه را بنویسید.

ب) چهار حقوقی که به ترکه تعلق می‌گیرند، کدامند (همه را با تفصیل بنویسید).

سؤال ۴:

قال علماؤ نارحمهم الله تعالی: تتعلق بترکه المیت حقوق أربعة مرتبه: یُبدأ بتکفینه و تجهیزه من غیر تبذیر و لاتقتیر، ثمّ تُقضیٰ دُیونُه من جمیع مابقی من ماله، ثمّ تُنفذ وصایاه من ثلث مابقی بعد الدین، ثمّ یقسم الباقی بین ورثته بالکتاب و السنة و إجماع الامة.

الف) عبارت عربی را إعراب‌گذاری کرده و سپس ترجمه نموده و مطلب آن را بیان دارید.

ب) قید «أربعة مرتبه» اتفاقی است یا احترازی؟ مراد از «دَین» کدام «دین» می‌باشد.

سؤال ۵:
اصناف عشره (دهگانه‌ای) که از میت ارث می‌برند، به ترتیب بنویسید.
ـ جایی که بیت‌المال منظم نباشد، با ترکه‌ی بی‌وارث (بی‌صاحب) چگونه رفتار می‌شود؟

سؤال ۶:
موانع ارث را نام ببرید. آیا «اختلاف دار» درباره‌ی مسلمانان سبب ممنوعیت از ارث می‌شود یا خیر؟ یک مثال برای اختلاف دین و یک مثال برای اختلاف دار (کشور) بنویسید.

سؤال ۷:
فروض مقدرة را نام برده و مفهوم (تضعیف و تنصیف) را در میان آنها بنویسید.

سؤال ۸:
ذوی‌الفروض را تعریف کرده و اصحاب فرائض را فقط نام ببرید.

سؤال ۹:
جدّ صحیح ـ جدّ فاسد / جدّه‌ی صحیحه ـ جدّه‌ی فاسده را تعریف کرده و بنویسید که (ام الام) جده‌ی صحیحه است یا فاسده؟

سؤال ۱۰:
احوال (پدر و جدّ صحیح) را نوشته و چهار مسأله‌ای را که با یکدیگر تفاوت دارند، بیان دارید.

سؤال ۱۱:
الف) اولاد اُم به چه کسانی می‌گویند؟ نام دیگر آنها چیست؟
ب) حالات اولاد اُم را بنویسید.
ج) اگر ورّاث یک میت (چند نفر از اولاد اُم ـ یک تن «إبن الأخ العینی») باشند، ترکه به چه صورت در میان آنان تقسیم می‌شود؟

سؤال ۱۲:

احوال بنات صلبی را به صورت کامل بنویسید.

سؤال ۱۳:

احول «بنت الابن» را با تفصیل بنویسید.

سؤال ۱۴:

و لو ترک ثلاث بنات ابن، بعضهنّ أسفل من بعض و ثلاث بنات ابن ابن آخر، بعضهن اسفل من بعض، و ثلاث بنات ابن ابن ابن آخر، بعضهنّ أسفل من بعض (الی اخره). این مسأله‌ی "تشبیب" است. **وجه تسمیه‌ی** این مسأله و مطلب آن را به صورت خلاصه بیان دارید.

سؤال ۱۵:

الف) حالات «خواهران حقیقی» میت را بنویسید.

ب) اگر ورّاث میت (یک پسر، یک خواهر حقیقی) باشند، سهمیه‌ی خواهر چقدر می‌شود؟

ج) اگر ورّاث میت (یک خواهر حقیقی و یک خواهر پدری باشند)، سهمیه‌ی خواهر پدری چقدر می‌شود؟

سؤال ۱۶:

الف) احوال «خواهران پدری» میت را بنویسید.

ب) در یک حالت از حالات آنها امام ابوحنیفه‌﷫ و صاحبین﷭ با یکدیگر اختلاف دارند، آن را **توضیح دهید** و بنویسید که فتوا بر قول کیست؟

سؤال ۱۷:

احوال «مادر میت» را نوشته و دو مسأله‌ای را که به مادر «ثلث الباقی» می‌رسد، کاملاً توضیح **دهید.**

سؤال ۱۸:

الف) تعریف جده‌ی صحیحه را با ذکر یک مثال بنویسید.
ب) جدّ صحیح کدام جدّه‌ها را ساقط می‌کند و کدام را نمی‌تواند ساقط نماید؟
ج) پدر میت کدام نوع جدّه را ساقط می‌کند؟
د) مادر میت کدام نوع جدّه‌ها را ساقط می‌نماید؟

سؤال ۱۹:

الف) اگر قرابت بعضی از جدّه‌ها نزدیک باشد و قرابت بعضی دور، کدام یک ارث می‌برند؟
ب) چه اختلافی درباره‌ی (جدات ذات قرابة واحدة) و (جدّات ذات قرابتین أو أکثر) وجود دارد؟ قول مفتی به کدام است؟

سؤال ۲۰:

الف) تعریف «عصبه» و اقسام آن را بنویسید.
ب) عصبه بغیره را با ذکر مثال تعریف کنید.
ج) عصبه مع غیره را با ذکر مثال تعریف کنید.
د) وقتی که عصبه در مسأله باشد، ردّیه می‌شود یا خیر؟

سؤال ۲۱:

الف) حجب نقصان و حِرمان‌را تعریف کنید.
ب) تعریف «محجوب و محروم» را بنویسید.
ج) کدام ورثه هرگز محجوب به حجب حرمان نمی‌شوند؟ »
ه) آیا درباره‌ی قدرت حجب «محروم و محجوب» تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد با تفصیل بنویسید.

سؤال ۲۲:
الف) مخرج مسأله یعنی چه؟ نام دیگر آن چیست؟
ب) کلّ مخارج چند تا هستند؟ آنها را نام ببرید.
ج) طریقه‌ی ساخت مسأله و قواعد آن را مختصراً بنویسید.

سؤال ۲۳:
زید فوت کرده است و ورّاث او (یک زوجه ـ دو خواهر حقیقی ـ یک خواهر علاّتی) است، ترکه‌ی او چگونه تقسیم می‌شود؟

سؤال ۲۴:
زید فوت کرده است و ورّاث او (یک زوجه ـ شش دختر ـ سه پسر و یک جدّه‌ی صحیحه) هستند. مسأله‌ی او را کامل حل کنید.

سؤال ۲۵:
الف) «عول» را تعریف کنید. کدام مخارج عول‌پذیر و کدام مخارج عول‌ناپذیر هستند.
ب) اگر ورّاث میت (زوجه ـ دو بنت ـ اب ـ ام) باشند مسأله چگونه حل می‌شود؟ وجه تسمیه‌ی آن را بنویسید.

سؤال ۲۶:
الف) نسبت‌های چهارگانه‌ی اعداد را با مثال تعریف کنید.
ب) نسبت این اعداد را پیدا کنید (۳۶-۹)، (۱۳-۱۵)، (۲۲۰-۷۲۶)، (۱۸۱۵-۹۳۵).

سؤال ۲۷:
الف) تصحیح را تعریف کنید و از قواعد هفت‌گانه‌ی آن فقط دو قاعده را بنویسید.
ب) روش جدا کردن سهمیه‌ی هر فرد را از ترکه با ذکر یک مثال توضیح دهید.

سؤال ۲۸:

زید فوت کرده و ورّاث او (دو زوجه ـ یک بنت صلبی ـ سه خواهر حقیقی) هستند. روش تقسیم ترکه‌ی او را بنویسید.

سؤال ۲۹:

زید فوت کرده و ورّاث او (۵ بنت ـ ۲ خواهر حقیقی ـ ۷ عمو) هستند. حلّ مسأله را کاملاً بنویسید.

سؤال ۳۰:

اگر ورّاث میت (دو دختر ـ پدر ـ مادر) بوده و ترکه‌اش (۱۰۰۰ دلار) باشد، حصه‌ی هر وارث چقدر خواهد بود.

سؤال ۳۱:

اگر قرض‌خواهان یک میت سه نفر باشند (زید: ۲۰۰ درهم)، (عمر: ۴۰۰ درهم)، (بکر: ۸۰۰ درهم) وکلّ ترکه (۷۰ درهم) باشد. به هر قرض‌خواه چقدر می‌رسد؟

سؤال ۳۲:

مفهوم «تخارج» را در ضمن یک مثال توضیح دهید.

سؤال ۳۳:

الف) تعریف «رد» را بنویسید.

ب) آیا درباره‌ی «رد» اختلافی میان صحابه‌ی کرام (رضی‌الله‌عنهم) وجود دارد یا خیر؟ آن را بنویسید.

ج) رأی ائمه‌ی أربعه را درباره‌ی «رد» بنویسید.

د) بر کدام ذوی‌الفروض «رد» صورت نمی‌گیرد.

سؤال ۳۴:

الف) «مقاسمة» را تعریف کنید.

ب) آیا درباره‌ی توریث جد و إخوه، اختلافی در میان صحابه‌ی کرام (رضی‌الله‌عنهم) وجود دارد یا خیر؟ آن را بنویسید.

ج) نظریه‌ی ائمه‌ی اربعه در این باره چیست

د) آیا در این مورد میان ائمه‌ی احناف (امام ابوحنیفه و صاحبین) اختلافی وجود دارد یا خیر؟ قول مفتی به را مشخص سازید.

ه) اگر ورّاث میت (جد ـ اخت عینی ـ اخ علاّتی) باشند، نزد قائلین «مقاسمه»، ترکه چگونه تقسیم می‌شود؟

سؤال ۳۵:

و بنو العلاّت یدخلون فی القسمة مع بنی الأعیان، إضرارًا للجدّ، فإذا أخذ الجد نصیبه، فبنو العلاّت یخرجون من البین خائبین بغیر شیء، و الباقی لبنی الأعیان. مفهوم عبارت فوق را با ایراد یک مثال توضیح دهید.

سؤال ۳۶:

اگر ورّاث میت (ام، جد، یک اخت حقیقی یا علاّتی) باشند، این مسأله نزد حضرت زید بن ثابت رضی‌الله‌عنه چگونه حل می‌شود؟ اسم این مسأله را بنویسید و وجه تسمیه‌ی آن را بیان دارید.

سؤال ۳۷:

الف) تعریف مناسخه را بنویسید.

ب) این مناسخه را حل کنید.

۱ ـ میت — متوفی: احمد

زوجه	عم
عایشه	سعید

متوفی: سعید

۲ ـ میـــــــــــــــــــــــــــــــــت

ابن	بنت
عبدالصمد	حلیمه

سؤال ۳۸:
(برادران و خواهران خیفی، برادران و خواهران حقیقی و علاّتی، جدّ صحیح، جده‌ی صحیحه) اینها در صورت موجود بودن چه افرادی از اَرث بری محروم می‌شوند؟

سؤال ۳۹:
الف) ذوی الارحام را تعریف کنید.
ب) اختلاف صحابه را درباره‌ی توریث ذوی الارحام بنویسید.
ج) اقسام ذوی الأرحام را با ذکر مثال مشخص سازید.

سؤال ۴۰:
الف) حداقل و حداکثر مدّت حمل را بنویسید.
ب) اگر در میان ورّاث (حمل) نیز وجود داشته باشد، ارث چند بچه برای او نگهداری می‌شود؟ قول مفتی به را بنویسید.

سؤال ۴۱:
الف) ضابطه‌ی توریث حمل را بنویسید.
ب) اگر ورّاث زید (زوجه‌ی حامله ـ بنت ـ پدر ـ مدر) باشند، حلّ مسأله چگونه خواهد بود؟

سؤال ۴۲:
الف) تعریف مفقود را بنویسید.

ب) بعد از گذشت چه مدّت، حکم به موت مفقود داده می‌شود؟ (فتوای جدید علما را نیز بنویسید).
ج اگر ورّاث سعیده (شوهر ـ دو خواهر حقیقی و یک برادر مفقود) باشند، طریقه‌ی حل مسأله چگونه خواهد بود؟

سؤال ۴۳:

الف) تعریف «اسیر» را از نظر علمای فرائض بنویسید.
ب) ضابطه‌ی توریث «اسیر» چگونه است؟
ج) اگر ورّاث عایشه (شوهر ـ مادر ـ دختر ـ خواهر حقیقی و یک برادر حقیقی که فعلاً در دست کفّار اسیر است) باشند، ترکه‌ی عایشه چگونه تقسیم می‌گردد.

سؤال ۴۴:

الف) تعریف «مرتد» را از نظر علمای فرائض بنویسید.
ب) اختلاف موجود درباره‌ی تقسیم «اموال مرتد» را توضیح دهید.

سؤال ۴۵:

حکم توریث افرادی که با هم در یک سانحه یا در اثر یک آفت طبیعی مانند زلزله و... فوت می‌کنند، چیست؟

فصل چهاردهم

پاسخ تمرینات

- پاسخ مناسخات (فصل دوّم)
- شعر اختتامیه‌ی کتاب
- بیوگرافی مؤلف
- فهرست منابع

☐ پاسخ تمرینات مناسخه

تمرین ۱ ـ

۱ ـ میت — مسأله ۴ — عمر (مورث اعلیٰ)

زوجه	عمو
(خدیجه)	(علی)
$\frac{1}{4}$	ق.ع
۱	**۳**

۲ ـ میت — مسأله ۳ — (تماثل) مف: ۳ — (متوفی: علی)

ابن	بنت صلبی
(رشید)	سلیمه
۲	۱

الأحیاء — المبلغ: ۴

خدیجه	رشید	سلیمه
۱	۲	۱

تمرین ۲ -

مسأله ۳		مورث اعلیٰ (عبدالغفور)
۱ - میـــــت		
ابن		بنت صلبی
(ابوبکر)		(عایشه)
۲		۱

مسأله ۲	(تماثل) مف: ۲	متوفی: ابوبکر
۲ - میـــــت		
بنت صلبی		اخت عینی
حسینه		عایشه
$\frac{۱}{۲}$		ق.ع
۱		۱

الأحیـــــاء	المبلغ: ۳	
حسینه		عایشه
۱		۲

تمرین ۳-

مسأله ۶ع ۷		مورث اعلیٰ: زوجه
۱ - میـــــت		
زوج	اخت عینی	اخت عینی
$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۲}{۳}$ مشترکاً	
۳	۲	۲

۲ ـ میت — مسأله ۲ — (تماثل) مف: ۲ — متوفی: اخت عینی

بنت صلبی	اخت عینی
$\frac{۱}{۲}$	ق.ع
۱	۱

الأحیاء — المبلغ: ۷

زوج	اخت عینی	بنت
۳	+۲	۱
	$\frac{۱}{۳}$	

تمرین ۴ ـ

۱ ـ میت — مسأله ۴ / جامعه: ۱۲ — فاطمه (مورث اعلیٰ)

زوج	بنت	اخ عینی
احمد	ثریا	نجم‌الدین
$\frac{۱}{۴}$	$\frac{۱}{۲}$	ق.ع
۱ ×۳ = ۳	۲	۱ ×۳ = ۳

۲ ـ میت — مسأله ۶ (تداخل) مف: ۲ — متوفی: ثریا

اب	ابن
احمد	مجاهد
$\frac{۱}{۶}$	ق.ع
۱	۵

الأحیاء		المبلغ: ۱۲
احمد	نجم‌الدین	مجاهد
۳+ $\frac{۱}{۴}$	۳	۵

تمرین ۵-

مسأله ۶ / تصحیح ۱۲ / جامعه ۳۶ بلال (مورث اعلیٰ)

۱ ـ میت

جده پدری	جده مادری	خواهر عینی	خواهر علّی	خواهر خیفی
مریم	عایشه	زری	پری	نازنین
$\frac{۱}{۶}$ مشترکاً		$\frac{۱}{۲}$	$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۱}{۶}$
۱		۳	۱	۱
۱	۱	۶	۲	۲
×۳	×۳	×۳	×۳	
۳	۳	۱۸	۶	

مسأله ۶ (نسبت تداخل) مف: ۲ متوفی (نازنین)

۲ ـ میت

خواهر خیفی	خواهر علّی	خواهر علّی	جده مادری (ام الام)
زری	شهین	ساره	عایشه
$\frac{۱}{۶}$	$\frac{۲}{۳}$ مشترکاً		$\frac{۱}{۶}$
۱	۲	۲	۱

الأحیــــــاء المبلغ: ۳۶

جده پدری	جده مادری	خواهر عینی	خواهر علّی	دو خواهر علّی
مریم	عایشه	زری	پری	شهین و ساره
۳	۳+	۱۸+	۶	۲+
	$\frac{۱}{۴}$	$\frac{۱}{۱۹}$		$\frac{۲}{۴}$

تذکر:

عایشه: جده‌ی مادری هر دو میت است.
زری: خواهر عینی میت اوّل و خواهر خیفی میت دوم است.
پری: خواهر علّی میت اوّل است.
شهین و ساره: هر دو خواهران علّی میت دوّم هستند.

تمرین ٦ ـ

۱ ـ میـــــت مسأله ۴ / جامعه ۸ مورث اعلیٰ: عبدالواحد

زوجه	اخ عینی
حلیمه	عبدالماجد
$\frac{۱}{۴}$	ق.ع
۱	۳
×۲	
۲	

۲ ـ میـــــت مسأله ۶ (نسبت تداخل) مف: ۳ متوفی: عبدالماجد

ابن الابن	ابن الابن	بنت الابن	بنت الابن
عبدالأحد	عبدالصمد	سلیمه	خدیجه
۲	۲	۱	۱

المبلغ: ۸

الأحیـــــــــــاء

حلیمه	عبدالأحد	عبدالصمد	سلیمه	خدیجه
۲	۲	۲	۱	۱

تمرین ۷ـ

۱ ـ میـــــــــت — مسأله ۳ / جامعه: ۹ — مورث اعلیٰ: خالد

ابن	بنت
بشیر	جمیله
۲ (در کادر)	۱ × ۳ = ۳

۲ ـ میـــــــــت — مسأله ۳ (نسبت تباین) مف: ۲ — متوفی: بشیر

ابن	بنت
عبدالحلیم	خدیجه
۲ × ۲ = ۴	۱ × ۲ = ۲

المبلغ: ۹

الأحیـــــــــــاء

جمیله	عبدالحلیم	خدیجه
۳	۴	۲

تذکر:

به علّت طولانی شدن کتاب، حلّ هفت تمرین بعدی مناسخه را بر عهده‌ی دانش‌پژوهان گرامی می‌گذاریم. و در این جا جلد دوّم کتاب "میراث به زبان ساده" نیز به پایان می‌رسد. «والله أعلم و علمه أتم».

سبحان ربّک ربّ العزّة عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمدلله ربّ العالمین. و صلی الله تعالی علی خیر خلقه سیّدنا و مولانا محمّد و علی آله و اصحابه اجمعین.

بماند سالها این نظم و ترتیب
ز ما هر ذرّه خاک افتاده جایی
غرض نقشیست کز ما بازماند
که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت
کند در کار درویشان دعایی[۱]

عبدالناصر دامنی
مدرّس حوزه علمیه‌ی حقّانیه ایرانشهر

اختتامیه

۱ ـ شُکر لله که تمام شد این کتاب / راهنمایم شد «مُصَوّر» بر صواب[۲]
۲ ـ سالها زحمت کشیدم روز و شب / باقی نگذاشتم کتابی در عرب
۳ ـ هر چه فارسی، هر چه اردو یافتم / مغز هر یک را به هم می‌بافتم
۴ ـ تا پدید آمد کتابی این چنین / شد مُنَوّر از فروغش علمِ دین
۵ ـ علم میراث، نصف علم است ای پسر / این چنین گفته نبی ﷺ اندر خبر
۶ ـ علم میراث، راهِ پرپیچ و خم است / عالمِ آگاه بدان خیلی کم است
۷ ـ چاله‌ها دارد مسیرش قدر چاه / هر که اُفتد می‌شود عُمرش تباه
۸ ـ صاف کردم چاله‌ها با خون دل / از مسیرش پاک کردم خاک و گِل
۹ ـ علم میراث سهل کردم تا ابد / من دمیدم روح تازه در جسد
۱۰ ـ ای خدا میراث منوّر شد چو روز / هر که ناحق می‌خورد او را بسوز

۱۱ ـ «ناصر» اکنون عارضِ این مُدعاست
آنچه از نیکان خواهد، یک دعاست

۱- دیباچه‌ی گلستان ص ۵
۲- اَلْمُصَوِّر: یکی از اسماء الحسنیٰ خداوند متعال است.

تصحیح اشتباهات چاپی جلد اوّل میراث به زبان ساده

۱ـص ۱۳۰ در مسأله‌ی (۱۲) سهمیه‌ی پدر $\xrightarrow{\text{صحیح}}$ $\frac{1}{6}$ + ق.ع است.

۲ـص ۲۰۶ در سطر (۱۴). خواهر حقیقی $\xrightarrow{\text{صحیح}}$ دو خواهر حقیقی.

۳ـص ۲۰۷ باب الرد ـ سطر (۱۲). دوبار $\xrightarrow{\text{صحیح}}$ دوباره

۴ـص ۲۱۰ در سطر هشتم. زیرا چها رُبع $\xrightarrow{\text{صحیح}}$ خُمس (۲۰) است.

۵ـص ۲۱۱ در سطر اوّل. قابل قسمت است $\xrightarrow{\text{صحیح}}$ قابل قسمت نیست.

۶ـص ۲۲۸ در سطر (۱۱). قاعده‌ی مداخلت $\xrightarrow{\text{صحیح}}$ قاعده‌ی تداخل

۷ـص ۲۷۲ در سطر (۲). وارثان او شوهر $\xrightarrow{\text{صحیح}}$ وارثان او زن

۸ـص ۲۹۶ در سطر (۴). روی خط مسأله اینگونه تصحیح شود:

مسأله ۲۴ / بعد الرد ۸ / تصحیح اوّل ۴۰ / تصحیح دوّم ۱۴۴۰

میـــــــــــت

۹ـص ۳۰۴ در سطر آخر. از فرض هر چهار وارث $\xrightarrow{\text{اضافه شود}}$ به تناسب سهمی که

مختصری از بیوگرافی مؤلف:
نام و نام خانوادگی: عبدالناصر دامنی
نام پدر: مرحوم حاجی مراد
سال تولد: ۱۳۴۹ شمسی

تحصیلات دولتی (آکادمیک)

۱ـ دیپلم رشته‌ی علوم تجربی (نظام قدیم) ـ سال ۱۳۶۷ شمسی ـ دبیرستان فاروق اعظم ایرانشهر
۲ ـ پایان‌نامه‌ی مهارت‌های کامپیوتر در سال ۱۳۷۹

تحصیلات حوزوی
از سال اوّل مقدماتی تا پایان دوّم سطح (۵ سال) در حوزه‌ی علمیه‌ی دارالعلوم مکّی زاهدان و پس از آن (۴ سال دیگر) تا پایان دوره‌ی حدیث در دارالعلوم حقّانیه‌ی ایرانشهر تحصیل کرده و پس از شرکت در امتحانات نهایی شورای هماهنگی حوزه‌های علمیه‌ی اهل سنّت استان (س و ب) در سال تحصیلی (۱۹-۱۴۱۸ هجری) برابر با (۷۷-۷۶ شمسی) با معدل (۱۹/۴۷) و تقدیر (ممتاز) ـ موفق به اتمام پایه‌ی دوره‌ی حدیث شده‌ام و از همان سال‌های اوّلیه‌ی فراغت تاکنون در حوزه‌ی علمیه‌ی دارالعلوم حقّانیه‌ی ایرانشهر به عنوان «استاد فرائض» حوزه به خدمت طلاّب عزیز مشغول هستم.

فهرست منابع

الف) عربی

۱ ـ قرآن کریم
۲ ـ صحیح بخاری: محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم البخاری
۳ ـ صحیح مسلم: مسلم بن الحجاج القشیری
۴ ـ ترمذی: ابوعیسی محمّد بن عیسی
۵ ـ ابن ماجه: محمّد ابو عبدالله
۶ ـ المصنف لابن أبی شیبه: ابوبکر عبدالله بن محمّد بن ابی شیبه
۷ ـ ردّ المحتار (مع الدر المختار): محمّد امین الشهیر بإبن عابدین
۸ ـ الفقه الإسلامی و ادلّته: دکتر وهبة الزحیلی
۹ ـ الفقه الحنفی و ادلّته: شیخ محمّد سعید الصاغرجی
۱۰ ـ الفتاوی الهندیه: لجماعة من علماء الهند
۱۱ ـ مجمع الأنهر شرح ملتقی الأبحر: عبدالله بن محمّد بن سلیمان المعروف بداماد آفندی
۱۲ ـ البحر الرائق: لابن نجیم
۱۳ ـ احکام المواریث و الترکات: عبدالمجید عبدالحمید الذیبانی
۱۴ ـ احکام الترکات و المواریث فی الأصول و الأراضی: دکتر محمّد سماره
۱۵ ـ المفصّل: دکتر عبدالکریم زیدان
۱۶ ـ الشریفیة شرح السراجیة: سیّد شریف جرجانی

۱۷ ـ دروس المیراث: عبدالباری البدخشانی
۱۸ ـ حاشیة دلیل الورّاث: محمّد نظام‌الدین الدهلوی

ب) اردو
۱ ـ الهادی الی حلّ السراجی: مفتی محمّد سردار ولی
۲ ـ آسان میراث: مفتی محمّد جهانگیر
۳ ـ اسلام اور وراثت: مولانا مفتی نسیم احمد قاسمی
۴ ـ المَنْحةُ الإلٰهیّه فی شرح السراجیّة: مولانا نصیب الرحمن عَلَوی
۵ ـ احسن الفتاویٰ: مولانا مفتی رشید احمد لدهیانوی
۶ ـ امداد الفتاویٰ: مولانا اشرف علی تهانوی
۷ ـ فتاویٰ عثمانی: مولانا مفتی محمّد تقی عثمانی
۸ ـ طرازی شرح سراجی: مولانا اشتیاق احمد و مفتی سعید احمد پالن پوری استاد دارالعلوم دیوبند
۹ ـ درس سراجی: مولانا مفتی محمّد یوسف تاؤلوی
۱۰ ـ مشکاة السِراج: مولانا مفتی محمّد صابر علی امروهوی
۱۱ ـ مُنیة الراجی فی حلّ السراجی: مولانا مفتی محمّد ابراهیم دهلوی
۱۲ ـ مفید الوارثین: مولانا سیّد اصغر حسین دیوبندی
۱۳ ـ معلّم الفرائض: مولانا محمّد فاروق حسن زهی
۱۴ ـ سراجی کاحساب: مولانا محمّد فاروق حسن زهی
۱۵ ـ تسهیل السراجی: مولانا مفتی ابولُبابه شاه منصور

ج) فارسی
۱ ـ ارث در اسلام و مقررّات قانون مدنی ایران: تألیف معتمدی کردستانی
۲ ـ ارث در پرتو قرآن و حدیث: تألیف: دکتر محمّد علی صابونی، ترجمه: محمّد بهاءالدین حسینی

۳ـ النهر الفائض: مولانا محمّد عبدالله روانبُد
۴ـ فرائض: تألیف: ملاّ عبدالهادی افخم‌زاده
۵ـ نکته‌هایی در علم میراث. ترجمه‌ی (الفوائد الجلیة فی المباحث الفرضیة): تألیف: علاّمه عبدالعزیز بن باز، ترجمه: اسحاق دبیری
۶ـ مقالات اینترنتی متعدد درباره‌ی (ارث و حقوق مدنی اهل سنّت)
۷ـ فرهنگ لاروس: ترجمه: سیّد حمید طبیبیان



نشر احسان

ISBN 978-964-356-541-1



ISBN 978-964-356-541-1

نشر احسان